

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فصلنامه مطالعات و فاعر استراتژیک

نشریه علمی - پژوهشی دانشگاه عالی دفاع ملی ستاد کل نیروهای مسلح

سال بیست و سوم، شماره ۱۰۲ - زمستان ۱۴۰۴

صاحب امتیاز: دانشگاه عالی دفاع ملی

سر دبیر: محمد مهدی نژاد نوری جانشین سردبیر: علی اصغر بیک بیلندی مدیر مسئول: محمدرضا کمالی

اعضای هیئت تحریریه

محمدحسین باقری افشردی	استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه عالی دفاع ملی
سید مهدی الوانی	استاد مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی
محمدحسن صادقی مقدم	استاد حقوق جزا دانشگاه تهران
سیامک ره پیک	استاد حقوق دانشگاه حقوق و علوم قضایی
ناصر میرسپاسی	استاد مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی
محمدرضا حمیدی زاده	استاد مدیریت دانشگاه شهید بهشتی
علی رضائیان	استاد مدیریت دانشگاه امام صادق
محمدباقر حشمت زاده	دانشیار جامعه شناسی دانشگاه شهید بهشتی
ابراهیم حسن بیگی	استاد مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی
ارسطو توحیدی	دانشیار دفاع ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

مدیر اجرایی: علیرضا راه چمنی

ویراستار علمی/ ادبی، صفحه آرایی و ترجمه چکیده مقالات: شرکت نشر و خدمات نشر تغییر

طراح جلد: مرکز انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی

چاپ و صحافی: چاپخانه دانشگاه عالی دفاع ملی

انتشار این فصلنامه به استناد مجوز شماره ۱۲۴/۹۷۳ مورخه ۱۳۷۹/۱/۲۵ معاونت امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می باشد و برابر مجوز شماره ۳/۳۰۴ مورخه ۱۳۸۷/۱/۲۸ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، نشریه علمی - پژوهشی محسوب می شود.

این فصلنامه در پایگاه استناد سازی علوم جهان اسلام (ISC) به آدرس www.isc.gov.ir نمایه سازی می گردد.

- مقالات مندرج در فصلنامه لزوماً دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی نیست.
 - فصلنامه در رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات آزاد است.
 - نقل مندرجات این فصلنامه با ذکر منبع بلامانع است.
- قیمت: ۱۰۰۰۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، ضلع شمالی بزرگراه شهید بابایی، بعد از اتوبان هنگام، دانشگاه عالی دفاع ملی

تلفن: ۲۲۹۷۰۳۴۷ دورنگار: ۲۲۹۷۰۳۲۳ آدرس پست الکترونیکی: defaeistrategic@sndu.ac.ir

فهرست مقالات

- عوامل ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی روسیه مؤثر بر راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران ۷
محسن رستمی، عبدالله جلالی نسب، امیرحسین الهامی، علی افضلی
- راهبردهای آمادگی پدافند غیرعامل جمهوری اسلامی ایران ۳۹
حمید فروزان، محسن ساسانی، مهناز میرزا ابراهیم طهرانی، محسن سلیمی دارانی
- کارکرد آمایش سرزمینی در دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت ۷۱
علیرضا سعادت راد، علی اصغر بیک‌بیلندی، حمیدرضا تندرو
- عوامل مؤثر محیطی سازمان صداوسیما در برابر جنگ رسانه‌های اجتماعی ۱۰۳
سید مرتضی موسویان، حسین ساری، سعید علوی وفا، علیرضا مقصودی
- حوزه‌های کارکردی نهضت مقاومت لبنان ۱۴۱
اسماعیل احمدی مقدم، داود عسکری، فتح‌الله کلانتری، سعدالله زارعی
- تحلیل تأثیر منازعات اجتماعی و اقتصادی بر اندیشه‌های نظامی آذربایجان و ارمنستان در
جنگ دوم قره‌باغ (۲۰۲۰) و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران ۱۷۵
شهرام نوروزانی، علیرضا شبان، مرتضی صداقت، نبی‌اله مرادی، سید حسن موسوی
- عوامل ارتقای توان رزم پدافند هوایی متناسب با تهدیدهای هوایی ۱۹۵
سید اسماعیل شهرآیینی، حسین بصیری عدل
- چالش‌های امنیتی پیش‌روی آسیا-پاسفیک با تکیه بر شاخص‌های نظریه امنیتی منطقه‌ای
«بری بوزان» ۲۲۷
مرجان بدیعی ازندهای، حسن کامران دستجردی، بهادر زارعی، سید محمد نقیب‌زاده

۲۵۹..... رویکردها و ابزارهای نوین جنگ شناختی در حوزه فرهنگ و اجتماع.....
محمدرضا قرایی آشتیانی، علی فاطمی نسب، مرتضی پژوهان فر، مهدی حکیمی، روح‌اله
فراهانی، محمد رضایی، سامع خورشاد

۲۹۷..... دلالت‌های آینده‌پژوهی برای سازمان‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح.....
علی نیکنام، محمدرحیم عیوضی

شناسایی و تعیین اهمیت عوامل مؤثر بر حکمرانی شایسته در ارتقای کیفیت محیط زیست
۳۳۱..... با استفاده از روش داده‌بنیاد و تحلیل سلسله‌مراتبی.....
سیده شایسته واردی، عین‌الله دیری، ابراهیم علی‌بخشی



Geopolitical and Geostrategic Factors of Russia Influencing the Defense Strategy of the Islamic Republic of Iran

Mohsen Rostami

Associate Professor, Supreme National Defense University, Tehran, Iran

Email: mmahya1392@gmail.com

Abdollah Jalalinasab

Assistant Professor, Army Command and General Staff University, Tehran, Iran

Email: nasab41@gmail.com

Amirhossein Elhami

Assistant Professor of Political Geography, Supreme National Defense University, Tehran, Iran

Email: amelhami@yahoo.com

Ali Afzali

PhD Graduate in Geopolitics and Geostrategy, Supreme National Defense University, Tehran, Iran

Email: afzali_29387@ut.ac.ir

Abstract

This study aims to identify the geopolitical and geostrategic factors of the Russia that influence the formation and development of the defense strategy of the Islamic Republic of Iran. As a regional and global strategic power, Russia has played a significant role in its interactions with Iran, largely due to its distinctive geographical position. Geopolitics, understood as the study of the impact of geographical location on international politics, is employed here to examine how Russia utilizes its position in northeastern Europe and Central Asia to safeguard and expand its influence in bordering regions. Such influence is reinforced through military and economic cooperation with regional states, including Iran. Geostrategy, on the other hand, refers to the strategic use of geographical space to achieve long-term national objectives. The research adopts a descriptive-analytical method and applies a mixed-methods approach. Data were collected through library-based research and in-depth interviews with ten experts, and subsequently validated by sixty specialists and practitioners. The findings led to the identification of thirty-six geopolitical and geostrategic indicators related to the Russia, which were classified into six dimensions: military-security, political, geographical, economic, social, and cultural-civilizational. Among these indicators, twenty-six were identified as strengths and ten as weaknesses. Overall, the findings indicate that these geopolitical and geostrategic factors constitute key determinants in shaping and influencing the defense strategy of the Islamic Republic of Iran in its strategic engagement with the Russia.

Keywords: Geopolitics, Geostrategy, Defense Strategy, Russia, Islamic Republic of Iran



عوامل ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی روسیه مؤثر بر راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران

محسن رستمی

دانشیار دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

Email: mmahya1392@gmail.com

عبدالله جلالی نسب

استادیار دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش، تهران، ایران

Email: nasab41@gmail. Com

امیرحسین الهامی

استادیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

Email: amelhami@yahoo.com

علی افزلی

دانش آموخته دکتری تخصصی ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

Email: afzali_29387@ut.ac.ir

چکیده

مقاله حاضر به شناسایی عوامل ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی روسیه در شکل‌گیری و توسعه راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. روسیه به عنوان یک قدرت استراتژیک منطقه‌ای و جهانی، با توجه به موقعیت جغرافیایی خاص خود، در تعاملات با ایران نقش مهمی ایفا کرده است. ژئوپلیتیک به معنای مطالعه تأثیر موقعیت جغرافیایی بر سیاست‌های بین‌المللی است که مقاله به بررسی نحوه استفاده روسیه از موقعیت خود در شمال شرقی اروپا و مرکز آسیا برای حفاظت از نفوذ خود در مناطق مرزی می‌پردازد. این نفوذ، از طریق همکاری‌های نظامی و اقتصادی با کشورهای منطقه، از جمله ایران، به وجود می‌آید. از سوی دیگر، ژئواستراتژی به استفاده از موقعیت جغرافیایی برای دستیابی به اهداف استراتژیک اشاره دارد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و رویکرد تحقیق آمیخته است. داده‌های تحقیق از طریق منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه با ۱۰ نفر از خبرگان به دست آمده و توسط تعداد ۶۰ نفر از کارشناسان و متخصصان مورد تأیید قرار گرفته است. برابر نتایج به دست آمده ۳۶ شاخص ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی فدراسیون روسیه شناسایی و در ۶ عامل نظامی-امنیتی، سیاسی، جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی-تمدنی دسته‌بندی گردید که ۲۶ شاخص نقاط قوت و ۱۰ شاخص نقاط ضعف فدراسیون روسیه بوده و این عوامل در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در برابر روسیه مؤثر هستند.

کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، راهبرد دفاعی، روسیه، جمهوری اسلامی ایران



مقدمه

در دهه‌های اخیر، روابط بین‌الملل به دلیل تحولات عمیق در ساختار سیستم جهانی و تغییرات در نفوذ قدرت‌های مختلف، پیچیده‌تر شده است. در این محیط، نقش کشورهای مانند روسیه به عنوان یک قدرت استراتژیک منطقه‌ای و جهانی، در تعاملات با دیگر کشورها، به‌ویژه ایران، اهمیت خاصی پیدا کرده است. روابط بین روسیه و ایران، که شامل همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و دفاعی است، به دلیل عوامل مختلفی مانند موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی و رقابت‌های بین‌المللی، به صورت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی شکل گرفته است. این پژوهش به شناسایی عوامل ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی روسیه مؤثر بر راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

روسیه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای جهان، با توجه به موقعیت جغرافیایی خود در شمال شرقی اروپا و مرکز آسیا، در حوزه‌های مختلف سیاست بین‌المللی نقش مهمی ایفا می‌کند. این موقعیت جغرافیایی، که به عنوان یکی از عوامل بنیادی ژئوپلیتیک شناخته می‌شود، به روسیه اجازه می‌دهد تا در مناطق مختلف جهان، به‌ویژه در آسیای مرکزی و خاورمیانه، نفوذ خود را حفظ و گسترش دهد. از سوی دیگر، ایران به عنوان یکی از کشورهای کلیدی خاورمیانه، با توجه به موقعیت استراتژیک خود در دریای خزر و خلیج فارس، نقش مهمی در تعاملات منطقه‌ای ایفا می‌کند. این موقعیت، همراه با تحریم‌های بین‌المللی و تنش‌های سیاسی با قدرت‌های غربی، به ایران دو دلیل قوی برای تقویت روابط با روسیه فراهم کرده است.

مفهوم ژئوپلیتیک به معنای مطالعه تأثیر موقعیت جغرافیایی بر سیاست‌های بین‌المللی است. در این زمینه، روسیه به دلیل موقعیت خود در شمال شرقی اروپا و مرکز آسیا، به دنبال حفاظت از نفوذ خود در مناطق مرزی است که این نفوذ به صورت مستقیم به روابط با ایران متصل می‌شود (کالستو و بلک کیسرود، ۲۰۲۵: ۲۰). این نفوذ، از طریق همکاری‌های نظامی و اقتصادی با کشورهای منطقه، از جمله ایران، به وجود می‌آید. از سوی دیگر،



ژئواستراتژی به استفاده از موقعیت جغرافیایی برای دستیابی به اهداف استراتژیک اشاره دارد. در این زمینه، روسیه با توجه به موقعیت خود در آسیای مرکزی و خاورمیانه، به دنبال حفظ موقعیت استراتژیک خود در برابر ایالات متحده است. این استراتژی شامل همکاری‌های نظامی و اقتصادی با کشورهای منطقه، از جمله ایران، می‌شود (جواد رفیعی راد، ۱۴۰۰: ۵۵). رهبری روسیه در مدیریت روابط با ایران به دلیل ترس از نفوذ غربی و عدم ثبات در منطقه، به‌ویژه در خاورمیانه، اهمیت دارد. این ترس به‌ویژه در برابر تحریم‌های اقتصادی و نظامی ایالات متحده و اتحادیه اروپا قابل روشنی است. روسیه و ایران، به‌عنوان دو کشوری که تحت فشارهای غربی قرار دارند، به دنبال تقویت روابط دفاعی خود هستند. این همکاری‌ها به دلیل تهدیدات مشترک و نیاز به استقلال نظامی، نقش مهمی در شکل‌گیری راهبردهای دفاعی ایران ایفا کرده است (کردسمن^۱، ۲۰۱۹).

علاوه بر این، روسیه به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان تجهیزات نظامی جهان، از طریق فروش تجهیزات پیشرفته به ایران، به دنبال تقویت روابط دفاعی با این کشور است. این همکاری‌ها نه تنها به تقویت استقلال نظامی ایران کمک کرده است، بلکه موقعیت استراتژیک دو کشور را در برابر چالش‌های بین‌المللی بهبود بخشیده است. همچنین، روسیه به دنبال مدیریت نفوذ خود در آسیای مرکزی و خاورمیانه است که این منطقه به دلیل نزدیکی به ایران، نقش کلیدی در راهبردهای دفاعی دو کشور دارد (ترین^۲، ۲۰۲۰).

در این پژوهش، سعی شده است تا عوامل ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی روسیه که می‌تواند در شکل‌گیری راهبردهای دفاعی ایران نقش داشته باشد شناسایی شود. این تحقیق به بررسی عواملی نظیر نظامی - امنیتی، سیاسی، جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تمدنی می‌پردازد.

تحقیق حاضر بنابر دلایل زیر دارای اهمیت است:

1. Cordesman
2. Trenin

توسعه دانش در حوزه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی، شناسایی الگوهای رفتاری قدرت‌های بین‌المللی، پیش‌گویی از روند آینده روابط بین‌المللی، مدیریت روابط دفاعی ایران و روسیه، تعیین موقعیت استراتژیک ایران در منطقه و مقابله با تهدیدات بین‌المللی. به‌طور کلی، این تحقیق با تحلیل عوامل ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی روسیه، به درک بهتر روابط دفاعی بین ایران و روسیه کمک می‌کند و زمینه‌ای را برای توسعه راهبردهای دفاعی ایران فراهم می‌آورد. این موضوع از اهمیت بالایی در سیاست خارجی و دفاعی ایران برخوردار است.

۱. پیشینه پژوهش

جواد رفیعی راد (۱۴۰۰) در رساله خود با عنوان «راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران متأثر از علایق ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی آمریکا و روسیه در سوریه» پس از اخذ نظرات جامعه آماری با استفاده از تکنیک‌ها و روش‌های آماری توصیفی و استنباطی، تجزیه و تحلیل داده‌ها صورت گرفته و در نتیجه آن ۶۰ عامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر تدوین راهبردهای دفاعی ج.ا.ایران شناسایی گردید، سپس با در نظر گرفتن تأثیر این عوامل بر راهبردهای دفاعی و تحت کنترل بودن یا نبودن آن‌ها نقش عوامل پیش‌بینی شد. در ادامه برابر مدل مفهومی و در راستای سنجش و ارزیابی علایق ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران، فدراسیون روسیه و ایالات متحده آمریکا، تعارضات ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران با آمریکا و روسیه و سپس اشتراکات آن با روسیه در جلسات خبرگی احصا گردید. برای تعیین راهبردهای دفاعی، ۱۷ عامل قوت، ۱۱ عامل ضعف، ۲۰ عامل فرصت و ۱۲ عامل تهدید شناسایی گردید که در نهایت ۱۰ راهبرد به‌عنوان راهبردهای اصلی احصاء و راهبرد «گسترش عمق نفوذ راهبردی ج.ا.ایران در منطقه شامات» به خطر انداختن منافع آمریکا و رژیم اشغالگر قدس در منطقه شامات، به‌عنوان مهم‌ترین راهبرد معرفی گردید (جواد رفیعی راد، ۱۴۰۰: ۵۵).

مجید خادمی (۱۳۹۹) در رساله خود با عنوان «تبیین شرایط هم‌سو شدن سیاست خارجی فدراسیون روسیه با جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر قدرت منطقه‌ای ایران» در خصوص



تأثیر هم‌سو شدن روسیه با جمهوری اسلامی ایران بر قدرت منطقه‌ای ایران، نتیجه پژوهش بیانگر این است که ضمن ارتقاء قدرت منطقه‌ای ایران، تأمین منافع متقابل اقتصادی و تجاری، عضویت در پیمان شانگهای، همکاری در حوزه انرژی، همکاری‌های تسلیحاتی، مبارزه با تروریسم، جلوگیری از توسعه قدرت آمریکا و ایجاد زمینه مناسب برای استفاده کردن طرفین از نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی یکدیگر و انجام بازی‌های بزرگ ژئوپلیتیکی را به دنبال خواهد داشت (مجید خادمی، ۱۳۹۹: ۶۱).

شاهین دانشور (۱۳۹۸) در رساله خود با عنوان «راهبردهای همکاری دفاعی جمهوری اسلامی ایران با کشور روسیه براساس منافع و اقتضائات ملی» پس از تجزیه و تحلیل برای تعیین راهبردها همکاری دفاعی ۱۶ ضعف، ۲۰ قوت، ۲۰ فرصت و ۱۵ تهدید شناسایی گردید که در نهایت ۸ راهبرد شناسایی و راهبرد «افزایش توانمندی هسته‌ای صلح‌آمیز با توسعه همکاری علمی و نظامی با کشور روسیه به‌منظور افزایش قدرت ملی و توان بازدارندگی کشور» به‌عنوان مهم‌ترین راهبرد معرفی گردید (شاهین دانشور، ۱۳۹۸: ۵۳).

«لورا پاسکو»^۱ (۲۰۲۲) در مقاله خود با عنوان «استراتژی‌ها و دیدگاه‌های فدراسیون روسیه» ابعاد جدید تئوری و عمل بین‌الملل را مورد بحث قرار داده و به تحلیل چند جنبه از تعریف هویت اجتماعی-سیاسی و فرهنگی پرداخته که به ما امکان می‌دهد تا به میزان سیاست‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک و شناسایی و بسیج معانی تکامل در روسیه پس از شوروی در چهارچوب نظام چندبعدی روابط بین‌الملل آشنا شویم (پاسکو، ۲۰۲۲).

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. ژئوپلیتیک

دُرّه میرحیدر ژئوپلیتیک را شیوه‌های قرائت و نگارش سیاست بین‌الملل توسط صاحبان قدرت و اندیشه و تأثیر آن‌ها بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای عنوان کرده است. (بوالحسنی و افشردی: ۱۳۹۳). صفوی بر این باور است که ژئوپلیتیک علم مطالعه روابط متقابل

1. Laura pascu

فضایی ساختارها و فرایندهای زیست اجتماعی انسان (فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی) برای کسب، حفظ و گسترش قدرت برای رقابت در سطوح مختلف جغرافیایی (محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی) است (رحیم صفوی، ۱۴۰۱: ۱۱). همچنین عیسیایف معتقد است که ژئوپلیتیک معاصر علمی است درباره ارتباط متقابل و رویارویی بازیگران بزرگ در صحنه جهانی ابرقدرت‌هایی که برای رسیدن به هژمونی مورد نظر خود، مناقشات ژئوپلیتیکی خاصی را پیروی می‌کنند (عیسیایف، ۲۰۲۱: ۲۹).

۲-۲. ژئواستراتژی

از نظر «تال توی»^۱ ژئواستراتژی به‌عنوان پیوند بین جغرافیا و استراتژی نظامی تعریف شده است. این مفهوم شامل بررسی موقعیت‌های جغرافیایی است که نقش تعیین‌کننده‌ای در طراحی و اجرای استراتژی‌های نظامی و سیاسی دارد. همچنین، پیشرفت‌های فناوری منجر به کاهش اهمیت خطوط عملیاتی فیزیکی شده است (تویی، ۲۰۱۵).

«یاتسنکو»^۲ ژئواستراتژی را به‌عنوان ترکیبی از عوامل جغرافیایی و استراتژیک تعریف کرده است. این مفهوم شامل بررسی روابط بین جغرافیا و سیاست خارجی یک کشور است (یاتسنکو، ۲۰۲۲).

افشردی تدوین راهبرد نظامی در پهنه‌های وسیع جغرافیایی با هدف دستیابی به قدرت راهبردی نظامی را ژئواستراتژی می‌داند (افشردی، ۱۴۰۲).

«ولادیمیر لپ کان»^۳ ژئواستراتژی را به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف استراتژیک ملی و تعیین موقعیت‌های استراتژیک کشورها در فضای جهانی مطرح کرده که شامل بررسی روابط بین موقعیت‌های جغرافیایی و تصمیمات استراتژیک است (لپ کان، ۲۰۲۳).

«ناتالی کراوچوک»^۴ ژئواستراتژی را به‌عنوان مجموعه‌ای از استراتژی‌های جغرافیایی تعریف کرده است که به دستیابی به مزیت‌های رقابتی یک کشور یا منطقه در محیط جهانی

1. Tal Tov

2. Yatsenko

3. Volodymyr Lipkan

4. Nataliya Kravchuk



کمک می‌کند. این مفهوم شامل تعامل بین عوامل جغرافیایی، اقتصادی و سیاست‌های خارجی است (کراوچوک، ۲۰۲۴).

۲-۳. راهبرد^۱

استراتژی، در جنگ، علم یا هنر به‌کارگیری همه منابع نظامی، اقتصادی، سیاسی و سایر منابع یک کشور برای دستیابی به اهداف جنگ است (الیوت کوهن، ۲۰۲۲).

در فرهنگ دفاعی-امنیتی، راهبرد را «علم و هنر به‌کارگیری همه قدرت کشور در جهت تهدید یا تهدیدها علیه امنیت ملی» تعریف شده است و در فرهنگ واژه‌های نظامی، «راهبرد نظامی، علم و هنر طرح‌ریزی و هدایت عملیات وسیع نظامی»، تعریف شده است (نوروزی، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

کمیسیون امور دفاعی مجلس شورای اسلامی، برای راهبرد چنین تعریفی ارائه نموده است: راهبرد شیوه‌ای که کشور در به‌کارگیری امکانات خود به‌منظور نیل به اهداف نظامی و پشتیبانی از اهداف عمومی کشور انتخاب می‌نماید (کمیسیون امور دفاع مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۲).

۲-۴. راهبرد دفاعی

در راهبرد دفاعی، بحث این است که چگونه از تمام ابعاد قدرت ملی برای دستیابی به اهداف دفاعی کشور استفاده نماییم (افشردی، ۱۳۸۶: ۷). در کشورهای مختلف اختلاف‌نظرهایی در مورد سطوح راهبرد وجود دارد. برخی آن را به سه سطح ملی، دفاعی و نظامی و برخی دیگر آن را در دو سطح ملی و دفاعی (نظامی) تقسیم کرده‌اند.

راهبرد دفاعی طرحی کلی برای استفاده از توان قهر مسلحانه، مرتبط با ابزار اقتصادی، دیپلماتیک و روانی قدرت است که به بهترین شکل با استفاده از وسایل آشکار و پنهان در خدمت حمایت از سیاست خارجی درمی‌آید (اوسگود، ۱۹۶۲: ۲۷).

راهبرد پردازها و اندیشمندان امور نظامی در رابطه با تعریف راهبرد دفاعی، اتفاق نظر ندارند و اختلاف دیدگاه و تضارب آرای زیادی در این مبحث وجود دارد؛ اما اکثراً راهبرد دفاعی را فراتر از قلمرو نظامی و حیطه نیروهای مسلح دانسته و آن را به کاربرد قدرت ملی ربط می‌دهند که شامل مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... نیز می‌گردد که تعدادی تعاریف ارائه شده عبارتند از: استفاده از ابعاد قدرت ملی برای رسیدن به اهداف نظامی شامل فن و علمی که قدرت ملی را تحت تمام شرایط به‌منظور کنترل طرف مقابل به اندازه و طریق موردنظر، با به کار بردن تهدید نیروهای مسلح، فشار غیرمستقیم سیاسی و سایر ابزارهای قابل تصور، بسیج می‌کند و بدین‌وسیله علایق و مقاصد امنیت ملی را برآورده می‌سازد (کمالی و بوالحسنی، ۱۳۹۴).

به نظر عیسیایف، دومین سطح ژئواستراتژی با عنوان راهبرد امنیت ملی شناخته می‌شود که گاهی با نام «راهبرد بزرگ»، «راهبرد دفاعی»، «دکترین راهبردی» معرفی می‌گردد. راهبرد امنیت ملی در برگیرنده راهبردهایی است که منحصرأً برای امنیت ملی مهم است، یعنی تأمین شرایط ضروری بقا و توسعه ملت بدان وابسته است. راهبرد امنیت ملی عموماً در اسناد رسمی در روسیه با عنوان «اصول امنیت ملی» شناخته می‌شود (عیسیایف: ۲۰۲۱، ۲۴۹).

۳. چهارچوب نظری پژوهش

۳-۱. نظریه‌ی قدرت برّی مکیندر (نظریه قلب زمین)^۱

این نظریه توسط «هالفورد مکیندر»^۲ در سال ۱۹۰۴ مطرح شد. مکیندر معتقد بود که کنترل منطقه اروپا-آسیا (قلب زمین، شامل اروپای شرقی، ایران، افغانستان و اقیانوس آرام) کلید کنترل جهان است. براساس این نظریه، قلب زمین با امکانات زمینی (مثل راه‌های ریلی و جاده) قادر به تسلط بر مناطق مرزی (ریملند) و در نهایت جهان است.

1. Heartland Theory
2. H.J. Mackinder



شکل ۱: نظریه قلب زمین مکیندر (کالین فلیت، ۲۰۲۱: ۸)

روسیه: موقعیت روسیه در قلب زمین به آن اجازه می‌دهد تا نفوذ استراتژیک در مناطق اطراف (مانند قفقاز، آسیای میانه و خاورمیانه) داشته باشد.

ایران: اهمیت موقعیت جغرافیایی ایران در مرز قلب زمین و ریملند، تأکید بر ضرورت همکاری با روسیه برای حفظ تعادل منطقه‌ای را تقویت می‌کند.

۲-۳. نظریه ریملند^۱

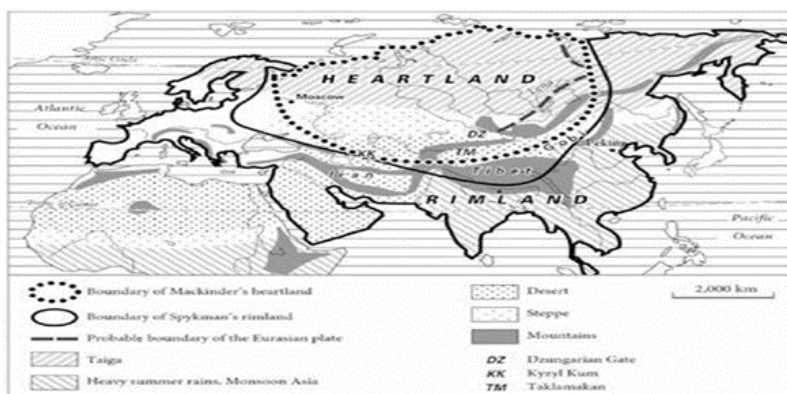
«زیگنیو اسپایکمن»^۲ در سال ۱۹۴۲ این نظریه را مطرح کرد؛ وی معتقد بود که کنترل مناطق مرزی اروپای شرقی، خاورمیانه و آسیای جنوبی (ریملند) برای مبارزه با قلب زمین (روسیه) ضروری است (عیسایف و دیگران، ۲۰۲۱: ۱۸۹).

روسیه: تلاش برای حفظ نفوذ در مناطق ریملند (مانند قفقاز و افغانستان) برای محدود کردن نفوذ غرب (مانند ایالات متحده و اتحادیه اروپا) را توجیه می‌کند.

ایران: موقعیت ایران در مرز ریملند و قلب زمین، به آن اهمیت استراتژیکی می‌دهد. ایران می‌تواند به عنوان پیوندی بین آسیا، اروپا و خاورمیانه عمل کند.

1. Rimland Theory

2. N. J. Spykman



شکل ۲: نظریه ریملند اسپایکمن

۳-۳. نظریه قدرت دریایی^۱

«آلفرد تی ماهان»^۲ در سال ۱۸۹۰ این نظریه را مطرح کرد وی تأکید کرد که کنترل دریاها و جزایر استراتژیک به عنوان ابزار قدرت سیاسی و اقتصادی بسیار مهم است (عیسیاف، ۲۰۲۱: ۱۸۶).

روسیه: نفوذ در دریای سیاه و دریای خزر برای حفظ ارتباط با مناطق جنوبی (مانند قفقاز) و مقابله با نفوذ آمریکا ضروری است.

ایران: دریای خزر و خلیج فارس نقش استراتژیکی در حمل و نقل نفت و گاز دارند. ایران می تواند از نظریه ماهان برای توسعه نیروی دریایی و حفظ کنترل مناطق دریایی استفاده کند.

۳-۴. نظریه اوراسیاگرایی^۳

اوراسیانیسم سستی: «نیکولای دانیلیفسکی»^۴ در قرن نوزدهم معتقد بود که اتحاد کشورهای اروپای شرقی و آسیای غربی (اوراسیا) برای مقابله با نفوذ غرب ضروری است (عیسیاف، ۲۰۲۱: ۱۹۹).

1. Sea Power Theory
2. A. T. Mahan
3. Eurasianism
4. N.Y. Danilevsky



نو اوراسیاگرایی: «الکساندر دوگین»^۱ در دهه ۱۹۹۰ این نظریه را تجدیدنظر کرد و تأکید کرد که اتحاد روسیه با کشورهای اوراسیایی (مانند ایران) برای تشکیل قطب استراتژیک مقابل آمریکا ضروری است (دوگین، ۲۰۲۰: ۲۴۷).

روسیه: سیاست‌های اروپای شرقی و پیشرفت‌های در مناطق اوراسیایی (مانند افغانستان) با استفاده از اوراسیانیزم توجیه می‌شوند.

ایران: همکاری با روسیه در این چهارچوب می‌تواند استقلال از نفوذ غرب را تقویت کند.

۳-۵. نظریه دنیای چندقطبی^۲

ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۰۷ در یک سخنرانی در مونیخ، دنیای چندقطبی (تقویت قدرت کشورهای نوظهور) را برای مبارزه با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا مطرح کرد (پوتین، ۲۰۰۷). روسیه: حمایت از کشورهایی مانند ایران، هند و برزیل برای تشکیل قطب‌های استراتژیک مخالف آمریکا.

ایران: همکاری با روسیه و کشورهای بریکس برای تقویت جهان چندقطبی و کاهش نفوذ آمریکا در خاورمیانه.

۳-۶. محیط‌شناسی کشور روسیه

عنوان فدراسیون روسیه به سرزمینی به وسعت ۱۷۰۹۸۲۴۲ کیلومترمربع (بیش از ۷۶ درصد از کل مساحت شوروی) اطلاق می‌شود که در میان اروپا و اقیانوس آرام شمالی گسترده شده است. ۱۶۳۷۷۷۴۲ کیلومترمربع خشکی و ۷۲۰۵۰۰ کیلومترمربع آب، ترکیب این سرزمین را تشکیل داده است. بدین ترتیب روسیه وسیع‌ترین کشور جهان محسوب می‌شود.

از لحاظ موقعیت ریاضی روسیه در شمال آسیا، بین ۴۱ درجه و ۲۰ دقیقه تا ۸۲ درجه عرض شمالی و ۲۷ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۱۶۹ درجه طول شرقی قرار گرفته است. این کشور در دو

1. Dugin, A
2. Multipolarity
3. Putin

نیمکره شرقی و غربی گسترده شده است. حدود ۱۴ درصد از خاک روسیه در شمال مدار قطبی قرار دارد.

روسیه از شمال به اقیانوس منجمد شمالی، از غرب به اقیانوس آرام، از جنوب به کشورهای کره شمالی، چین، مغولستان، قزاقستان، دریای خزر، آذربایجان و گرجستان و از غرب به دریای سیاه و کشورهای اوکراین، روسیه سفید (بلاروس)، لتویا، استونی، فنلاند و نروژ محدود است. همچنین از شرق به دریاهای برینگ و اختسک و از جنوب شرقی با ژاپن همسایه است (حسین راهدار، ۱۳۹۹: ۵).

«پس از فروپاشی اتحاد شوروی سابق و به وجود آمدن منطقه حائل، در واقع روسیه همسایگان جدیدی به نام کشورهای مستقل هم سود (مشترک المنافع) پیدا کرد و کشورهای دیگر اعم از قدرت های بزرگ و همسایگان در این مناطق به ایفای نقش پرداختند. آمریکا، اتحادیه اروپا و ناتو به اشکال مختلف وارد مناطق ژئوپلیتیک جدید شدند. ترکیه، ایران، پاکستان، کشورهای عرب، چین و دیگران نیز هر یک در مناطق نزدیک به خود درگیر شدند و فضای جدید، محل تعامل نهادهای بین المللی نظیر ناتو و یا سازمان های غیردولتی و حرکت های مذهبی و قومی نظیر اسلام گرایان و پان ترکسیم ها گشت. اگرچه مسکو از زیر بار هزینه ها و تعهدات حفظ و اداره جمهوری های ۱۴ گانه رهایی یافت؛ اما وقایعی که در سال های پس از فروپاشی رخ داد، هزینه های جدیدی را بر آن متحمل ساخت. آنچه در محیط مجاور در حال وقوع بود، به خاطر تداوم جمعیتی، مذهبی و قومی تا درون مرزهای فدراسیون، بر مردمان آن اثر داشت و مسکو به این نتیجه رسید که برای حفظ چین، داغستان و ... باید در بالکان، قفقاز جنوبی، آسیای مرکزی و حتی دورتر از آن، در افغانستان، پاکستان و جهان اسلام به فکر چاره باشد. از این رو، از سال های ۱۹۹۳ به بعد، مفاهیمی چون «خارج نزدیک» و «دکترین مونروئه روسی» در ادبیات استراتژیک روسیه و جهان متداول شد و مسکو در مجموعه ای از بحران ها در مولداوی، گرجستان، قره باغ و تاجیکستان درگیر شد که یگان هایی از ارتش روسیه را مشغول می ساخت حتی در اسناد سیاسی و نظامی روسیه، بر حق دخالت نظامی به نفع مردم روس تبار خارج نزدیک و حکومت های



دوست تأکید شد. فروپاشی شوروی زیان‌های ژئوپلیتیک گوناگونی برای روسیه به دنبال داشت که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان در موارد زیر دید:

- ❖ از دست دادن بیش از ۵ میلیون کیلومترمربع از قلمرو؛
- ❖ از دست دادن راه‌های خروجی خود به حوزه بالتیک (به‌جز سنت پترزبورگ و کالینینگراد) و دریای سیاه؛
- ❖ در زمینه منابع فلات قاره‌ای: از دست دادن منابع فلات قاره‌ای دریای سیاه، خزر و بالتیک؛
- ❖ جابه‌جایی کل قلمرو به سمت شمال و شرق؛
- ❖ از دست دادن مسیرهای مستقیم خشکی به اروپای مرکزی و غربی؛
- ❖ ظهور چند کشور در مرزهای جدید روسیه که از قابلیت زیستی پایینی برخوردار بوده و به لحاظ اقتصادی ضعیف‌اند؛
- ❖ ایفای نقش محافظتی برای اروپا در جنوب در برابر دنیای اسلام» (کرمی، ۱۳۹۲: ۲۱)

مهم‌ترین ویژگی تاریخی موقعیت ژئوپلیتیکی روسیه این است که سرزمین عظیم آن با منابع طبیعی سرشار و مساحت ۱۷۰۷۵۰۰۰ کیلومترمربع است (در مقایسه با ۹۵۹۷۰۰۰ کیلومترمربع سرزمین چین ۹۸۰۹۰۰۰ کیلومترمربع سرزمین آمریکا و ۳۲۸۸۰۰۰ کیلومترمربع هند) بین اروپا و آمریکا قرار دارد که تاریخ تمدن‌های آن‌ها یکسان نیست ویژگی بسیار مهم دیگر موقعیت ژئوپلیتیکی فعلی روسیه از نظر نظامی - سیاسی، آن است که در غرب روسیه از شمال تا جنوب کشورهای ناتو قرار دارند و در جنوب پایگاه‌های نظامی (هوایی) ایالات متحده هستند که در سرزمین ازبکستان و قرقیزستان، جمهوری‌های متحده سابق مستقر شده‌اند. این نکته اخیر، مشخصه جدید موقعیت ژئوپلیتیکی روسیه در پنج‌ساله اول قرن بیست‌ویکم است که عواقب آن در آینده می‌تواند بسیار ناگهانی باشند؛ ویژگی سوم آن است که قسمت‌های مختلف سرزمین عظیم روسیه، ساحل اقیانوس جهانی هستند که محل مانورهای گروه‌های بزرگ چندمنظوره ناوهای هواپیمابر، زیردریایی‌های حمل‌کننده موشک‌های بالدار دقیق و ناوهای اقیانوسی حمل‌کننده موشک‌های بالدار دقیق است. بر روی نقشه با توجه به مراتب فوق طرح کلی موقعیت

جغرافیای روسیه در شرایط معاصر نظامی - سیاسی نشان داده شده است. این موقعیت ژئوپلیتیکی روسیه در جریان عملیات جنگی جنگ متعارف بزرگ و به خصوص در شرایط کاربرد گسترده موشک‌های بالدار دقیق دوربرد دریایی و هوایی، از اهمیت منحصربه‌فرد استراتژیکی برخوردار می‌شود (کرمی، ۱۳۹۲: ۲۴).

جدول ۱: مقایسه آماری تعدادی از شاخص‌های مؤثر بر راهبرد دفاعی دو کشور (محقق ساخته)

منبع	ایران	روسیه	ویژگی‌های ژئوپلیتیکی
Central Intelligence Agency. (2023)	۱/۶	۱۷/۱	مساحت (میلیون کیلومتر مربع)
CIA World Factbook. (2023)	۵۵۶۰	۲۰۱۳۰	مرز زمینی (هزار کیلومتر)
World Bank. (2023)	۲۸۶۰	۳۷۶۵۳	خط ساحلی (هزار کیلومتر)
United Nations. (2023)	۸۵/۳	۱۴۴/۵	جمعیت (میلیون نفر)
UN Department of Economic Affairs. (2023)	۱/۱۰	۰/۲۰	رشد جمعیت (درصد)
World Bank. (2023)	۰/۲۴	۲/۳	تولید ناخالص داخلی (تریلیون دلار)
IMF. (2023)	۲۸۰۰	۱۶۰۰۰	سرانه تولید ناخالص داخلی (هزار دلار)
تولید ناخالص داخلی مرتبط با بخش اقتصاد (درصد)			
World Bank. (2023)	۸/۵۰	۴/۱۰	کشاورزی
World Bank. (2023)	۳۷/۵۰	۳۲/۸۰	صنعت
World Bank. (2023)	۵۴	۶۳/۱۰	حوزه خدمات
International Energy Agency. (2023)	۳۲۰	۱۱۰۰	مصرف انرژی الکتریکی (میلیارد kWh)
ITU. (2023)	۸۰	۲۵۰	تلفن موبایل (میلیون عدد)



ویژگی‌های ژئوپلیتیکی	روسیه	ایران	منبع
استفاده‌کنندگان از اینترنت (میلیون نفر)	۱۵۰	۷۵	ITU. (2023)
راه‌آهن (هزار کیلومتر)	۸۷۰۰۰	۱۴۰۰۰	UIC Railway Data. (2023)
راه وسایل نقلیه ماشینی (هزار کیلومتر)	۹۹۵	۸۵	CIA World Factbook. (2023)
راه با پوشش (هزار کیلومتر)	۹۳۳	۸۰	CIA World Factbook. (2023)
راه آبی (هزار کیلومتر)	۱۰۰۰۰۰	۸۰۰	CIA World Factbook. (2023)
ناوگان تجاری (میلیون تن)	۱۷/۵	۵/۵	CIA World Factbook. (2023)
فرودگاه	۵۸	۴۳	Airports Council International. (2023)
فرودگاه با پایانه سخت	۵۸	۴۳	Airports Council International. (2023)
هزینه‌های نظامی (میلیارد دلار)	۸۰۰	۱۲	SIPRI. (2023)
هزینه‌های نظامی بر مبنای تولید ناخالص داخلی (درصد)	۳/۵۰	۴/۲۰	SIPRI. (2023)
تعداد نیروی نظامی میلیون نفر	۳	۰/۵	IISS Military Balance. (2023)

۴. روش‌شناسی

نوع تحقیق، کاربردی-توسعه‌ای است. روش تحقیق نیز توصیفی-تحلیلی و با رویکرد آمیخته انجام شده است. حجم نمونه جامعه خبره ۱۰ نفر به صورت هدفمند همگون تا اقناع نظری از میان اساتید و متخصصان حوزه روسیه انتخاب گردیدند. برای گردآوری اطلاعات دو روش کتابخانه‌ای (علمی و تخصصی) و میدانی (مصاحبه) استفاده گردید؛ پس از جمع‌آوری داده‌ها ابتدا با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA شاخص‌ها کدگذاری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، سپس با تلفیق داده‌های یکسان و همپوشان، شاخص‌های اصلی استخراج گردید و در آخر با

تنظیم پرسش‌نامه و توزیع آن بین ۶۰ نفر از متخصصان و کارشناسان حوزه روسیه و ژئوپلیتیک، به وسیله نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل و تأیید گردید.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

همان‌طور که گفته شد داده‌های به‌دست‌آمده از ادبیات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌ها وارد نرم‌افزار Maxqda گردید و در مرحله اول با کدگذاری باز ۴۱ شاخص به شرح زیر استخراج گردید:

❖ عوامل نظامی - امنیتی (۱۵ شاخص)

شامل: قدرت فضایی فدراسیون روسیه، قدرت نظامی فدراسیون روسیه (جایگاه نظامی روسیه در جهان)، توان هسته‌ای نظامی فدراسیون روسیه، فناوری پیشرفته نظامی فدراسیون روسیه، توان نیروی زمینی فدراسیون روسیه، توان نیروی دریایی فدراسیون روسیه، توان نیروی هوایی فدراسیون روسیه (در روسیه نیروی هوایی و پدافند هوایی در یک نیرو متمرکز هستند)، توان سامانه‌های پدافندی فدراسیون روسیه، قدرت موشکی فدراسیون روسیه، زیردریایی‌های اتمی فدراسیون روسیه، تجربه جنگی فرماندهان نظامی در فدراسیون روسیه، توان پدافند غیرعامل فدراسیون روسیه، توان اطلاعاتی فدراسیون روسیه، توان سایبری فدراسیون روسیه و توان جاسوسی فدراسیون روسیه.

❖ عوامل سیاسی (۱۴ شاخص)

شامل: عضویت دائم و داشتن حق و تو فدراسیون روسیه در شورای امنیت سازمان ملل، نقش فعال فدراسیون روسیه در سازمان‌هایی مانند سازمان همکاری شانگهای، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و بریکس، ارتباط فدراسیون روسیه با رژیم صهیونیستی، کیفیت ارتباط فدراسیون روسیه با چین، اقتدار سیاسی ولادیمیر پوتین، کیفیت ارتباطات فدراسیون روسیه با کشورهای عربی، رقابت فدراسیون روسیه با ایران در حوزه انرژی، موضع فدراسیون روسیه نسبت به جزایر سه‌گانه ایران، پیمان‌های امنیتی فدراسیون روسیه با کشورهای همسایه و منطقه، تنش فدراسیون روسیه با همسایگان، تنش فدراسیون روسیه با آمریکا، تنش فدراسیون روسیه با ناتو، سیاست فدراسیون روسیه در قفقاز و کیفیت ارتباطات فدراسیون روسیه با ترکیه.



❖ عوامل اقتصادی (۴ شاخص)

شامل: تحریم‌های غرب علیه فدراسیون روسیه، منابع طبیعی غنی در فدراسیون روسیه، ذخایر نفتی و گازی در فدراسیون روسیه و ورود کالاهای اساسی از روسیه.

❖ عوامل اجتماعی (۳ شاخص)

شامل میزان حس میهن‌دوستی شهروندان فدراسیون روسیه، عوامل داخلی فدراسیون روسیه و توان رسانه‌ای فدراسیون روسیه.

❖ عوامل جغرافیایی (۳ شاخص)

شامل: وسعت جغرافیایی فدراسیون روسیه، دسترسی روسیه به آب‌های گرم و شرایط اقلیمی فدراسیون روسیه (سرماي شدید هوا).

❖ عوامل فرهنگی - تمدنی (۲ شاخص)

شامل: نقش فدراسیون روسیه به‌عنوان مرجعیت مسیحیت ارتدکس در جهان (با نگاه ائتلاف‌سازی) و تکثر قومی در روسیه.

در مرحله دوم از ۴۱ عامل پس از روایی و پایایی، تعداد ۳۷ عامل مورد تأیید قرار گرفت سپس برای تعیین بار هر عامل، پرسش‌نامه‌ای با ۴۰ سؤال (۴ سؤال جمعیت شناختی و ۳۶ سؤال بسته شده با طیف لیکرت) بین ۶۰ نفر از جامعه آماری به‌صورت هدفمند و غیرتصادفی تقسیم و در نرم‌افزار SPSS وارد شد که نتیجه آن به شرح زیر است:

تحصیلات				
تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
دکتری	۲۷	۴۵	۴۵	۴۵
دانشجوی دکتری	۲۶	۴۳/۳	۴۳/۳	۸۸/۳
کارشناسی ارشد	۷	۱۱/۷	۱۱/۷	۱۰۰

تحصیلات				
تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
جمع	۶۰	۱۰۰	۱۰۰	

بیش از ۸۸ درصد پاسخ‌دهندگان تحصیلات بالای کارشناسی ارشد داشتند که بر بالا بودن اعتبار داده‌ها می‌افزاید.

رشته تحصیلی				
رشته	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
علوم دفاعی راهبردی و رشته‌های مرتبط	۱۰	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷
ژئوپلیتیک، ژئواستراتژی و رشته‌های مرتبط	۱۷	۲۸/۳	۲۸/۳	۴۵
علوم سیاسی و روابط بین‌الملل	۱۴	۲۳/۳	۲۳/۳	۶۸/۳
علوم امنیتی	۳	۵	۵	۷۳/۳
مدیریت راهبردی و گرایش‌ها	۵	۸/۳	۸/۳	۸۱/۷
سایر	۱۱	۱۸/۳	۱۸/۳	۱۰۰
جمع	۶۰	۱۰۰	۱۰۰	

با توجه به انتخاب هدفمند پاسخ‌دهندگان، بیش از ۸۱ درصد از آن‌ها دارای تحصیلات مرتبط به موضوع تحقیق داشتند.



سابقه کاری				
سابقه	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
زیر ۱۰ سال	۵	۸/۳	۸/۳	۸/۳
۱۱-۲۰	۸	۱۳/۳	۱۳/۳	۲۱/۷
۲۱-۳۰	۴۰	۶۶/۷	۶۶/۷	۸۸/۳
بالای ۳۰	۷	۱۱/۷	۱۱/۷	۱۰۰
جمع	۶۰	۱۰۰	۱۰۰	

بیش از ۷۸ درصد از جامعه آماری سابقه بالای ۲۰ سال داشتند که نشان از تجربه بالای پاسخ‌دهندگان دارد.

آشنایی با موضوع				
میزان آشنایی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
متوسط	۲۱	۳۵	۳۵	۳۵
زیاد	۲۶	۴۳/۳	۴۳/۳	۷۸/۳
حرفه‌ای	۱۳	۲۱/۷	۲۱/۷	۱۰۰
جمع	۶۰	۱۰۰	۱۰۰	

❖ عوامل نظامی - امنیتی

شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	انحراف معیار چولگی	کشیگی	انحراف معیار کشیگی	وضعیت
توان هسته‌ای فدراسیون روسیه	۶۰	۴/۵۳	۰/۶۲۳	--/۹۹	۰/۳۰۹	۰/۰۰۰	۰/۶۰۸	ثابت - قوت
قدرت نظامی فدراسیون روسیه (جایگاه نظامی روسیه در جهان)	۶۰	۴/۳۶	۰/۶۸۸۰۷	--/۶۲	۰/۳۰۹	--/۶۸	۰/۶۰۸	ثابت - قوت
قدرت موشکی فدراسیون روسیه	۶۰	۴/۳	۰/۷۱۲۲۸	--/۶۷	۰/۳۰۹	--/۷۴	۰/۶۰۸	ثابت - قوت
توان سامانه‌های پدافندی فدراسیون روسیه	۶۰	۴/۲۱	۰/۷۳۸۵۷	--/۳۷	۰/۳۰۹	-۱۰/۰	۰/۶۰۸	ثابت - قوت
زیردریایی‌های اتمی فدراسیون روسیه	۶۰	۴/۲۱	۰/۸۲۵	--/۸	۰/۳۰۹	--/۰۱	۰/۶۰۸	ثابت - قوت
توان اطلاعاتی فدراسیون روسیه	۶۰	۴/۱۳	۰/۷۹۱۱۹	--/۴۵	۰/۳۰۹	--/۶۲	۰/۶۰۸	ثابت - قوت
توان بسیج مردمی	۶۰	۴/۰۶	۰/۸۸۰	--/۴۴	۰/۳۰۹	--/۸	۰/۶۰۸	ثابت - قوت
توان سایبری فدراسیون روسیه	۶۰	۴/۰۰	۰/۸۲	--/۵۶	۰/۳۰۹	--/۰۵	۰/۶۰۸	ثابت - قوت



شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	انحراف معیار چولگی	کشیدگی	انحراف معیار کشیدگی	وضعیت
قدرت فضایی فدراسیون روسیه	۶۰	۳/۹۶	۱۰/۱	-۰/۷۹	۰/۳۰۹	-۰/۳۸	۰/۶۰۸	تأیید - قوت
تجربه جنگی فرماندهان نظامی در فدراسیون روسیه (جنگ اوکراین)	۶۰	۳/۸۸۳	۰/۸۶۵	-۰/۴۱	۰/۳۰۹	-۰/۴۰	۰/۶۰۸	تأیید - قوت
برآورد و تحلیل اطلاعات	۶۰	۳/۷۵	۰/۹۳	-۰/۲۵	۰/۳۰۹	-۰/۷۷	۰/۶۰۸	تأیید - ضعف
توان پدافند غیرعامل فدراسیون روسیه	۶۰	۳/۶۰	۰/۹۴۳۴۱	۰/۰۱۵	۰/۳۰۹	-۰/۸۹	۰/۶۰۸	تأیید - قوت
توان رسانه‌ای فدراسیون روسیه در جهان	۶۰	۳/۱۶	۰/۹۲۳	۰/۰۵۷	۰/۳۰۹	۰/۰۸۶	۰/۶۰۸	تأیید - ضعف

❖ عوامل سیاسی

شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	انحراف معیار چولگی	کشیدگی	انحراف معیار کشیدگی	وضعیت
عضویت دائم و داشتن حق وتو فدراسیون روسیه در شورای امنیت سازمان ملل	۶۰	۴/۶۳۳۳	۰/۵۸۱۲۵	-۱/۳۵	۰/۳۰۹	۰/۸۹۶	۰/۶۰۸	تأیید - قوت

شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	انحراف معیار چولگی	کشیدگی	انحراف معیار کشیدگی	وضعیت
نقش فعال فدراسیون روسیه در سازمان‌هایی مانند سازمان همکاری شانگهای، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و بریکس	۶۰	۴/۳۸۳۳	۰/۷۳۸۵۷	-۰/۷۵۷	۰/۳۰۹	-۰/۷۶	۰/۶۰۸	تأیید - قوت
تنش فدراسیون روسیه با ناتو	۶۰	۴/۲۳	۰/۸۵۱۰۵	-۰/۶۴۵	۰/۳۰۹	-۰/۸۳	۰/۶۰۸	تأیید - ضعف
اقتدار ولادیمیر پوتین	۶۰	۴/۲۳	۰/۸۱۰۲۵	-۰/۸۵۳	۰/۳۰۹	۰/۲۰۷	۰/۶۰۸	تأیید - قوت
کیفیت ارتباط فدراسیون روسیه با چین	۶۰	۴/۱۱	۰/۷۳۸۵۷	-۰/۴۵۱	۰/۳۰۹	-۰/۱۸	۰/۶۰۸	تأیید - قوت
تحریم‌های غرب علیه فدراسیون روسیه	۶۰	۴/۰۸	۰/۸۰۸۶۷	-۰/۵۵۳	۰/۳۰۹	-۰/۲۲	۰/۶۰۸	تأیید - ضعف
تنش فدراسیون روسیه با آمریکا	۶۰	۴/۰۶	۰/۸۸۰۴۲	-۰/۲۸	۰/۳۰۹	-۱/۰۲	۰/۶۰۸	تأیید - ضعف
چالش‌های فدراسیون روسیه در قفقاز	۶۰	۴	۰/۷۱۳۰۷	۰/۰۰۰	۰/۳۰۹	-۰/۹۸	۰/۶۰۸	تأیید - ضعف
تنش فدراسیون روسیه با همسایگان	۶۰	۳/۷۳۳۳	۰/۹۸۹۲۱	-۰/۳۰۲	۰/۳۰۹	-۰/۴۲	۰/۶۰۸	تأیید - قوت
پیمان‌های امنیتی فدراسیون روسیه با	۶۰	۳/۷۰	۰/۸۸	۰/۰۳۹	۰/۳۰۹	-۰/۸۶	۰/۶۰۸	تأیید - قوت



شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	انحراف معیار چولگی	کشیدگی	انحراف معیار کشیدگی	وضعیت
کشورهای همسایه و منطقه								
کیفیت ارتباطات فدراسیون روسیه با ترکیه	۶۰	۳/۶۸	۰/۸۱	۰/۴۵	۰/۳۰۹	--/۹۸	۰/۶۰۸	تأیید - قوت
ارتباط فدراسیون روسیه با رژیم صهیونیستی	۶۰	۳/۵۸	۱/۰۲	--/۵۲	۰/۳۰۹	۰/۲۴۲	۰/۶۰۸	تأیید - قوت
کیفیت ارتباطات فدراسیون روسیه با کشورهای عربی	۶۰	۳/۵۱	۰/۷۹۱	۰/۴۷	۰/۳۰۹	--/۳۹	۰/۶۰۸	تأیید - قوت

❖ عوامل جغرافیایی

شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	انحراف معیار چولگی	کشیدگی	انحراف معیار کشیدگی	وضعیت
وسعت جغرافیایی فدراسیون روسیه	۶۰	۴/۳۰	۰/۸۲	--/۹۸	۰/۳۰۹	۰/۲۵۶	۰/۶۰۸	تأیید - قوت
دسترسی روسیه به آب‌های گرم	۶۰	۴,۱۲	۰/۷۷۰۰۲	--/۵۶۱	۰/۳۰۹	--/۳۵	۰/۶۰۸	تأیید - ضعف
شرایط اقلیمی فدراسیون روسیه (سرماي شديد هوا)	۶۰	۳/۴۵	۱/۱۷	--/۳۰۲	۰/۳۰۹	--/۵۸	۰/۶۰۸	تأیید - قوت

❖ عوامل فرهنگی - تمدنی

شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	انحراف معیار چولگی	کشیدگی	انحراف معیار کشیدگی	وضعیت
تکثر قومی در روسیه	۶۰	۴/۱۸	۰/۷۷	--/۵۶۱	۰/۳۰۹	--/۳۵	۰/۶۰۸	تأیید - ضعف
نفوذ فرهنگ غرب در نسل جوان روسی	۶۰	۳/۸۰	۰/۷۷	۰/۱۴۴	۰/۳۰۹	--/۸۶	۰/۶۰۸	تأیید - ضعف
نقش فدراسیون روسیه به عنوان مرجعیت مسیحیت ارتودکس در جهان (با نگاه ائتلاف سازی)	۶۰	۳/۱۳	۱/۱۱	۰/۰۳۴	۰/۳۰۹	--/۵۹	۰/۶۰۸	تأیید - قوت

❖ عوامل اقتصادی

شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	انحراف معیار چولگی	کشیدگی	انحراف معیار کشیدگی	وضعیت
ذخایر نفتی و گازی در فدراسیون روسیه	۶۰	۴/۴۵	۰/۶۹	-۱/۲	۰/۳۰۹	۱/۳۶۴	۰/۶۰۸	تأیید - قوت



منابع طبیعی غنی در فدراسیون روسیه	۹۰	۴/۲۲	۰/۸۲	۰/۸۳	۰/۳۰۹	۰/۰۱	۰/۶۰۸	تأیید - قوت
-----------------------------------	----	------	------	------	-------	------	-------	-------------

❖ عوامل اجتماعی

شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	انحراف معیار چولگی	کشیدگی	انحراف معیار کشیدگی	وضعیت
میزان حس میهن‌دوستی شهروندان فدراسیون روسیه	۹۰	۳/۷۱	۱/۰۲۶	۰/۶۶۱	۰/۳۰۹	۰/۱۲۶	۰/۶۰۸	تأیید - قوت
مخالفین داخلی فدراسیون روسیه	۹۰	۳/۵۸۳۳	۰/۸۶۹۲۸	۰/۱۲۵	۰/۳۰۹	۰/۱۶۸	۰/۶۰۸	تأیید - ضعف

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی با رویکرد آمیخته و نوع تحقیق کاربردی - توسعه‌ای است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده ضمن فیش‌برداری از مطالعات کتابخانه‌ای، با به‌کارگیری روش‌های تحلیل اسنادی و مصاحبه با خبرگان، ۴۱ شاخص ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی فدراسیون روسیه که در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران مؤثر هستند استخراج گردید، این ۴۱ شاخص پس از روایی و پایایی صورت گرفته به ۳۶ شاخص نهایی تقلیل که از طریق پرسش‌نامه توسط تعداد ۶۰ نفر از متخصصان مورد آزمون و تأیید قرار گرفت که نتایج تحقیق به شرح پاسخ به سؤالات پژوهش ارائه می‌گردد.

سؤال اصلی

عوامل ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی روسیه مؤثر بر راهبرد دفاعی ج.ا.ایران کدامند؟

عامل	شاخص	وضعیت
نظامی - امنیتی	توان هسته‌ای فدراسیون روسیه	قوت
	قدرت نظامی فدراسیون روسیه (جایگاه نظامی روسیه در جهان)	قوت
	قدرت موشکی فدراسیون روسیه	قوت
	توان سامانه‌های پدافندی فدراسیون روسیه	قوت
	زیردریایی‌های اتمی فدراسیون روسیه	قوت
	توان اطلاعاتی فدراسیون روسیه	قوت
	توان بسیج مردمی	قوت
	توان سایبری فدراسیون روسیه	قوت
	قدرت فضایی فدراسیون روسیه	قوت
	تجربه جنگی فرماندهان نظامی در فدراسیون روسیه (جنگ اوکراین)	قوت
	توان پدافند غیرعامل فدراسیون روسیه	قوت
	عضویت دائم و داشتن حق وتو فدراسیون روسیه در شورای امنیت سازمان ملل	قوت
	برآورد و تحلیل اطلاعات	ضعف
سیاسی	توان رسانه‌ای فدراسیون روسیه در جهان	ضعف
	نقش فعال فدراسیون روسیه در سازمان‌هایی مانند سازمان همکاری شانگهای، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و بریکس	قوت
	اقتدار ولادیمیر پوتین	قوت
	کیفیت ارتباط فدراسیون روسیه با چین	قوت
	تنش فدراسیون روسیه با همسایگان	قوت
	پیمان‌های امنیتی فدراسیون روسیه با کشورهای همسایه و منطقه	قوت



عامل	شاخص	وضعیت
	کیفیت ارتباطات فدراسیون روسیه با ترکیه	قوت
	ارتباط فدراسیون روسیه با رژیم صهیونیستی	قوت
	کیفیت ارتباطات فدراسیون روسیه با کشورهای عربی	قوت
	تنش فدراسیون روسیه با ناتو	ضعف
	تحریم‌های غرب علیه فدراسیون روسیه	ضعف
	تنش فدراسیون روسیه با آمریکا	ضعف
	چالش‌های فدراسیون روسیه در قفقاز	ضعف
جغرافیایی	وسعت جغرافیایی فدراسیون روسیه	قوت
	شرایط اقلیمی فدراسیون روسیه (سرماي شدید هوا)	قوت
	دسترسی روسیه به آب‌های گرم	ضعف
فرهنگی- تمدنی	نقش فدراسیون روسیه به‌عنوان مرجعیت مسیحیت ارتودکس در جهان (با نگاه ائتلاف‌سازی)	قوت
	تکثر قومی در روسیه	ضعف
	نفوذ فرهنگ غرب در نسل جوان روسی	ضعف
اقتصادی	ذخایر نفتی و گازی در فدراسیون روسیه	قوت
	منابع طبیعی غنی در فدراسیون روسیه	قوت
اجتماعی	میزان حس میهن‌دوستی شهروندان فدراسیون روسیه	قوت
	مخالفین داخلی فدراسیون روسیه	ضعف

درمجموع از ۳۶ شاخص استخراج شده تعداد ۲۶ شاخص به‌عنوان نقاط قوت و ۱۰ شاخص به‌عنوان نقاط ضعف فدراسیون روسیه شناسایی گردید که این ۲۶ شاخص قوت در راهبرد دفاعی ایران به‌عنوان تهدید و ۱۰ شاخص ضعف به‌عنوان فرصت می‌تواند راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران را مشخص نماید.

پیشنهادهای پژوهش

- ✓ تقویت دفاع سایبری در برابر تهدیدات روسیه: با توجه به توانایی‌های روسیه در حوزه جنگ‌های سایبری، نظام دفاعی ایران باید زیرساخت‌های حیاتی (مانند شبکه‌های انرژی، بانکی و ارتباطی) را در برابر حملات سایبری روسیه تقویت کند. این امر نیازمند همکاری با کشورهای منطقه‌ای و توسعه تخصص‌های داخلی در حوزه امنیت دیجیتال است.
- ✓ استراتژی موازنه‌گری در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی: روسیه از طریق نفوذ در کشورهای همسایه (مانند قرقیزستان، قزاقستان و جمهوری آذربایجان)، تلاش می‌کند قدرت خود را در منطقه تثبیت کند. ایران باید با ایجاد ائتلاف‌های اقتصادی و سیاسی با کشورهای آسیای مرکزی و کشورهای غیرهمسایه روسیه (مانند ترکیه و هند)، از گسترش بی‌رویه روسیه جلوگیری کند.
- ✓ توسعه توانایی‌های دفاعی غیرمتقارن: با توجه به برتری نظامی روسیه، ایران باید بر استراتژی‌های دفاعی غیرمتقارن (مانند پهپادها، موشک‌های بالستیک و جنگ‌های نامنظم) تمرکز کند. این رویکرد می‌تواند تعادل قدرت را در منطقه به نفع ایران تغییر دهد.
- ✓ افزایش نفوذ فرهنگی در مناطق تحت نفوذ روسیه: روسیه از طریق تبلیغات فرهنگی و دینی (مانند ارتدکس روسیه) تأثیر خود را در کشورهای همسایه اسلامی (مانند قرقیزستان و تاجیکستان) گسترش می‌دهد. ایران باید با تقویت مراکز فرهنگی اسلامی و آموزش زبان فارسی در این مناطق، مانع نفوذ فرهنگی روسیه شود.
- ✓ مدیریت بحران در مناطق مرزی با روسیه: مناطق شمالی ایران (مانند گیلان و مازندران) در معرض تهدیدات محتمل روسیه (مانند تحرکات اقلیمی یا اقتصادی) قرار دارند. دولت باید طرح‌های مدیریت بحران و مقاوم‌سازی زیرساخت‌های این مناطق را در دستور کار قرار دهد.



فهرست منابع

- بوالحسنی، خسرو؛ افشردی، محمد حسین (۱۳۹۳). *تهدیدهای ژئوپلیتیکی مؤثر بر تدوین راهبرد دفاعی ج.ا.ایران در قبال ترکیه*. مطالعات دفاعی استراتژیک، ۵۵(۱۲).
- رفیعی راد، جواد (۱۴۰۰). *راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران متأثر از علایق ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی آمریکا و روسیه در سوریه*. عالی دفاع ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۹۶). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*. مشهد: پاپلی.
- راهدار، حسین (۱۳۹۹). *فدراسیون روسیه*. تهران: وزارت امور خارجه.
- رحیم صفوی، یحیی (۱۴۰۱). *ژئوپلیتیک غرب آسیا*. جزوه درسی، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- دانشور، شاهین (۱۳۹۸). *راهبردهای همکاری دفاعی جمهوری اسلامی ایران با کشور روسیه براساس منافع و اقتضائات ملی* (پایان نامه دکتری تخصصی). عالی دفاع ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- عیسیایف، باریس آکیموویچ؛ افضل، علی؛ جمالزاد، محمد (۱۴۰۴). *ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی*. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- کمالی، محمدرضا؛ بوالحسنی، خسرو (۱۳۹۴). *فرصت ها و قوت های ژئوپلیتیکی مؤثر در تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در قبال عربستان*. مطالعات دفاعی استراتژیک، ۵۹(۱۳).
- خادمی، مجید (۱۳۹۹). *تبیین شرایط هم سو شدن سیاست خارجی فدراسیون روسیه با جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر قدرت منطقه ای ایران* (پایان نامه دکتری تخصصی). عالی دفاع ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی.

References

- A Dugin. (2020). The Foundations of Geopolitics: The Geopolitical Future of Russia English Translation.
- Colin Flint - Introduction to Geopolitics-Routledge (2021).pdf. (n.d.).
- Kolsto, Pal; & Blakkisrud, Helge. (2025). Political Legitimacy and Traditional Values in Putin's Russia. Edinburgh University Press.
- Cordesman, Anthony H. (2019). China's new 2019 defense white paper. Center for Strategic & International Studies, 24.
- Pașcu, Cătălina-Laura. (2022). FROM REGIONAL TO GLOBAL–THE RUSSIAN FEDERATION STRATEGIES AND PERSPECTIVES. Romanian Review of Social Sciences, 13(22).
- Putin, Vladimir. (2007). Speech and the following discussion at the Munich conference on security policy. President of Russia, 10(2), 2007.
- Tovv, Tal. (2015). The Changing Nature of Geostrategy. Albana: Air University Press Air Force Research Institute.
- Trenin, Dmitri. (2020). Strategic stability in the changing world. URL: <https://Carnegie.Ru/2019/03/21/Strategic-Stability-in-Changing-World-Pub-78650—21.02>.
- COLIN S. GRAY & GEOFFREY SLOAN. (1999). GEOPOLITICS, GEOGRAPHY AND STRATEGY. LONDON AND NEW YORK: Routledge.
- Dalby, Simon. (2013). The geopolitics of climate change. Political Geography, 37, 38–47.
- Grygiel, Jakub J. (2006). Great powers and geopolitical change. Johns Hopkins University Press.
- Kello, Lucas. (2017). Cyber security: gridlock and innovation.
- Klare, Michael. (2002). Resource Wars: The New Landscape of Global Conflict. Macmillan.
- Klaus Dodds, Maano Ramutsindela, Zack Taylor, Azadeh Akbari, Vanesa Castán Broto, Klaus Detterbeck, Carlo Inverardi-Ferri, Kwan Ok Lee, Virginie Mamadouh; & Chih Yuan Woon. (2023). The Russian invasion of Ukraine: implications for politics, territory and governance. Territory, Politics, Governance, 11(8), 1519–1536. <https://doi.org/10.1080/21622671.2023.2256119>
- Lipkan, Volodymyr; Oksana Kuznichenko; & Andrii Ivanov. (2023). Geoeconomics as a tool of modern geostrategy. Baltic Journal of Economic Studies, 9(1), 113–123.
- Mearsheimer, John J. (2014). Why the Ukraine crisis is the West's fault: the liberal delusions that provoked Putin. Foreign Aff., 93, 77.
- Summers, Tim. (2017). Rocking the boat?: China's "belt and road" and global order. In China's Presence in the Middle East (pp. 24–37). Routledge.
- Yatsenko, B.P. (2022). Geostrategic Positioning Economically Developed Countries in the Modern World. Ukrainian Geographical Journal, 2022(2), 46–53. <https://doi.org/10.15407/ugz2022.02.046>
- Zbigniew Brzezinski, Dave. (1997). The Grand Chessboard: American Primacy And Its Geostrategic Imperatives by Zbigniew Brzezinski.
- Кравчук, Наталія Ярославівна. (2024). Impact of Global Trends on the Formation of State Competitiveness Geostrategy. Empirio.



Preparedness Strategies for Passive Defense in the Islamic Republic of Iran

Hamid Foruzan

Assistant Professor, Department of Strategic Management of Passive Defense, Supreme National Defense University and Research Institute, Tehran, Iran

Email: H.foruzan@sndu.ac.ir

Mohsen Sasani

Assistant Professor, Department of Strategic Management of Passive Defense, Supreme National Defense University and Research Institute, Tehran, Iran

Mahnaz Mirza Ebrahim Tehrani

Associate Professor and Faculty Member, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran

Email: Tehrani_mah@iac.ac.ir

Mohsen Salimi Darani

PhD Candidate in Strategic Management of Passive Defense, Supreme National Defense University and Research Institute, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Email: mo.salimidarani00@sndu.ac.ir

Abstract

Ensuring an effective level of preparedness in passive defense across the three fundamental layers of national governance—namely governance, critical infrastructures, and the population—requires a strategic perspective grounded in leveraging strengths, exploiting opportunities, and mobilizing national drivers, capabilities, and instruments. Achieving resilience against emerging threats necessitates the formulation and implementation of appropriate strategies at the national level. In this regard, establishing coordination, integration, synergy, and shared conceptual frameworks between civilian and military domains under the guidance of executive institutions and in alignment with the country's defense and security policies constitutes a core requirement of strategic national management. Such an approach inevitably calls for comprehensive and inclusive strategies. Accordingly, the primary objective of this study is to formulate preparedness strategies for passive defense in the Islamic Republic of Iran. The research is applied–developmental in purpose and employs a descriptive–analytical methodology with a mixed-methods approach. In the qualitative phase, the expert population comprised specialists in strategic studies, passive defense, and related disciplines. Data saturation was achieved after conducting semi-structured interviews with nine experts. In the quantitative phase, data were collected from 113 university faculty members, passive defense managers, and defense and military experts. The findings resulted in the identification of 19 macro-level strategies derived from 23 strengths, 32 weaknesses, 19 opportunities, and 16 threats.

Keywords: Passive Defense, Passive Defense Strategies, Passive Defense Preparedness



راهبردهای آمادگی پدافند غیرعامل جمهوری اسلامی ایران

حمید فروزان

استادیار گروه مدیریت راهبردی پدافند غیرعامل، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

محسن ساسانی

استادیار گروه مدیریت راهبردی پدافند غیرعامل، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

مهناز میرزا ابراهیم طهرانی

دانشیار و عضو هیئت علمی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محسن سلیمی دارانی

دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی پدافند غیرعامل، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Email: mo.salimidarani00@sndu.ac.ir

چکیده

اطمینان از آمادگی پدافند غیرعامل در لایه‌های مختلف عناصر سه‌گانه مدیریت کشور شامل حاکمیت، زیرساخت‌ها و مردم، مستلزم نگاهی راهبردی است که با تکیه بر نقاط قوت و استفاده از فرصت‌ها و بسیج تمامی پیشران‌ها، قابلیت‌ها و ابزارها در سطح ملی و اتخاذ راهبردها و راهکارهای مناسب، در برابر تهدیدات حاصل می‌گردد. در این راستا ایجاد هماهنگی، یکپارچگی، هم‌افزایی، تولید مفاهیم مشترک میان حوزه‌های کشوری و لشکری با راهبری و هدایت دستگاه‌های اجرایی و در راستای تدابیر و سیاست‌های دفاعی و امنیتی کشور از الزامات مدیریت راهبردی کشور بوده که بی‌شک نیازمند وجود راهبردهایی جامع و فراگیر است. براین اساس هدف اصلی تحقیق تدوین راهبردهای آمادگی پدافند غیرعامل ج.ا.ایران است. پژوهش انجام شده به لحاظ هدف از نوع کاربردی- توسعه‌ای است و به لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی با رویکرد آمیخته انجام شده است. جامعه آماری خبره این تحقیق در بخش کیفی تعداد ۱۵ نفر از صاحب‌نظران حوزه راهبردی، پدافند غیرعامل و متخصصین رشته‌های مرتبط و تا رسیدن به اشباع نظری است که پس از مصاحبه با ۹ نفر صاحب‌نظر به اشباع نظری نائل گردید. در بخش کمی از تعداد ۱۱۳ نفر از اساتید دانشگاه، مدیران پدافند غیرعامل، کارشناسان دفاعی، نظامی استفاده شده است. نتایج به دست آمده از تحقیق شامل احصای ۱۹ راهبرد کلان از تعداد ۲۳ عامل قوت، ۳۲ عامل ضعف، ۱۹ عامل فرصت و ۱۶ عامل تهدیدزا است.

کلیدواژه‌ها: پدافند غیرعامل، راهبردهای پدافند غیرعامل، آمادگی پدافند غیرعامل

مقدمه

مقام معظم رهبری^(مدظله العالی) در خصوص لزوم اجرای اقدامات پدافند غیرعامل می‌فرمایند: «لازم است اقدام‌های مؤثر در حوزه پدافند غیرعامل باکار بسیجی صورت گیرد و از مصونیت کشور و آمادگی لازم دفاعی در برابر دشمن اطمینان حاصل شود.» (بیانات، ۲۴ شهریور ۱۳۹۴ در حکم انتصاب ریاست سازمان پدافند غیرعامل کشور).

آنچه از تدابیر معظم‌له برداشت می‌شود این است که در کشور ما باوجود طیف گسترده تهدیداتی که متوجه آن است، می‌بایست همواره برای مقابله با عملی شدن هر یک از تهدیدات و به وجود آمدن شرایط اضطراری و یا مواردی که منافع ملی کشور را به مخاطره می‌اندازد، آمادگی لازم حفظ شود و اطمینان از این آمادگی که در بخش نیروهای مسلح در برابر تهدیدات متصور وجود دارد را به سایر سطوح مدیریتی کشور تعمیم داد. آمادگی در ذیل پدافند غیرعامل به معنای مجموعه اقداماتی است که توانایی جامعه را در برابر انواع تهدید با استفاده از جمع‌آوری اطلاعات، برنامه‌ریزی، طرح‌ریزی دفاعی، ایجاد ساختار مدیریتی، عملیاتی، آموزشی، تجهیز و تأمین منابع و انجام تمرین، تکرار و رزمایش افزایش می‌دهد (سند راهبردی سازمان پدافند غیرعامل کشور).

اطمینان از آمادگی پدافند غیرعامل و قدرت تاب‌آوری کشور در برابر تهدیدات نظامی، سایبری، الکترونیکی و الکترومغناطیسی، پرتویی، زیستی، شیمیایی، درون‌زا و ترکیبی، از طریق شناسایی آسیب‌پذیری‌های انسانی و تجهیزاتی در هر یک از بخش‌های سرمایه‌های انسانی و تجهیزاتی و ارائه طرح‌ها و برنامه‌های مناسب برای کاهش آن‌ها در برابر تهدیدات و مخاطرات هر حوزه و نیز حفظ و ارتقای توان مدیریت مخاطرات، مسئله مهمی است که در سطح ملی، اعم از بخش‌های دولتی و غیردولتی به‌طور کامل نهادینه نگردیده است. این موضوع در لایه‌های مختلف عناصر سه‌گانه مدیریت کشور شامل حاکمیت، زیرساخت‌ها و مردم، مستلزم نگاهی راهبردی است تا با تکیه بر نقاط قوت و استفاده از فرصت‌ها و به‌کارگیری و بسیج تمامی پیشران‌ها، قابلیت‌ها و ابزارها در سطح ملی و اتخاذ راهبردها و راهکارهای مناسب، این اطمینان محقق گردد. در این راستا ایجاد هماهنگی، یکپارچگی،



هم‌افزایی، تولید مفاهیم مشترک میان حوزه کشوری و لشکری با راهبری و هدایت دستگاه‌های اجرایی و در راستای تدابیر و سیاست‌های دفاعی و امنیتی کشور از الزامات مدیریت راهبردی کشور بوده که بی‌شک نیازمند وجود راهبردهایی جامع و فراگیر است. بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که ارتقای آمادگی پدافند غیرعامل در برخی مراکز و حوزه‌های خاص همانند حوزه بهداشت و درمان، انرژی و ... انجام گردیده است و این آمادگی در هنگام بروز حوادث و تهدیدات ترکیبی نظیر جنگ ۱۲ روز با رژیم صهیونیستی بروز و ظهور داشت، لیکن این امر که عناصر کلیدی مدیریت کشور (حاکمیت، زیرساخت و مردم) در پیوند با یکدیگر و در یک چهارچوب کاملاً پیوسته، هماهنگ و همسو بتوانند موضوع آمادگی پدافند غیرعامل در سطوح مختلف کشوری، استانی و شهرستانی را شکل دهند، نیازمند وجود راهبردهایی در سطح ملی است. لذا سؤال اصلی این تحقیق بدین شکل در ذهن محقق نقش بسته است: «راهبردهای آمادگی پدافند غیرعامل جمهوری اسلامی ایران کدامند؟» اهمیت انجام این تحقیق در افزایش توانمندی، سرعت عمل، آمادگی و توان پاسخ‌گویی هوشمندانه کشور در برابر تهدیدات و شرایط بحرانی، گردآوری، تولید، توسعه و ارتقای ادبیات و دانش مرتبط با آمادگی پدافند غیرعامل به‌عنوان مرجع علمی قابل‌اتکا و سودمند در زیرساخت‌ها و دستگاه‌های اجرایی کشور، استفاده بهینه از همه ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بالقوه و بالفعل عناصر سه‌گانه مدیریتی کشور در امر آمادگی پدافند غیرعامل و اعمال مدیریت و کنترل مؤثر تهدیدات از طریق پیاده‌سازی راهبردهای تدوین‌شده، فراهم‌سازی بستر علمی مناسب برای تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان به‌منظور افزایش توانمندی و آمادگی پدافند غیرعامل، هماهنگی، همسویی، هم‌افزایی و یکپارچگی در تصمیم‌گیری‌ها و درک مشترک در سطوح مختلف مدیریتی کشور از طریق ایجاد ادبیات یکسان در حوزه آمادگی پدافند غیرعامل و بهبود بینش راهبردی پدافند غیرعامل و اعمال ملاحظات آن در صیانت و حفاظت از منافع جمهوری اسلامی ایران است و ضرورت آن در عدم امکان دستیابی کامل به موارد اشاره‌شده در صورت نبودن راهبردهای آمادگی پدافند غیرعامل جمهوری اسلامی ایران است.

با عنایت به موارد پیش گفته، هدف این تحقیق «تدوین راهبردهای آمادگی پدافند غیرعامل جمهوری اسلامی ایران» است.

۱. پیشینه پژوهش

لونگ کویست (۲۰۲۴)، در مقاله‌ای با عنوان منطق راهبردی نظامی جنگ هیبریدی، دفاع کل جامعه روزمره در وضعیت غیرصلح راهبردی (مطالعه موردی کشور سوئد)، به بررسی بازطراحی ساختار دفاعی این کشور در مواجهه با تهدیدات غیرعامل پرداخته است. در این مقاله، با استفاده از رویکرد تحلیل گفتمان و مفهوم «حکمرانی‌پذیری»^۱، نشان داده می‌شود که چگونه سوئد با عبور از چهارچوب‌های سنتی امنیتی، به سمت یک الگوی دفاع غیرمتمرکز، مشارکت‌محور و فراگیر در سطح جامعه حرکت کرده است. نویسنده با استناد به تجربه سوئد در مقابله با تهدیدات ترکیبی از جمله حملات شناختی، سایبری و رسانه‌ای، نتیجه می‌گیرد که الگوی دفاع کل جامعه در این کشور با مشارکت نهادهای غیرنظامی، شهروندان و ساختارهای محلی شکل گرفته و در فضای غیرصلح راهبردی جایگاه مؤثری در تاب‌آوری ملی یافته است. از مهم‌ترین یافته‌های این مقاله، تأکید بر لزوم آمادگی مستمر و روزمره برای پدافند غیرعامل در تمام سطوح جامعه است.

ارشاد منش (۱۳۹۹)، در مقاله خود با عنوان طراحی الگوی راهبردی دفاع غیرعامل شهری جهت صیانت از مردم در برابر تهدیدات اجتماعی (مطالعه موردی شهر تهران) به طراحی الگوی راهبردی پرداخته است. در این مقاله که رویکرد ترکیبی شامل رویکرد دلفی (روش کیفی) و مطالعه اسنادی دارد، پرداختن به موضوع پدافند غیرعامل در سطح راهبردی و اثربخشی آن در مدیریت شهری و حفظ دارایی‌های مادی یا معنوی انسانی در برابر مؤلفه تهدیدات از دیگر نتایج پژوهش یادشده است. الگوی نهایی تحقیق با استفاده از بُعد دفاع اجتماعی در شهر تهران با ۳ مؤلفه و ۹ شاخص تهیه شده است.



نظری نژاد (۱۳۹۹)، در مقاله خود با عنوان تدابیر و راهکارهای پدافند غیرعامل در حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی جمهوری اسلامی ایران به بررسی این حوزه پرداخته است. روش پژوهش در این تحقیق با رویکردی آمیخته (کمی و کیفی) و استفاده از روش اسنادی و پیمایشی است و گردآوری اطلاعات با استفاده از روش‌های مطالعه کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی صورت گرفته است. در نتیجه این تحقیق ۶ زیرساخت حیاتی کشور شناسایی و معرفی گردیده است و همچنین ۷ تهدید فراروی زیرساخت‌های حیاتی جمهوری اسلامی ایران و ۹ راهکار اجرایی پدافند غیرعامل جهت حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی در برابر تهدیدات مرتبط ارائه گردیده است.

لندستروم و ویدن (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان گشودن منطق‌های راهبردی متنوع دفاع کل جامعه، به بررسی راهبردهای نوین آمادگی پدافند غیرعامل در پاسخ به تهدیدات هیبریدی پرداخته‌اند. در این مطالعه که رویکرد تحلیلی تطبیقی دارد، تأکید بر بازتعریف مفهوم دفاع کل جامعه است؛ جایی که فراتر از نقش صرف نهادهای نظامی، تمامی بخش‌های جامعه شامل نهادهای مدنی، بخش خصوصی و شهروندان در فرایند تأمین امنیت مشارکت فعال دارند. نویسندگان ضمن تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های این الگوی دفاع غیرمتمرکز و مشارکت‌محور، نشان می‌دهند که چنین ساختاری موجب افزایش تاب‌آوری ملی و تقویت آمادگی جامعه در برابر تهدیدات پیچیده و چندوجهی می‌شود. یافته‌های این مقاله تأکید می‌کند که مدل دفاع کل جامعه در شرایط امنیتی معاصر نیازمند همکاری مستمر بین‌بخشی و تمرکز بر آمادگی روزمره و غیرعامل است.

۲. مفهوم‌شناسی

راهبرد: راهبرد الگوی تصمیم‌ها در یک سازمان است که اهداف، مقاصد و جهت‌گیری‌های سازمان را بیان می‌کند. راهبردها باید بلندمدت و جامع باشند و تمامی برنامه‌های سازمان را در برگیرند. به عبارت دیگر راهبردهای را می‌توان مجموعه برنامه‌های کلی و جامع دانست که با توجه به منابع و امکانات سازمان، طریق نیل به آرمان‌ها و اهداف عالی سازمان را معین

می‌سازد؛ بنابراین تعریف فوق از راهبرد و تعاریف خط‌مشی عمومی واجد مشابهت‌های بسیاری است و همین امر موجب شده که یکی از صاحب‌نظران، خط‌مشی‌گذاری را معادل تنشیم راهبرد تعریف نماید (الوانی، ۱۳۹۶: ۲۲-۱۹).

تهدید: تهدید یعنی قابلیت‌ها، نیات و گاه اقدامات دشمنان بالقوه و بالفعل برای ممانعت از دستیابی موفقیت‌آمیز خودی و علایق و مقاصد امنیت ملی به نحوی که ثبات سیاسی و امنیت ملی کشور به خطر افتد. تهدید ممکن است اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی و یا تهدید نرم، نیمه سخت و سخت بوده و از نوع خارجی یا داخلی باشد (افشردی، ۱۳۸۹: ۲۷۶). تهدیدهایی که در این تحقیق به عنوان تهدیدات مؤثر بر آمادگی پدافند غیرعامل مدنظر قرار می‌گیرند عبارت‌اند از:

تهدید سایبری: احتمال هرگونه رویدادی که قابلیت وارد نمودن ضربه به مأموریت‌ها، وظایف، تصویر (پنداره) یا اشتهاار دستگاه متولی سرمایه ملی سایبری یا افراد مرتبط، به واسطه یک سامانه اطلاعاتی، از طریق دسترسی غیرمجاز، انهدام (تخریب)، افشا، تغییر اطلاعات و ایجاد اختلال یا ممانعت از ارائه خدمات را داشته باشد تهدید سایبری گفته می‌شود (سند راهبردی پدافند سایبری کشور).

تهدید زیستی: هر نشانه، رویداد یا حادثه طبیعی و یا غیرطبیعی با استفاده از عوامل زیستی که موجب تضعیف و نابودی سرمایه‌های انسانی و یا آسیب‌های اقتصادی از طریق تخریب و نابودی سرمایه‌های ملی زیستی در کشور گردد و ثبات و امنیت جامعه را به خطر اندازد تهدید زیستی محسوب می‌گردد (سند راهبردی پدافند زیستی کشور).

تهدید شیمیایی: هر نشانه، رویداد یا حادثه طبیعی و یا غیرطبیعی با استفاده از عوامل یا مواد شیمیایی که موجب نابودی و تضعیف سرمایه‌های انسانی و یا آسیب‌های اقتصادی از طریق تخریب و نابودی محصولات کشاورزی، گیاهان و جانوران، منابع آب، هوا و غذا، صنایع، زیرساخت‌ها و محیط‌زیست در کشور گردند و ثبات و امنیت جامعه را به خطر اندازند (سند راهبردی پدافند شیمیایی کشور).



تهدید پرتو: سند راهبردی پدافند پرتو کشور در تعریف تهدید هسته‌ای این گونه آورده است که: تهدیداتی که از طریق حملات نظامی، حملات سایبری، اقدامات تروریستی و یا حوادث هسته‌ای باعث انتشار پرتو یا ایجاد امکان انتشار آن در محیط در مقیاس محلی، استانی، ملی و فراملی شده و در بلندمدت و یا کوتاه‌مدت موجب تضعیف و نابودی سرمایه‌های انسانی و یا آسیب‌های اقتصادی گردد را تهدید هسته‌ای می‌گوییم (سند راهبردی پدافند پرتوی کشور).

تهدید الکترونیکی: هر اقدام خصمانه از نوع الکترونیک و الکترومغناطیس باهدف وارد نمودن ضربه و یا اختلال در عملکرد سرمایه‌های ملی الکترونیک است (سند راهبردی پدافند غیرعامل الکترونیک کشور).

تهدید الکترومغناطیسی: از سلاح‌های الکترومغناطیس به‌عنوان تهدید یا بمب‌های تمیز یاد می‌گردد. بمب‌های الکترومغناطیسی با انفجار خود، موج الکترومغناطیسی پالسی بسیار بزرگی را در محیط منتشر می‌کنند که این پالس‌ها با نفوذ به سامانه‌های الکترونیکی قادر به تخریب عملکرد آن‌ها هستند. جنبه اثر این بمب از نظر نظامی حائز اهمیت است چراکه می‌تواند منجر به وارد شدن خسارت‌های جبران‌ناپذیر به طیف وسیعی از تجهیزات الکترونیکی به‌ویژه رایانه‌ها و یا گیرنده‌های رادیویی یا رادار شود (جهان تیغ پاک و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۷).

تهدید درون‌زا: به تهدیداتی اطلاق می‌گردد که توسط کارکنان یک سازمان یا شبکه‌های همکار (پیمانکاران و سایرین) به‌صورت فردی یا شبکه‌ای، خواسته یا ناخواسته با همکاری یا هدایت عوامل بیگانه یا بدون پشتیبانی آن‌ها از سطح دسترسی مجاز، دانش و اختیارات خود برای آسیب رساندن به سازمان استفاده کنند؛ این امر می‌تواند شامل سرقت اطلاعات و فناوری، خسارت به تأسیسات، سیستم‌ها، تجهیزات، کارکردها و فرایندها، صدمه به کارمندان، توقف فعالیت‌های ضروری و یا اقدامات دیگری در جهت صدمه زدن به مأموریت سازمان و منافع آن باشد (طرح راهبردی حفاظت از زیرساخت‌های کشور).

تهدید ترکیبی: به تهدیداتی که ترکیبی از دو یا چند تهدید از حوزه‌های مختلف شامل تهدیدات نظامی، زیستی، پرتوی، شیمیایی، سایبری و سایر حوزه‌ها به صورت هم‌زمان یا مکمل یکدیگر طرح‌ریزی می‌شود اطلاق می‌گردد (نظام عملیاتی پدافند سایبری کشور).

آمادگی: آمادگی به معنای مجموعه اقداماتی که توانایی جامعه را در برابر انواع تهدید افزایش می‌دهد، آمادگی شامل جمع‌آوری اطلاعات، برنامه‌ریزی، طرح‌ریزی دفاعی، ایجاد ساختار مدیریتی، عملیاتی، آموزشی، تجهیز و تأمین منابع و انجام تمرین، تکرار و رزمایش است (سند راهبردی سازمان پدافند غیرعامل کشور). کمیته دائمی پدافند غیرعامل کشور همچنین گام‌های چرخه آمادگی را برابر مراحل زیر تعیین نموده است (نظام آمادگی و رزمایش دستگاه‌های اجرایی در برابر تهدیدات، ۱۳۹۹):

طراحی: شامل تهیه طرح‌های آمادگی اعم از؛ طرح‌های پاسخ به حوادث و تهدیدات، طرح‌های تداوم کارکردهای ضروری طرح‌های تاب‌آوری و حفظ پایداری، طرح حفاظت از زیرساخت، طرح صیانت از مردم و مدیریت افکار عمومی و سایر.

سازمان‌دهی: سازمان‌دهی ساختارها، ظرفیت‌ها، نیروی انسانی، تجهیزات در دستگاه‌های اجرایی برابر طرح مصوب و تقسیم وظایف انجام شده.

آموزش: آموزش عمومی، تخصصی و دستگاهی شامل: نقش‌ها و وظایف، راهبرد و تاکتیک مقابله، تجهیزات تخصصی و هماهنگی‌های لازم به عناصر و ساختارهای مشارکت‌کننده.

تجهیز: تأمین تجهیزات عمومی و تخصصی لازم برای اجرا در طرح‌های مقابله و تداوم کارکرد و حصول اطمینان از آماده به کار بودن تجهیزات.

تمرین: کاربرد راهبردها و تاکتیک‌ها، تجهیزات و ابزار و تکرار نقش‌ها و وظایف (گروهی و انفرادی) تا کسب مهارت و افزایش سرعت عمل.

رزمایش (اجرا): تمرین میدانی (با به کارگیری تجهیزات) یا ستادی (دور میزی) طرح‌های پاسخ و تداوم کارکرد در مقیاس‌های گروهی، بخشی یا موضوعی که در انواع مختلف و سطوح متفاوت با الزامات ضروری آن انجام می‌شود.



ارزیابی و مستندسازی: با سازمان‌دهی تیم‌های تخصصی، ارزیابی‌های لازم مبتنی بر اهداف آمادگی نسبت به کشف اشکالات، ضعف‌ها و نواقص و تجربیات و نقاط قوت اقدام نموده و ضمن مستندسازی نسبت به برطرف نمودن اشکالات و نواقص در قالب برنامه‌های اجرایی دستگاه اقدام می‌شود.

بازخورد و اصلاح: اشکالات، نواقص و ضعف‌های کشف‌شده در ارزیابی‌ها پس از برگزاری جلسات خبرگی نقد و بررسی در قالب اصلاح برنامه (اصلاح طرح، بازنگری وظایف و نقش‌ها، ارتقاء راهبردها، تکمیل آموزش‌ها، اصلاح تاکتیک‌ها، هماهنگی‌ها و ارتقای تجهیزات) در برنامه سالانه و جاری قرار می‌گیرند.

به‌روزرسانی طرح‌ها: طرح‌ها مجدداً بررسی و نسبت به کفایت پاسخ‌گویی به تهدیدات به‌روزرسانی شوند، بررسی و رصد شرایط تهیه طرح شامل ظرفیت‌ها و قابلیت‌های دستگاه و تغییر در ماهیت تهدیدات در به‌روزرسانی طرح‌ها مؤثر هستند.

پدافند غیرعامل: عبارت است از مجموعه اقدامات غیرمسلحانه که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقاء پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن می‌گردد (بند ۱، سیاست‌های کلی نظام در خصوص پدافند غیرعامل، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۹).

۳. روش‌شناسی

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی با رویکرد آمیخته است. پژوهش در گام اول رویکردی کیفی داشته و با استفاده از روش‌های ذکرشده ضمن گردآوری اطلاعات، اسناد و مدارک و مبانی نظری، تحلیلی عینی و واقعی از شرایط محیطی داخلی و خارجی به‌منظور احصای عوامل مؤثر چهارگانه (تهدید، فرصت، ضعف و قوت) و راهبردهای طرح دارد و در گام دوم با رویکرد کمی پیمایش و تجزیه و تحلیل کمی داده‌ها انجام می‌گردد.

جامعه آماری تحقیق (ویژگی‌ها و حجم): جامعه مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، تعداد ۱۶۰ نفر صاحب‌نظر و نیز در خصوص خبرگان حوزه مرتبط با تحقیق ۱۵ نفر انتخاب و با

آن‌ها مصاحبه عمیق به عمل آمد که پس از تعداد ۹ نفر به اشباع نظری نائل گردیدیم. ویژگی‌های جامعه آماری به شرح جدول (۱)، است. روش نمونه‌گیری از بین ۱۶۰ نفر جامعه آماری به صورت تصادفی طبقاتی و تعداد نمونه‌ها از طریق فرمول کوکران و با سطح خطای ۵ درصد به تعداد ۱۱۳ نفر تعیین شدند. همچنین به علت محدود بودن تعداد خبرگان در حوزه مورد مطالعه، حجم نمونه بر حجم جامعه آماری منطبق است.

جدول ۱: ویژگی طبقات و حجم جامعه آماری

❖ شناخت کافی نسبت به مسائل راهبردی دفاعی و غیرنظامی؛ ❖ دانش‌آموختگان کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری علوم دفاعی و پدافند غیرعامل؛ ❖ سابقه مسئولیت و مدیریت در حوزه‌های مرتبط با پدافند غیرعامل؛ ❖ حداقل ۵ سال سابقه فعالیت اجرایی در زمینه پدافند غیرعامل؛ ❖ دارای آگاهی و تسلط به اصول، مبانی و الزامات پدافند غیرعامل؛ ❖ سابقه فعالیت پژوهشی در حوزه پدافند غیرعامل.	ویژگی‌های جامعه صاحب‌نظران
❖ دارا بودن مدرک تحصیلی دکتری مرتبط با حوزه تحقیق؛ ❖ دارای سابقه فعالیت اجرایی و مدیریتی حداقل ۲۵ سال؛ ❖ دارای سابقه خدمت در مشاغل فرماندهی و راهبردی حداقل در جایگاه شغلی سرلشکری به بالا (در سطوح کشوری و لشکری)؛ ❖ دارای تخصص مناسب با منافع، اهداف، سیاست‌ها و راهبردهای دفاعی ج.ا.ایران؛ ❖ دارای آثار علمی و پژوهشی در زمینه موضوعات اصلی موردبررسی در این رساله.	ویژگی‌های جامعه خبرگان

روش‌ها و ابزارهای گردآوری داده‌ها: در این تحقیق از دو روش برای گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای علمی و تخصصی (اسنادی) و روش میدانی (پیمایشی) استفاده شده است. در روش کتابخانه‌ای بهره‌گیری از کتابخانه‌های تخصصی، اسناد، پروژه‌های تحقیقاتی انجام‌شده، کتب و مقالات، سایت‌های اینترنتی و استفاده از ابزار فیش‌برداری از جمله ابزارهای



گردآوری داده در این تحقیق هستند. در روش میدانی از ابزارهایی نظیر مصاحبه با خبرگان مرتبط با موضوع تحقیق (تا اشباع نظری)، تهیه و توزیع پرسش‌نامه بین صاحب‌نظران مشارکت‌کننده جهت تکمیل و سپس جمع‌آوری نظرات آن‌ها برای تجزیه و تحلیل و ارائه پاسخ به سؤالات تحقیق، نظرسنجی، تحلیل محتوا، مصاحبه عمیق و ... بهره‌گیری شده است. روایی و پایایی ابزار: برای اینکه عوامل احصاشده از اعتبار بالایی برخوردار شده و رسیدن به پاسخ با درجه اطمینان خوبی حاصل شود، پرسش‌نامه اول بین ۱۵ نفر از صاحب‌نظران در سطح کلان و برابر ویژگی‌های جامعه آماری خبره توزیع گردید سپس برابر ضریب لاوشه (تعداد افرادی که هر عامل را تأیید کرده‌اند، منهای نصف کل متخصصین، تقسیم بر نصف تعداد کل) باید ضریبی بالای نیم حاصل شود تا آن عامل به‌عنوان عاملی که بر تدوین راهبردهای آمادگی پدافند غیرعامل جمهوری اسلامی ایران مؤثر هستند محسوب گردد. درواقع پاسخ‌های جامعه خبره با ضریب بالای ۴۹٪ باعث تأیید شدن عامل خواهد بود یا به عبارتی برابر فرمول، تأیید ۸ نفر از ۱۵ نفر خبره باعث تأیید عامل خواهد شد. بنابراین برابر محاسبات انجام‌شده، از تعداد ۱۱۶ گویه پرسش‌نامه اول تعداد ۹۰ گویه تأیید گردیدند؛ بنابراین تعداد ۹۰ عامل روایی لازم را برای این تحقیق دریافت نمودند.

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها: در بخش اول پژوهش از روش تجزیه و تحلیل کیفی و براساس بررسی اسناد بالادستی، ادبیات نظری، اسناد و مدارک و مصاحبه خبرگی و با روش هدفمند، به‌وسیله ابزار تحلیل محتوا شناسایی و توسط جامعه خبره بررسی و مورد تأیید قرار گرفته و در بخش دوم، با استفاده از روش تجزیه و تحلیل کمی، ابتدا پرسش‌نامه محقق ساخته تهیه و بین خبرگان جهت اخذ روایی (فرمول‌های CVI و CVR) و پایایی (آلفای کرونباخ) توزیع گردید. بعد از تأیید روایی و پایایی، پرسش‌نامه در بین جامعه نمونه آماری کلی توزیع و پس از جمع‌آوری داده‌ها در اکسل از طریق نرم‌افزار SPSS داده‌ها در قالب آمار توصیفی (ویژگی‌های جمعیت‌شناسی تحقیق) و استنباطی (سؤالات) تجزیه و تحلیل و مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفت. در بخش سوم، با استفاده از روش تجزیه و تحلیل کمی، پرسش‌نامه، تشکیل ماتریس‌های کمی ارزیابی عوامل داخلی و خارجی، وزن‌دهی به عوامل

محیط داخلی و خارجی براساس نظر خبرگان، ماتریس برنامه‌ریزی راهبردی کمی، تدوین راهبردهای بخشی و تدوین راهبردهای اصلی انجام پذیرفت.

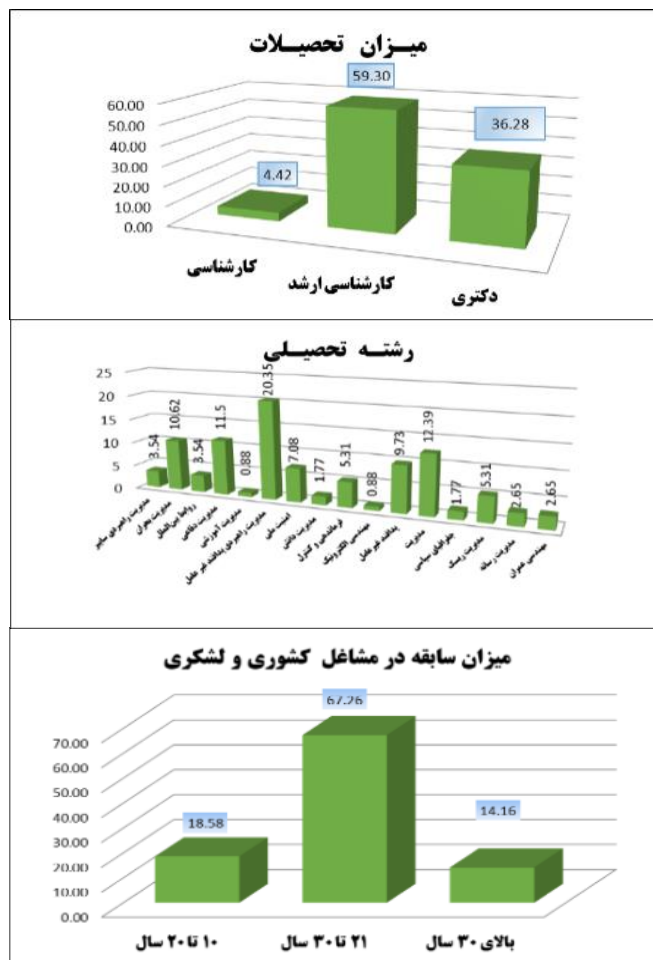
روش تدوین راهبرد: در تدوین راهبردهای این تحقیق از روش دانشگاه عالی دفاع ملی استفاده شده است. عوامل مؤثر بر راهبردهای آمادگی پدافند غیرعامل جمهوری اسلامی ایران شناسایی و فرصت‌ها و تهدیدات بیرونی و نقاط قوت و ضعف درونی تعیین گردیدند. سپس ماتریس‌های EFE برای عوامل خارجی (فرصت و تهدید) و IFE برای عوامل داخلی (قوت و ضعف) و تعیین موقعیت فعلی و مطلوب تشکیل گردید. در ادامه ماتریس زوجی عوامل فرصت، تهدید، ضعف و قوت و درنهایت چهار دسته استراتژی WT, WO, ST, SO احصا گردید. راهبردهای بخشی احصا شده توسط جامعه خبرگی مورد بررسی و واکاوی دقیق قرار گرفت و با ترکیب، تقلیل یا پیشنهاد و ارائه راهبردهای جدید، راهبردهای اصلی تدوین گردیدند. راهبردهای فوق همچنین توسط جامعه خبرگی اولویت‌بندی گردیدند.

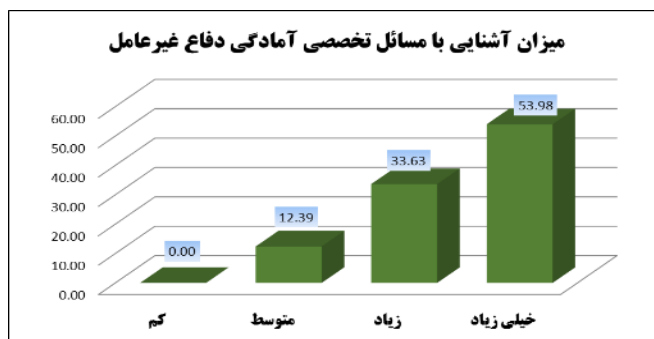
روش انجام اولویت‌بندی و مطلوبیت راهبردها: بر مبنای ماتریس مذکور و به‌منظور ارزیابی راهبردهای تدوین‌شده، این راهبردها در معرض پرسش از جامعه خبرگی قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد که نظر خود را در خصوص میزان تأثیر هر راهبرد بر روی عوامل محیطی داخلی و خارجی در قالب سؤالات ۴ گزینه‌ای (کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) دارای مقادیر کمی معادل ۱ تا ۴ به‌گونه‌ای که عدد ۱ برای کم و عدد ۴ برای خیلی زیاد هستند، ارائه دهند که پاسخ خبرگان به‌صورت جدول جمع‌بندی و مورد محاسبه قرار گرفت. برای هر راهبرد ابتدا میانگین نظر تمام خبرگان در مورد عوامل محیطی به‌صورت جداگانه و در قالب گروه‌های چهارگانه محاسبه گردید و برای هر راهبرد چهار عدد به دست آمد. این چهار عدد مجموع نظر خبرگان برای هریک از راهبردها در خصوص تأثیر آن راهبرد بر عوامل چهارگانه محیطی است. در ادامه نمره پاسخ‌گویی در ضریب وزنی ضرب و جذابیت هر راهبرد برای هر عامل محیطی تعیین و درنهایت با جمع نمره جذابیت عوامل هر راهبرد، اولویت راهبردها مشخص گردید.



۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

تحلیل ویژگی‌های جمعیت شناختی: متغیرهای جمعیت شناختی در قالب آمار توصیفی مورد تحلیل و طبقه‌بندی قرار گرفته و سپس داده‌های پژوهش توسط نرم‌افزار SPSS پردازش گردیده است. در بخش آمار توصیفی جامعه آماری مورد بررسی قرار گرفت. میزان تحصیلات، رشته تحصیلی، میزان سابقه در مشاغل کشوری و لشکری و میزان آشنایی با مسائل تخصصی پدافند غیرعامل فاکتورهایی بود که جامعه آماری در مورد آن مورد سؤال قرار گرفت. نتایج احصا شده در قالب جداول و نمودارهای چهارگانه به شرح زیر است.





نمودار ۱: توزیع درصد فراوانی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

تعیین نقش‌های چهارگانه عوامل سطح راهبردی: به منظور مشخص شدن نقش عوامل مؤثر بر راهبردهای طرح در بسترهای قوت، ضعف، فرصت و تهدید، با استفاده از جلسه طوفان فکری نقش عوامل استخراج‌شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که نتیجه آن مطابق نمونه جدول (۲) است.

جدول ۲: نقش‌های چهارگانه عوامل سطح راهبردی

شماره عامل	عوامل اثرگذار بر راهبردهای آمادگی پدافند غیرعامل ج.ا.ایران	آیا این عامل بر راهبرد مد نظر مؤثر است؟		آیا این عامل تحت کنترل است؟		اثر این عامل بر راهبردها چگونه است؟		تعیین نقش عامل
		بلی	خیر	بلی	خیر	مثبت	منفی	
۱	تدابیر، فرامین و حمایت‌های مستمر مقام معظم رهبری در مورد آمادگی و پدافند غیرعامل	*			*	*		فرصت
۲	برخورداري کشور از توان و نیروی بسیج عمومی	*		*		*		قوت
۳	برخورداري دشمن از توانمندی‌های نوین و امکان ایجاد عوامل و	*		*		*		تهدید



شماره عامل	عوامل اثرگذار بر راهبردهای آمادگی پدافند غیرعامل ج.ا.ایران	آیا این عامل بر راهبرد مد نظر مؤثر است؟		آیا این عامل تحت کنترل است؟		اثر این عامل بر راهبردها چگونه است؟		تعیین نقش عامل
		بلی	خیر	بلی	خیر	مثبت	منفی	
	تسلیمات نوظهور و پنهان							
۴	ضعف در ضمانت اجرایی نظام جامع عملیاتی پدافند غیرعامل در سطح کشور	*		*		*		ضعف

بررسی‌ها نشان می‌دهد از بین تعداد ۹۰ عاملی که بر راهبردهای طرح اثرگذار بودند، تعداد ۳۲ عامل ضعف، ۲۳ عامل قوت، ۱۹ عامل فرصت‌آفرین و ۱۶ عامل از آن‌ها تهدیدزا هستند.

توصیف کمی عوامل مؤثر بر تدوین راهبرد: به‌منظور توصیف کمی عوامل تأثیرگذار در سطح راهبردی، با استفاده از نرم‌افزار SPSS، توزیع فراوانی عوامل شامل ارزش کمی فراوانی، سطوح اندازه‌گیری فراوانی، درصد فراوانی، درصد اعتبار، درصد تجمعی، میانگین پاسخ‌های داده‌شده، آزمون تی و سطح معناداری برابر جدول (۴)، محاسبه گردید. این جدول میزان تأثیر عوامل در تدوین راهبردهای آمادگی پدافند غیرعامل را در بستر نقش‌های چهارگانه و طیف لیکرت نشان می‌دهد. میانگین هریک از عوامل از مجموعه پاسخ‌ها در جداول میانگین‌ها مقدار بالای عدد ۳ هستند، یعنی در نمونه بقیه سؤالات توافق نسبی دارند و جواب پاسخ‌دهندگان به سؤالات بیشتر گزینه‌های زیاد (نمره ۴) و خیلی زیاد (نمره ۵) بوده است. همچنین در جداول، آزمون تی تک نمونه‌ای برای هریک از عوامل با توجه به مقدار t. value برابر ۳ تحلیل و مشخص گردید که از میزان مشخص‌شده بالاتر هستند. سطح معنی‌داری کلیه عوامل موردبررسی قرار گرفت و نیز مقادیر سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۵ با میزان ۹۵ درصد و سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۱ با میزان ۹۹ درصد پذیرفته و تأیید گردیدند.

جدول ۴: نمونه محاسبات کمی عوامل مؤثر بر تدوین راهبردهای آمادگی پدافند غیرعامل ج.ا.ایران

نتیجه	سطح معناداری	آزمون T	میانگین پاسخ‌ها	درصد تجمعی	درصد اعتبار	درصد فراوانی	فراوانی	سطوح اندازه‌گیری	ارزش کمی فراوانی	عامل	شماره عامل
تأیید به احتمال ۹۹ درصد	۰	۲۳/۲۷	۴/۶۲					خیلی کم	۱	خودکفایی و خوداتکایی در برخی حوزه‌های دانشی، فناوری و تجهیزات پدافند غیرعامل در برابر تهدیدات	۱
				۱/۸	۱/۸	۱/۸	۲	کم	۲		
				۱۰/۹	۹/۱	۹/۱	۱۰	متوسط	۳		
				۲۵/۵	۱۴/۵	۱۴/۵	۱۶	زیاد	۴		
				۱۰۰	۷۴/۵	۷۴/۵	۸۵	خیلی زیاد	۵		
					۱۰۰	۱۰۰	۱۱۶	کل پاسخ‌گویان			
				-	-	-	-	عدم پاسخ			

۴-۱. تشکیل ماتریس IFE و EFE

برای این منظور به ضریب اهمیت عوامل بر تدوین راهبرد از ۱ تا ۵ نمره داده شده است. سپس نمره هر عامل خارجی بر مجموع عوامل خارجی (فرصت و تهدید) و نمره هر عامل داخلی بر مجموع عوامل داخلی (قوت و ضعف) تقسیم گردیده تا وزن هر عامل مشخص شود. در خصوص ضریب وضعیت فعلی، برای عوامل فرصت و قوت مقادیر ۳ تا ۴ و برای



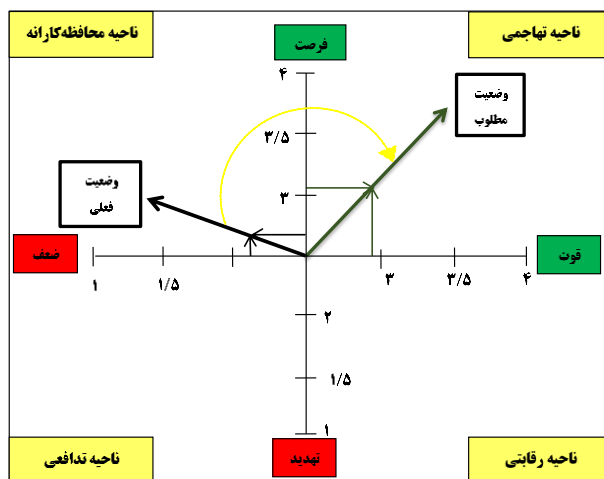
عوامل تهدید و ضعف مقادیر ۱ تا ۲ و در خصوص ضریب وضعیت مطلوب برای عوامل فرصت و قوت مقدار ۴ و برای عوامل تهدید و ضعف مقدار ۲ در نظر گرفته شد.

جدول ۵: ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (فرصت و تهدید) EFE

عوامل	ضریب اهمیت عامل بر تدوین راهبرد	وزن	ضریب وضعیت فعلی عامل	نمرات موزون نرمال وضعیت فعلی	ضریب وضعیت مطلوب عامل	نمرات موزون نرمال وضعیت مطلوب
O1	۳/۹۸۲۳	۰/۰۲۹۵	۳/۶	۰/۱۰۶۳	۴	۰/۱۱۸۲
O2	۴/۰۹۷۳	۰/۰۳۰۴	۳/۴	۰/۱۰۳۳	۴	۰/۱۲۱۶
T1	۴/۶۰۱۸	۰/۰۳۴۱	۱/۳	۰/۰۴۴۴	۲	۰/۰۶۸۳
T2	۴/۶۸۱۴	۰/۰۳۴۷	۱/۲	۰/۰۴۱۷	۲	۰/۰۶۹۵
جمع	۱۳۴/۸۰۵۳	۱		۲/۶۲۸۱		۳/۰۴۵۰

جدول ۶: ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (قوت و ضعف) IFE

عامل	ضریب اهمیت عامل بر تدوین راهبرد	وزن	ضریب وضعیت فعلی عامل	نمرات موزون نرمال وضعیت فعلی	ضریب وضعیت مطلوب عامل	نمرات موزون نرمال وضعیت مطلوب
S1	۲/۹۸۲۳	۰/۰۱۵۵	۳/۲	۰/۰۴۹۵	۴	۰/۰۶۱۹
S2	۴/۱۳۲۷	۰/۰۲۱۴	۳/۵	۰/۰۷۵۱	۴	۰/۰۸۵۸
W1	۳/۶۳۷۲	۰/۰۱۸۹	۱/۲	۰/۰۲۲۷	۲	۰/۰۳۷۸
W2	۳/۰۲۶۵	۰/۰۱۵۷	۱/۲	۰/۰۱۸۸	۲	۰/۰۳۱۴
جمع	۱۹۲/۶۸۱۴	۱		۲/۱۰۶۳		۲/۸۱۳۲



نمودار ماتریس موقعیت و ارزیابی اقدام راهبردی

نمودار تعیین موقعیت وضعیت فعلی و وضعیت مطلوب بیانگر این است که وضعیت موجود در ربع محافظه کارانه قرار گرفته و وضعیت مطلوب در ربع تهاجمی قرار دارد. همچنین وضعیت موجود نشان می دهد که محیط مورد مطالعه، در وضعیت محافظه کارانه قرار دارد. این بدان معنا است که در محیط مورد مطالعه تلاش بر این است تهدیدات داخلی و خارجی با استراتژی های کم ریسک و محافظه کارانه مدیریت شوند و در عین حفظ ثبات بررسی شود که آیا برخی از بخش ها نیاز به نوآوری یا تغییرات راهبردی دارند یا خیر. ماتریس تعیین موقعیت راهبردی در وضعیت مطلوب در ناحیه تهاجمی قرار گرفته و بیانگر این مطلب است که به منظور آمادگی پدافند غیرعامل جمهوری اسلامی ایران و با توجه به وضعیت فعلی باید از گزینه های راهبردی خطرپذیر و حرکت های توأم با ریسک تغییر جهت داده و با استفاده از فرصت های محیطی و قوت های پشتیبانی کننده راهبردهایی برای توسعه فعالیت ها و مقابله با راهبردهای دشمن تدوین نماید.

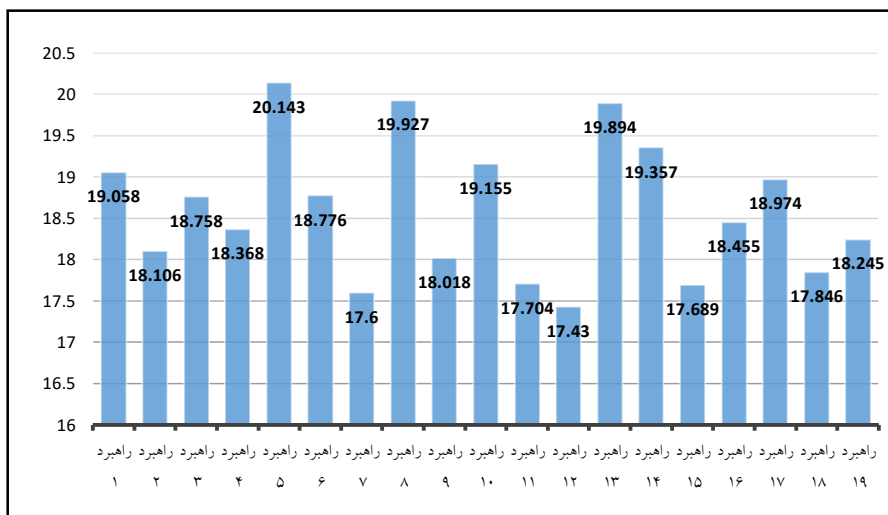
تجزیه و تحلیل ماتریس سوات و شناسایی و تدوین راهبردها: با عنایت به چهار دسته عوامل نقش آفرین طرح، راهبردهای بخشی ماتریس سوات (شامل راهبردهای



(WT,WO,ST,SO) با نظر خبرگی و طوفان مغزی احصا گردید و در ادامه با توجه به مناطق قرارگرفتن در ماتریس داخلی و خارجی و از تجمیع گزاره‌های راهبردهای بخشی، راهبردهای اصلی جهت ارزیابی و انتخاب در ماتریس استراتژیک کمی تدوین گردیدند.

احصای راهبردهای اصلی: راهبردهای اصلی درواقع برنامه‌ریزی‌های بلندمدت با استفاده از منابعی هستند که قصد داریم در حوزه آمادگی پدافند غیرعامل توسط آن‌ها در یک محیط پویا به هدف‌های کلان و بلندمدت خود دست یابیم. پس از احصای راهبردهای بخشی (۱۱) راهبرد تهاجمی، ۱۵ راهبرد محافظه‌کارانه، ۱۰ راهبرد رقابتی و ۹ راهبرد تدافعی) برای مقابله با تهدیدات، راهبردهای فوق طی جلسه خبرگی موردبررسی و واکاوی دقیق قرار گرفت تا با ترکیب، تقلیل یا پیشنهاد و ارائه راهبردهای بخشی جدید، راهبردهای اصلی تدوین گردند. با اعمال نظر و پیشنهادات مطرح‌شده در جلسه خبرگی و براساس ۹۰ عامل راهبردی منتخب تحقیق (۲۳ عامل قوت، ۳۲ عامل ضعف، ۱۹ عامل فرصت و ۱۶ عامل تهدید) و با تکیه بر راهبردهای بخشی ارائه‌شده نهایتاً تعداد ۱۹ راهبرد اصلی، احصا گردیدند.

رتبه‌بندی و تعیین مطلوبیت راهبردها: ماتریس برنامه‌ریزی راهبردی کمی (QSPM) و به‌منظور ارزیابی راهبردهای تدوین‌شده، این راهبردها در معرض پرسش خبرگان قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد که نظر خود را در خصوص میزان تأثیر هر راهبرد بر روی تک‌تک عوامل محیطی داخلی و خارجی در قالب سؤالات ۴ گزینه‌ای (کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) که دارای مقادیر کمی معادل ۱ تا ۴ به‌گونه‌ای که عدد ۱ برای کم و عدد ۴ برای خیلی زیاد هستند ارائه دهند و با روش دیوید نمره پاسخ‌گویی در ضریب وزنی ضرب و جذابیت هر راهبرد برای هر عامل محیطی و درنهایت با جمع نمره جذابیت عوامل هر راهبرد، اولویت راهبردها مشخص گردید.



نتیجه‌گیری و پیشنهاد

آمادگی پدافند غیرعامل برای جمهوری اسلامی ایران که از یک طرف با توجه به جایگاه ژئوپلیتیک، وضعیت اقتصادی و بهره‌مندی از منابع نفت و گاز، ورود به عرصه‌های فناوری نوین همچون موضوع نانو و غنی‌سازی اورانیوم و از طرف دیگر به عنوان یک کشور اسلامی در منطقه که نقش اصلی را در جهانی‌سازی تمدن نوین اسلامی دارد، همواره در معرض طیف وسیعی از تهدیدات مزمن و پایدار از سوی امریکا و هم‌پیمانان استراتژیک آن قرار دارد، موضوعی مهم و حیاتی است که می‌بایست به صورت جدی در دستور کار ساختار مدیریتی کشور قرار گیرد.

بر همین اساس در این تحقیق تلاش شده است تا با گردآوری اطلاعات، اسناد و مدارک و مبانی نظری، تحلیلی عینی و واقعی از شرایط محیطی داخلی و خارجی به منظور احصای عوامل مؤثر چهارگانه (تهدید، فرصت، قوت و ضعف) پرداخته و براساس آن‌ها نسبت به تدوین راهبردهای آمادگی پدافند غیرعامل جمهوری اسلامی ایران اقدام گردد. به صورت کلی نتایج حاصل از این تحقیق را می‌توان در دو بخش دسته‌بندی نمود:



الف. عوامل محیطی مؤثر بر راهبردهای آمادگی پدافند غیرعامل جمهوری اسلامی ایران:

نقاط قوت-S	
S1	سطح توانمندی کشور در حوزه فناوری‌های مورد نیاز در زنجیره تأمین الزامات پدافند غیرعامل
S2	توانایی انجام تحقیقات هدفمند برای حوزه‌های پر اولویت آسیب‌پذیری در کشور
S3	رویکرد علمی مناسب در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی کشور در حوزه آمادگی پدافند غیرعامل
S4	دانش بومی و توسعه آن برای پیاده‌سازی اهداف و برنامه‌های پدافند غیرعامل در برابر تهدیدات
S5	میزان توان تخصصی پدافند غیرعامل در برابر تهدیدات در سطح کشور
S6	خودکفایی و خوداتکایی در برخی حوزه‌های دانشی، فناوری و تجهیزات پدافند غیرعامل در برابر تهدیدات
S7	نیروی انسانی ماهر، دانش‌محور، متعهد و متخصص، مستعد، علاقه‌مند و باتجربه در سطح کشور
S8	برخورداری از سرمایه اجتماعی، هویت و فرهنگ ملی در سطوح مختلف جامعه
S9	ایجاد و توسعه ساختارهای سازمانی مرتبط با موضوعات پدافند غیرعامل در هرم مدیریتی کشور
S10	میزان ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های تخصصی در پدافند غیرعامل در برابر تهدیدات
S11	امکانات درمانی برای سناریوهای ناشی از انواع تهاجم آفندی دشمن
S12	میزان قابلیت ذخیره‌سازی توان و انرژی به‌منظور تداوم فعالیت‌های ضروری
S13	اولویت‌بندی دارایی‌های حیاتی، حساس و مهم کشور
S14	میزان درآمدهای دولتی
S15	میزان ذخایر نفت و گاز کشور
S16	مدیریت یکپارچه بحران در سطح کشور جهت استفاده بهینه از امکانات و تجهیزات موجود
S17	میزان متنوع و متعددسازی در مسیرهای انتقال انرژی (موازی‌سازی)
S18	وجود نسبی آزمایشگاه‌های مرجع برای ارزیابی و تشخیص تهدیدهای مختلف
S19	میزان برگزاری رزمایش در حوزه پدافند غیرعامل جهت انجام واکنش‌های مناسب در زمان بروز بحران

S20	توانمندی مدیریت اثرگذار در سطوح مختلف حاکمیتی در شرایط اضطراری
S21	وجود توانمندی نسبی در زمینه پاسخ‌گویی سریع به حوادث و شرایط اضطراری
S22	سطح همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی در جهت تأمین تجهیزات و انتقال دانش فنی پدافند غیرعامل
S23	برخورداری کشور از توان و نیروی بسیج منابع ملی
فرصت‌ها - O	
O1	امکان رصد وضعیت تغییرات علمی و فنی کشورهای پیشرو در حوزه پدافند غیرعامل
O2	امکان رصد، پایش و تشخیص تهدیدات نوین (CBRN)
O3	میزان منابع علمی و دانشی، تجهیزات، فناوری‌های جدید و زیرساخت‌های تخصصی پدافند غیرعامل
O4	امکان آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری حوزه‌های فنی، تخصصی و علمی پدافند غیرعامل در برابر تهدیدات
O5	امکان کسب دانش و فناوری از محیط بین‌المللی در موضوعات مورد نیاز پدافند غیرعامل
O6	امکان استفاده از فناوری‌های نوین با تمرکز بر روی گره‌ها و آسیب‌پذیری‌های کشور
O7	امکان به‌کارگیری شبکه اینترنت داخلی و زیرساخت‌های بومی در جهت جلوگیری از تهدیدات سایبری
O8	امکان به‌کارگیری نخبگان علمی در ساختار مدیریتی و صنایع زیرساختی کشور
O9	وجود نظریه‌های فقهی و شیعی و فقه پویای اسلامی و پدافند مشروع در برابر تهدیدات
O10	برخورداری از ظرفیت‌های بالقوه آموزش در بخش پدافند غیرعامل
O11	وجود سازوکار مناسب برای توسعه فرهنگ و باور پدافند غیرعامل در بین تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران
O12	امکان توصیف به‌روز تهدیدات فناورانه جهت توسعه اقدامات متقابل غیرعامل
O13	تدابیر، فرامین و حمایت‌های مستمر فرماندهی کل قوا در مورد آمادگی پدافند غیرعامل
O14	امکان شناسایی قابلیت‌ها، آسیب‌پذیری‌ها و گره‌های کشور در حوزه آمادگی پدافند غیرعامل
O15	تکالیف سیاست‌های ابلاغی پدافند غیرعامل در برنامه‌های ۶ و ۷ توسعه کشور در حوزه‌های مختلف



O16	امکان برخورد با متخلفین عدم اجرای دستورالعمل‌ها در ساختار حاکمیتی
O17	موقعیت ممتاز کشور از نظر ژئوپلیتیک (قرار گرفتن در هاب انرژی جهان، آبراه بین‌المللی و ...)
O18	تجربیات و راهبردهای پدافند غیرعامل در سایر کشورها
O19	وابستگی برخی از کشورهای منطقه به جمهوری اسلامی ایران با توجه به ظرفیت‌های وسیع موجود
تهدیدات – T	
T1	میزان سرمایه‌گذاری دشمن در حوزه تسلیحات نامتعارف نوین
T2	برخورداری دشمن از انواع عوامل برتر ساز فناوریانه و نوظهور سخت، نیمه سخت و نرم
T3	وجود راهبردهای جنگ‌های روانی در سطوح مختلف عملیاتی دشمن
T4	تطمیع و جذب نخبگان صنعتی کشور توسط کشورهای رقیب
T5	هزینه بالای ارزیابی‌های خطر مبتنی بر آسیب‌پذیری زیرساخت‌های اساسی کشور
T6	وجود بسترهای ایجاد بحران‌های احتمالی داخلی در کشور (واگرایی قومی مذهبی و حکومت)
T7	برخورداری دشمن از اشراف اطلاعاتی، جاسوسی و عملیات روانی علیه کشور
T8	شناخت دشمن از ضعف‌ها و آسیب‌پذیری‌های زیرساختی و آثار عملکردی کشور
T9	تنوع سناریوهای وقوع تهدیدات دشمن در کشور
T10	وجود تحریم‌ها و تأثیر آن بر میزان آمادگی پدافند غیرعامل کشور
T11	برنامه‌ریزی دشمن در خصوص اعمال تهدیدات ترکیبی علیه کشور
T12	حضور نظامی دشمن در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران
T13	برخورداری دشمن از توان ائتلاف‌سازی علیه جمهوری اسلامی ایران
T14	فقدان ضمانت اجرایی کنوانسیون‌های بین‌المللی در حوزه‌های دفاعی
T15	برخورداری دشمن از توانمندی‌های نوین و امکان ایجاد عوامل و تسلیحات نوظهور
T16	تراکم زیرساخت‌های ملی در مناطق خاص جغرافیایی کشور

ب. راهبردهای آمادگی پدافند غیرعامل جمهوری اسلامی ایران:

شماره	راهبرد
راهبرد ۱	توسعه و عمق بخشی علمی در حوزه آمادگی پدافند غیرعامل در کشور با هدف حفظ و ارتقای سطح و کیفیت اشراف علمی و فنی نسبت به کشورهای پیشرو در این حوزه، از طریق هدایت نخبگان علمی به انجام تحقیقات و پژوهش های هدفمند در حوزه پدافند غیرعامل و مدیریت بحران، با استفاده حداکثری از منابع، توانمندی ها و ظرفیت های علمی و فناوری کشور و بهره برداری مناسب از فضای علمی، تجربیات و نتایج میدانی سایر کشورها.
راهبرد ۲	تسلط و اشراف مستمر بر تهدیدات، با تأکید بر تهدیدات نوین (CBRN)، با رویکرد تهدیدشناسی علمی، از طریق سازمان دهی سامانه های عملیاتی رصد، پایش، کنترل و هشدار در سطوح ملی، منطقه ای، استانی و شهرستانی، در بخش های کشوری و لشکری، با استفاده مناسب از منابع انسانی و ظرفیت های زیرساختی در سطح کشور.
راهبرد ۳	چابک سازی و ارتقای کارآمدی ساختارهای سازمانی مرتبط با آمادگی پدافند غیرعامل در هرم مدیریتی کشور، از طریق بازنگری و توسعه ساختار در سطوح مختلف و فرماندهی مشترک نظامی و غیرنظامی بنا به نیاز و تعریف سازوکارها، وضعیت ها و سطوح، به منظور ارتقای سطح آمادگی در برابر تهدیدات متنوع نرم و سخت با استفاده مناسب از منابع انسانی و ظرفیت های زیرساختی در سطح کشور.
راهبرد ۴	ایجاد چهارچوبی جامع، منسجم و مؤثر در حوزه آمادگی پدافند غیرعامل، از طریق تدوین و نهادینه سازی قوانین، مقررات، دستورالعمل ها، نظامات، الزامات فنی و مهندسی و الگوهای توسعه و استانداردهای بومی، تخصصی و کارآمد، با استفاده از اسناد بالادستی و ظرفیت های حقوقی و قانون گذاری موجود در کشور.
راهبرد ۵	مدیریت مؤثر شرایط اضطراری و بحران های ناشی از تهدیدات طبیعی و انسان ساز، با دسترسی حداکثری به ظرفیت ها و توانمندی های نیروی انسانی کشور از جمله بسیج عمومی، سازمان های مردم نهاد و نخبگان علمی، از طریق توسعه مشارکت های مردمی در همه ابعاد و عرصه های آمادگی پدافند غیرعامل.
راهبرد ۶	حفظ و استفاده حداکثری از نخبگان داخلی در سطوح مختلف مدیریتی و صنایع زیرساختی، از طریق جذب و به کارگیری سرمایه انسانی متعهد و متخصص داخلی و به کارگیری نخبگان علمی و ایجاد مسیرهای رشد شغلی و ارائه مشوق ها، با استفاده از منابع انسانی موجود، زیرساخت های صنعتی و حمایت های سیاست گذارانه.
راهبرد ۷	ارتقای سطح قابلیت بازایی، سازگاری و پایداری زیرساخت های حیاتی کشور از طریق طرح ریزی و اجرای برنامه های تداوم کارکرد و انجام ارزیابی های علمی و روزآمدسازی



شماره	راهبرد
	ظرفیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، با هدف احراز آمادگی در برابر سناریوهای متنوع تهدیدات ترکیبی دشمن و با کمک توان فنی و تخصصی بومی کشور.
راهبرد ۸	تقویت و توسعه صنعت بومی در حوزه فناوری‌های موردنیاز زنجیره تأمین آمادگی پدافند غیرعامل، از طریق حمایت از خوداتکایی سازمان‌ها و شرکت‌های تولیدکننده سامانه‌ها، آزمایشگاه‌های مرجع و محصولات بومی، الزام و همراه‌سازی دستگاه‌های متولی زیرساخت‌های حیاتی، باهدف کاهش تأثیر تحریم‌ها و ارتقای پایداری در برابر تهدیدات نوین.
راهبرد ۹	ارتقای توانمندی مدیریت اثرگذار در سطوح مختلف حاکمیتی و زیرساختی در شرایط اضطراری، از طریق تعمیق فرهنگی و تزریق باور آمادگی پدافند غیرعامل در سطوح تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری با دسترسی به ظرفیت‌های فرهنگی، سازوکارهای آموزشی و رسانه‌ای و نهادهای تصمیم‌ساز حاکمیتی.
راهبرد ۱۰	گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در تأمین نیازمندی‌های تجهیزاتی و انتقال دانش فنی و تخصصی (سامانه‌های مدیریت و کنترل صنعتی، ترمیم زیرساخت‌های فرسوده، تک‌محصولی و آسیب‌پذیر) با بهره‌گیری از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و ذخایر انرژی کشور و روابط دیپلماتیک، با قصد خنثی‌سازی اقدامات دشمن در حوزه تحریم‌ها و ائتلاف‌سازی علیه کشور.
راهبرد ۱۱	کاهش وابستگی‌های متقابل زیرساخت‌ها و تقویت پایداری، توازن و ایمنی تأسیسات موجود و آینده از طریق انجام مطالعات و ارزیابی سطح مصونیت و طرح‌های هدفمند آمادگی پدافند غیرعامل (با تمرکز بر گره‌ها و آسیب‌پذیری‌های کشور)، با کمک ظرفیت‌های علمی داخلی، مراکز تحقیقاتی و داده‌های زیرساختی و ارزیابی ملی.
راهبرد ۱۲	توسعه شبکه یکپارچه امداد و نجات و به‌روزرسانی مستمر زیرساخت‌ها و تجهیزات تخصصی، برای مقابله با تهدیدات و تسلیحات نوظهور زیستی دشمن، با دسترسی به ظرفیت‌های علمی و فناوریانه داخلی، تجهیزات امدادی و درمانی تخصصی و نهادهای مرتبط با امداد و سلامت.
راهبرد ۱۳	توسعه و گسترش مسیرهای متعدد، همگن و ایمن انتقال، و تقویت قابلیت‌های جایگزینی و ذخیره‌سازی راهبردی در حوزه‌های حیاتی کشور مانند انرژی و آب، با قصد پایداری، تداوم کارکرد و ایمنی در برابر تهدیدات متنوع دشمن با بهره‌گیری از توان فنی، سامانه‌های ذخیره‌ساز و زیرساخت‌های انتقال انرژی و آب کشور.
راهبرد ۱۴	برنامه‌ریزی و اجرای رزمایش‌های مبتنی بر سناریوهای متصور و واقعی تهدیدات و تمرین مدیریت شرایط اضطراری، با هدف ارتقای آمادگی پدافند غیرعامل، افزایش سرعت عمل، بهبود توان پاسخ‌گویی به حوادث با استفاده از نیروهای عملیاتی کشوری و لشکری، سامانه‌های مدیریت بحران و فضاهای تمرینی و پشتیبانی.

شماره	راهبرد
راهبرد ۱۵	ارتقای توانمندی مدیریت مؤثر در سطوح حاکمیتی در شرایط اضطراری، از طریق بازنگری و اصلاح آمایش سرزمینی، امن‌سازی و جایگزینی خدمات و موازی‌سازی زنجیره تولید و خدمات، با کمک داده‌های آمایش سرزمینی، نهادهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای و زیرساخت‌های حیاتی و خدماتی.
راهبرد ۱۶	مصون‌سازی جامعه در برابر تهدیدات درون‌زا و جلوگیری از بهره‌برداری دشمن از واگرایی‌های داخلی از طریق عمق‌بخشی و نهادینه‌سازی فرهنگ آمادگی پدافند غیرعامل در سطوح مختلف جامعه، و سوق دادن فضای اجتماعی کشور به سوی محیطی امن، آماده و مصون در برابر تهدیدات درون‌زا، با استفاده از منابع علمی، دانشی و دینی، نهادهای فرهنگی و دینی، رسانه‌های جمعی و آموزشی.
راهبرد ۱۷	ارتقای پایداری زیرساخت‌های حیاتی کشور در برابر تهدیدات سایبری از طریق بهره‌گیری حداکثری از زیرساخت‌های بومی سایبری و بهبود قابلیت بازیابی در فضای مجازی با دسترسی به ظرفیت‌های شبکه ملی اطلاعات، منابع فنی و انسانی و سامانه‌های سایبری بومی.
راهبرد ۱۸	سطح‌بندی زیرساخت‌های کشور براساس مؤلفه‌هایی مانند ماهیت، اهمیت، هوشمندی، کارکرد، سیستمی یا غیرسیستمی بودن و میزان خطرناکی و به‌روزرسانی نظام سطح‌بندی زیرساخت‌ها و دارایی‌ها، به‌منظور مدیریت علمی و اثربخش اقدامات آمادگی پدافند غیرعامل در سطوح مختلف کشور با کمک بانک‌های اطلاعاتی دارایی‌ها، نظام‌های ارزیابی و ریسک و اهمیت و تیم‌های تخصصی فنی و امنیتی.
راهبرد ۱۹	ارتقای آمادگی پدافند نقطه‌ای در زیرساخت‌ها و دستگاه‌های اجرایی از طریق نهادینه‌سازی و تعمیم اصول، الزامات و ملاحظات آمادگی پدافند غیرعامل در طرح‌های توسعه‌ای زیرساخت‌ها و اجرای طرح‌های خودحفاظتی به‌عنوان بخشی از آمادگی دفاع نقطه‌ای، از طریق فعال‌سازی کمیته‌های تخصصی مدیریت بحران و پدافند غیرعامل با کمک ظرفیت‌های دستگاه‌های اجرایی، ساختارهای داخلی مدیریت بحران، دستورالعمل‌ها و الزامات فنی پدافند غیرعامل.

پیشنهادهای پژوهش

- ✓ مدل‌سازی ریسک، تهدیدات (سایبری، زیستی، ترکیبی و ...) و نحوه گنجاندن آن‌ها در راهبردهای آمادگی، در قالب رساله توسط دانشجویان دوره دکتری مدیریت راهبردی پدافند غیرعامل مورد پژوهش قرار گیرد.
- ✓ پژوهشی باهدف بررسی نقش مشارکت مردمی در ارتقای اثربخشی راهبردهای آمادگی پدافند غیرعامل می‌تواند افق‌های تازه‌ای بگشاید.



- ✓ پژوهشی باهدف تدوین الگو و شاخص‌های بومی ارزیابی سطح آمادگی پدافند غیرعامل در سطوح مختلف زیرساخت‌های با اهمیت بالا (انرژی، بهداشت، حمل‌ونقل و ...) انجام گیرد.
- ✓ برگزاری مانورهای منظم و هدفمند بر مبنای سناریوهای واقعی برای سنجش آمادگی دستگاه‌ها، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و می‌بایست توسط دستگاه‌های اجرایی برنامه‌ریزی و اجرا گردد.
- ✓ پیشنهاد می‌شود سامانه‌های هشدار سریع، مدیریت اطلاعات بحران و بانک داده‌های پدافند غیرعامل در سطح ملی توسط سازمان پدافند غیرعامل کشور یکپارچه‌سازی شوند.
- ✓ تخصیص منابع مالی پایدار و نظام‌مند برای اجرای طرح راهبردی آمادگی پدافند غیرعامل باید در دستور کار نهادهای تصمیم‌گیر (سازمان برنامه‌وبودجه، مجلس شورای اسلامی، ستاد کل نیروهای مسلح و سازمان پدافند غیرعامل کشور) قرار گیرد.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- احمدی مقدم، اسماعیل؛ ارشاد منش، حمیدرضا (۱۳۹۹)، *طراحی الگوی راهبردی دفاع غیرعامل شهری جهت صیانت از مردم در برابر تهدیدات اجتماعی (مورد مطالعه شهر تهران)*، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک سال هجدهم، شماره ۹۷، مقاله دوم، از صفحه ۵۹-۸۷
- افشردی، محمدحسین، (۱۳۸۹)، *راهبردهای دفاعی ج.ا.ایران*، جزوه درسی، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- الوانی، مهدی؛ دانایی فرد، حسن (۱۳۹۶)، *مدیریت عمومی*، تهران، نشر نی.
- پورشاسب، عبدالعلی؛ نظری نژاد، احمدعلی (۱۳۹۹)، *تدابیر و راهکارهای پدافند غیرعامل در حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک سال هجدهم، شماره ۲۸.
- جهان تیغ پاک، محمدرضا؛ طباطبایی اسکندری، محمدصادق؛ خدادادی، سید علی (۱۳۹۵)، *ملاحظات پدافند غیرعامل در شریان‌های حیاتی شهری (حمل و نقل، آب، برق)*، تهران، انتشارات بوستان حمید.
- سازمان پدافند غیرعامل کشور (۱۳۹۳)، *سند راهبردی پدافند پرتوی کشور*.
- سازمان پدافند غیرعامل کشور (۱۳۹۲)، *سند راهبردی پدافند زیستی کشور*.
- سازمان پدافند غیرعامل کشور (۱۳۹۴)، *سند راهبردی پدافند سایبری کشور*.
- سازمان پدافند غیرعامل کشور (۱۳۹۳)، *سند راهبردی پدافند شیمیایی کشور*.
- سازمان پدافند غیرعامل کشور (۱۳۹۵)، *سند راهبردی پدافند غیرعامل الکترونیک کشور*.
- سازمان پدافند غیرعامل کشور (۱۳۹۳)، *سند راهبردی سازمان پدافند غیرعامل کشور*.
- سازمان پدافند غیرعامل کشور (۱۴۰۱)، *طرح راهبردی حفاظت از زیرساخت‌های کشور*.
- سازمان پدافند غیرعامل کشور (۱۳۹۹)، *نظام آمادگی و رزمایش دستگاه‌های اجرایی در برابر تهدیدات*.
- سازمان پدافند غیرعامل کشور (۱۳۹۸)، *نظام عملیاتی پدافند سایبری کشور*.



References

- Lindström, M, & Wedin, L. (2023). Unpacking the varying strategic logics of total defence. *Defence Studies*, 23(3).
- Ljungkvist, K. (2024). The military-strategic rationality of hybrid warfare: Everyday total defence under strategic non-peace in the case of Sweden. *European Journal of International Security*.



The Role of Spatial Planning in Geographical Defense with an Emphasis on Population

Alireza Saadat Rad

Assistant Professor, Department of Strategic Defense Sciences, Faculty of National Defense, National Defense University, Tehran, Iran

Ali Asghar Beik Biland

Associate Professor of Strategic Military Management, National Defense University, Tehran, Iran

Hamidreza Tondro

PhD Candidate in Sacred Defense Strategic Studies, (Corresponding Author)

Abstract

Attention to the characteristics of physical geography and the spatial distribution of population across a country's territory constitutes a significant component of national power. Beyond influencing regional and international dynamics, these factors also play a key role in territorial spatial planning. Effective spatial planning contributes to sustainable development and long-term security. From a defense perspective, population represents a strategic and vital element in spatial planning and national development. This study seeks to answer the question: What is the role of spatial planning in geographical defense with an emphasis on population? The research is developmental applied in purpose and adopts a descriptive-exploratory method with a mixed-methods analytical approach. Data were collected through document and literature review, as well as expert opinions obtained via interviews and focus group discussions. The findings identify key geographical defense factors with an emphasis on population, derived from spatial planning functions, and evaluate them within both national and transnational environments. The relative importance of these factors was determined using a Likert scale. Results indicate that spatial planning supports comprehensive defense by systematically examining the overall spatial characteristics of society and facilitating the balanced distribution of population and the strategic placement of cultural, social, economic, political, and military activities across the country. Furthermore, given Iran's geopolitical position, attention to spatial planning particularly in coastal regions and islands can strengthen military strategy and national defense doctrine.

Keywords: Spatial Planning, Defense, Geographical Defense, Population Comprehensive



کارکرد آمایش سرزمینی در دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت

علیرضا سعادت راد

استادیار گروه علوم دفاعی راهبردی دانشکده دفاع ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

علی اصغر بیک‌بیلندی

دانشیار مدیریت راهبرد نظامی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

حمیدرضا تندرو

دانشجوی دکتری مطالعات راهبردی دفاع مقدس (نویسنده مسئول)

چکیده

توجه به ویژگی‌های جغرافیای طبیعی و نحوه استقرار جمعیت در پهنای سرزمینی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم قدرت، علاوه بر تأثیر در معادلات بین‌المللی و منطقه‌ای، در چیدمان جمعیت در یک آمایش سرزمینی نیز مؤثر است. آمایش سرزمینی مناسب موجب توسعه و امنیت پایدار می‌شود. در رویکرد دفاعی نقش راهبردی و حیاتی جمعیت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم آمایش و توسعه از امتیازی ویژه برخوردار است. این پژوهش در پی یافتن پاسخ سؤال، «کارکرد آمایش سرزمینی در دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت چیست؟» بوده است. نوع تحقیق کاربردی- توسعه‌ای با روش توصیفی-اکتشافی است و تجزیه و تحلیل به‌صورت آمیخته انجام شده است. در این تحقیق ضمن مطالعه اسناد و مقالات و همچنین اخذ نظرات و آرای خبرگان و صاحب‌نظران از طریق مصاحبه و تشکیل گروه کانون نخبگی نتایج «عوامل دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت» مبتنی بر کارکرد آمایش سرزمینی از نظر کیفی و کمی و همچنین عوامل جغرافیایی در دو محیط «ملی و فراملی» مورد ارزیابی و میزان اهمیت هر یک از عوامل با استفاده از طیف لیکرت تعیین گردید. براساس یافته‌های تحقیق، آمایش سرزمینی در دفاع همه‌جانبه با بررسی و مطالعه خصوصیات و ویژگی‌های کلی فضای جامعه، راه‌حلی مناسب برای ایجاد توزیع مناسب جمعیت و استقرار فعالیت‌های مورد نظر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی در کشور است و برنامه‌ریزی آمایش سرزمین با تأکید بر جمعیت را می‌توان به‌عنوان راه‌حل این مشکلات در نظر گرفت. همچنین با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در منطقه، توجه به آمایش سرزمین علاوه بر مناطق داخلی، در نواحی ساحلی و جزایر باعث تقویت استراتژی نظامی و دکترین دفاعی آن می‌شود.

کلیدواژه‌ها: آمایش سرزمینی، دفاع، دفاع جغرافیایی، جمعیت

مقدمه

اصالت مفهومی «آمایش سرزمین»^۱ مبتنی بر نظم‌دهی بر فعالیت‌های بشری است. از این رو آنچه تاکنون از این مفهوم استنباط شده، این است که آمایش سرزمین وظیفه تنظیم و هماهنگ‌سازی افکار مدون در راهبردها و جهت‌گیری‌های کلی بخش‌ها و مناطق یک کشور مبتنی بر برنامه را به عهده داشته و تدوین سیاست‌های اجرایی و برنامه‌های عملیاتی توسعه بر مبنای این راهبردها به عهده بخش‌های مختلف سیاست‌گذاری و اقتصادی و اجتماعی است (یزدان‌پناه درو، ۱۳۹۷: ۷). هدف آمایش سرزمین این است که به برنامه‌ریزی، بُعدی جدید بدهد که همان نحوه توزیع و سازمان‌یابی انسان‌ها و فعالیت‌ها در سراسر سرزمین ملی است (اخباری و همکاران، ۱۴۰۰). آمایش سرزمین امروزه به عنوان یک راهکار جغرافیایی بی‌بدیل برای توسعه پایدار در کشورها تبدیل شده است. در این میان توجه ویژه به جغرافیا و ساختار جغرافیایی به عنوان یکی از ابعاد مهم قدرت ملی می‌بایست در دستور کار قرار گیرد و متولیان نسبت به آن به عنوان یک عامل بازدارنده تهدید، اهتمام جدی‌تری داشته باشند. ارزش‌های جغرافیایی که مطلوبیت سیاسی پیدا می‌کنند از ماهیت ژئوپلیتیکی برخوردار شده و در رفتار و کردار انسان‌ها به صورت گروهی یا فردی اثر می‌گذارند و الگوهای رفتاری مختلفی نظیر همکاری، همگرایی، تعامل، رقابت، ستیز، سلطه، تصرف، کنترل و نظایر آن را در بین آن‌ها می‌آفرینند (حافظ‌نیا، ۱۴۰۱: ۲۱۷).

آمایش سرزمین، زمانی می‌تواند مطلوبیت‌های مؤثری برای حوزه‌های دفاعی و استراتژیک به وجود آورد که ترکیبی از معادلات تهدیدکننده و فرصت‌زا در کنار یکدیگر قرار گیرند. زیرا امنیت به مفهوم تنظیم رابطه پویا و تغییر پاینده بین تهدیدات و فرصت‌ها است. بدون در نظر گرفتن مؤلفه‌های یاد شده و یا درک نادرست از «تهدیدات»^۲ یا «فرصت‌ها»^۳ منجر به شکل‌بندی دفاعی و امنیتی غیر مؤثری در روند تعاملات استراتژیک کشورها می‌گردد (توفیق، ۱۳۸۴).

-
1. Spatial planning (Land use planning)
 2. Threats
 3. Opportunity



در رویکرد جغرافیایی-دفاعی نقش راهبردی و حیاتی «جمعیت» به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم توسعه و برنامه‌ریزی آمایشی و دفاعی از امتیازی ویژه برخوردار است، به همین دلیل محقق در این پژوهش به دنبال شناسایی کارکرد آمایش سرزمینی در دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت است.

یکی از نکات مهم آمایش سرزمینی در ایران توجه به تهدیدهای همه‌جانبه آینده بوده و مطابق آن، رویکرد آمایش سرزمینی بیشتر توسعه محور است و به همین دلیل یکی از موارد مهمی که در آمایش سرزمینی آتی باید مد نظر قرار گیرد هم‌زمانی توسعه و امنیت در طرح‌های آمایشی با رویکرد اقتصادی-جغرافیایی و دفاعی است.

جمهوری اسلامی ایران علاوه بر شرایط خوب و ایدئال جغرافیایی که در سطح ملی و موقعیت مهم استراتژیکی و ژئوپلیتیکی در سطح منطقه و بین‌المللی دارد، هنوز نتوانسته نسبت به توزیع و استقرار جمعیت در اماکن متنوع آن از جمله جزایر راهبردی، سواحل جنوبی و جنوب شرقی و مناطق مستعد کم‌تراکم به‌ویژه در مناطق مرزی اقدامات مهم و اساسی خوبی صورت دهد. با توجه به طولانی‌ترین مرزها و تنوع جغرافیایی، قرار گرفتن نیمی از استان‌های ایران در مناطق مرزی، تعدد و تنوع کشورهای همسایه (۱۵ کشور)، تراکم کم جمعیت، وجود قومیت‌های متنوع، فقدان نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری هماهنگ و کارآمد در مناطق مرزی (عزتی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴۹) و نیز جایگاه ویژه ایران در نظریه‌های ژئوپلیتیکی، به نظر می‌رسد آمایش مناطق مرزی در ایران دارای پیشینه‌های قابل قبولی باشد. بر همین اساس توجه نداشتن به «کارکرد آمایش سرزمین در دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت»، از لحاظ سلبی (کارکردها)، پیامدهایی همچون کم‌توجهی به مسائل زیست‌محیطی و ضرورت بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی و اقتصادی با رویکرد آمایش سرزمینی، نداشتن تعادل در ساماندهی نظام اسکان جمعیت و بهبود سازمان‌دهی سلسله‌مراتبی مراکز شهری و روستایی، کم‌توجهی به سمت تهدید و نوع تهدید و همچنین توزیع نامناسب جمعیت در کشور و کم‌توجهی به اصول و ملاحظات دفاعی-امنیتی، را به همراه دارد (مطالعات گروهی دعا، ۱۴۰۲: کارکرد آمایش سرزمینی در دفاع همه‌جانبه با تأکید بر جمعیت). بنابراین در این تحقیق تلاش خواهیم

کرد تا «عوامل دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت» در دو محیط «ملی» و «فراملی» در آمایش سرزمینی مورد بررسی قرار گرفته و پاسخ مناسبی برای سؤال «کارکرد آمایش سرزمینی در دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت سرزمینی کدامند؟» بیابیم.

۱. پیشینه پژوهش

در بررسی و مطالعه پژوهش‌های انجام‌شده که به موضوع تحقیق نزدیک بودند موارد ذیل احصا گردید:

صابر رهبری و زهرا خدایی در مقاله خود (۱۳۹۹) با عنوان: «موانع و چالش‌های سرزمینی ایران»، که در اولین کنفرانس بین‌المللی معماری، عمران، محیط‌زیست و کشاورزی مطرح شد، به نتایجی از قبیل این‌که: آمایش سرزمینی مبنای طرح‌ها و برنامه‌های جامع توسعه بوده و پیونددهنده برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و فضایی یا مجموعه آنان در قالب برنامه‌ریزی جامع در مقیاس ملی و منطقه‌ای است، دست یافته‌اند. همچنین، رفع عدم تعادل‌ها و استفاده از قابلیت‌های سرزمینی یا به عبارت دیگر دستیابی به توسعه فضایی را یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام برنامه‌ریزی کشور دانسته که در همین راستا، آمایش سرزمین را به عنوان سازمان‌دهی مطلوبی به فضا در جهت نیل به اهداف و استراتژی‌های توسعه ملی متوازن نام برده‌اند.

کیومرث یزدان‌پناه درو (۱۳۹۷)، در مقاله خود با عنوان «نقش تطبیقی آمایش سرزمین در تبیین رابطه جغرافیا با توسعه: با تأکید بر نواحی خاص مرزی، ساحلی جنوب ایران» به این نتیجه رسیده است که: برنامه‌ریزی منطقه‌ای از نظر جغرافیا و فضا، وجوه مشترک فراوانی با آمایش سرزمین و نظام برنامه‌ریزی مبتنی بر این الگو دارد و در این خصوص تجارب جهانی حاصل‌شده هم حکایت از این واقعیت دارد. همچنین مناطق ساحلی و خشکی ایران در مناطق جنوبی و شرقی از نظر کارکردهای جغرافیایی از ظرفیت‌های فراوانی نسبت به همسایگان جنوبی برخوردار است. ولی فقدان راهکار آمایشی و سلطه نفوذ در مرکز قدرت تصمیم‌سازی‌های سیاسی غیر آمایشی، فرصت‌ها را تبدیل به تهدید می‌نماید. مناطق جنوبی



ایران در سرفصل جغرافیایی کاربردی ایران می‌گنجند و نیاز به یک برنامه بلندمدت ۱۵ الی ۲۰ ساله به صورت نقطه به نقطه دارند و اگر این اتفاق بیفتد توسعه خطی ساحل به خشکی در خلیج فارس معنا پیدا می‌کنند و این مستلزم اجرای نظام آمایش ساحلی است.

اسماعیل نصیری و آمنه حکیم‌زاده (۱۳۹۶)، در مقاله خود با عنوان «ارزیابی جایگاه آمایش سرزمین ایران، موانع پیش‌رو و راهبردهای عملی»، که در اولین همایش اندیشه‌ها و فناوری‌های نوین در علوم جغرافیایی، زنجان، گروه جغرافیایی دانشگاه زنجان مطرح شد به این نتیجه رسیده‌اند که: ایران دارای حدود بیش از شش دهه سابقه رسمی در برنامه‌ریزی عمرانی است و برنامه‌ریزی در این مدت تحت تأثیر شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، همواره با دگرگونی‌هایی همراه بوده و فراز و نشیب‌های بسیار زیادی داشته است. در تمام این برنامه‌ها، به مقوله استفاده متناسب از منابع طبیعی و انسانی مناطق مختلف کشور با عناوینی مانند: «طرح جامع مطالعات توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور»، «طرح آمایش سرزمین، مطالعات برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای»، «استراتژی کلی درازمدت آمایش سرزمین» و ... اشاره شده است؛ اما تقریباً بخش چشمگیری از این برنامه‌ها با موانع و چالش‌هایی مواجه بوده‌اند که گاه این برنامه‌ها را از هدف اصلی خود دورنگه داشته است. لذا برای عملی شدن این راهبردها، آسیب‌شناسی طرح‌های آمایش سرزمین، چه در مرحله تهیه چه در مرحله اجرا و نظارت به محقق شدن اهداف برنامه‌های توسعه بسیار کمک می‌کند. همچنین دستیابی به الگویی بهینه از تقسیم کار تخصصی بین مناطق، اصلاح نظام سکونت‌گاهی، بازنگری در اهداف و سیاست‌های فضایی توسعه ملی متناسب با تحولات بیرونی و تعامل و استفاده مطلوب از این تحولات و ایجاد سازوکارهای ارزیابی و نظارت بر تحولات توسعه فضایی کشور و ... از جمله مهم‌ترین مواردی هستند که در سیاست‌ها و اقدام‌های آمایش سرزمین مورد توجه بایستی قرار گیرند.

علی سعیدی و بشیر کلاری (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «ملاحظات دفاعی امنیتی در آمایش مناطق مرزی مطالعه موردی (جزایر هرمز، هنگام و لارک)»، که در فصلنامه جغرافیای نظامی و امنیتی منتشر شد، به این نتایج دست یافته‌اند که: افزایش ضریب امنیتی با توسعه،

ساخت و ایمن سازی تأسیسات زیر بنایی، تفرقه پایگاه ها و شناورهای دریایی، استفاده از منابع طبیعی و جغرافیایی در سواحل، دو سویه بودن نگاه به توسعه پایدار مناطق مرزی که در چارچوب آمایش مناطق مرزی صورت می گیرد، ایجاد، ساخت و ایمن سازی تأسیسات زیربنایی در مناطق ساحلی تنگه هرمز و این جزایر در مقابل تهدیدات، لزوم طراحی، ساخت و تجهیز تأسیسات مربوطه در این جزایر به نحوی که با حداقل امکانات، حداکثر مقاومت در زمان بحران را داشته باشد و ... در آمایش جزایر (هرمز، هنگام و لارک) با توجه به ملاحظات دفاعی و امنیتی ضروری است.

فریبا زمانی (۱۳۸۸) در مقاله اش با عنوان «اهمیت جمعیت شناسی در برنامه ریزی های آمایش سرزمین (با تأکید بر مطالعه مهاجرت های استانی)» که در شماره ۶۹ و ۷۰ فصلنامه جمعیت منتشر شد، به نتایج زیر دست یافته است؛ توزیع تصادفی فرصت ها، امکانات و منابع در پهنه مناطق و تشدید ناموزونی های توسعه در سطح منطقه ای و در نهایت در سطح توسعه پایدار به دلیل مورد توجه قرار نگرفتن سند آمایش سرزمین و برنامه ریزی فضایی بر مبنای آمایش سرزمین یا تقسیم کار منطقه ای بین نواحی و در پی آن بی توجهی و غفلت از امکانات، فرصت ها و ظرفیت ها، که محدودیت ها و تنگناهایی را بدون در نظر گرفتن نیازهای منطقه ای، در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به همراه دارد.

پیشینه ها هرچند با تحقیق حاضر در ارتباط هستند و در موضوع آمایش سرزمینی و دفاع جغرافیایی تشابهاتی را به همراه دارد ولی متغیرهای این موضوع را مورد بررسی قرار نداده و هیچ یک از آن ها به شناسایی «عوامل دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت» نپرداخته است. تحقیق حاضر ضمن شناسایی عوامل دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت، به الگوی راهبردی و در سطح کلان در خصوص آمایش دفاع سرزمینی کشور جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات جغرافیای طبیعی پرداخته و نوآوری تحقیق شامل: برقراری ارتباط بین آمایش سرزمینی و دفاع جغرافیایی و شناسایی عوامل دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت است.



۲. مفهوم‌شناسی

آمایش سرزمینی: توزیع متوازن و هماهنگ جغرافیایی کلیه فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی در پهنه سرزمین نسبت به قابلیت‌ها و منابع طبیعی و انسانی را آمایش سرزمین می‌گویند. (مطالعات گروهی دعا «کارکرد آمایش سرزمینی در دفاع همه‌جانبه با تأکید بر جمعیت»، ۱۴۰۲: ۲۲). همچنین آمایش سرزمین به‌عنوان طرح و برنامه‌ای راهبردی، مهم‌ترین و پایه‌ترین جهت‌گیری توسعه بلندمدت به منظور بازشناسی و بازنمایی‌ها و ایجاد تعامل مطلوب بین عناصر سه‌گانه انسان، فضا، فعالیت و چگونگی چیدمان منطقی و ممکن آن بر سرزمین است (توفیق، ۱۳۸۴: ۱۴).

دفاع: همان تدابیری است که برای مقاومت در مقابل حملات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و یا فناوری دشمن یا دشمنان اتخاذ می‌شود (کیانی، ۱۳۹۹: ۱۷).

دفاع همه‌جانبه: آماده‌سازی و به‌کارگیری همه سرمایه‌های انسانی، امکانات مادی و معنوی به‌منظور پیشگیری و مقابله با هر نوع تهدید و تهاجم دشمنان خارجی و داخلی (شمس دولت‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۸).

جغرافیا^۱: جغرافیا علم بررسی عوارض کره زمین، اوضاع طبیعی و سیاسی کشورها و چگونگی زندگی اقوام و ملل و سایر موجودات است (فرهنگ عمید). جغرافیا علم مطالعه فضای سه‌بعدی به‌عنوان زیستگاه سازه‌های انسانی و ابنای بشر در مقیاس‌های مختلف محلی تا فراسیاره‌ای است که به‌مثابه سیستمی برخوردار از ساختار و کارکرد، مرکب از عناصر طبیعی، انسانی و مصنوعی درهم‌تنیده و مرتبط با هم تشکیل می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۴۰۱: ۲۱۶). جغرافیای انسانی: شاخه‌ای از علم جغرافیا که به بررسی پراکندگی جوامع انسانی، نظام سیاسی و فعالیت اقتصادی آن‌ها می‌پردازد.

جغرافیای طبیعی: شاخه‌ای از علم جغرافیا که به بررسی پدیده‌های طبیعی مانند؛ دریاها، رودها، کوه‌ها و سنگ‌ها می‌پردازد (مطالعات گروهی دعا «کارکرد آمایش سرزمینی در دفاع

همه‌جانبه با تأکید بر جمعیت»، ۱۴۰۲: ۳۶). جغرافیای سیاسی: روابط متقابل بین جغرافیا و سیاست و پدیده‌های ناشی از آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۳: ۲). جغرافیای نظامی: یکی از شاخه‌های علوم جغرافیایی است که اثرات عوامل طبیعی، فرهنگی (انسانی) و زیست‌محیطی را بر سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های نظامی و عملیات رزمی و پشتیبانی در سطح‌های جهانی، منطقه‌ای و محلی و به‌طور کلی تأثیر عوامل جغرافیایی در حرکت‌های نظامی را بررسی می‌کند و از سوی دیگر بخشی از علوم نظامی است که با ویژگی‌های محیط و منطقه عملیات در ارتباط است و به‌کارگیری روش تجزیه و تحلیل جغرافیایی، برای مسائل نظامی را دربر می‌گیرد (صفوی، ۱۳۸۷: ۴۷).

دفاع جغرافیایی: تدابیری است که برای مقاومت زیستگاه‌های انسانی، اقوام و ملل، وضعیت طبیعی و سیاسی کشور در مقابل حملات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و یا فناوری دشمن یا دشمنان اتخاذ می‌شود (کانون خبرگی، مطالعات گروهی دعا، ۱۴۰۲). جمعیت: به کلیه کسانی که به‌طور مستمر در یک واحد جغرافیایی (کشور، استان، شهرستان، شهر یا روستا) به‌صورت خانوار و خانواده زندگی می‌کنند، جمعیت گفته می‌شود (تقوی، ۱۳۸۸: ۳).

۳. روش‌شناسی

این پژوهش از نوع کاربردی-توسعه‌ای و از نظر ماهیت توصیفی-اکتشافی بوده و با تکیه بر روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی و مطالعه اسناد و مدارک و مصاحبه تخصصی با خبرگان مرتبط با حوزه آمایش سرزمینی و جغرافیای طبیعی انجام شد. روش تجزیه و تحلیل در این پژوهش کیفی و کمی است که ضمن مطالعه اسناد و مقالات و همچنین اخذ نظرات و آرای خبرگان و صاحب‌نظران از طریق مصاحبه با سؤالات نیمه‌ساختاریافته شاخص‌های هر مؤلفه احصا و درنهایت در این تحقیق تمامی سؤالات اصلی و فرعی مورد تجزیه و تحلیل و تفسیر قرار گرفته و نتایج در گروه کانونی مورد غنی‌سازی و فشرده‌سازی شده است. با توجه به تخصصی بودن موضوع تحقیق و محدودیت وجود صاحب‌نظران، خبرگان و کارشناسان



متخصص در حوزه آمایش سرزمینی، جغرافیای طبیعی و جمعیتی در سطح نیروهای مسلح و دستگاه‌های کشوری و مراکز دانشگاهی، جامعه خبرگی برای مصاحبه با ویژگی‌های زیر به تعداد ۳۰ نفر تعیین شده است:

- ❖ دارای سابقه خدمت در مشاغل راهبردی و سطوح عالی؛
- ❖ دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد به بالا و با سابقه پژوهشی و آموزشی؛
- ❖ انجام کار مطالعاتی در حوزه آمایش سرزمینی و دفاع همه‌جانبه (جامعه خبرگی)؛
- ❖ داشتن اشرافیت با موضوعات راهبردی مرتبط با جنگ، تهدید، ژئوپلیتیک و جغرافیا.

۴. محیط‌شناسی

موقعیت جغرافیایی هر کشور با سیاست خارجی آن پیوند خورده است. ملت‌های آسیب‌پذیر معمولاً از موقعیت حائل بین قدرت‌های بزرگ‌تر برخوردارند. ایران در تاریخ دو قرن اخیر خود بین دو قدرت بحری و بری (انگلیس و آمریکا از سوی جنوب و شوروی از سوی شمال) واقع شده بود، برهمین اساس به صورت صحنه رقابت‌های سیاسی قدرت‌های مزبور درآمده بود، به طوری که تاریخ سیاسی معاصر کشور ایران، محصول کنش‌های سیاسی داخلی و خارجی که عمدتاً متأثر از موقعیت جغرافیایی آن بوده است (حافظ‌نیا، ۱۴۰۱: ۳۲۴).

الف: موقعیت جغرافیایی ایران در محیط فراملی: ایران کشوری پهناور در خاورمیانه و از حساس‌ترین کشورهای منطقه در نظام بین‌المللی است. موقعیت جغرافیایی ایران ترکیبی از موقعیت‌های چندگانه گذرگاهی، حائل، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیکی است. ترکیب موقعیت‌های فوق، وضعیتی ممتاز، حساس و درعین‌حال خطرناک را ایجاد کرده است. این وضعیت از یک سو متضمن امنیت، ثبات و توسعه اقتصادی است و از طرف دیگر دربردارنده ناامنی، بی‌ثباتی و عقیم‌گذاشتن فرصت‌ها و ظرفیت‌ها است (نوذری، ۱۳۹۶: ۱۷۳). ایران طولانی‌ترین و مناسب‌ترین سواحل را در کرانه شمالی خلیج فارس دارد و پل ارتباطی سه قاره آسیا، آفریقا و اروپاست و از موقعیت ارتباطی مناسب در سطح منطقه و جهان برخوردار است. بنابراین هر نوع واقعه‌ای که در این قاره‌ها رخ می‌دهد و یا روابط سیاسی،

نظامی، اقتصادی و فرهنگی بین این سه قاره به گونه‌ای بر ایران تأثیر خواهد گذاشت (حسن پور، ۱۴۰۱: ۷۸). اهمیت ژئوپلیتیک خلیج فارس در جنوب ایران نیز به خاطر سه عامل موقعیت راهبردی، بازار صدور کالا و تجهیزات نظامی و وجود ذخایر نفت و گاز است. گذرگاه هرمز، علاوه بر نقش نظامی پراهمیتی که دارد، با پیدایش استراتژی انرژی، در ژئوپلیتیک نفت، به مهره بدون جایگزین تبدیل شده است. همچنین جزایر واقع در خلیج فارس به خصوص جزایر سه گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی که به طور کلی در اختیار ایران است (عزتی، ۱۳۹۷: ۱۷۷). ایران علاوه بر دسترسی به آب‌های آزاد از جنوب، از شمال نیز به دریاچه مازندران راه دارد که این دریاچه هم از طریق کانال وُلگا-دُن با آب‌های آزاد مرتبط است. این راه‌آبی از نظر حمل و نقل دارای محدودیت‌های خاص خود و از نظر سیاسی در محدوده فدراسیون روسیه قرار دارد و عبور از آن مستلزم هماهنگی سیاسی و پرداخت عوارض عبوری است. ایران به همراه چین و پس از جمهوری فدراتیو روسیه، رکورددار تعداد همسایه در جهان است. کشورهای اطراف ایران در شمار دولت ملت‌های بسیار ناپایدار تا ناپایدارند (سلیمانی سوادکوهی، ۱۳۹۷: ۱۰۸).

کشور ایران سومین کشور پهناور آسیای جنوب غربی و دارای عمق راهبردی است. وسعت نسبتاً زیاد و شکل خاص سرزمین ایران موجب گردیده انواع شکل‌های مختلف در مرزهای مشترک با همسایه‌ها (مرزهای محدب، مقعر، آب‌خاکی) وجود داشته باشد. ایران در تقسیم‌بندی هندسی کشورها، از جمله کشورهای دایره‌ای است که نقش فوق‌العاده‌ای در سرنوشت سیاسی و کیفیت اعمال قدرت مرکزی در پهنه کشور دارد. از طرفی در توزیع و تراکم جمعیت به منظور کیفی بخشی آن برای تولید در صنایع و کشاورزی مناسب به نظر می‌رسد و می‌تواند در مقابل حملات احتمالی ساده‌تر مقاومت کند (حسن پور، ۱۴۰۱: ۹۸).

ب: موقعیت جغرافیایی ایران در محیط ملی: کشور ایران (هجدهمین کشور جهان از نظر وسعت) در نیمه جنوبی منطقه معتدل شمالی است. حدود ۹۰ درصد از خاک کشور در محدوده فلات ایران واقع شده است. سرزمین ایران به طور کلی کوهستانی و نیمه خشک بوده و میانگین ارتفاع آن بیش از ۱۲۰۰ متر از سطح دریاست. بیش از نیمی از مساحت کشور را



کوه‌ها و ارتفاعات، یک‌چهارم آن را دشت‌ها و کمتر از یک‌چهارم دیگر آن را نیز زمین‌های در دست‌کشت تشکیل می‌دهند. پست‌ترین نقطه داخلی با ارتفاع ۵۶ متر در «چاله لوت» و بلندترین آن «قله دماوند» با ارتفاع ۵۶۱۰ متر در میان رشته‌کوه البرز قرار دارد. فلات داخلی ایران بخشی از سرزمین‌های داخلی کشور است که شبکه آب‌های آن به دریا‌های آزاد راه نداشته و به حوضه‌های بسته و گودال‌های داخلی می‌ریزند. فلات داخلی ایران از نظر ترتیب ناهمواری‌ها توسط کوه‌ها و برجستگی‌های منفردی از یکدیگر جدا شده و به حوضه‌های بسته‌ای تقسیم می‌شود. این شکل از تیپ ناهمواری و چگونگی پیدایش آن قابلیت زراعی بسیاری از حوضه‌های بسته داخلی را کاهش داده و فعالیت‌های کشاورزی را فقط به دشت‌های پای کوهی محدود می‌سازد (مطالعات گروهی داغا «کارکرد آمایش سرزمینی در دفاع همه‌جانبه با تأکید بر جمعیت»، ۱۴۰۲: ۷۲).

ناهمواری‌های کوهستانی ایران شامل سیستم‌های کوهستانی البرز و زاگرس و کوه‌های شرقی ایران هستند. سیستم کوهستانی البرز هرچند که از نظر زمین‌شناسی به واحدهای متعددی تقسیم می‌شود؛ اما از نظر هیدروژئوگرافی (آب‌نگاری) از دو بخش آبریز فلات داخلی و آبریز دریای خزر تشکیل شده است. به دلیل مشکلات ارتباطی و فقدان زمین‌های کشاورزی که فقط به محدوده کناری رودخانه‌ها یا دامنه‌های کم شیب محدود می‌شود شهرنشینی در نواحی کوهستانی البرز هنوز به شکل طبیعی تکوین نیافته است و فقط به مراکز کوچکی که برخی خدمات شهری را به عهده دارند محدود می‌گردد و مراکز سکونت‌گاهی پایدار فقط در دره‌ها قرار دارند. برخلاف دامنه‌های جنوبی، دامنه‌های شمالی البرز یعنی آن بخش که متوجه دریای خزر است، پوشیده از گیاه بوده و باوجود شیب تند دامنه‌ها بازهم رویش گیاهی خود را دارا هستند و از دخل و تصرف شدید انسانی به‌دور نگه‌داشته شده‌اند. سیستم کوهستانی زاگرس نیز از نظر هیدروژئوگرافی خصوصیتی نظیر البرز را دارد. زاگرس غربی به دلیل دریافت بارش بیشتر از پوشش گیاهی غنی‌تری برخوردار است، جبهه شرقی زاگرس به نسبت خشک‌تر بوده ولی به دلیل دارا بودن ارتفاع زیاد و پوشیده بودن از برف منبع تغذیه آب‌های سطحی و زیرزمینی و دامنه‌های آن چراگاه‌های تابستانی قابل توجهی دارد. کوه‌های

زاگرس به دلیل خصوصیات ساختمانی رشته‌رشته‌ای خود از دره‌های تنگ و باریک زیادی تشکیل شده است. نواحی شرقی ایران به دلیل حاشیه‌ای خود هرچند که از توان‌های اقتصاد معدنی و حتی کشاورزی قابل توجهی برخوردار است جزو نقاط محروم و غیرفعال کشور محسوب می‌گردد. کانون‌های شهری فقط در نقاطی شکل گرفته‌اند که از پس‌کرانه زراعی نسبتاً وسیعی برخوردار بودند.

حدود ۵۵ درصد سطح ایران را کوه فراگرفته و ۴۵ درصد آن را جلگه‌ها و دشت‌های پهناور و دریاچه‌ها و بیابان‌ها و نمکزارهای متعدد زیرپوشش قرار داده‌اند. آب‌وهوای کوهستان دارای مشخصاتی است که تابع هیچ قانونی نیست. تغییرات شدید درجه حرارت، بادهای، فقدان محل برای استقرار واحدها و غیره همگی مستلزم احتیاط است. چنان‌که مرز بین دو کشور را ارتفاعات تشکیل دهند تفوق با کشوری است که قله مرتفع‌تر را در اختیار دارد، زیرا در چنین صورتی بر معابر موجود در آن ناحیه مسلط خواهد بود (عزتی، ۱۳۷۳: ۲۶).

ناهمواری‌های تیپ ساحلی در دو بخش شمال و جنوب کشور قرار دارند. ساختمان زمین‌شناسی، جنس خاک و هیدروژئوگرافی آن‌ها به شدت متأثر از کوه‌های مجاور آن‌هاست. رودخانه‌هایی که در این زمین‌های ساحلی جریان دارند بیشتر از کوه‌های مجاور سرچشمه می‌گیرند. جلگه‌های گیلان و جلگه‌های غربی و شرقی از پرتراکم‌ترین کانون‌های جمعیتی ایران محسوب می‌شوند. (مطالعات گروهی دعا «کارکرد آمایش سرزمینی در دفاع همه‌جانبه با تأکید بر جمعیت»، ۱۴۰۲: ۷۵).

مهم‌ترین واحد جغرافیایی و ناهمواری ساحلی جنوب چه از نظر وسعت و چه ارزش اقتصادی، جلگه خوزستان است. دومین واحد ناهمواری ساحلی در جنوب کشور و در حاشیه خلیج فارس زمین‌های واقع در فاصله رود زهره تا بندرعباس است. برخلاف خوزستان زمین‌های واقع در این قسمت فاقد قابلیت چشمگیر کشاورزی است. از همین رو تراکم فعالیت‌های انسانی در این بخش از دیگر زمین‌های ساحلی کمتر است.

دو کانون سیاسی اقتصادی واقع در این محور یعنی بوشهر و بندرعباس براساس تقویت‌های ناشی از اقتصاد تزریقی (مرکز استان) و به دنبال آن اهمیت یافتن نقش بندرگاهی



در راستای یک کانون فعال در حرکت‌اند. سومین واحد ناهموازی ساحلی کشور که چه از نظر سیاست ناحیه‌ای و چه از نظر بازرگانی خارجی اهمیت دارد، «سواحل مکران» از بندرعباس تا خلیج گواتر است و از نظر بندرگاهی، اقتصادی و نظامی در بهترین موقعیت استراتژیکی قرار دارد. از نظر جغرافیایی سواحل جنوبی ایران بدون توجه به عوامل محدودکننده آب‌وهوایی به دلایل متعدد سیاسی فضایی اقتصادی از محورهای مهم فعالیت در سیاست اجرایی کشور می‌تواند به شمار آید. براساس طبقه‌بندی اقلیمی جهان که توسط «کوپن» انجام گرفته است، ایران در منطقه اقلیمی خشک و اقلیم بیابانی قرار دارد. آب‌وهوای ایران مانند آب‌وهوای بیشتر کشورهای جهان تحت تأثیر عوامل اقلیمی مانند دوری و نزدیکی به دریا، ارتفاع، عرض جغرافیایی و دیگر ویژگی‌های و عناصر اقلیمی از قبیل دما بارش میزان رطوبت، فشار هوا و باد است. شرایط طبیعی ایران به گونه‌ای است که در منطقه بین نواحی استوایی و معتدله قرار دارد. عوامل مؤثر بر توزیع و پراکندگی جمعیت ایران به شرح ذیل است: عوامل طبیعی، اقلیم، عرض جغرافیایی منابع آبی، اثر توپوگرافی و شکل زمین، نقش منابع معدنی و انرژی‌زا، عوامل جغرافیای انسانی.



شکل ۱: توزیع جغرافیایی جمعیت در ایران (سازمان آمار ایران، دوم شهریورماه ۱۳۹۵)

۵. مبانی جغرافیایی قدرت ملی

سرچشمه‌ها و پایه‌های قدرت ملی از عوامل مختلفی تشکیل می‌شود. بخشی از عوامل و سرچشمه‌های قدرت از ماهیت جغرافیایی برخوردارند. از همه مهم‌تر اینکه خصائص جغرافیایی غالباً نقش بنیادین را در شکل‌گیری سایر عناصر قدرت نظیر قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی بازی می‌کنند. از این رو از اهمیت خاصی در بررسی و تحلیل قدرت ملی یک کشور برخوردارند. برخی تا آنجا پیش می‌روند که نه تنها عوامل جغرافیایی را که در تولید قدرت به شکل مستقیم یا غیرمستقیم مؤثرند مورد توجه قرار می‌دهند، بلکه بازتاب‌ها و تأثیرات قدرت را بر فضا نیز مورد مطالعه قرار می‌دهند. بر همین اساس جغرافیا را علمی که درباره قدرت بحث می‌کند می‌دانند. آن‌ها جغرافیا را تنها محصول طبیعت نمی‌دانند بلکه آن را حاصل کشمکش تاریخی بین قدرتمندان می‌دانند که از قدرت برای سازمان‌دهی، اشغال، کنترل و اداره فضا بهره‌برداری می‌کنند. با ملاحظه الگوهای مختلفی که از سوی صاحب‌نظران و دانشمندان مختلف درباره عوامل متغیرهای تأثیرگذار بر قدرت ملی ارائه شده است، به‌طور مشخص بر موارد زیر در ارتباط با جغرافیا تأکید شده است:

۱. موقعیت جغرافیایی شامل: موقعیت استراتژیکی، موقعیت ژئوپلیتیکی و همسایگان، موقعیت ارتباطی، موقعیت اقلیمی و ...؛
۲. وسعت، شکل، کیفیت فضا، توپوگرافی، عوارض درونی و پیرامونی کشور؛
۳. بنیادهای زیستی شامل: آب، خاک، پوشش گیاهی و سایر منابع زیستی و غذایی؛
۴. منابع زیرزمینی شامل: منابع انرژی و منابع معدنی اعم از استراتژیک و غیراستراتژیک؛
۵. جمعیت و ملت، وضع کمی و کیفی، پراکندگی و نیروی انسانی (حافظ‌نیا، ۱۴۰۱: ۳۲۴).



۶. جایگاه جمعیت در اقتدار ملی و دفاع همه‌جانبه

اصولاً قدرت ملی متأثر از «جمعیت» است. چه از لحاظ کمی و چه از لحاظ کیفی. ولی امروز مسئله «کیفیت» نقش اساسی را بازی می‌کند. چنانچه در مباحث ژئوپلیتیک مدام به این نکته اشاره داریم که در بین عوامل مؤثر در تفکرات ژئوپلیتیک مهم‌ترین عامل «انسان» است، انسان کیفی که از مهارت عینی و ذهنی برخوردار باشد. البته ما نمی‌خواهیم به‌طور کلی جمعیت را از لحاظ کمی نفی نماییم، بلکه نکته مهم آهنگ رشد جمعیت است که بیانگر قدرت ملی است (عزتی، ۱۳۸۶: ۲۷). بنابراین تنها جمعیتی عامل اقتدار و امنیت منطقه محسوب می‌شود که ساخت و ترکیب و توزیع مناسب و جوان و سرمایه انسانی مناسب و پویا داشته باشد (علی‌ی، ۱۳۹۴: ۱۱۲).

برخی دیگر از مؤلفه‌های جمعیتی در ساختار جغرافیایی عبارتند از:

۱. بُعد کمی جمعیت: هرچند جمعیت زیاد به‌نوبه خود می‌تواند موجبات ضعف یک کشور را فراهم کند و از سویی دیگر پیشرفت‌های تکنولوژیک در عرصه جنگ‌ها توانسته است نقش جمعیت را در دفاع کاهش دهد، ولی همچنان کشورهای پرجمعیت جزو کشورهای قدرتمند جهان شناخته می‌شوند. به‌عبارتی به جمعیت زیاد در کنار سایر عوامل به‌عنوان عامل قدرت نگریسته می‌شود. در جنگ‌های مدرن تعداد افراد جمعیت کشور نه‌تنها از جنبه تولید نیروی نظامی متشکل و فعال اهمیت دارد بلکه به‌عنوان پشتیبان نیروهای نظامی و تکیه‌گاه قدرتمند ارتش ملی در دفاع از خانه و کاشانه، تجهیز ارتش و تغذیه آن و بسیج ملت اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. برهمن اساس دولت‌ها علاقه‌مند هستند تا از افزایش نسبی جمعیت، گروه‌بندی سنی، میزان باروری خالص، نسبت واقعی تولد به متولدین مورد انتظار برای حفاظت از پایداری جمعیت کشور مراقبت نمایند و تحولات کمی جمعیت کشور خود را مدیریت کنند (حافظ‌نیا، ۱۴۰۱: ۲۴۱).

۲. ساختار سنی جمعیت (ترکیب جمعیت): معمولاً ساختار سنی جمعیت در سه گروه جمعیت کمتر از ۱۵ سال، جمعیت بین ۱۵ تا ۶۴ سال و جمعیت ۶۵ سال و بیشتر مورد

بررسی قرار می‌گیرد. بی‌تردید میانگین سنی جمعیت بین ۱۵ تا ۶۴ سال، بهترین کارایی را برای کشور به‌همراه دارند. بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی کشور توسط این گروه سنی انجام می‌شود و بیشترین افراد در گروه‌های سنی ۱۵ تا ۶۴ سال، نتایج بسیار خوبی را برای تولید قدرت ملی کشور ارائه می‌دهند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۵۵).

۳. میزان باسوادی: هر چه که انسان‌ها از مهارت و تخصص بیشتری برخوردار باشند، اهداف بلندتری را دنبال خواهند کرد و می‌توانند منابع قدرت کشور باشند. وجود این افراد خبره و کارآمد در زمینه اقتصادی، به رشد و پیشرفت کشور کمک شایانی خواهد کرد.

۴. وضعیت فعالیت و اشتغال: اشتغال در بخش‌های کلان اقتصادی از جمله؛ کشاورزی، صنعت و خدمات باعث پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور خواهند شد.

۵. الگوی پخش جمعیت: جمعیت در سطح سیاره زمین به‌طور متعادل پخش نیست. با توجه به الگوی نامتعادل پخش جمعیت در سطح فضای یک کشور که مبین بی‌عدالتی جغرافیایی و اجتماعی در دسترسی به منابع و فرصت‌های توسعه و نیز تبدیل کشور به دو فضای مرکز و پیرامون است و خطر بروز کشمکش و تضادهای درون ملی را به‌دنبال دارد، دولت‌ها مدعی هستند که سعی می‌کنند از طریق اتخاذ سیاست‌های آمایشی و توزیع متعادل‌تر منابع و فعالیت در پهنه سرزمین، نسبت به توزیع متعادل‌تر جمعیت و تحقق عدالت جغرافیایی در آن اقدام کنند و از توسعه قطب‌های سرطانی توسعه در کنار مکان‌ها و فضاها عقب‌مانده پیشگیری نمایند. البته برنامه‌ها و سیاست‌های آمایشی تلاش می‌کنند تا به الگوی متعادل‌تری از پخش جمعیت، منابع و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی در پهنه سرزمین برسند و از این طریق فرصت‌های توسعه را در جهت حذف بی‌عدالتی جغرافیایی، به‌صورت متعادل‌تری در سطح کشور منتشر نمایند تا امکان دسترسی بیشتر به فرصت‌های مساوی توسط شهروندان و سکنه سرزمین فراهم آید (حافظ‌نیا، ۱۴۰۱: ۲۴۵).



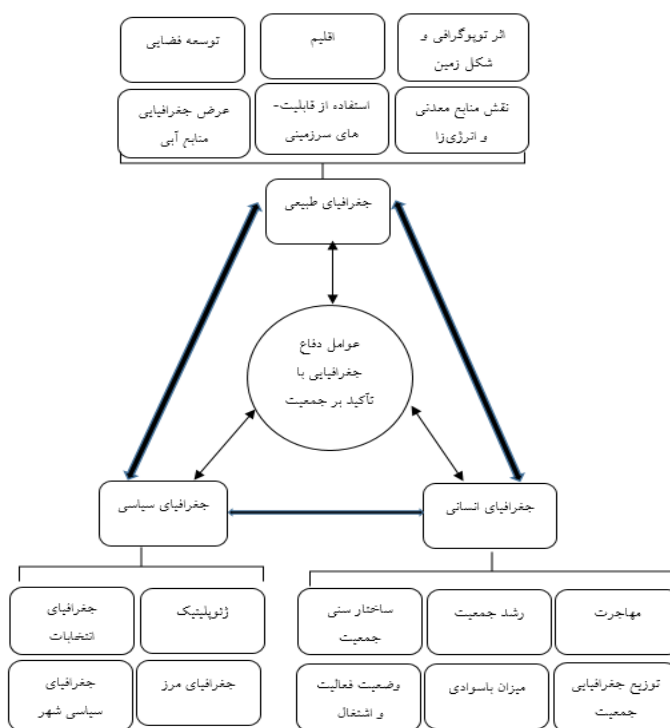
۶. حرکات جمعیت (مهاجرت): یکی از جنبه‌های حرکت جمعیت میزان رشد طبیعی آن است که تحت تأثیر متغیرهایی نظیر تولد، مرگ‌ومیر، ازدواج و طلاق رخ می‌دهد و تعداد جمعیت کشور را زیاد و کم می‌نماید. جنبه دیگر حرکت جمعیت جابجایی مکانی یا مهاجرت است که در دو مقیاس داخلی (درون کشوری) و خارجی (بین‌المللی) رخ می‌دهد. مهاجرت نیز تعداد جمعیت مکان و فضای جغرافیایی را کم‌وزیاد می‌نماید و بازتاب‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی را در مکان و فضا به همراه دارد. مهاجرت‌ها همان‌طور که ممکن است به ضعف اقتصادی مبدأ مهاجرت و تقویت اقتصادی مقصد مهاجرت از طریق تأثیرگذاری بر روی نیروی کار و بازار مصرف کمک نمایند، می‌توانند از طریق عوارض اجتماعی- اقتصادی و نیز بسته به نوع جامعه مهاجرفرست و مهاجرپذیر به تقویت اقتصادی مبدأ و تضعیف مقصد کمک نمایند.

۷. شاخه‌های تخصصی جغرافیای سیاسی

۱. «ژئوپلیتیک»: یکی از شاخه‌های تخصصی جغرافیای سیاسی است که درباره موضوع و مفهوم آن طیفی از دیدگاه‌های متفاوت مطرح شده است. از دید حافظ نیا تعریف علمی ژئوپلیتیک در قالب یک مفهوم ترکیبی تبیین‌پذیر است که در آن سه عنصر اصلی جغرافیا، قدرت و سیاست خصلت ذاتی دارند. ترکیب سه متغیر جغرافیا، قدرت و سیاست و پدیده‌ها و الگوهای رفتاری گروه‌های متشکل انسانی را نسبت به یکدیگر تعیین می‌کنند که آن‌ها را در کنش‌های رفتاری مختلف همانند نوسان قدرت، رقابت، همگرایی، واگرایی، نفوذ، بحران، سلطه، زیر سلطه، ائتلاف، صلح، همکاری، جنگ، امنیت، آرامش و ثبات، بازرگانی و دادوستد و غیر آن می‌توان پی گرفت.
۲. «جغرافیای انتخابات»: طی چند دهه اخیر جغرافیای انتخابات به عنوان زیرمجموعه دانش جغرافیای سیاسی کندوکاو گسترده‌ای در قلمرو مفاهیم دموکراسی، مشارکت، خاستگاه آراء، وزن مکانی حوزه‌های انتخاباتی، نقش مکان‌ها و ... داشته است.

۳. «جغرافیای مرز»^۱: تا اوایل دهه ۱۹۶۰ که جغرافیای سیاسی تحت تأثیر مطالعات کالبدی واحدهای سیاسی به‌ویژه کشور قرار داشت موضوع کشمکش‌های مرزی توجه زیادی به خود جلب کرده بود.

۴. «جغرافیای سیاسی شهر»^۲: جغرافیای سیاسی شهر به بررسی کارکرد نهادها، سازمان‌ها و جنبش‌های اجتماعی در شکل‌گیری مناسبات فضایی شهر می‌پردازد. فرایندها و پیامدهای فضایی برخاسته از تعامل میان سه عنصر سیاست، شهروندان و شهر را بررسی می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱).



نمودار ۱: مدل مفهومی عوامل دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت



۸. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

در این پژوهش به منظور تبیین دقیق علل و عوامل مهم مؤثر بر کارکردهای آمایش سرزمینی در دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت و پاسخ به سؤال: «کارکرد آمایش سرزمینی در دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت چیست؟» علاوه بر مطالعه ادبیات و بررسی اسناد و مدارک علمی، حجم نمونه‌ای از جامعه خبره در حوزه آمایش سرزمینی و جغرافیای طبیعی انتخاب و با طرح گویه‌های مرتبط با پژوهش، نقطه نظرات آنان احصا و مورد تجزیه و تحلیل آماری (توصیفی و استنباطی) قرار گرفت. روش تجزیه و تحلیل در این پژوهش کیفی و کمی است که ضمن مطالعه اسناد و مقالات و همچنین اخذ آرای خبرگان و صاحب‌نظران از طریق مصاحبه شاخص‌های هر مؤلفه احصا و در نهایت تمامی سؤالات اصلی و فرعی مورد تجزیه و تحلیل و تفسیر قرار گرفته است. پس از احصای عامل‌های حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه با صاحب‌نظران، طی جلسات خبرگی با کارشناسان و متخصصان حوزه‌های نظامی و جغرافیای طبیعی و با بررسی عامل‌های احصاء شده حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه با خبرگان، عامل‌های شناسایی شده حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌ها ادغام و در نهایت، عوامل دفاع جغرافیایی مبتنی بر جمعیت، ۲۴ عامل تعیین که ۱۸ عامل در محیط ملی و ۶ عامل در محیط فراملی، به شرح ذیل تعیین شد که با روش نشست خبرگی مبتنی بر تعداد و تکرار گویه‌ها از سوی مصاحبه‌شوندگان تعیین و میزان اهمیت هر یک از عوامل با استفاده از طیف لیکرت تعیین و میزان اهمیت عامل‌ها در ستون مربوطه درج گردید. در همین راستا، عوامل دفاع جغرافیایی مبتنی بر جمعیت در سه بخش: جغرافیای انسانی، جغرافیای طبیعی و جغرافیای سیاسی تقسیم‌بندی شده است. براساس تجزیه و تحلیل به عمل آمده و به استناد به نظر خبرگان عوامل مؤثر بر بُعد جغرافیای طبیعی در دو محیط ملی و فراملی به شرح زیر تفسیر می‌گردد:

جدول ۱: اولویت عوامل جمعیت مؤثر بر دفاع جغرافیایی در محیط ملی

ردیف	عامل	میزان اهمیت عامل
۱	طراحی نقشه (ساخت و بافت) شهری	۴/۵
۲	وضعیت نقش‌های ارتباطی	۴/۵
۳	اجرای مکان‌یابی و جایگزینی شهرها	۴/۴
۴	تدوین برنامه‌ریزی‌های زیربنایی شهر	۴/۳
۵	وجود الگوی پراکنش و توزیع فضایی شهرها	۴/۳
۶	مکان‌یابی نوشهرها	۴/۳
۷	توسعه فیزیکی سکونت‌گاه‌های شهری و تعیین سمت توسعه آن‌ها	۴/۱
۸	فلات‌ها، کوه‌ها و تپه‌ها، چاله‌ها و دره‌ها، دشت‌های مسطح (پدیلین)، دشت‌های پایکوهی، جلگه‌ها و سواحل، ارتفاع و شیب زمین، رودخانه‌ها و مسیل‌ها و ...	۴/۱
۹	نوع شهرها	۴
۱۰	توجه به واحدهای ژئومورفولوژی	۳/۹
۱۱	استقرار و پیدایش شهرها براساس واحدهای ژئومورفولوژیک	۳/۸
۱۲	تعداد سیل، زمین‌لغزه، ریزش‌های سنگی و ...	۳/۷
۱۳	شاخص اقلیم دفاعی در مکان‌گزینی شهرها	۳/۷
۱۴	نوع محیط طبیعی	۳/۶
۱۵	وضعیت مناطق خشک و کویری	۳/۵
۱۶	وضعیت مناطق جنگلی	۳/۴
۱۷	وضعیت اماکن خوش آب‌وهوا و سهل‌الوصول در اطراف مرزها و داخل کشور	۳/۳
۱۸	وضعیت اماکن صعب‌العبور و کوهستانی در اطراف مرزها و داخل کشور	۳/۲
	میانگین بُعد جغرافیای طبیعی در محیط ملی	۳/۹



۱. عامل «وضعیت اماکن صعب‌العبور و کوهستانی در اطراف مرزها و داخل کشور» برای گسترش جمعیت مناسب نیست و به‌عنوان عوارض پدافندی در اطراف مرزها محسوب می‌شوند و میزان تأثیرگذاری آن ۶۴ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۲. عامل «وضعیت اماکن خوش آب‌وهوا و سهل‌الوصول در اطراف مرزها و داخل کشور» باعث تجمع جمعیت برای زندگی می‌گردد و میزان تأثیرگذاری آن ۶۶ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۳. عامل «وضعیت مناطق جنگلی» محلی برای سکونت و یا عدم سکونت جمعیت است و میزان تأثیرگذاری آن ۶۸ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۴. عامل «وضعیت مناطق خشک و کویری» به‌عنوان عوارض پدافندی و دفاعی محسوب می‌شود و میزان تأثیرگذاری آن ۷۰ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۵. عامل «توجه به واحدهای ژئومورفولوژی» باعث شناخت بیشتر از عوارض طبیعی می‌گردد و میزان تأثیرگذاری آن ۷۸ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۶. عامل «استقرار و پیدایش شهرها براساس واحدهای ژئومورفولوژیک» از عوامل مهم جغرافیایی است و میزان تأثیرگذاری آن ۷۶ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۷. عامل «تعداد سیل، زمین‌لغزه، ریزش‌های سنگی و ...» در زندگی شهری و فعالیت‌های شهروندان مؤثر است و میزان تأثیرگذاری آن ۷۴ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۸. عامل «تدوین برنامه‌ریزی‌های زیربنایی شهر» میزان تأثیرگذاری آن ۸۶ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.

۹. عامل «اجرای مکان‌یابی و جایگزینی شهرها» در ارگانیزم جابجایی جمعیت شهر و غیره نقش انکارناپذیری دارد و تأثیرگذاری آن ۸۸ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۱۰. عامل «توسعه فیزیکی سکونت‌گاه‌های شهری و تعیین سمت توسعه آن‌ها» بر توسعه فیزیکی سکونت‌گاه‌های شهری و تعیین سمت توسعه آن‌ها مؤثر است و میزان تأثیرگذاری آن ۸۲ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۱۱. عامل «وجود الگوی پراکنش و توزیع فضایی شهرها» باعث نقش‌پردازی در الگوی پراکنش و توزیع فضایی شهرها، حوزه نفوذ و ارتباط نقاط شهری می‌گردد و میزان تأثیرگذاری آن ۸۶ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۱۲. عامل «طراحی نقشه (ساخت و بافت) شهری» از عوامل مهم جغرافیایی است و میزان تأثیرگذاری آن ۹۰ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۱۳. عامل «فلات‌ها، کوه‌ها و تپه‌ها، چاله‌ها و دره‌ها، دشت‌های مسطح (پدپلین)، دشت‌های پایکوهی، جلگه‌ها و سواحل، ارتفاع و شیب زمین، رودخانه‌ها و مسیل‌ها و ...» از جمله عمده‌ترین واحدهای ژئومورفولوژی و ناهمواری‌ها هستند و میزان تأثیرگذاری آن ۸۲ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۱۴. عامل «نوع شهرها» در میزان رشد جمعیت مؤثر است و میزان تأثیرگذاری آن ۸۰ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۱۵. عامل «مکان‌یابی نوشهرها»، براساس یک سری انگیزه‌ها، ملاک‌ها و همپارهای خاص و به‌منظور رفع نیازمندی‌های زمان انجام می‌گردد و میزان تأثیرگذاری آن ۸۶ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۱۶. عامل «وضعیت نقش‌های ارتباطی» از مهم‌ترین انگیزه‌های جایگزینی شهرها در ناهمواری‌های خاص است و تأثیرگذاری آن ۹۰ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.



۱۷. عامل «نوع محیط طبیعی» در میزان تراکم جمعیت مؤثر بوده و میزان تأثیرگذاری آن ۷۲

درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.

۱۸. عامل «شاخص اقلیم دفاعی در مکان گزینی شهرها» تأثیر جمعی هم‌زمان کلیه عوامل

مؤثر بر احساس آسایش را یکجا نشان می‌دهند و میزان تأثیرگذاری آن ۷۴ درصد بر

دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.

جدول ۲: اولویت عوامل جمعیت مؤثر بر دفاع جغرافیایی در محیط فراملی

ردیف	عامل	میزان اهمیت عامل
۱	نقش امنیتی، دفاعی و نظامی واحدهای ژئومورفیک	۴/۲
۲	استقرار کشور در منطقه خاورمیانه	۴/۲
۳	خصیصه ذاتی ایران و مخاطرات محیطی	۴/۱
۴	استقرار کشور در منطقه هارتلند	۴/۱
۵	میزان دسترسی به آب‌های آزاد و بین‌المللی	۴/۱
۶	نقش‌های اقتصادی	۴
	میانگین بعد جغرافیای طبیعی در محیط فراملی	۴/۱

۱. عامل «خصیصه ذاتی ایران و مخاطرات محیطی» باعث شکنندگی منطقه گردیده و میزان

تأثیرگذاری آن به میزان ۸۲ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط فراملی مؤثر

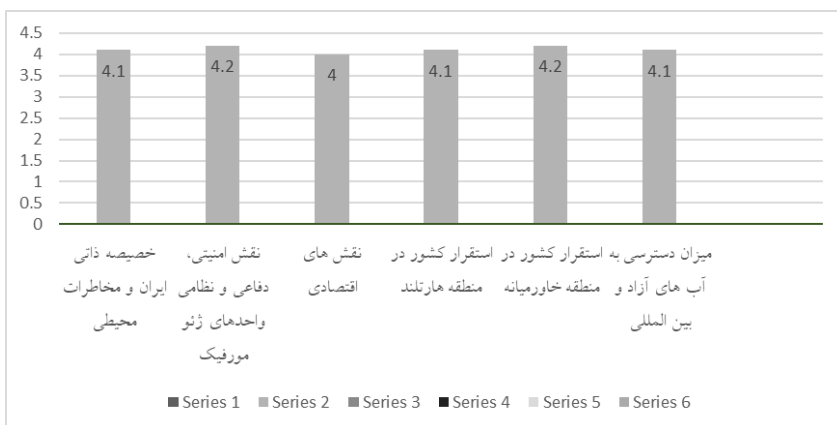
است.

۲. عامل «نقش امنیتی، دفاعی و نظامی واحدهای ژئومورفیک» همواره موردتوجه هستند

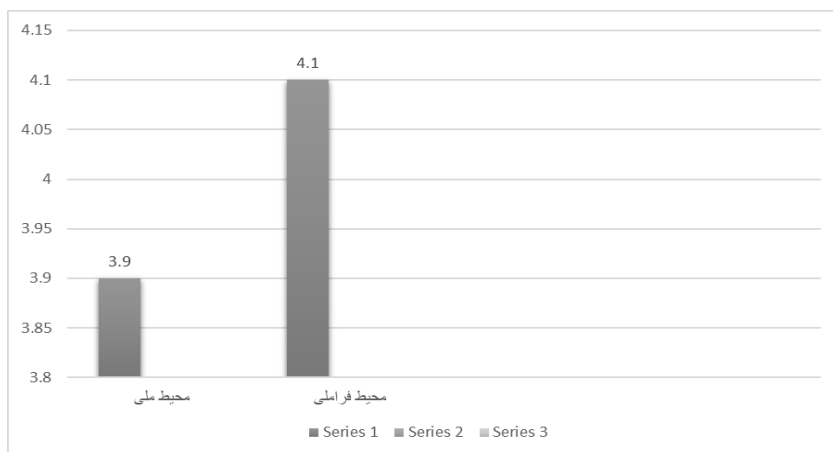
و میزان تأثیرگذاری آن به میزان ۸۴ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط فراملی

مؤثر است.

۳. عامل «نقش‌های اقتصادی» در تغییر پتانسیل‌های اقتصادی و معیشتی مؤثر بوده و میزان تأثیرگذاری آن به میزان ۸۰ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط فراملی مؤثر است.
۴. عامل «استقرار کشور در منطقه هارتلند» موقعیت ویژه‌ای برای کشور ایجاد کرده و میزان تأثیرگذاری آن به میزان ۸۲ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط فراملی مؤثر است.
۵. عامل «استقرار کشور در منطقه خاورمیانه» همواره دارای منازعه و رقابت‌های منطقه‌ای و نیز مورد توجه قدرت‌های بزرگ و فرا منطقه‌ای بوده و میزان تأثیرگذاری آن به میزان ۸۴ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط فراملی مؤثر است.
۶. عامل «میزان دسترسی به آب‌های آزاد و بین‌المللی» باعث رونق اقتصادی و ... می‌شود و از سویی با حضور نظامی باعث اقتدار ملی کشور می‌شود و میزان تأثیرگذاری آن به میزان ۸۲ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط فراملی مؤثر است.



نمودار ۲: ضریب اهمیت عوامل بُعد جغرافیایی در محیط فراملی



نمودار ۳: مقایسه میانگین ضریب اهمیت عوامل بُعد اقتصادی در محیط های ملی و فراملی

نتیجه گیری و پیشنهاد

از آنجایی که ابعاد و مؤلفه های دفاع جغرافیایی بسیار وسیع است، لذا در این تحقیق به شناسایی عوامل دفاع جغرافیایی در دو محیط ملی و فراملی پرداخته شده است.

۱. عامل جمعیت، مهم‌ترین رکن در دفاع جغرافیایی است و توزیع مناسب آن در آمایش سرزمینی ایران، در کنار تقویت حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و ... باعث تقویت حوزه دفاعی و نظامی است.
۲. آمایش سرزمین به‌منظور ایجاد رابطه منطقی بین توزیع جمعیت و انجام فعالیت‌ها در پهنه سرزمین با توجه به ویژگی‌های فضایی مناطق کشور است.
۳. برنامه‌ریزی آمایش با بررسی و مطالعه خصوصیات و ویژگی‌های کلی فضای جامعه و بازیافت قابلیت‌ها در نواحی مختلف راه‌حلی برای ایجاد توزیع مناسب الگوهای توسعه و استقرار فعالیت‌های موردنظر اجتماعی، فرهنگی، دفاعی و ... در جامعه مطرح می‌کند.
۴. باتوجه به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در منطقه، توجه به آمایش سرزمین علاوه بر مناطق داخلی، در نواحی ساحلی و جزایر باعث تقویت استراتژی نظامی و دکترین دفاعی آن می‌شود.

پیشنهادهای پژوهش

- ✓ سازمان پدافند غیرعامل کشور به‌عنوان متولی دفاع غیرنظامی با بهره‌گیری از نتایج این تحقیق، نسبت به لحاظ نمودن موارد احصا شده در دفاع غیرنظامی کشور اقدام نماید.
- ✓ برنامه‌ریزی برای توزیع جمعیت مناسب در مناطق سواحل جنوبی و جنوب‌شرقی کشور و استفاده از موقعیت‌های مهم و ژئوپلیتیکی آن مناطق توسط مبادی مربوطه صورت پذیرد.
- ✓ وزارت امور خارجه ج.ا.ایران به‌منظور تعامل با کشورهای همسایه در جهت رفع مشکلات آبی و مشکلات زیست‌محیطی از نتایج این تحقیق در بخش دفاع جغرافیایی استفاده نماید.
- ✓ از طریق مراکز علمی و دانشگاهی توسط محققین، نسبت به موضوعات مرتبط با کارکرد آمایش سرزمین در دفاع (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ...) با تأکید بر



جمعیت به‌ویژه در مناطق ساحلی و جنوبی کشور کار پژوهشی و علمی صورت گیرد.

✓ نسبت به احصای نواقص و محدودیت‌های مرتبط با آمایش سرزمینی ج.ا.ایران و ارائه راهکارهای اثربخش، فعالیت‌های پژوهشی و علمی صورت گیرد.

فهرست منابع

- اخباری، محمد؛ فخری، سیروس و همکاران (۱۴۰۰)، *تدوین و تبیین اصول و ملاحظات دفاعی-امنیتی مؤثر در طرح‌های توسعه ملی*، مرکز مطالعات راهبردی آجا، گروه مطالعاتی تحولات ساختاری، سازمانی و آمایشی.
- پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۶۵)، *تعریف مفهوم و دیدگاهی تازه از جغرافیا*، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱.
- تقوی، نعمت‌الله، (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی*، نشر آیدین.
- توفیق، فیروز (۱۳۸۴)، *مؤلفه‌ها و ویژگی‌های توان نظامی مؤثر بر آمایش دفاع سرزمینی در مقابله با تهدیدات نظامی*، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال بیستم، شماره ۸۰.
- توفیق، فیروز (۱۳۸۴)، *آمایش سرزمین*، تجربه جهانی و انطباق آن با وضع ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
- جوان، جعفر (۲۰۰۶)، *جغرافیای جمعیت ایران*، مشهد: جهاد دانشگاهی.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۹۳)، *رویکردی جدید به تاریخ پیدایش و بنیان‌گذار جغرافیای سیاسی در جهان*، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دهم، شماره اول.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۴۰۱)، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، انتشارات پاپلی، چاپ چهارم.
- حسن‌پور، حمید (۱۴۰۱)، *طرح راهبردی ارتقای وزن ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر خلیج فارس و دریای عمان*، رساله دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی.
- دری نورگورانی، حسین و همکاران (۱۳۹۸)، *مقاله طراحی راهبردهای دفاع اقتصادی برگرفته از رهنمودها و اسناد ابلاغی مقام معظم رهبری*، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال هفدهم، شماره ۷۶.
- رهبری، صابر؛ خدایی، زهرا (۱۳۹۹)، *موانع و چالش‌های سرزمینی ایران*، انتشار در اولین کنفرانس بین‌المللی معماری، عمران، محیط زیست و کشاورزی.
- زمانی، فریبا (۱۳۸۸)، *اهمیت جمعیت‌شناسی در برنامه‌ریزی‌های آمایش سرزمین (با تأکید بر مطالعه مهاجرت‌های استانی)*، فصلنامه جمعیت، شماره ۶۹.



- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۳)، *مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی ایران*، تهران: دفتر برنامه ریزی منطقه‌ای، دو کتاب (۴ جلد).
- سعیدی، علی؛ کلاری، بشیر (۱۳۹۳)، *ملاحظات دفاعی امنیتی در آمایش مناطق مرزی، مطالعه موردی (جزایر هرمز، هنگام و لارک)*، فصلنامه جغرافیای نظامی و انتظامی.
- سلیمانی سوادکوهی، شاهرخ (۱۳۹۷)، *ژئوپلیتیک ایران عاملی برای توسعه قدرت ملی و تهدیدی مستمر در طول تاریخ*، انتشارات دافوس آجا.
- شریف‌زادگان، محمدحسین؛ رضوی دهکردی، سید امیر (۱۳۸۹)، *ارزیابی فرایند برنامه‌ریزی آمایش سرزمین در ایران و راهکارهای بهبود آن*، فصلنامه علوم محیطی سال هفتم، شماره ۴.
- شمس دولت‌آبادی، سید محمود؛ ادریسیان، محمد (۱۳۹۷)، *تدوین راهبردهای دفاع همه‌جانبه در حوزه فرهنگی*، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال شانزدهم، شماره ۷۴.
- صفوی، رحیم؛ جمشیدی، مهدی (۱۳۸۷)، *تأثیر ویژگی‌های ژئوپلیتیکی عشایر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۳۱ و ۳۲.
- عزتی، عزت‌الله؛ خضری، محمدحسن؛ نیک‌فرجام، محبوبه (۱۳۹۰)، *تحلیلی بر هیدروپلیتیک شرق ایران*، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، شماره ۱، دوره ۴.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۷)، *ژئوپلیتیک*، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات سمت.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۳)، *ژئواستراتژی و قرن بیست و یکم*، تهران: انتشارات سمت.
- عظیمی بلوریان، احمد (۱۳۸۸)، *مفهوم آمایش سرزمین در برنامه‌ریزی توسعه: خاستگاه‌ها، سیر تکاملی و تجربه ایران*، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- علیئی، محمدولی (۱۳۹۴)، *نقش جمعیت و سیاست‌های جمعیتی در استحکام ساخت درونی قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران*، مجله آفاق امنیت، شماره ۲۸، دوره ۸.
- کیانی، سورنا (۱۳۹۹)، *مفهوم‌شناسی دفاع، بازدارندگی، دشمن و دفاع همه‌جانبه از دیدگاه قرآن کریم*، انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
- مؤمنی، مصطفی (۱۳۸۲)، *اشاره‌ای به خصلت میان‌دانشی آمایش سرزمین و جایگاه آن در جغرافیا (قسمت سوم)*، مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره ۶۴.

- نوذری، فضل‌الله (۱۳۹۶)، *تأثیر عوامل طبیعی و انسانی کشورهای حوزه دریای عمان بر تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، دانشگاه عالی دفاع ملی، سال پانزدهم، شماره ۶۷.
- نصیری هندخاله، اسماعیل؛ حکیم‌زاده، آمنه (۱۳۹۶)، *ارزیابی جایگاه آمایش سرزمین ایران، موانع پیش‌رو و راهبردهای عملی*، اولین همایش اندیشه‌ها و فناوری‌های نوین در علوم جغرافیایی زنجان.
- یزدان‌پناه درو، کیومرث (۱۳۹۷)، *نقش تطبیقی آمایش سرزمین در تبیین رابطه جغرافیا با توسعه با تأکید بر نواحی خاص مرزی، ساحلی جنوب ایران*، فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، سال هشتم، شماره ۳.

References

- Matthews, John A. & David T. Herbert (2004), *Unifying Geography, Common Heritage, Shared Future*, Routledge, London and New York.



Environmental Determinants Affecting the Islamic Republic of Iran Broadcasting (IRIB) in Confronting Social Media Warfare

Seyyed Morteza Mousavian

Assistant Professor of Strategic Management, Faculty of Social Sciences, Media and Communication, University of Religions and Denominations, Qom, Iran

Hossein Sari

PhD Graduate in Strategic Management, Supreme National Defense University, Tehran, Iran

Saeed Alavi Vafa

PhD Graduate in Strategic Management, Supreme National Defense University, Tehran, Iran

Alireza Maghsoudi

PhD Candidate in Strategic Management, Supreme National Defense University, Tehran, Iran

Email: maghsoodia41@gmail.com

Abstract

This study examines the environmental factors influencing the Islamic Republic of Iran Broadcasting (IRIB) in confronting social media warfare. In today's rapidly evolving communication environment, where social media platforms exert a profound influence on public opinion and societal discourse, IRIB the principal official media organization of the Islamic Republic of Iran faces unprecedented challenges and opportunities. Drawing upon theoretical foundations derived from Islamic teachings, including Qur'anic verses and narrations, and employing strategic analytical frameworks such as SWOT analysis, this research identifies the organization's strengths, weaknesses, opportunities, and threats. Notably, these factors were not derived solely from theoretical inquiry but were extracted through in-depth interviews with national media and strategic management experts. The identified factors were subsequently reviewed, evaluated, and refined through an interactive validation process involving the same experts, thereby enhancing the scientific rigor and credibility of the findings. The results indicate that IRIB's effectiveness in the complex arena of social media warfare depends on comprehensive strategic planning, intelligent foresight, effective utilization of both potential and existing domestic media capacities, and the establishment of operational and content-based coordination among relevant institutions. Ultimately, the study proposes a set of strategic and practical recommendations that provide a roadmap for strengthening IRIB's resilience against emerging cyber-media threats and for sustaining and enhancing its media authority.

Keywords: Islamic Republic of Iran Broadcasting (IRIB), Media Warfare, Social Media, SWOT Analysis, Media Strategy, Public Opinion, Media Security



عوامل مؤثر محیطی سازمان صداوسیما در برابر جنگ رسانه‌های اجتماعی

سید مرتضی موسویان

استادیار مدیریت استراتژیک، دانشکده علوم اجتماعی، رسانه و ارتباطات، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران

حسین ساری

دانش‌آموخته دکتری مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

سعید علوی وفا

دانش‌آموخته دکتری مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

علیرضا مقصودی

دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

Email: maghsoodia41@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی عوامل محیطی مؤثر بر سازمان صداوسیما در مواجهه با جنگ رسانه‌های اجتماعی می‌پردازد. در دنیای امروز که شبکه‌های اجتماعی به سرعت در حال گسترش هستند و تأثیر چشمگیری بر افکار عمومی و فضای ارتباطی جامعه دارند، سازمان صداوسیما به عنوان مهم‌ترین رسانه رسمی جمهوری اسلامی ایران، با چالش‌ها و فرصت‌های بی‌سابقه‌ای روبه‌روست. این مقاله با تکیه بر مبانی نظری مستخرج از آیات و روایات و با بهره‌گیری از چهارچوب‌های راهبردی نظیر تحلیل SWOT، به شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید پیرامون سازمان پرداخته است. نکته مهم اینجاست که این عوامل نه صرفاً بر مبنای مطالعات نظری، بلکه از طریق مصاحبه‌های عمیق با خبرگان رسانه‌ای و مدیریتی کشور استخراج شده‌اند و سپس در فرایندی تعاملی، توسط همان خبرگان مورد ارزیابی و اصلاح قرار گرفته‌اند تا از دقت و اعتبار علمی بیشتری برخوردار شوند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که موفقیت سازمان صداوسیما در نبرد پیچیده رسانه‌های اجتماعی، نیازمند برنامه‌ریزی راهبردی، آینده‌نگری هوشمندانه، بهره‌برداری از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل رسانه‌های داخلی، و ایجاد هماهنگی عملیاتی و محتوایی میان نهادهای ذی‌ربط است. در نهایت، مقاله با ارائه مجموعه‌ای از راهبردها و پیشنهادات اجرایی، نقشه راهی برای توانمندسازی سازمان در برابر تهدیدات نوظهور فضای مجازی ترسیم می‌کند و راهکارهایی برای حفظ و تقویت مرجعیت رسانه‌ای آن ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: صداوسیما، جنگ رسانه‌ای، رسانه‌های اجتماعی، راهبرد رسانه‌ای، افکار عمومی، امنیت رسانه‌ای

مقدمه

در دنیای معاصر، رسانه‌های اجتماعی به یکی از مهم‌ترین ابزارهای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و شکل‌دهی به نگرش‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تبدیل شده‌اند. این پدیده به‌ویژه در مواجهه با سازمان‌های رسانه‌ای رسمی، چالش‌ها و فرصت‌های متعددی را ایجاد کرده است. سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان رسانه رسمی کشور، نقشی کلیدی در مدیریت افکار عمومی و مقابله با تهدیدات رسانه‌ای ایفا می‌کند. مطابق با اسناد بالادستی و راهبردهای کلان نظام، صداوسیما نه تنها مسئولیت تنظیم مقررات صوت و تصویر در فضای مجازی را بر عهده دارد، بلکه موظف است در برابر جنگ رسانه‌های اجتماعی، که امروزه به اوج خود رسیده است، رویکردی فعال و هوشمندانه اتخاذ کند. این جنگ رسانه‌ای، با بهره‌گیری از فناوری‌های نو ظهور، الگوریتم‌های پیچیده و شبکه‌های اجتماعی جهانی، به تهدیدی جدی برای امنیت ملی و انسجام فرهنگی بدل شده است. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف تحلیل عوامل محیطی مؤثر بر توانمندی صداوسیما در مواجهه با این تهدیدات طراحی شده است. شناخت دقیق فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌رو و تدوین راهبردهای عملیاتی مؤثر، نه تنها می‌تواند به تقویت مرجعیت رسانه‌ای ملی کمک کند، بلکه نقش تعیین‌کننده‌ای در مدیریت بحران‌های رسانه‌ای و ارتقای امنیت فرهنگی جامعه خواهد داشت.

۱. مبانی نظری

بر هیچ‌کس پوشیده نیست که ما در عصر حاضر و شرایط حساس کنونی با یک تهاجم و جنگ حقیقی و سازمان‌یافته از طرف دشمنان مواجه هستیم که از راه‌های بسیار مختلف و بسیار هنرمندانه به اجرا گذاشته شده است و هدف آن استحاله فرهنگی، بی‌ثبات‌سازی، براندازی، مهار و انزوای بین‌المللی انقلاب اسلامی است (شریفان و همکاران، ۱۳۹۷).

همان‌طور که در راهبردهای مربوط به رسانه در سند راهبردی پدافند غیرعامل کشور آمده است: «توسعه شاخص‌های امنیت، ایمنی و پایداری در برابر تهدید در شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی با گرایش به فناوری‌های بومی و ملی می‌بایست اهتمام ویژه‌ای در جهت مصون‌سازی



کشور در برابر جنگ رسانه‌های اجتماعی داشته باشد که صداوسیما در این مورد نقش کلیدی دارد» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱). سازمان صداوسیما مهم‌ترین رسانه رسمی جمهوری اسلامی ایران است. طبق اصل ۱۷۵ قانون اساسی و همچنین با عنایت به نظریه تفسیری مورخ ۱۳۷۹/۰۷/۱۰ شورای نگهبان ذیل اصول ۴۴ و ۱۷۵ قانون اساسی و ابلاغیه مقام معظم رهبری، مورخ ۱۳۹۴/۰۶/۲۲ خطاب به رئیس‌جمهور محترم مبنی بر اینکه «مسئولیت صدور مجوز و تنظیم مقررات صوت و تصویر در فضای مجازی و نظارت بر آن منحصرأ بر عهده سازمان صداوسیما» است (شورای نگهبان، ۱۳۷۹). مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۷ در حکم انتصاب اعضای حقوقی و حقیقی شورای عالی فضای مجازی تأکید نمودند: «گسترش فزاینده فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی به‌ویژه شبکه جهانی اینترنت و آثار چشمگیر آن در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی و لزوم سرمایه‌گذاری وسیع و هدفمند در جهت بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های ناشی از آن در جهت پیشرفت همه‌جانبه کشور و ارائه خدمات گسترده و مفید به اقشار گوناگون مردم و همچنین ضرورت برنامه‌ریزی و هماهنگی مستمر به‌منظور صیانت از آسیب‌های ناشی از آن اقتضا می‌کند که نقطه کانونی متمرکز برای سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در فضای مجازی کشور به وجود آید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰). با توجه به اسناد رسمی بالادستی، صداوسیما که در گذشته با محوریت سیگنال‌رسانی بر بستر امواج به ارتباط با مخاطبان خود می‌پرداخت، امروز طبق قانون، وظیفه تنظیم مقررات صوت و تصویر در فضای مجازی و بر روی رسانه‌های اجتماعی را عهده‌دار است و از همه مهم‌تر می‌بایست در زمانی که تهدیدات رسانه‌های اجتماعی به بالاترین حد خود در دهه‌های گذشته رسیده که می‌توان به آن جنگ رسانه‌های اجتماعی گفت، به نقش خود به‌عنوان تنها صداوسیمای کشور در مواجهه با این پدیده نوظهور بپردازد. کنش صداوسیما با رسانه‌های اجتماعی از آنجا اهمیت پیدا می‌کند که «وضعیت پیچیده آینده که با عدم قطعیت فراوانی روبه‌رو است، مستلزم نگاه چندبُعدی به فضای رسانه‌ای آینده است تا تمام متغیرهای محیطی و پیشران‌های نوظهور را که می‌تواند حضوری پررنگ در فضای رسانه‌ای دنیا داشته باشد، دنبال نمود.» صداوسیما نیروهایی

توانمند در اختیار دارد که به نحو مطلوب از آن‌ها برای مقابله با جنگ رسانه‌ای دشمن در فضای مجازی استفاده نمی‌کند (کیقبادی، علیرضا، ۱۳۹۸: ۵۰۳). سازمان صداوسیما امروزه به دلیل رقابتی که با رسانه‌های دیگر از جمله شبکه‌های اجتماعی در جهان دارد، برای اینکه بتواند در مقابل رقبای خود در حوزه اطلاع‌رسانی، آگاهی و مدیریت افکار عمومی موفق عمل کند، نیازمند داشتن راهبردی برای مواجهه با این جنگ رسانه‌ای است. شکل‌گیری این جنگ رسانه‌ای جدید، باعث شده است تا قابلیت پاسخ‌گویی به این تحولات امری بسیار مهم برای سازمان صداوسیما باشد. این امر می‌طلبد تا راهبردهای دقیقی اتخاذ شود تا بتواند با سرعت بیشتری رخدادها را شناسایی و برای آن برنامه‌ریزی کند، به عبارت دیگر نوع مواجهه صداوسیما با پدیده نوظهور رسانه‌های اجتماعی، مخصوصاً رسانه‌هایی که زیرساخت آن در اختیار بیگانگان است و محتوا توسط آن‌ها ضریب داده می‌شود و در مواقعی به مثابه یک جنگ تمام‌عیار رسانه‌ای محسوب می‌شود، بسیار مهم است. از این جهت می‌بایست با کمک‌گیری از پدافند غیرعامل، سازمان صداوسیما بتواند هم به رسالت خود در این جنگ رسانه‌های اجتماعی عمل کند و هم بتواند در مواجهه با آن امنیت ملی کشور، نظام حکمرانی و حفظ مرجعیت رسانه‌ای را مورد محافظت قرار دهد (کریمی‌فرد، ۱۳۹۹).

در حوزه نرم و همچنین ابهام در میزان تأثیر هرکدام از مؤلفه‌ها در ایجاد بازدارندگی همه‌جانبه برای ج.ا.ایران است. به همین جهت برای ایجاد یک بازدارندگی مؤثر که بتواند تهدیدات حوزه نرم را نیز خنثی نماید، شناسایی و بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های نرم ج.ا.ایران ضرورت دارد (عباس فلاح و همکاران، ۱۴۰۲).

۲. پیشینه پژوهش

شاداب و همکاران ۱۴۰۱ در پژوهش خود تحت عنوان رسانه‌های خبری و جنگ نرم بررسی ساختار سازمان خبری صداوسیما در مدیریت جنگ نرم ضمن بررسی مؤلفه‌های مهم و مورد نیاز ساختار سازمانی بخش‌های خبری صداوسیما، به بازشناسی ساختار خبری سازمان در برابر این جنگ رسانه‌ای پرداخته شده است. این تحقیق به شیوه کیفی، ابزار گردآوری داده‌ها،



مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و به روش نمونه‌گیری غیر احتمالی و هدفمند ۱۲ نفر از خبرگان حوزه خبر را انتخاب و در نهایت براساس تجزیه و تحلیل کیفی داده‌ها از طریق کدگذاری؛ ۸۱ گویه و ۲۱ مفهوم و ۸ شاخص استخراج گردید. نتایج تحقیق به سیاست‌گذاران حوزه خبر پیشنهاد می‌کند که مؤلفه‌های «مدیریت یکپارچه، مهارت افزایی، قطبیت رسانه‌ای، قدرت نرم رسانه‌ای، همگرایی رسانه، ادغام ساختاری، اتاق خبر حرفه‌ای، مقابله با اخبار جعلی، برون‌سپاری و درآمد پایدار» در طراحی ساختار سازمان خبری برای آرایش جدید رسانه‌ای مورد توجه قرار گیرد.

رزمجو و همکاران ۱۴۰۰ در پژوهش خود تحت عنوان راهکارهای به‌کارگیری رسانه‌های اجتماعی در بهبود فرایند مدیریت دانش سازمان صداوسیما در پژوهش خود به شناسایی راهکارهای به‌کارگیری رسانه‌های اجتماعی در بهبود فرایند مدیریت دانش سازمان صداوسیما است. از رسانه‌های اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و ویکی‌ها و از فرایندهای مدیریت دانش، اشتراک‌گذاری و به‌کارگیری دانش با توجه به اهمیت آن‌ها پرداختند. در این مسیر پس از مطالعه مبانی نظری و پیشینه تحقیق، جهت جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسش‌نامه استفاده گردید و پس از آن در محیط رسانه ملی و با حضور ۲۰ تن از نخبگان دانشگاهی و خبرگان رسانه‌ای با انجام سه دور روش دلفی ۳۰ راهکار شناسایی شد که به سه دسته راهکارهای مدیریتی، انگیزشی و ابزاری تقسیم می‌شوند.

مولایی و همکاران ۱۴۰۰ در پژوهش خود با عنوان آینده‌پژوهی عوامل مؤثر بر فعالیت سازمان صداوسیما در اینترنت (در افق ۱۴۰۴)، از روش «پویش محیط» بهره گرفتند؛ هدف تحقیق، شناسایی عوامل کلیدی در محیط رقابت، نیروهای پیشران در محیط خارجی و عناصر روندگونه و عدم قطعیت‌ها است. برای انجام پویش محیط، دو مدل «پست» برای تحلیل محیط دور و مدل «پورتر»، برای تحلیل محیط رقابت، استفاده شده است. این عوامل، با نظرات خبرگان، شامل مدیران سازمان صداوسیما و کارشناسان حوزه‌های مرتبط - براساس دو معیار اهمیت و عدم قطعیت - امتیازدهی شدند. مرور منابع نظری و تجربی داخلی و خارجی، مطالعات مرتبط پیشین و برگزاری جلسات هم‌اندیشی بین پژوهشگران - با

بهره‌گیری از الگوهای پویا محیط - منجر به شناسایی ۵۹ عامل شد. با رتبه‌بندی عوامل، مهم‌ترین روندها و عناصر نسبتاً پیش مشخص آینده مؤثر بر فعالیت سازمان صداوسیما و عدم قطعیت‌های اصلی در افق ایران ۱۴۰۴ مشخص شدند. در موضوعاتی از جمله برخورداری از نیروی انسانی کارآمد و توانمند، جایگاه کسب و کارهای مبتنی بر فاوا در اقتصاد ایران و ... معرفی شدند. در میان عدم قطعیت‌های کلیدی، از ۱۰ مورد اول، ۶ مورد در محیط دور و ۴ مورد در میان عوامل محیط رقابت تعریف شده‌اند که نشان‌دهنده آینده‌ای پیچیده و رقابتی است و امکان کنترل کامل آن وجود ندارد. در نهایت، لازم است سازمان صداوسیما آمادگی برای رویارویی با آینده را کسب کند، در همین راستا پیشنهادهایی در این پژوهش، مطرح شده است.

پاکدل و همکاران ۱۳۹۹ در پژوهش خود تحت عنوان تبیین چالش‌های سازمان صداوسیما در فضای مجازی (تدوین راهبردهای مناسب برای معاونت فضای مجازی این سازمان) نشان دادند، چالش‌های سازمان صداوسیما به دو دسته: چالش‌های کنونی و چالش‌های آتی تقسیم‌بندی و برای هر دسته از این چالش‌ها نیز راهکارهای مختص به خود ارائه شده است. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد نقاط قوت و فرصت‌های معاونت فضای مجازی از نقاط ضعف و تهدیدات آن بیشتر است که در نهایت راهبردهای تهاجمی، مناسب‌ترین راهبردها برای این معاونت تشخیص و پیشنهاد شده‌اند.

همچنین عرفانی و همکاران ۱۴۰۰ در پژوهش خود با هدف ارائه راهبردهای مناسب در مواجهه با جنگ نرم رسانه‌ای توسط رسانه‌های داخلی جهت کاهش اثرات و پیامدهای آن نشان دادند که بین عملکرد رسانه‌ها، فرصت‌های محیطی و تهدیدات محیطی و اتخاذ راهبرد مناسب در زمینه جنگ نرم رسانه‌ای ارتباط معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، با بهبود عملکرد رسانه‌های داخلی و آگاهی و شناخت آن‌ها از فرصت‌ها و تهدیدات محیطی، آن‌ها راهبردهای مناسب‌تری در زمینه جنگ نرم رسانه‌ای اتخاذ نموده‌اند و بالعکس. علاوه بر این، نتایج بخش کیفی پژوهش بیانگر آن است که از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، بهره‌گیری بهینه رسانه‌های داخلی از مزیت استقرار در داخل کشور و به تبع آن اطلاع یافتن سریع از اخبار و



صحت و سقم آن، اهمیت دادن بیشتر به تحلیل اخبار، توجه بیشتر به سبک زندگی در سطح رسانه‌های داخلی، تقویت روحیه مردم، هشدار و انذار به مسئولان توسط رسانه‌های داخلی، تقویت اعتماد عمومی، بهره‌مندی از سرعت، صحت، رعایت مصلحت، نوآوری، جذابیت و تعاملی بودن به عنوان راهبردهای مناسب برای مقابله با جنگ نرم رسانه‌ای دشمن می‌بایست در دستور کار رسانه‌های داخلی و دستگاه‌های مسئول قرار گیرد.

همچنین محمد محمدی ثانی بیدختی ۱۴۰۰ در رساله خود تحت عنوان ارائه چهارچوب مفهومی برای آرایش رسانه‌ای نامتقارن سازمان صداوسیما در عرصه جنگ رسانه‌ای در پژوهش خود ۷ مؤلفه کلی نبردهای نامتقارن در سه بُعد نرم‌افزاری، سخت‌افزاری و نیروی انسانی، همچنین ۱۳ قاعده کلی برای پیروزی طرف ضعیف‌تر در یک نبرد نامتقارن ارائه کرده است؛ همچنین به کمک مصاحبه با کارشناسان ۴۱ راهکار عملیاتی و مصداقی برای موفقیت سازمان صداوسیما در عرصه نبرد نامتقارن رسانه‌ای استخراج گردیده است.

رأس و همکاران ۲۰۱۸ در پژوهش خود با عنوان تأثیر اعتماد سازمان‌های خبری و فعالیت رسانه‌های اجتماعی بر جذب مخاطب نشان دادند سازمان‌های خبری به‌طور فزاینده‌ای از رسانه‌های اجتماعی برای دسترسی به مخاطبان خود با هدف جلب توجه و تعامل آن‌ها با اخبار استفاده می‌کنند. با توجه به کاهش مستمر نرخ اشتراک و اعتماد مخاطبان به رسانه‌های خبری، درک عوامل مؤثر در روابط خود با مخاطب برای سازمان‌های خبری ضروری است. نتایج نشان‌دهنده تأثیر قابل توجه یک سازمان خبری و سطح فعالیت توئیتر بر تعامل خبری مخاطبان آن است.

بویوک ازکان و همکاران ۲۰۱۹ در پژوهش خود با عنوان تجزیه و تحلیل SWOT یکپارچه با روابط ترجیحی چندگانه: انتخاب عوامل استراتژیک برای رسانه‌های اجتماعی در این مطالعه، از نظرات کارشناسان برای شناسایی عوامل SWOT ABC در رسانه‌های اجتماعی استفاده شد. یافته‌ها مدل ارزیابی پیشنهادی دارای چهار گروه اصلی است، یعنی نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها، تهدیدها، که تحت آن‌ها ۱۷ عامل شناسایی می‌شوند. در نتیجه ارزیابی‌ها، فرصت تماس با تعداد زیادی از کاربران به‌طور هم‌زمان با هزینه مقرون‌به‌صرفه

بالاترین سطح اهمیت را در بین سایر عوامل دارد. استراتژی‌های جایگزین براساس نتایج به‌دست‌آمده توسعه داده می‌شوند. اصالت-ارزش: تصمیم‌گیرندگانی که پیشنهادها یا ایده‌های متفاوتی دارند، می‌توانند ترجیحات خود را در قالب‌های مختلف بیان کنند. از تکنیک روابط ترجیحی چندگانه برای ترکیب ارزیابی‌های مختلف استفاده می‌شود.

۳. مفهوم‌شناسی

جنگ رسانه‌های اجتماعی: جنگ رسانه‌ای اجتماعی به استفاده استراتژیک از پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی، تضعیف نهادها و ایجاد ناآرامی‌های اجتماعی اطلاق می‌شود. این نوع جنگ شامل انتشار اطلاعات نادرست، پروپاگاندا و تلاش برای کنترل روایت‌های عمومی است (مایکل اربشلو، ۱۴۰۰).

عوامل محیطی مؤثر بر سازمان‌های رسانه‌ای (صداوسیما): عوامل محیطی شامل تمامی نیروها و شرایط بیرونی هستند که بر عملکرد و تصمیم‌گیری‌های سازمان‌های رسانه‌ای تأثیر می‌گذارند. این عوامل می‌توانند سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فناوری و قانونی باشند (شاداب و همکاران، ۱۴۰۱).

مدل مفهومی: در این پژوهش با موضوع «عوامل مؤثر ک سازمان صداوسیما در جنگ رسانه‌های اجتماعی» با سه کلیدواژه اصلی مواجه هستیم که عبارتند از:

۱. عوامل محیطی مؤثر؛

۲. سازمان صداوسیما؛

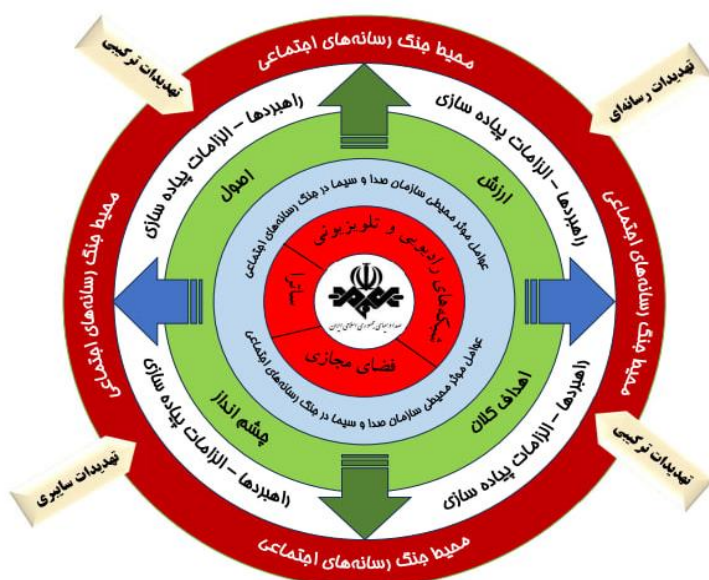
۳. جنگ رسانه‌های اجتماعی.

در این راستا و به‌منظور انجام این پژوهش ابتدا ارکان جهت‌ساز مؤثر در تحقیق که هدایت‌کننده آن و چهارچوب اصلی آن هستند با بهره‌گیری از مبانی مؤثر و اسناد بالادستی این حوزه بیان خواهد شد. سپس از طریق محیط‌شناسی با بررسی عوامل محیطی قوت‌ها و ضعف‌ها فرصت‌ها و تهدیدات) با بهره‌گیری از نظر خبرگان راهبردهای کلان موضوع احصا و برای پیاده‌سازی آن‌ها راه‌کارهای اساسی و الزامات پیاده‌سازی تدوین خواهد شد؛ برای این



منظور با بهره‌مندی از ظرفیت اسناد بالادستی بررسی شده، اصول ارزش‌ها و چشم‌انداز پژوهش در حوزه صیانت از صداوسیما در این جنگ تدوین شده و سپس بر مبنای این ارگان اصلی اهداف کلان در این حوزه استخراج می‌گردند.

راهبردهای کلان نیز هم‌سو با ارکان جهت ساز و ذیل اهداف کلان به روش علمی تدوین خواهند شد. بنابراین تلاش می‌شود تا با استفاده از ادبیات تحقیق و براساس محیط‌شناسی انجام شده در حوزه صداوسیما و رسانه‌های اجتماعی پیشنهادی متمرکز بر این موضوع بوده و از قابلیت‌های لازم به نحوی برخوردار باشند که با پیاده‌سازی آن‌ها تمامی ضرورت‌های این حوزه انجام گردد پیاده‌سازی این راهبردها نیازمند وجود اقدامات اساسی و الزامات تحقق آن‌هاست که بتواند ضرورت‌های لازم در هر بخش را تأمین نماید که این موضوعات در ادامه فرایند انجام کار و پس از تدوین راهبردها احصا خواهند شد. با این توضیح و با بهره‌مندی از فرایند ترسیم شده مدل مفهومی پژوهش در قالب الگوی زیر قابل ارائه است:



شکل ۱: الگوی مفهومی پژوهش

۴. روش‌شناسی

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت، اکتشافی و روش تحلیل داده‌ها آمیخته است، همچنین فرایند بهره‌گیری بررسی موضوع از جزء آغاز و درنهایت به کل می‌رسد (رویکرد استقرایی)، (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). برای اجرای این پژوهش، پس از تعمق در مبانی نظری و تجربی مرتبط و بررسی‌های کتابخانه‌ای موضوع پژوهش، با جامعه آماری مورد نظر (خبرگان) مصاحبه نیمه‌ساختارمند انجام شده است.

جامعه آماری: داده‌ها در این پژوهش به صورت هدفمند نمونه‌گیری شده‌اند. به این معنی که، پژوهشگر با توجه به اهداف و پرسش‌هایی که دارد، به صورت آگاهانه داده‌ها را انتخاب می‌کند. نمونه‌گیری هدفمند (قضاوت عجولانه) نوعی نمونه‌گیری غیراحتمالی که در آن واحدهایی که قرار است مشاهده شوند بر پایه قضاوت محقق درباره اینکه کدام یک از واحدها سودمندتر هستند، انتخاب می‌شوند.

۵. تجزیه و تحلیل راهبردی

سازمان‌ها و مؤسساتی که ناگزیر از رقابت و تلاش برای بقا در محیط‌های به شدت متلاطم، بی‌ثبات و در حال تغییر و تحول‌اند، برای رویارویی با عوامل و رخدادهای محیطی تأثیرگذار بر فعالیت‌های خود، با دو رویکرد و مکتب مدیریتی عمده مواجه‌اند:

۱. مکتب توصیفی انطباقی که برخوردی انفعالی و اقتضایی با این تحولات دارد؛

۲. مکتب پیش‌تدبیری که برخوردی فعال با عوامل محیطی را تجویز می‌کند.

در این مکاتب، راهبرد عبارت است از فرایند تصمیم‌گیری که طی آن عوامل درونی سازمان (ضعف‌ها و قوت‌ها) با عوامل بیرونی (فرصت‌ها و تهدیدها) به گونه‌ای با یکدیگر مرتبط می‌شوند که ارزش هر یک از آن‌ها در تحقق اهداف سازمان به خوبی مشخص می‌گردد. تجزیه و تحلیل راهبردی مرحله بسیار مهمی در فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک محسوب می‌شود. در این مرحله موقعیت سازمان برحسب قوت‌ها و ضعف‌هایی که در محیط درونی



خود دارد و فرصت‌ها و تهدیدهایی که در محیط بیرونی با آن مواجه است مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

روش تحلیل راهبردی سوات (swot) به توصیه مکتب پیش تدبیری و برای شناسایی و تدوین راهبردهای بهینه برای سازمان‌ها به کار می‌رود؛ که حاصل آن چهار دسته راهبرد است: راهبردهای قوت فرصت، ضعف فرصت، قوت تهدید و ضعف تهدید.

در تجزیه و تحلیل راهبردی سؤال این است که سازمان برای انجام رسالت و مأموریت خود در راستای چشم‌انداز ترسیم شده برای آن، در چه وضعیتی قرار دارد؟ بدین منظور، لازم است پاسخ‌های معتبر و قابل اتکایی برای پرسش‌های زیر به دست آورد:

۱. در محیط درونی سازمان برای تحقق رسالت و چشم‌انداز آن، چه توانایی‌ها و قوت‌ها (شایستگی‌های برجسته و مزیت‌های رقابتی) وجود دارد که سازمان می‌تواند به آن‌ها تکیه کند؟

۲. سازمان در محیط درونی خود با چه ناتوانی‌ها، آسیب‌پذیری‌ها (ضعف‌ها) مواجه است که مانع توفیق آن می‌شوند؟

۳. در محیط بیرون سازمان، چه فرصت‌هایی وجود دارد که برای تحقق رسالت و چشم‌انداز سازمان باید از آن‌ها بهره‌گیری کرد؟

۴. در محیط بیرونی چه تهدیدهایی وجود دارد که سازمان باید از آن‌ها دوری ورزد؟ و یا برای برخورد با آن‌ها لازم است چاره‌جویی کند؟

راهبردها با توجه به رسالت، چشم‌انداز، اهداف و سیاست‌های کلی سازمان (که قبلاً بررسی، تدوین و تصویب شده و رسمیت یافته است) و تحت تأثیر نتایج حاصل از ماتریس (SPACE) که نمای کلی وضع موجود، وضع مطلوب و موقعیت راهبردی سازمان را در دو محیط عملیاتی تعاملی (نزدیک) و زمینه‌ای (دور) در شرایط حال و آینده مشخص می‌سازد تدوین و پیشنهاد می‌شوند. با استفاده از ماتریس (SWOT)، چهار نوع یا چهار گروه از راهبردهای ممکن (WO, ST, SO, WT) به دست می‌آید:

❖ راهبردهای قوت فرصت (SO): این حالت، مطلوب‌ترین و مناسب‌ترین حالت برای سازمان است و بدین معنی است که سازمان ضمن آنکه از توانایی‌ها و نقاط قوت درخور و قابل‌اتکایی برخوردار است، در محیط تعاملی و زمینه‌ای خود نیز با فرصت‌های مناسب و گران‌بهای مواجه است؛ بنابراین، این دسته از راهبردها چگونگی به‌کارگیری توان موجود سازمان در جهت بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌های مغتنم محیطی را بیان می‌دارد.

❖ راهبردهای قوت تهدید (ST): در این حالت، سازمان هرچند از قوت‌ها و توانایی‌های قابل‌اتکایی برخوردار است ولی در محیط تعاملی و زمینه‌های خود نیز با چالش‌ها و تهدیدهای متعدد و جدی روبه‌رو است؛ بنابراین، این دسته از راهبردها چگونگی بهره‌گیری از حداکثر توان موجود برای مقابله بهینه با فشارها، چالش‌ها و تهدیدهای محیطی را ترسیم می‌کند.

❖ راهبردهای ضعف فرصت (WO): در این حالت، هرچند فرصت‌های متعدد و گران‌بهای برای سازمان در محیط فراهم است ولی از سوی دیگر ضعف‌ها و ناتوانی‌ها و آسیب‌پذیرهای جدی نیز آن در بر گرفته است.

❖ بنابراین، با استفاده از راهبردهای (WO): باید نهایت تلاش خود را برای جبران ضعف‌ها و ناتوانی‌های خود با استفاده از فرصت‌های محیطی به کار بندد.

❖ راهبردهای ضعف تهدید (WT): این حالت، بدترین، دشوارترین و مخاطره‌آمیزترین شرایط را برای فعالیت سازمان ترسیم می‌کند؛ زیرا علی‌رغم آنکه با ضعف‌ها و ناتوانی‌های متعدد و قابل‌توجهی مواجه است، در محیط‌های تعاملی یا زمینه‌ای خود نیز با فشارها، چالش‌ها و تهدیدهای گوناگونی باید مقابله نماید. ازاین‌رو، با استفاده از راهبردهای (WT) سعی می‌کند نقاط ضعف خود را به‌نوعی پوشش دهد یا آسیب‌پذیری‌های خود را از ناحیه تهدیدهای محیطی کمینه نموده، به حداقل ممکن برساند و یا در صورت امکان، خود را از گزند این آسیب‌ها و تهدیدها مصون و به دور نگاه دارد (قاضی زاده فرد، ۱۳۸۶: ۱۲).



۶. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر راهبردهای سازمان صداوسیما برای تدوین راهبرد ۵ گام به شرح ذیل انجام می‌گیرد (قابل ذکر است تدوین راهبرد در این تحقیق به شیوه دایره‌ای صورت می‌پذیرد):

❖ مرحله اول: مشخص نمودن عوامل مؤثر بر تدوین راهبرد؛

❖ مرحله دوم: تشکیل جدول IFE و EFE؛

❖ مرحله سوم: تعیین موقعیت و اقدام راهبردی؛

❖ مرحله چهارم: تشکیل ماتریس‌های زوجی؛

❖ مرحله پنجم: تعیین راهبردها و اولویت‌بندی آنها^۲.

مرحله اول: عوامل مؤثر بر تدوین راهبردهای سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران عوامل در تدوین راهبردهای صداوسیما در یک جلسه خبرگی مرکب از استادان و دانشجویان مدیریت راهبردی نظامی در دانشگاه عالی دفاع ملی، عوامل تعیین نقش شدند. نتایج به دست آمده نشانگر این است که از تعداد ۹۷ عاملی که برای تدوین راهبردهای سازمان صداوسیما در برابر جنگ رسانه‌ای احصا شده است، ۴۳ عامل ضعف، ۱۷ عامل قوت، ۷ عامل فرصت و ۳۰ عامل تهدید هستند.

مرحله دوم: تشکیل جدول IFE و EFE

❖ مرحله الف. در این مرحله ضریب اهمیت بدون توجه به وضعیت اکنون عامل، اثر آن را بر تدوین راهبردهای سازمان صداوسیما در برابر جنگ رسانه‌ای در طیف ۱ تا ۵ سنجیده می‌شود تا وزن عامل تعیین شود.

❖ مرحله ب. در این مرحله ضریب فعلی عامل بر تدوین راهبرد صداوسیما سنجیده می‌شود (قوت و فرصت بر مبنای ۲/۵ تا ۴ و ضعف و تهدید بین ۰ و ۲ نمره‌گذاری می‌شود به طوری که هرچقدر میزان عامل قوت و فرصت اثرگذاری بیشتری داشته باشد

به ۴ نزدیک تر خواهد بود و هرچقدر میزان ضعف و تهدید پررنگ تر باشد به صفر نزدیک تر خواهد بود)

❖ مرحله ج. ضریب وضعیت مطلوب سنجیده می شود که قوت و فرصت عدد ۴ و ضعف و تهدید عدد ۲ مد نظر قرار خواهند گرفت.

جدول ۱: ارزیابی محیط داخل IFE

قوت و ضعف (IFE)							
R	عوامل	ضریب اهمیت عامل بر تدوین راهبرد به طور کلی	وزن	ضریب وضعیت فعلی عامل	نرمالیزه وضعیت فعلی	ضریب وضعیت مطلوب عامل	نرمالیزه وضعیت مطلوب
S1	همگانی و در دسترس عموم آحاد جامعه	۴/۲	۰/۰۱۶	۳/۷	۰/۰۵۹	۴	۰/۰۶۴
S2	متناسب و هم سو با فرهنگ (برنامه های ویژه مناسبتی و حفظ و گسترش روح ایرانی اسلامی در اکثر تولیدات)	۴/۱	۰/۰۱۶	۳/۶	۰/۰۵۶	۴	۰/۰۶۲
S3	رعایت چهارچوب های اخلاقی برای نوجوانان و جوانان	۴/۲	۰/۰۱۶	۳/۷	۰/۰۵۹	۴	۰/۰۶۴
S4	توانمند در ایجاد اطمینان نسبی مخاطب	۴	۰/۰۱۵	۳/۱	۰/۰۴۷	۴	۰/۰۶۱
S5	زیرساخت های رسانه ای قوی	۴/۴	۰/۰۱۷	۳/۳	۰/۰۵۵	۴	۰/۰۶۷
S6	در اختیار داشتن عناصر متعدد و متنوع رسانه ای (خبرنگار، مجری، بازیگر و ...)	۴/۵	۰/۰۱۷	۳/۶	۰/۰۶۲	۴	۰/۰۶۸



قوت و ضعف (IFE)							
R	عوامل	ضریب اهمیت عامل بر تدوین راهبرد به‌طور کلی	وزن	ضریب وضعیت فعلی عامل	نرمالیزه وضعیت فعلی	ضریب وضعیت مطلوب عامل	نرمالیزه وضعیت مطلوب
S7	در اختیار داشتن سکوه‌های انتشار متنوع و امکان رفت‌وبرگشت میان آنتن و فضای مجازی	۴/۴	۰/۰۱۷	۲/۸	۰/۰۴۷	۴	۰/۰۶۷
S8	دارا بودن پتانسیل‌های رسانه‌ای متعدد از حیث تولید تا انتشار پیام	۴/۷	۰/۰۱۸	۲/۵	۰/۰۴۵	۴	۰/۰۷۱
S9	نیروی انسانی ماهر	۴/۷	۰/۰۱۸	۳	۰/۰۵۴	۴	۰/۰۷۱
S10	استفاده از منابع با ارزش و دارای صرفه اقتصادی	۴/۶	۰/۰۱۷	۲/۸	۰/۰۴۹	۴	۰/۰۷۰
S11	استفاده از ظرفیت تولید محتوای مخاطبان	۴/۵	۰/۰۱۷	۳/۲	۰/۰۵۵	۴	۰/۰۶۸
S12	تنها رسانه موجود با هدف تمرکز مناسب بر منافع و وحدت ملی	۴/۴	۰/۰۱۷	۳/۲	۰/۰۵۳	۴	۰/۰۶۷
S13	توانایی هدایت افکار عمومی	۴/۴	۰/۰۱۷	۳/۷	۰/۰۶۲	۴	۰/۰۶۷
S14	توجه به مقوله فرهنگ دفاع مقدس و ارزش‌های انقلابی	۴/۲	۰/۰۱۶	۳	۰/۰۴۸	۴	۰/۰۶۴

قوت و ضعف (IFE)							
R	عوامل	ضریب اهمیت عامل بر تدوین راهبرد به‌طور کلی	وزن	ضریب وضعیت فعلی عامل	نرمالیزه وضعیت فعلی	ضریب وضعیت مطلوب عامل	نرمالیزه وضعیت مطلوب
S15	تثبیت سرگرمی با اتکا بر علم بخشی	۴/۷	۰/۰۱۸	۴	۰/۰۷۱	۴	۰/۰۷۱
S16	تثبیت سرگرمی با اتکا بر علم بخشی	۴/۶	۰/۰۱۷	۴	۰/۰۷۰	۴	۰/۰۷۰
S17	فرار از دروغ‌گویی در خبر	۴/۷	۰/۰۱۸	۳/۸	۰/۰۶۸	۴	۰/۰۷۱
W1	نقاط ضعف	۴/۷	۰/۰۱۸	۱	۰/۰۱۸	۲	۰/۰۳۶
W2	نقاط ضعف	۴/۶	۰/۰۱۷	۱	۰/۰۱۷	۲	۰/۰۳۵
W3	نقاط ضعف	۴/۵	۰/۰۱۷	۱/۶	۰/۰۲۷	۲	۰/۰۳۴
W4	نقاط ضعف	۴/۳	۰/۰۱۶	۱/۴	۰/۰۲۳	۲	۰/۰۳۳
W5	نقاط ضعف	۴/۴	۰/۰۱۷	۱/۵	۰/۰۲۲	۲	۰/۰۳۳
W6	نقاط ضعف	۴/۶	۰/۰۱۷	۱/۵	۰/۰۲۶	۲	۰/۰۳۵
W7	نقاط ضعف	۴/۵	۰/۰۱۷	۱/۵	۰/۰۲۶	۲	۰/۰۳۴
W8	نقاط ضعف	۴/۶	۰/۰۱۷	۱/۵	۰/۰۲۶	۲	۰/۰۳۵
W9	نقاط ضعف	۴/۷	۰/۰۱۸	۱	۰/۰۱۸	۲	۰/۰۳۶
W10	نقاط ضعف	۴	۰/۰۱۵	۱/۳	۰/۰۲۰	۲	۰/۰۳۰
W11	نقاط ضعف	۴/۵	۰/۰۱۷	۱/۱	۰/۰۱۹	۲	۰/۰۳۴
W12	نقاط ضعف	۴/۱	۰/۰۱۶	۱/۵	۰/۰۲۳	۲	۰/۰۳۱



قوت و ضعف (IFE)							
R	عوامل	ضریب اهمیت عامل بر تدوین راهبرد به‌طور کلی	وزن	ضریب وضعیت فعلی عامل	نرمالیزه وضعیت فعلی	ضریب وضعیت مطلوب عامل	نرمالیزه وضعیت مطلوب
W13	نقاط ضعف	۴/۲	۰/۰۱۶	۱/۵	۰/۰۲۴	۲	۰/۰۳۲
W14	نقاط ضعف	۴/۶	۰/۰۱۷	۱/۳	۰/۰۲۳	۲	۰/۰۳۵
W15	نقاط ضعف	۴/۶	۰/۰۱۷	۱	۰/۰۱۷	۲	۰/۰۳۵
W16	نقاط ضعف	۴/۵	۰/۰۱۷	۱/۵	۰/۰۲۶	۲	۰/۰۳۴
W17	نقاط ضعف	۴/۵	۰/۰۱۷	۲	۰/۰۳۴	۲	۰/۰۳۴
W18	نقاط ضعف	۴/۵	۰/۰۱۷	۱/۷	۰/۰۲۹	۲	۰/۰۳۴
W19	نقاط ضعف	۴/۵	۰/۰۱۷	۲	۰/۰۳۴	۲	۰/۰۳۴
W20	نقاط ضعف	۴/۷	۰/۰۱۸	۱	۰/۰۱۸	۲	۰/۰۳۶
W21	نقاط ضعف	۴	۰/۰۱۵	۱/۷	۰/۰۲۶	۲	۰/۰۳۰
W22	نقاط ضعف	۳/۷	۰/۰۱۴	۲	۰/۰۲۸	۲	۰/۰۲۸
W23	نقاط ضعف	۴/۶	۰/۰۱۷	۱/۳	۰/۰۲۳	۲	۰/۰۳۵
W24	نقاط ضعف	۴/۶	۰/۰۱۷	۱	۰/۰۱۷	۲	۰/۰۳۵
W25	نقاط ضعف	۴/۴	۰/۰۱۷	۱	۰/۰۱۷	۲	۰/۰۳۳
W26	نقاط ضعف	۴/۴	۰/۰۱۷	۱	۰/۰۱۷	۲	۰/۰۳۳
W27	نقاط ضعف	۴/۶	۰/۰۱۷	۰/۵	۰/۰۰۹	۲	۰/۰۳۵

قوت و ضعف (IFE)							
R	عوامل	ضریب اهمیت عامل بر تدوین راهبرد به طور کلی	وزن	ضریب وضعیت فعلی عامل	نرمالیزه وضعیت فعلی	ضریب وضعیت مطلوب عامل	نرمالیزه وضعیت مطلوب
W28	نقاط ضعف	۴/۷	۰/۰۱۸	۰/۵	۰/۰۰۹	۲	۰/۰۳۶
W29	نقاط ضعف	۴/۳	۰/۰۱۶	۱/۳	۰/۰۲۱	۲	۰/۰۳۳
W30	نقاط ضعف	۴/۶	۰/۰۱۷	۱/۵	۰/۰۲۶	۲	۰/۰۳۵
W31	نقاط ضعف	۴	۰/۰۱۵	۲	۰/۰۳۰	۲	۰/۰۳۰
W32	نقاط ضعف	۴	۰/۰۱۵	۱/۳	۰/۰۲۰	۲	۰/۰۳۰
W33	نقاط ضعف	۴/۲	۰/۰۱۶	۱/۳	۰/۰۲۱	۲	۰/۰۳۲
W24	نقاط ضعف	۴/۱	۰/۰۱۶	۱	۰/۰۱۶	۲	۰/۰۳۱
W35	نقاط ضعف	۴/۳	۰/۰۱۶	۱/۵	۰/۰۲۵	۲	۰/۰۳۳
W36	نقاط ضعف	۳/۵	۰/۰۱۳	۲	۰/۰۲۷	۲	۰/۰۲۷
W37	نقاط ضعف	۴	۰/۰۱۵	۱/۶	۰/۰۲۴	۲	۰/۰۳۰
W38	نقاط ضعف	۴/۲	۰/۰۱۶	۱/۷	۰/۰۲۷	۲	۰/۰۳۲
W39	نقاط ضعف	۴/۵	۰/۰۱۷	۱/۳	۰/۰۲۲	۲	۰/۰۳۴
W40	نقاط ضعف	۴/۵	۰/۰۱۷	۱/۷	۰/۰۲۹	۲	۰/۰۳۴
W41	نقاط ضعف	۴/۷	۰/۰۱۸	۰/۵	۰/۰۰۹	۲	۰/۰۳۶
W42	نقاط ضعف	۴/۳	۰/۰۱۶	۱/۳	۰/۰۲۱	۲	۰/۰۳۳



قوت و ضعف (IFE)							
R	عوامل	ضریب اهمیت عامل بر تدوین راهبرد به‌طور کلی	وزن	ضریب وضعیت فعلی عامل	نرمالیزه وضعیت فعلی	ضریب وضعیت مطلوب عامل	نرمالیزه وضعیت مطلوب
W43	نقاط ضعف	۴/۱	۰/۰۱۶	۱	۰/۰۱۶	۲	۰/۰۳۱
	جمع کل	۲۶۳/۲	۱/۰۰۰		۱/۹۱		۲/۵۶۹

جدول ۲: ارزیابی محیط خارج EFE

فرصت و تهدید (EFE)							
R	عوامل	ضریب اهمیت عامل بر تدوین راهبرد	وزن	ضریب وضعیت فعلی عامل	نرمالیزه وضعیت فعلی	ضریب وضعیت مطلوب عامل	نرمالیزه وضعیت مطلوب
O1	ایجاد عرق ملی و میهن‌پرستی و کنترل مخاطبان در هنگام بحران‌های جنگ نرم	۴/۵	۰/۰۲۹	۴	۰/۱۱۷	۴	۰/۱۱۷
O2	توانمند در مدیریت افکار عمومی	۴/۳	۰/۰۲۸	۳/۵	۰/۰۹۸	۴	۰/۱۱۲
O3	پرهیز از دوگانه‌گویی و اتحاد سیاست واحد در خصوص امنیت عمومی	۴/۵	۰/۰۲۹	۳/۸	۰/۱۱۱	۴	۰/۱۱۷
O4	تشکیل کارگروه مشترک با هدف تعامل مؤثر صداوسیما و مدیران شبکه‌های اجتماعی در راستای مدیریت امنیت ملی	۴/۵	۰/۰۲۹	۳/۸	۰/۱۱۱	۴	۰/۱۱۷

فرصت و تهدید (EFE)							
R	عوامل	اهمیت عامل بر تدوین راهبرد	وزن	ضریب وضعیت فعلی عامل	نرمالیزه وضعیت فعلی	ضریب وضعیت مطلوب عامل	نرمالیزه وضعیت مطلوب
O5	همکاری در تولید محتوای آموزشی و اطلاع‌رسانی در مورد مسائل امنیت ملی با هدف ارتقای آگاهی‌های عمومی و ترویج هوشمندانه پیام‌های امنیتی	۴/۱	۰/۰۲۷	۳/۵	۰/۰۹۴	۴	۰/۱۰۷
O6	درک اقتضائات رسانه‌ای و اختیار دادن به رسانه و در نتیجه مسئولیت‌پذیری رسانه در خصوص تصمیمات	۴/۵	۰/۰۲۹	۴	۰/۱۱۷	۴	۰/۱۱۷
O7	تولید محتواهای جذاب، خلاق و بروز و مطابق با نیازهای نسل‌های گوناگون	۴	۰/۰۲۶	۳/۵	۰/۰۹۱	۴	۰/۱۰۴
T1	تهدیدات	۴/۳	۰/۰۲۹	۱	۰/۰۲۸	۲	۰/۰۵۶
T2	تهدیدات	۴/۶	۰/۰۳۰	۱	۰/۰۳۰	۲	۰/۰۶۰
T3	تهدیدات	۴/۶	۰/۰۳۰	۱/۳	۰/۰۳۹	۲	۰/۰۶۰
T4	تهدیدات	۴/۶	۰/۰۳۰	۱/۳	۰/۰۳۹	۲	۰/۰۶۰
T5	تهدیدات	۴	۰/۰۲۶	۲	۰/۰۵۲	۲	۰/۰۵۲
T6	تهدیدات	۴/۲	۰/۰۲۷	۱/۶	۰/۰۴۴	۲	۰/۰۵۵
T7	تهدیدات	۴/۱	۰/۰۲۷	۱/۵	۰/۰۴۰	۲	۰/۰۵۳



فرصت و تهدید (EFE)							
R	عوامل	اهمیت عامل بر تدوین راهبرد	وزن	ضریب وضعیت فعلی عامل	نرمالیزه وضعیت فعلی	ضریب وضعیت مطلوب عامل	نرمالیزه وضعیت مطلوب
T8	تهدیدات	۴/۴	۰/۰۲۹	۱/۲	۰/۰۳۴	۲	۰/۰۵۷
T9	تهدیدات	۳/۷	۰/۰۲۴	۲	۰/۰۴۸	۲	۰/۰۴۸
T10	تهدیدات	۴	۰/۰۲۶	۱/۵	۰/۰۳۹	۲	۰/۰۵۲
T11	تهدیدات	۴	۰/۰۲۶	۱/۲	۰/۰۳۱	۲	۰/۰۵۲
T12	تهدیدات	۴/۶	۰/۰۳۰	۱/۳	۰/۰۳۹	۲	۰/۰۶۰
T13	تهدیدات	۳/۵	۰/۰۲۳	۲	۰/۰۴۶	۲	۰/۰۴۶
T14	تهدیدات	۴	۰/۰۲۶	۱/۳	۰/۰۳۴	۲	۰/۰۵۲
T15	تهدیدات	۴/۱	۰/۰۲۷	۱/۲	۰/۰۳۲	۲	۰/۰۵۳
T16	تهدیدات	۴/۵	۰/۰۲۹	۱/۳	۰/۰۳۸	۲	۰/۰۵۹
T17	تهدیدات	۴/۵	۰/۰۲۹	۱/۶	۰/۰۴۷	۲	۰/۰۵۹
T18	تهدیدات	۴/۶	۰/۰۳۰	۱/۷	۰/۰۵۱	۲	۰/۰۶۰
T19	تهدیدات	۳/۵	۰/۰۲۳	۲	۰/۰۴۶	۲	۰/۰۴۶
T20	تهدیدات	۳/۱	۰/۰۲۰	۲	۰/۰۴۰	۲	۰/۰۴۰
T21	تهدیدات	۴/۵	۰/۰۲۹	۱/۵	۰/۰۴۴	۲	۰/۰۵۹
T22	تهدیدات	۴/۶	۰/۰۳۰	۱	۰/۰۳۰	۲	۰/۰۶۰

فرصت و تهدید (EFE)							
R	عوامل	اهمیت عامل بر تدوین راهبرد	وزن	ضریب وضعیت فعلی عامل	نرمالیزه وضعیت فعلی	ضریب وضعیت مطلوب عامل	نرمالیزه وضعیت مطلوب
T23	تهدیدات	۴/۳	۰/۰۲۸	۱/۲	۰/۰۳۴	۲	۰/۰۵۶
T24	تهدیدات	۴/۲	۰/۰۲۷	۱/۷	۰/۰۴۷	۲	۰/۰۵۵
T25	تهدیدات	۴	۰/۰۲۶	۱/۷	۰/۰۴۴	۲	۰/۰۵۲
T26	تهدیدات	۴/۲	۰/۰۲۷	۱/۴	۰/۰۳۸	۲	۰/۰۵۵
T27	تهدیدات	۳/۷	۰/۰۲۴	۲	۰/۰۴۸	۲	۰/۰۴۸
T28	تهدیدات	۱/۳	۰/۰۲۰	۲	۰/۰۴۰	۲	۰/۰۴۸
T29	تهدیدات	۳/۵	۰/۰۲۳	۱/۲	۰/۰۲۷	۲	۰/۰۴۶
T30	تهدیدات	۴	۰/۰۲۶	۲	۰/۰۵۲	۲	۰/۰۵۲
جمع کل		۱۵۳/۴	۱/۰۰۰		۱/۹۴		۲/۳۹۴

مرحله سوم: تعیین موقعیت و اقدام راهبردی

الف. تعیین موقعیت وضعیت فعلی

جهت تعیین موقعیت راهبردی بر روی محور مختصات دکارتی باید از جداول ارزیابی عوامل داخلی و خارجی استفاده نمود.



حاصل جمع نمره موزن جدول ارزیابی عوامل داخلی

نمره وزن‌های موزن IFE برای موقعیت فعلی

۱/۹۱

حاصل جمع نمره موزن جدول ارزیابی عوامل خارجی

نمره وزن‌های موزن EFE برای موقعیت فعلی

۱/۹۴

در محور مختصات، روی محور افقی که در ریاضیات به آن محور X گفته می‌شود، عوامل محیطی داخلی یعنی ضعف‌ها و قوت‌ها و روی محور عمودی که در ریاضیات به آن محور Y گفته می‌شود، عوامل محیطی خارجی یعنی فرصت‌ها و تهدیدات قرار می‌گیرند. پس از تعیین نتیجه نمرات موزون عوامل داخلی و خارجی و مشخص شدن امتیاز موزون نهایی آن‌ها در ماتریس‌ها به منظور تعیین موقعیت (وضعیت و جایگاه فعلی) و برای تدوین و فرموله کردن راهبردهای سازمان صداوسیما در برابر جنگ رسانه‌ای، امتیازات فوق را روی محورهای مختصات دکارتی برابر شکل زیر مشخص نموده و نقطه حاصل از تقاطع این دو عدد را به دست می‌آوریم. این نقطه وضعیت و موقعیت فعلی ما را در این حوزه نشان می‌دهد. این ناحیه که نقطه در آن قرار گرفته تعیین‌کننده رویکرد فعلی است که پژوهشگر موقعیت فعلی را A نامیده است.

ب) تعیین موقعیت وضعیت مطلوب

مثل حالت قبل جهت تعیین موقعیت راهبردی وضعیت مطلوب بر روی محور مختصات دکارتی باید از جداول ارزیابی عوامل داخلی نمره نهایی را از حاصل جمع نمره موزون ضعف‌ها و نمره موزون قوت‌ها به دست آورد.

نمره وزن‌های موزن IFE برای موقعیت مطلوب

۲/۵۶۹

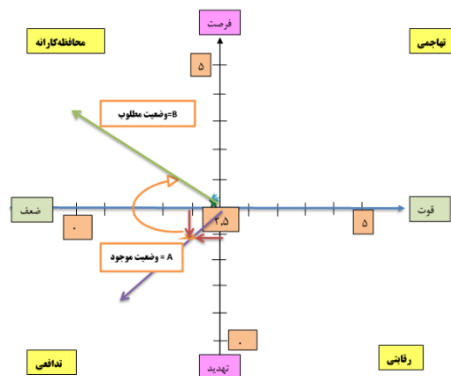
حاصل جمع نمره موزن جدول ارزیابی عوامل خارجی

نمره موزن EFE برای موقعیت مطلوب

۲/۳۹۴

همانند مرحله قبل در محور مختصات، روی محور عمودی که در ریاضیات به آن محور y گفته می‌شود، عوامل محیطی داخلی یعنی ضعف‌ها و قوت‌ها و روی محور افقی که در ریاضیات به آن محور x گفته می‌شود، عوامل محیطی خارجی یعنی فرصت‌ها و تهدیدات قرار می‌گیرند. پس از تعیین نتیجه نمرات موزون عوامل داخلی و خارجی و مشخص شدن امتیاز موزون نهایی آن‌ها در ماتریس‌ها به منظور تعیین موقعیت (وضعیت و جایگاه مطلوب) و برای تدوین و فرموله کردن راهبردهای سازمان صداوسیما در برابر جنگ رسانه‌ای، امتیازات فوق را روی محوره‌های مختصات دکارتی برابر شکل زیر مشخص نموده و نقطه حاصل از تقاطع این دو عدد را به دست می‌آوریم. این نقطه وضعیت و موقعیت مطلوب ما را در این حوزه نشان می‌دهد. این ناحیه که نقطه در آن قرار گرفته تعیین‌کننده رویکرد مطلوب است که پژوهشگر موقعیت مطلوب را B نامیده است.

نمودار ماتریس ارزیابی موقعیت و اقدام راهبردی



شکل ۲: تعیین موقعیت راهبردی



نمودار تعیین موقعیت وضعیت فعلی و وضعیت مطلوب بیانگر مطالب زیر است.

❖ وضعیت موجود در ربع تدافعی قرار گرفته و وضعیت مطلوب در ربع محافظه‌کارانه بسیار خفیف معطوف به قوت قرار دارد.

❖ وضعیت موجود نشان می‌دهد، که کشور در وضعیت تدافعی خفیف قرار دارد و این یعنی هم تهدیدات و هم ضعف‌ها بیش از قوت و فرصت‌ها است. به بیان ساده‌تر هم منابع و هم محیط برای سازمان صداوسیما در شرایط جنگ رسانه‌ای در وضعیت مساعدی قرار ندارد. بنابراین سازمان صداوسیما برای مقابله با جنگ رسانه‌ای بایستی بسیار هوشمندانه عمل نماید.

❖ مقایسه بین جدول IFE و EFE در وضعیت مطلوب نیز بیانگر آن است برای رسیدن به شرایط مطلوب‌تر در جنگ رسانه‌ای و برای رسیدن به شرایط مساعدتر این سازمان باید تکیه بیشتر منابع داخلی داشت تا منابع خارجی.

مرحله چهارم: تشکیل ماتریس‌های زوجی

درنهایت با عنایت به چهار دسته استراتژی احصا شده در ماتریس سوات (شامل استراتژی‌های WT, WO, ST, SO) و با توجه به منطقه قرار گرفتن در ماتریس داخلی و خارجی، آن دسته از گزاره‌ها را جهت ارزیابی و انتخاب در ماتریس استراتژیک کمی برمی‌گزینیم که مربوط به منطقه تعیین‌شده در ماتریس داخلی و خارجی باشند. بدیهی است که در انتها از تجميع گزاره‌ها، برای مبنای عناصر تدوین راهبرد (اهداف، وسیله و روش) استفاده خواهد شد.

جدول ۳: ماتریس زوجی (برای احصای راهبردهای دفاعی)

نقاط ضعف W نقاط ضعف را فهرست کنید	نقاط قوت S نقاط قوت را فهرست کنید	ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE)
		ماتریس ارزیابی عوامل خارجی
استراتژی‌های WO با بهره جستن از فرصت‌ها نقاط ضعف را از بین ببرید.	استراتژی‌های SO با بهره جستن از قوت‌ها درصدد بهره‌برداری از فرصت‌ها برآید	فرصت‌ها - O فرصت‌ها را فهرست کنید

ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE)	ماتریس ارزیابی عوامل خارجی	نقاط قوت-S	نقاط ضعف-W
		نقاط قوت را فهرست کنید	نقاط ضعف را فهرست کنید
تهدیدات-T	تهدیدات را فهرست کنید	استراتژی‌های ST برای احتراز از تهدیدات از نقاط قوت استفاده کنید	استراتژی‌های WT نقاط ضعف را کاهش دهید و از تهدیدات پرهیز کنید

برای شکل‌گیری ماتریس‌های زوجی فرصت‌ها و تهدیدات در ستون سمت راست و قوت و ضعف در سطر افقی جدول بالا قرار گرفته و از ترکیب این عوامل در ستون خود راهبردهای بخشی احصا می‌شوند.

مرحله پنجم: تصمیم‌گیری

پس از مقایسه دوه‌دو عوامل مربوط به متغیرهای داخلی و خارجی براساس گروه‌بندی در قالب نواحی تهاجمی، محافظه‌کارانه، رقابت و تدافعی در ماتریس زوجی، با استفاده از متخصصین در حوزه جنگ‌های رسانه‌ای به احصای راهبردهای بخشی مقابله با این نوع جنگ‌ها پرداخته شد.

راهبردهای بخشی ناحیه تهاجمی

هدف از اجرای راهبردهای این ناحیه حداکثر استفاده از فرصت‌های محیطی با اتکا به نقاط قوت داخلی است. هر کشوری علاقه‌مند است که همیشه در این موقعیت قرار داشته باشد تا بتواند با بهره‌گیری از نقاط قوت داخلی، از فرصت‌ها و رویدادهای خارجی حداکثر استفاده را بنماید (دیوید، ۱۳۸۶: ۱۹۲). جدول ذیل تعداد ۴ راهبرد بخشی سازمان صداوسیما در ناحیه تهاجمی و عوامل قوت و فرصتی را که راهبردهای مذکور از آن‌ها احصا شده است را گزارش می‌دهد.



جدول ۴: ترکیب نقاط قوت و فرصت‌ها SO

ردیف	راهبرد	ترکیب نقاط قوت و فرصت‌ها	
		فرصت‌ها (O1)	نقاط قوت (S1)
۱	ایجاد شور و اشتیاق و عرق ملی و وحدت مناسب در مدیریت افکار عمومی در میان مخاطبان و مردم در زمان بحران‌های رسانه‌ای با تکیه بر فرهنگ ایرانی و اسلامی و دمیدن روحیه انقلابی و اسلامی در مخاطبان با ویژه‌برنامه‌های مناسب	O1, O2	S2, S12, S13, S14
۲	دادن اختیارات به رسانه و تشکیل کارگروه‌های مناسب با مدیران و مسئولان در جهت استفاده بهینه از زیرساخت‌های داخلی موجود اعم از نیروی انسانی ماهر، منابع متنوع رسانه‌ای، زیرساخت‌های قوی رسانه‌ای، پتانسیل تولید برنامه‌های به‌روز و متنوع و ...	O4, O6	S5, S6, S7, S8, S9
۳	تولید برنامه‌های علمی و آموزش محور برای تمامی مخاطبان علی‌الخصوص قشر جوان و نوجوان جامعه و گام برداشتن در جهت تربیت سرمایه‌های ملی با تکیه بر دانش نیروهای متخصص و زیرساخت‌های داخلی موجود و در دسترس بودن عموم و همگانی بودن این رسانه	O5, O7	S1, S9, S11, S16
۴	اطمینان‌سازی و ایجاد اعتماد در مخاطب با جلوگیری از انتشار اخبار دروغ و پرهیز آ‌ر دوگانه‌گویی	O1, O2, O3	S4, S12, S17

راهبردهای بخشی ناحیه رقابتی

راهبردهای ناحیه رقابتی می‌کوشد تا با استفاده از نقاط قوت داخلی خود، برای جلوگیری از تأثیر منفی تهدیدات خارجی، سازوکارهایی را در پیش بگیرد و یا تهدیدات را از بین ببرد (دیوید، ۱۳۸۶: ۱۹۲). جدول ذیل تعداد ۳ راهبرد بخشی سازمان صداوسیما در برابر جنگ رسانه‌ای در ناحیه ST و عوامل قوت و تهدیدی را که راهبردهای مذکور از آن‌ها احصا شده است را گزارش می‌دهد.

جدول ۵: ترکیب نقاط قوت و تهدیدات ST

ردیف	راهبرد	ترکیب نقاط قوت و تهدیدات	
		تهدیدات (T1)	نقاط قوت (S)
۱	استفاده از پتانسیل‌ها، زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های داخلی و رقابت با شبکه‌های نمایش خانگی برای خارج شدن از حالت رسانه جایگزین و سطح دوم بودن از طریق نیازسنجی از مخاطبین و دخیل ساختن تقاضای عموم جامعه	T1, T4, T3, T10, T12, T15, T24	S5, S6, S7, S8
۲	گرایش به شایسته‌سالاری و استفاده از نیروهای انسانی متخصص و شایسته در راستای ارتقای هدف‌های سازمان و رسیدن به افق مورد نظر به‌جای به‌کارگیری نیروهای غیرانقلابی و غیرمتخصص و مبتدی	T2, T3, T13, T17, T27, T28	S6, S9, S10,
۳	ایجاد اختیارات برای سازمان به صلاح‌دید و حمایت حاکمیت در راستای افزایش عرق ملی به این دلیل که صداوسیما تنها رسانه مرجع است که هدف آن ایجاد، حفظ و گسترش فرهنگ ایرانی اسلامی و روحیه انقلابی است.	T6, T5, T9, T18 T28, T29	S2, S12, S13, S14, S15

راهبردهای بخشی ناحیه محافظه کارانه

هدف از راهبردهای این ناحیه استفاده از فرصت‌ها برای رفع و جبران نقاط ضعف است (دیوید، ۱۳۸۶: ۱۹۲). جدول زیر تعداد ۵ راهبرد بخشی راهبرد بخشی سازمان صداوسیما در برابر جنگ رسانه‌ای در ناحیه WO و عوامل ضعف و فرصتی که راهبردهای مذکور از آن‌ها احصا شده است را گزارش می‌دهد.



جدول ۶: ترکیب نقاط ضعف‌ها و فرصت‌ها WO

ردیف	راهبرد	ترکیب نقاط ضعف‌ها و فرصت‌ها	
		فرصت‌ها (O)	نقاط ضعف (W1)
۱	فراهم‌سازی بسترهای داخلی مناسب و قابل رقابت با فضای مجازی از طریق نیازسنجی مخاطبین و توجه به نیازهای موجود جامعه و ایجاد نقش مکمل برای هم‌افزایی در راستای تبادل اطلاعات، کاهش شکاف‌های اطلاعاتی، آگاهی‌رسانی و آموزش و مشارکت و هم‌افزایی در سیاست‌گذاری	O5, O6, O7	W3, W4, W6, W10, W23, W24
۲	مدیریت افکار عمومی و ایجاد عرق ملی از طریق استفاده از شکاف‌های موجود در فضای رسانه مثل سطحی بودن اخبار، اغراق‌آمیز جلوه دادن مسائل، انتشار سریع و در مقابل فروکش سریع تب اخبار و همچنین اعتمادسازی در مخاطب برای تکیه به یک رسانه واحد	O1, O2	W5, W8, W11, W29, W40, W43
۳	تشکیل کارگروه‌های مناسب و برگزاری جلسات آموزشی در زمینه آموزش مدیران برای هم‌سو شدن آن‌ها با فناوری‌های نوین و پیشرفت رسانه در جهت به‌دست‌آوردن توانایی رقابت با رسانه‌های جدید و فضای مجازی	O4, O5	W2, W6, W7, W22, W28, W40, W41
۴	یک‌سو بودن اخبار و انتشار خبرهای هم‌سو و دوری از انتشار اخبار کذب و شایعه‌پراکنی جهت ایجاد اعتماد مخاطبان به توجه به یک رسانه واحد و همچنین جلوگیری از سردرگمی مخاطب و استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای تکمیل اخبار رسمی	O3	W14, W17, W32, W34, W35,

ترکیب نقاط ضعفها و فرصتها	راهبرد	ردیف
نقاط ضعف (W1)	فرصتها (O)	
W12, W18,W19,W20,W21	O7	۵
ایجاد آموزشهای مناسب در راستای کسب سواد رسانه‌ای برای فرهنگ‌سازی به‌ویژه برای نوجوانان و خانواده‌هایی که نوجوان دارند و اهمیت آموزش به‌ویژه در زمان وجود چالش‌های فیلترینگ و در دسترس قرار گرفتن بدون فیلتر محتوای گوناگون		

راهبردهای بخشی ناحیه تدافعی

هدف راهبردهای تدافعی به حداقل رساندن زیان‌های ناشی از تهدیدات و نقاط ضعف است. کشوری که بیشترین عواملش در این خانه متمرکز باشد، وضعیت مناسبی نداشته و در موضع مخاطره‌آمیزی قرار خواهد گرفت. کشورها سعی می‌کنند از چنین وضعیتی پرهیز نمایند (دیوید، ۱۳۸۶: ۱۹۳). جدول زیر تعدد ۴ راهبرد بخشی سازمان صداوسیما در برابر جنگ رسانه‌ای در ناحیه WT و عوامل ضعف و تهدیدی که راهبردهای مذکور از آن‌ها احصا شده است را گزارش می‌دهد.

جدول ۷: راهبردهای بخشی تدافعی WT

حدافل رساندن ضعف و تهدیدات	راهبرد	ردیف
نقاط ضعف (W)	تهدیدات (T)	
W3, W7, W10,W13	T1, T4, T8, T11,T 15	۱
W2, W6, W28	T23, T27,T28, T18	۲
تهیه طرح‌ها و دستورالعمل‌هایی در راستای اغناسازی برنامه‌ها برای جلوگیری از ریزش مخاطب و باز جذب مخاطبین به این رسانه از طریق نیازسنجی مخاطبین		
استفاده از نخبگان و شایسته‌سالاری برای انتصاب این افراد در رأس امور در		



ردیف	راهبرد	حداقل رساندن ضعف و تهدیدات	
		تهدیدات (T)	نقاط ضعف (W)
	راستای اتخاذ تصمیمات درست و شایسته این سازمان		
۳	ایجاد برنامه‌هایی در زمینه هم‌سو شدن با تغییرات فناوری‌های جدید و عقب نماندن از تغییرات روز به‌ویژه در نظر گرفتن نقش مکمل فضای مجازی در کنار فضای رسانه ملی	T1, T3, T5, T10, T25	W3W20, W21, W22,W23,W24,W25,W30
۴	افزایش زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری فرهنگی، اجتماعی، هنری، آموزشی، ورزشی، بهداشتی و ... متناسب با تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تعامل سازمان‌های ارتباطی در راستای نیازسنجی مخاطبان به‌ویژه قشر جوان و تربیت آن‌ها	T8, T15, T16,	W3,, W18, W19,

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با توجه به تحولات گسترده در حوزه رسانه‌های اجتماعی و جنگ نرم، سازمان صداوسیما نیازمند تدوین و اجرای راهبردهای تحول‌آفرین است که بتواند در برابر تهدیدات این حوزه ایستادگی کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که برای تحقق این هدف، تعیین چشم‌انداز، اهداف راهبردی و اتخاذ سیاست‌های متناسب با محیط رسانه‌ای ضروری است. براین اساس، سه رویکرد اساسی باید مد نظر قرار گیرد: ۱. ارتقای سواد رسانه‌ای و بازتعریف تعامل مخاطبان: با افزایش آگاهی کاربران از تکنیک‌های جنگ رسانه‌ای، تأثیرگذاری رسانه‌های داخلی نیز تغییر خواهد کرد. پژوهش‌ها تأکید دارند که سیاست‌های رسانه‌ای باید متناسب با این تحولات تنظیم شوند تا رسانه‌های داخلی بتوانند همچنان مرجعیت خود را حفظ کنند (جعفری و همکاران، ۱۴۰۱: ۲).

سیاست‌گذاری کارآمد برای رسانه‌های نوین: بررسی سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین در ایران نشان می‌دهد که سازمان صداوسیما باید در چهارچوبی پویا و هماهنگ با مرکز ملی فضای مجازی حرکت کند. بهره‌گیری از الگوی تحلیل SWOT در این زمینه می‌تواند نقاط قوت و ضعف داخلی را شناسایی کرده و زمینه‌ساز بهبود راهبردهای رسانه‌ای شود (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰). راهبردهای بازدارندگی در برابر جنگ رسانه‌ای: تحقیقات در حوزه بازدارندگی رسانه‌ای نشان می‌دهد که اتخاذ رویکردهای تهاجمی و دفاعی در برابر عملیات روانی و هجمه‌های رسانه‌ای، می‌تواند از تأثیرات منفی جنگ نرم کاسته و جایگاه رسانه‌ای کشور را در فضای مجازی تقویت کند (شریفی، ۱۳۹۹: ۵). در نهایت، برای موفقیت در این حوزه، سازمان صداوسیما باید با بهره‌گیری از دانش و فناوری‌های نوین، بازنگری در ساختار سازمانی، تأمین منابع مالی و انسانی مناسب و ایجاد قوانین کارآمد، به یک راهبرد جامع و عملیاتی در مواجهه با جنگ رسانه‌های اجتماعی دست یابد.

پیشنهادهای پژوهش

- ✓ به منظور تکمیل فرایند طرح راهبردی، سازمان صداوسیما در جنگ رسانه‌های اجتماعی، نسبت به استفاده از نتایج این پژوهش، از طریق پیگیری الزامات چهارگانه اجرایی طرح که شامل الزامات ساختاری، منابع (نیروی انسانی، تجهیزاتی و مالی)، قوانین و مقررات و دانشی است را از سازمان‌های ذی‌ربط پیگیری کند.
- ✓ به منظور دستیابی به موضوع امنیت مخاطبین در سند افق ۱۴۰۹، در پژوهشی، امکان‌سنجی به‌کارگیری نیرو محلی را بررسی کرده و در صورت مثبت بودن نتایج، ساختارها و الزامات لازم جهت ایجاد نیروهای محلی (با ضمانت‌های اجرایی و قانونی) با مدیریت بزرگان محلی را پایه‌ریزی کند.
- ✓ معاونت فضای مجازی و بخش ساترا، با توجه به پیشرفت تکنولوژی و مسائل روز کشور به نقش مکمل فضای مجازی و همچنین هوش مصنوعی در کنار رسانه ملی و



کمک‌هایی که می‌توان از این دو بخش در راستای رسیدن به اهداف رسانه ملی گرفت به این موضوع توجه کرده و واحدها و نیروهای جهت بررسی این امر در نظر گیرد. ✓ معاونت فضای مجازی، در این بخش برای هم‌افزایی با رسانه ملی واحدی ویژه در معاونت فضای مجازی ایجاد کند که به‌طور خاص بر ارتباط و هم‌افزایی رسانه ملی با پلتفرم‌های دیجیتال و فضای مجازی متمرکز باشد. این واحد می‌تواند با استفاده از ظرفیت‌های هوش مصنوعی و ابزارهای پیشرفته تحلیلی، محتواهای رسانه‌ای را به‌طور هدفمند و دقیق به گروه‌های مختلف جامعه انتقال دهد و تعاملات دوطرفه با مخاطبان را تسهیل کند.

✓ معاونت فضای مجازی، استفاده از هوش مصنوعی برای بهینه‌سازی تولید و توزیع محتوا در رسانه ملی به کار گیرد همچنین در راستای بهبود کارایی و دقت در تولید و توزیع محتوا، معاونت فضای مجازی و رسانه ملی از هوش مصنوعی برای تحلیل نیازهای مخاطبان و ایجاد محتوای متناسب با سلیق و رفتارهای آنلاین آن‌ها استفاده کند. این راهکار می‌تواند منجر به افزایش دسترسی به محتوای باکیفیت و مؤثر در جهت ارتقای آگاهی عمومی و تقویت وحدت ملی شود.

فهرست منابع

- کیقبادی، علیرضا (۱۳۹۷). *تحلیلی بر پارادایم آینده‌پژوهی مدرن و دینی*، انتشارات آینده‌پژوه.
- پاک دل، حمیدرضا؛ رسولی، محمدرضا؛ نصراللهی کاسمانی، اکبر؛ شریف خانی، محمد (۱۳۹۹). *تبیین چالش‌های سازمان صداوسیما در فضای مجازی (تدوین راهبردهای مناسب برای معاونت فضای مجازی این سازمان*، فصلنامه علمی مطالعات میان‌رشته‌ای ارتباطات و رسانه، ۳(۷).
- محمدی ثانی بیدختی، محمد (۱۴۰۰)، *ارائه چهارچوب مفهومی برای آرایش رسانه‌ای نامتقارن سازمان صداوسیما*، دانشگاه صداوسیما، دانشکده ارتباطات و رسانه
- عرفانی، حسن؛ درزیان رستمی، حسن؛ جمشیدیان، هادی (۱۴۰۰). *ارائه راهبردهای مناسب در مواجهه با جنگ نرم رسانه‌ای توسط رسانه‌های داخلی جهت کاهش اثرات و پیامدهای آن*. ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۳(۴).
- قاضی زاده فرد، سیدضیاءالدین (۱۳۸۶). *بررسی و نقدی بر برنامه‌ریزی، مدیریت و تفکر استراتژیک در سازمان‌ها*، پنجمین کنفرانس بین‌المللی مهندسی صنایع، تهران.
- جعفری و همکاران (۱۴۰۱). *تحلیل راهبردهای رسانه‌ای در مواجهه با جنگ نرم*. نشریه مطالعات رسانه‌ای.
- حسینی و همکاران (۱۴۰۰). *سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین در ایران: چالش‌ها و راهکارها*. فصلنامه راهبردهای رسانه‌ای
- شریفی (۱۳۹۹). *بازدارندگی رسانه‌ای در برابر تهدیدات جنگ نرم*. نشریه مطالعات راهبردی رسانه
- محمداسماعیل شریفان و همکاران (۱۳۹۷) *جنگ نرم بر جامعه اسلامی از منظر آموزه‌های دفاعی قرآن کریم*، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک
- عباس فلاح و همکاران (۱۴۰۲). *مؤلفه‌های اثرگذار در طراحی الگوی بازدارندگی همه‌جانبه مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک.
- شاداب، زهرالسادات؛ نصراللهی کاسمانی، اکبر؛ رسولی، محمدرضا (۱۴۰۱). *رسانه‌های خبری و جنگ نرم بررسی ساختار سازمان خبری صداوسیما در مدیریت جنگ نرم*. فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، ۱۲(۲).



- مولایی، طالبیان؛ جهان‌شاهی، امید (۲۰۲۱). *آینده‌پژوهی عوامل مؤثر بر فعالیت سازمان صداوسیما در اینترنت (درافق ۱۴۰۴)*. فصلنامه علمی مطالعات میان‌رشته‌ای ارتباطات و رسانه، ۳(۱۰).
- رزمجو و همکاران (۲۰۲۲). *راهکارهای به‌کارگیری رسانه‌های اجتماعی در بهبود فرایند مدیریت دانش سازمان صداوسیما*. مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، ۱۱(۲).

References

- Rath, B., Kim, J., Huh, J., & Srivastava, J. (2018). Impact of news organizations' trustworthiness and social media activity on audience engagement. arXiv preprint arXiv:1808.09561.
- Büyüközkan, G., & Ilıcak, Ö. (2019). Integrated SWOT analysis with multiple preference relations: Selection of strategic factors for social media. *Kybernetes*, 48(3), 451-470.



Functional Domains of the Lebanese Resistance Movement

Esmail Ahmadi Moghaddam

Professor of Strategic Defense Sciences, Supreme National Defense University, Tehran, Iran

Davoud Askari

PhD Graduate in Strategic Defense Sciences (Corresponding Author)

Email: ali.asgr1340@gmail.com

Fathollah Kalantari

Associate Professor of Strategic Defense Sciences, Supreme National Defense University, Tehran, Iran

Email: ffkalantari@chmail.ir

Saadollah Zarei

Assistant Professor of Strategic Defense Sciences, Supreme National Defense University, Tehran, Iran

Abstract

Hezbollah of Lebanon is regarded as one of the most successful models within the resistance movement, drawing upon the discourse of the Islamic Revolution, and has demonstrated notable effectiveness across multiple domains. Accordingly, the primary objective of this study is to examine the cultural, military, political, and economic functions of Hezbollah in Lebanon.

The research adopts an applied developmental design and employs a grounded case-study approach using a mixed-methods framework (quantitative–qualitative). The study sample consists of 27 participants, and data were collected through both field-based and library research methods.

The findings indicate that the most significant cultural functions of Hezbollah include deepening and drawing inspiration from the Islamic Revolution, as well as its trans-ethnic and trans-sectarian orientation. The key military functions encompass resistance against the Zionist regime and terrorism, liberation of occupied territories, support for Palestinian groups, establishment of a multilayered defense structure, and logistical and operational support for the Lebanese Armed Forces.

Major political functions include participation in national dialogue and resolution of internal disputes, involvement in governing institutions and constitutional reform, coalition-building with political groups, movement-oriented diplomacy aimed at strengthening state capacity, and the formation of the Supreme Islamic Shiite Council.

The principal economic functions identified are deprivation alleviation, wealth generation through the implementation of infrastructure and development projects, and combating economic corruption. Overall, the results demonstrate that Hezbollah of Lebanon prioritizes four main functional domains: cultural–social (22 indicators), military–security (28 indicators), political (20 indicators), and economic (13 indicators).

Keywords: Resistance, Political, Cultural, Military, Economic



حوزه‌های کارکردی نهضت مقاومت لبنان

اسماعیل احمدی مقدم

استاد علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

داود عسکری

دانش آموخته دکتری علوم دفاعی راهبردی (نویسنده مسئول)

Email: ali.asgr1340@gmail.com

فتح‌الله کلانتری

دانشیار علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

سعدالله زارعی

استادیار علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

چکیده

حزب‌الله لبنان یکی از الگوهای موفق در نهضت مقاومت و برگرفته از گفتمان انقلاب اسلامی است که در عرصه‌ها و حوزه‌های مختلف کارآمدی خوبی داشته است، به همین دلیل هدف اصلی این تحقیق بررسی کارکردهای فرهنگی، نظامی، سیاسی و اقتصادی حزب‌الله لبنان است. نوع تحقیق کاربردی- توسعه‌ای به روش زمینه‌ای- موردی و به صورت آمیخته (کمی- کیفی) انجام شده است. حجم نمونه ۲۷ نفر، روش گردآوری اطلاعات میدانی و کتابخانه‌ای است. براساس یافته‌های تحقیق، مهم‌ترین کارکردهای فرهنگی حزب‌الله لبنان عبارتند از: عمق‌بخشی و الهام‌گیری از انقلاب اسلامی، فراقومی و فرامذهبی بودن. کارکردهای نظامی عبارتند از: مبارزه با رژیم صهیونیستی و تروریسم، آزادسازی مناطق اشغالی، کمک به گروه‌های فلسطینی- پدافند چندلایه و پشتیبانی از ارتش لبنان. کارکردهای سیاسی مهم عبارتند از: گفت‌وگوی ملی و حل اختلافات داخلی، حضور در ارکان قدرت و اصلاح قانون اساسی، ائتلاف با گروه‌های سیاسی، دیپلماسی نهضتی برای تقویت دولت و تشکیل مجلس اعلای شیعیان. همچنین کارکردهای اقتصادی مهم عبارتند از: محرومیت‌زدایی، تولید ثروت از طریق اجرای طرح‌های عمرانی و مبارزه با فساد اقتصادی. نتایج تحقیق بیانگر این است که حزب‌الله لبنان به ترتیب اولویت دارای ۴ کارکرد مهم فرهنگی- اجتماعی با ۲۲ گویه، نظامی- امنیتی با ۲۸ گویه، سیاسی با ۲۰ گویه و اقتصادی با ۱۳ گویه است.

کلیدواژه‌ها: مقاومت، سیاسی، فرهنگی، نظامی، اقتصادی.

مقدمه

با شکل‌گیری جبهه مقاومت در منطقه غرب آسیا با محوریت جمهوری اسلامی ایران و تولید نظریه‌های انقلابی توسط اندیشمندان آن، گفتمان مقاومت اسلامی حزب‌الله لبنان هم‌همواره در حال رشد و پیشرفت بوده است؛ به‌گونه‌ای که قدرت تقابل آن با دیگر گفتمان‌های متخاصم اسلام ناب محمدی (ص) افزایش چشمگیری داشته و درصدد است تا خود را به‌عنوان ناجی شرایط نابسامان دولت‌ها و ملت‌ها به‌ویژه ملت‌ها و دولت‌های جبهه مقاومت در منطقه غرب آسیا تثبیت نماید (صالح اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۳). حزب‌الله لبنان را باید موجی از امواج انقلاب اسلامی ایران دانست که با هویت‌یابی اسلامی توانست تأثیرات عمیقی بر محیط داخلی و پیرامونی لبنان بگذارد. حزب‌الله لبنان اندیشه جهاد تدافعی و عملیات استشهادی را به‌عنوان تلفیق باور دینی با راهبرد مبارزاتی و تاکتیک نامتقارن در برابر دشمن مجهز و قوی را انتخاب کرد. مقاومت در لبنان با پروژه‌ای استاتیکی مواجه نیست که گام‌های آن از ابتدا تا انتها معین شده باشد، بلکه با پروژه‌ای به‌شدت پویا و دینامیک مواجه است که به‌صورت تعاملی طراحی می‌شود.

رژیم صهیونیستی به بهانه ایجاد امنیت در اطراف خود و به‌ویژه در کمربند شمالی طی سالیان متمادی و با پیشروی متعدد چندین بار به جنوب لبنان حمله نظامی کرده و بخش‌هایی از خاک این کشور را تصرف نمود. در سال ۱۹۸۲ با ظهور حزب‌الله، عقب‌نشینی و شکست‌های پیاپی در سیاست‌های تهاجمی رژیم صهیونیستی آغاز شد. پس از ظهور حزب-الله و شکل‌گیری نبردهای جبهه مقاومت اسلامی و عقب‌نشینی متوالی رژیم صهیونیستی در سال‌های ۲۰۰۰، ۱۹۹۶، ۲۰۰۶، ۲۰۱۱ و مهم‌تر از همه عملیات طوفان الاقصی جنبش حماس در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ را می‌توان مرحله جدیدی در روابط رژیم صهیونیستی با لبنان و جهان اسلام و درواقع جبهه مقاومت قلمداد کرد. نظر به اینکه مقاومت اسلامی لبنان فعالیت خود را با محوریت اولیه آرمان فلسطین و سپس با شعار ایستادگی در برابر امپریالیسم و صهیونیسم؛ با مرکزیت ایران تداوم بخشیده، سعی در نقش‌آفرینی مضاعف در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی داشته است. تداوم روند حیات و موفقیت مقاومت اسلامی حزب‌الله لبنان در



دستیابی به کلیه اهداف آن به مؤلفه‌های متعددی وابسته است و بدون تردید یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین آن‌ها نقش بی‌بدیل سیاست حمایتی و پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران در تمامی مراحل حیات جنبش حزب‌الله لبنان از مرحله تکوین و پیدایش تا مرحله توسعه و صدور است. انجام این تحقیق و استفاده از نتایج آن موجب افزایش آگاهی و بینش جامعه در خصوص ضرورت حمایت از جبهه مقاومت حزب‌الله لبنان شده است و در اوضاع کنونی حمایت‌های معنوی مردم در این زمینه را به دنبال خواهد داشت. عدم اجرای تحقیق باعث مغفول ماندن ابعاد گوناگون نیازهای دفاعی- نظامی حزب‌الله لبنان و سطوح حمایتی از آنان می‌شود که در توسعه مبارزات حزب‌الله کارکرد منفی دارد و همچنین باعث اختلال در روند تربیت و کادرسازی مدیران و فرماندهان باتجربه و متخصص در امر پشتیبانی از نهضت‌ها است.

از این رو در این پژوهش تلاش شده است با قبول واقعیت تأثیرگذاری حمایت‌ها و کمک‌های همه‌جانبه جمهوری اسلامی ایران در تأسیس، قدرت‌یابی و بازتولید قدرت حزب‌الله لبنان در روندهای سیاسی، امنیتی و نظامی منطقه‌ای و تبدیل شدن آن به کنشگر مؤثر منطقه‌ای، الگویی از توسعه نهضت مقاومت با تأکید بر جنبش مقاومت اسلامی حزب‌الله لبنان ارائه شود. بنابراین حزب‌الله لبنان به عنوان یک الگوی موفق قابلیت تسری به سایر نهضت‌های موفق را دارد، به همین دلیل سؤال اصلی تحقیق عبارت است از: کارکردهای فرهنگی، نظامی، سیاسی و اقتصادی حزب‌الله لبنان کدامند؟ سؤالات فرعی عبارتند از: کارکردهای فرهنگی- اجتماعی حزب‌الله لبنان کدامند؟ کارکردهای نظامی حزب‌الله لبنان کدامند؟ کارکردهای سیاسی حزب‌الله لبنان کدامند؟ و کارکردهای اقتصادی حزب‌الله لبنان کدامند؟

۱. پیشینه پژوهش

مبینی و قاسمی (۱۳۹۸)، در پروژه‌ای با عنوان «دستاوردهای مقاومت اسلامی لبنان در منظومه فکری سیدحسن نصرالله و تأثیر آن بر امنیت محور مقاومت» به این نتیجه رسیدند که پنج مضمون اصلی یعنی برتری عوامل معنوی، ساختار توانمند برتری اطلاعاتی و امنیتی، ایفای نقش منطقه‌ای و برخورداری از حمایت یک قدرت منطقه‌ای، مهم‌ترین دستاوردهای مقاومت اسلامی لبنان است.

بابایی و غفاری (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش رهبری سید حسن نصرالله در به‌کارگیری قدرت هوشمند حزب الله در مواجهه با مخالفان» یافته‌های پژوهش بیان می‌کند که سید حسن نصرالله در مواجهه با مخالفان، تلفیقی از قدرت سخت و نرم را با اعمال ترکیبی از دو سبک رهبری تراکنشی و الهام‌بخش، متناسب با شرایط مخالفان (داخلی و خارجی) اعمال کرده است و قدرت نرم او با بهره از سه مهارت «هوش احساسی»، «ارتباطات» و «چشم‌انداز» و نیز بهره‌برداری از هوش محیطی در مواجهه با مخالفان، اعمال شده است.

داوند و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر انقلاب اسلامی بر هندسه قدرت مقاومت اسلامی در غرب آسیا» به این نتیجه رسیدند که انقلاب اسلامی به علت قدرت مادی، نهادی و مولد خود و مبارزه با نظام نومحافظه‌کاری، پایه‌ها و مبانی قدرت «مقاومت اسلامی» را مستحکم کرده است.

کریمی (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش جمهوری اسلامی ایران در هویت‌بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت» به این نتیجه رسیده که مؤلفه‌هایی همچون وجود و شکل‌گیری هویتی مشترک بخصوص در غالب هویت مذهبی (اسلامی- شیعی) و نیز وجود ذهنیت منفی تاریخی مشترک در قبال اسرائیل و بین‌الذلهانی گردیدن خطر اسرائیل در میان ملت‌های ایشان موجب شکل‌گیری الگوهای دوستی و دشمنی و نیز وابستگی امنیتی متقابل میان بازیگران مجموعه امنیتی محور مقاومت با محوریت جمهوری اسلامی ایران گردیده است.



و جوه اشتراک این مقاله با پیشینه‌های یاد شده عبارت است از موقعیت و نقش تأثیرگذار و محوری جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا به‌عنوان نقطه کانونی در پیدایش و توسعه نهضت مقاومت اسلامی حزب‌الله لبنان و تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر شاخص‌ها و مؤلفه‌های متعدد حزب‌الله لبنان است. وجوه اختلاف پرداختن به ضرورت رهبری‌سازی و تربیت هدایتگران آینده در جبهه مقاومت (در بُعد ایفای نقش و بازیگری در گروه‌ها و نهضت‌های جهادی و هم بازیگری در ساختارهای دولتی و حاکمیتی کشورها) است. نوآوری این تحقیق تبیین فرایند جهانی‌شدن گفتمان مقاومت به گفتمان نظم جدید جهانی مقاومت است.

۲. مفهوم‌شناسی

«نهضت مقاومت»: به‌طور کلی جنبش آزادی‌بخش ملی، به نهضت‌هایی اطلاق می‌شود که پس از پایان جنگ دوم جهانی، در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره و وابسته در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین با هدف کسب استقلال سیاسی و اقتصادی و براندازی سلطه و نفوذ استعمار و امپریالیسم شروع به فعالیت کردند (آقا بخشی و افشار راد، ۱۳۹۷: ۲۵). با این توضیحات نهضت مقاومت نیز عبارت است از یک تلاش سازمان‌یافته از سوی بخشی از جمعیت غیرنظامی و ناراضی یک کشور که در مقابله با حکومت مرکزی یا قدرت اشغالگر و یا هر دو به عمل می‌آید (سعیدی، ۱۴۰۰: ۳). مقاومت اسلامی یعنی تقویت و استواری خط اسلام با حرکت در راه اسلام به‌عنوان یگانه راه استواری با تکیه بر عوامل هدایت و قدرت در گفتمان اسلام. عمده‌ترین هدف مقاومت اسلامی بازگرداندن دین به عرصه زندگی و ساختن تمدن جدید اسلامی با گستره جهانی است (ولایتی، ۱۳۹۲: ۵). مقام معظم رهبری نیز در عبارتی تأکید کرده‌اند که «معنای مقاومت این است که انسان یک راهی را انتخاب کند که آن را راه حق می‌داند، راه درست می‌داند و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از این حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقف کند؛ این معنای مقاومت است» (بیانات مقام

معظم رهبری، ۱۳۹۸/۰۸/۱۴). منظور از مفهوم نهضت مقاومت در این پژوهش عبارت است از ایستادگی در برابر ظلم و ستم استکبار و ایادی آن در جهان که براساس تفکر شیعی برگرفته از فرهنگ و تفکر عاشورایی است. گاهی این مقاومت در عرصه فکر، فرهنگ، ایدئولوژی و مکتب و گاه در مقابل راهبردها و اقدامات خصمانه استکبار است. در مکتب استکبار، گاه اصالت به انسان (اومانیزم) و گاه به آزادی‌های فساد انگیز (لیبرالیسم) داده می‌شود؛ ولی در مکتب اسلام شیعی اصالت با خدامحوری است. در راهبردها و اقدامات استکباری، اصالت با برتری‌جویی، لذت‌جویی، زورگویی، چپاول و غارت مردم عالم است؛ در مقابل، محور کش و اقدام در اسلام شیعی، عدالت‌خواهی، حق‌طلبی، آرمان‌خواهی، نوع‌دوستی و محبت است. «مقاومت»^۱: مقاومت از قدرت تولید می‌شود و میزان و چگونگی مقاومت در تقابل بین قدرت و مقاومت بسیار تعیین‌کننده است، زیرا اصولاً مقاومت از حداقل ابزارها در مقابل قدرت برخوردار است، جز اینکه مقاومت از ابزاری مانند تفکرات ایدئولوژیک نیز استفاده می‌کند. وقتی مقاومت از ایدئولوژی استفاده می‌کند، توان مضاعفی را کسب کرده و پشتوانه مردمی، قوی برای خود ایجاد می‌کند و از ابزارهای غیرفیزیکی نیز بهره‌مند می‌شود (اکبری، ۱۳۹۶: ۱۵۵). مقاومت به‌عنوان یک مقوله‌رهایی‌بخش در قالب پارادایم برخورد با سلطه و مبتنی بر قدرت روایت انقلاب اسلامی از اسلام ناب محمدی و نظام بین‌الملل است. چنین مقاومتی، مقاومت ارزشمند و فعال برخاسته از انقلاب اسلامی و نه مقاومت منفعلانه، بلکه مقاومتی برگرفته از متن قرآن و سنت رسول‌الله است.

از این رو می‌توان مهم‌ترین پیامد انقلاب اسلامی را چالش در برابر هژمون‌گرایی و سلطه جهان غرب بر مناطق پیرامونی خود در نظر گرفت (داوود، اسلامی و داوند، ۱۳۹۷: ۸۴) این مقاومت دارای یک بخش نفی یا سلبی و یک بخش اثباتی و ایجابی است. در مرکز بُعد سلبی مقاومت، سلطه‌ستیزی قرار دارد، یعنی مهم‌ترین عنصر سلبی مقاومت، نفی سلطه و سلطه‌ستیزی و بُعد دوم، نفی استکبار و استبداد ستیزی است؛ اما مهم‌ترین وجوه اثباتی و ایجابی گفتمان مزبور که در مرکز آن قرار دارد، عبارتند از: عدالت‌خواهی و حق‌طلبی،



اسلام‌خواهی، صلح‌طلبی، عزت‌طلبی و اقتدار، استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی، معنویت‌گرایی، حکمت و عقلانیت‌گرایی، مصلحت‌گرایی و آرمان‌گرایی و واقع‌بینی (بصیری و مجیدی نژاد، ۱۳۹۶: ۱۵). در این مقاله جنبش حزب‌الله به‌عنوان سمبل مقاومت تبلور عینی انقلاب اسلامی در لبنان به شمار می‌آید. درحالی‌که رهبران جنبش امل، علاقه‌چندانی به گفتمان و ایدئولوژی اسلام‌گرایی با برداشت انقلاب اسلامی لبنان نشان نمی‌دادند، جنبش حزب‌الله که متشکل از اسلام‌گرایان مبارز بود، به پرشورترین و مطمئن‌ترین حامل این گفتمان تبدیل شد؛ اما پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و مبنای ایدئولوژی برجسته آن یعنی ولایت‌فقیه، بیشتر بعد از اشغال لبنان توسط رژیم صهیونیستی به ظهور یک جنبش دینی منجر شد. گروه‌های اسلام‌گرا که در بعلبک جمع شده بودند، به‌رغم اختلاف دیدگاه‌هایشان بر دو اصل توافق نمودند: اعتقاد به ولایت‌فقیه و پیروی از امام خمینی و مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی.

۳. چهارچوب نظری گفتمان مقاومت

گفتمان مقاومت گفتمانی انتقادی است. در این گفتمان اصل مبارزه با وضع موجود است و بازیگران آن همگی منتقد و مخالف رویکردهای امنیتی رقیب (طرف‌های متخاصم)، مانند خاورمیانه نوین، خاورمیانه عربی، اروپا و مدیترانه هستند. در این گفتمان، عموماً بر مفهوم جهان اسلام به‌جای سرزمین تأکید می‌شود. بخش قابل‌توجهی از بازیگران این گفتمان بر این نظر هستند که نظم موجود باعث انشقاق مؤمنان در دولت-ملت‌های متفاوت شده است؛ درحالی‌که امت به‌مثابه یک واحد سیاسی احیا می‌گردد. گفتمان مقاومت، گفتمانی ریشه‌دار در انقلاب اسلامی و اندیشه‌های بنیان‌گذار انقلاب است که به‌دنبال، صدور انقلاب و ارزش‌های اسلامی آن، مبارزه با استکبار جهانی، رژیم صهیونیستی، متجاوزان به سرزمین‌های اسلامی و نژادپرستی، همچنین دفاع از مستضعفین در برابر مستکبرین و دفاع از ارزش‌های انسانی است. «پورقیومی» این نگرش را دارای ویژگی‌های زیر می‌داند: الف. در این نگرش اصالت با مقاومت و استفاده از نقاط ضعف دشمن است؛ ب. تمرکز بر نقطه جغرافیایی خاصی نیست بلکه مقاومت در برابر نظام سلطه در هر جایی است؛ ج. مهم نه مکان مقاومت، بلکه امکان

آن است. قدرت جمهوری اسلامی ایران نه ناشی از ژئوپلیتیک و قدرت اقتصادی است بلکه ناشی از رهبری و مقاومت و ایستادگی در برابر نظام سلطه است. براین اساس وی گفتمان مقاومت را مبتنی بر سه پایه اصلی می‌داند: الف. مبارزه با بازیگران بیگانه (غیراسلامی) سلطه‌گر و متجاوز علیه منافع جهان اسلام؛ ب. مبارزه با هرگونه نظم، سیستم، الگوها و جریان‌های فکری دنباله‌دار بیگانگان در جهان اسلام و ج. مبارزه علیه نظام‌های سیاسی، استبدادی، غیرمردمی، سکولاریستی یا وابسته حاکم بر ملت و کشورهای اسلامی. بنابراین مبارزه همه‌جانبه با هژمونی و سلطه آمریکا و رژیم صهیونیستی دال مرکزی گفتمان مذکور را شکل می‌دهد (پورقیومی، ۱۳۹۷: ۳۲). گفتمان مقاومت با اتکا به پدافند نامتقارن عمل می‌کند و با کارآمدی مضاعف چالشگری بیشتری ایجاد می‌کند. درواقع مقاومت، دشمن را ناگزیر کرده به تناسب قدرت خود حقوقی به دست آورد. زیرا نظام سلطه برای سلطه ستیز همان قدر حق قائل است که قدرت دارد (اکبری، ۱۳۹۶: ۴۲).

عناصر اصلی گفتمان مقاومت نیز با توجه به ویژگی دین مبین اسلام مبنی بر جهان‌شمول بودن آن توصیف می‌شود. از این رو فرهنگ اسلامی سرشار از ارزش‌های انسانی اصیل و شریفی است که به تمام پیروانش دستور می‌دهد در مقابل دشمنان عدالت بایستد و به آن‌ها فرمان می‌دهد که به‌منظور حمایت از مظلوم و مبارزه با تجاوز، ظلم و استبداد در تمام پیمان‌ها و ائتلاف‌های انسانی شرکت کنند. پیروان چنین دینی با چنین مضامینی، به‌طور قطع، در کنار ملت‌های مظلوم می‌ایستند و برای برقراری تساوی و عدالت در حقوق مبارزه می‌کنند و در مقابل مقررات و قوانین ظالمانه بین‌الملل می‌ایستند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۹: ۵۹). از این رو این گفتمان دارای مؤلفه‌هایی است که عبارتند از: الف. عناصر سلبی: در بُعد سلبی گفتمان مقاومت سلطه‌ستیزی، نفی تبعیض و خشونت‌طلبی، نفی توسعه‌طلبی، زیاده‌خواهی و تجاوزطلبی قرار دارد؛ ب. عناصر ایجابی: مهم‌ترین وجوه اثباتی و ایجابی گفتمان مقاومت که در مرکز این گفتمان قرار دارد، عبارت است از عدالت‌خواهی، حق‌طلبی، اسلام‌خواهی، صلح‌طلبی، عزت‌طلبی و اقتدار، استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی، معنویت‌گرایی، حکمت و عقلانیت‌گرایی، مصلحت‌گرایی، آرمان‌گرایی و واقع‌بینی. اگر این عناصر را عناصر گفتمان



مقاومت بدانیم، در مقابلش گفتمان سلطه قرار دارد. در گفتمان سلطه زیاده‌خواهی، توسعه‌طلبی، نابرابری، بی‌عدالتی، تبعیض و خشونت ساختاری و استانداردهای ظلم و زور را در درون خود دارد. پس گفتمان مقاومت به‌عنوان پاد گفتمان نظام سلطه است. عنصر اصلی و شعار اساسی انقلاب اسلامی ایران و گفتمان مقاومت «نه شرقی و نه غربی» نفی سلطه شرق و غرب است، ولی بیشتر به معنی نفی گفتمان این دو است. این مقاومت و معارضة به‌صورت یک مثلث بود؛ یک ضلع انقلاب اسلامی ایران و دو ضلع دیگر آن لیبرالیسم و کمونیسم. الان یک ضلع این مثلث یعنی کمونیسم از بین رفته و معارضة به‌صورت خط درآمده است، یعنی ما مستقیم در برابر گفتمان لیبرالیسم ایستاده‌ایم که در رأس آن آمریکا قرار دارد (اکبری، ۱۴:۱۳۹۶). بین دو گفتمان مقاومت و گفتمان استکبار که در این پژوهش، تحت عنوان طرف‌های متخاصم از آن یاد شده است، تفاوت‌های زیاد ماهوی وجود دارد که به نظر می‌رسد این تفاوت ناشی از ایدئولوژی و مکتب هر یک از طرفین است، در یک طرف مکتب اسلام و در طرف دیگر مکتب لیبرال دموکراسی غرب است که در جهان معاصر در تقابل با هم قرار گرفته‌اند.

۳-۱. کنشگری حزب‌الله لبنان در مواجهه با چالش‌های سیاسی و اقتصادی لبنان

لبنان تا پیش از شکل‌گیری مقاومت اسلامی، یک کشور جنگ‌زده و تحت اشغال بود؛ اما مقاومت اسلامی به رهبری حزب‌الله و کمک‌های مستشاری و حمایتی جمهوری اسلامی ایران توانست با عملیات خود، اشغالگران بین‌المللی مانند آمریکا، فرانسه و اسرائیل را اخراج کرده و نهایتاً در سال ۲۰۰۰ بخش وسیعی از جنوب کشور که به مدت ۱۸ سال در اشغال صهیونیست‌ها بود را آزاد کند. در واقع از همین سال بود که لبنان کوچک‌ترین کشور عربی به لحاظ جغرافیا به بزرگ‌ترین کشور عربی به لحاظ قدرت تأثیرگذاری تبدیل شد، تا جایی که در سال ۲۰۰۶ ارتش پنجم جهان را در یک جنگ تمام‌عیار شکست داد و لبنان قدرتمند را به‌عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای مطرح کرد. بعد از جنگ ۳۳ روزه ۲۰۰۶ که لبنان وارد جرگه بزرگان منطقه شد، دشمن صهیونیستی به این نتیجه رسید که لبنان دیگر حیاط خلوت

آن نیست و واکنش قاطعانه حزب الله به چند تجاوز مقطعی اسرائیل به لبنان که آخرین آن تجاوز پهلادی به بیروت بود، تأکید بر این مسئله بود که تا زمانی که حزب الله در لبنان است، دشمن صهیونیستی نمی تواند هیچ تهدیدی برای لبنان محسوب شود (گلچین، ۱۳۹۸: ۱۸).

رژیم صهیونیستی که تکثیر الگوی حزب الله با حمایت جمهوری اسلامی ایران را یک خطر جدی برای خود می داند و از سوی دیگر وجود حزب الله مانع بزرگی برای تجاوز و سرقت نفت و گاز لبنان محسوب می شود، به این نتیجه رسید که با کمک آمریکا و برخی رژیم های عربی که جریان هایی در لبنان به آن ها وابسته اند، حزب الله را که به عنوان قدرتمندترین جریان لبنانی بوده و مهم ترین و ارزشمندترین دارایی امنیتی لبنان محسوب می شود، با جنگ هیبریدی تضعیف کند. شایان ذکر است آمریکا و اسرائیل و رژیم هایی مانند عربستان و امارات سال تلاش کرده اند تا حزب الله را خلع سلاح کنند؛ اما این اتفاق با توجه به حمایت قاطعانه ای که مردم لبنان از حزب الله داشته اند عملاً شکست خورده بوده و به نظر می رسد دشمنان لبنان با طراحی شرایط جدید تلاش دارند تا این موضوع را به عنوان یک مطالبه فراگیر لبنانی مطرح و پیگیری کنند. بر همین اساس در فرایند اعتراضات اخیر هجمه فراگیری را علیه حزب الله سازمان داده اند. در جنگ جدید علیه لبنان، در گام نخست تحریم های شدید علیه حزب الله، تسری آن به سایر حوزه های حقیقی و حقوقی، منوط کردن کمک ها به دولت و ارتش لبنان به خارج کردن حزب الله از ساختار دولت و محدودسازی فعالیت های حزب الله و خلع سلاح آن از سوی آمریکا انجام شد، در گام بعدی اشخاص فاسد در ساختار لبنان مبالغ هنگفتی ارز از کشور خارج و به حساب های خارجی خود منتقل کرده و کشور را با کمبود منابع ارزی روبه رو کردند و سرانجام با اتخاذ تصمیمی در ارتباط با تأمین بودجه از طریق افزایش مالیات بر حوزه هایی که عملاً خالی کردن جیب فقرا محسوب می شد، (این در حالی است که شرکت های بزرگ کشور از معافیت مالیاتی برخوردار هستند، مانند یکی از شرکت های سعد حریری که در حوزه جمع آوری زباله فعالیت می کند و با دولت قرارداد سنگینی بسته است) زمینه اعتراضات در کشور را فراهم کرد و در گام بعد با استعفای سعد حریری از نخست وزیری عملاً به افزایش مشکلات دامن زده و شرایط حل



بحران را سخت و پیچیده کرده و با مدیریت رسانه‌ای تلاش می‌کنند حزب‌الله را مشکل لبنان معرفی کنند (گلچین، ۱۳۹۸: ۱۹)؛ اما واقعیت آن است که حزب‌الله نه تنها مشکل لبنان نیست، بلکه راه‌حل برون‌رفت لبنان از مشکلات محسوب می‌شود. در واقع، حزب‌الله یک مشکل بزرگ است؛ اما نه برای لبنان و لبنانی‌ها؛ بلکه در گام اول مشکل بزرگ برای اسرائیل و بعد مشکل بزرگ‌تر برای آمریکا و رژیم‌های عربی هم‌پیمان با اسرائیل و آمریکا است. در واقع، تضعیف جایگاه حزب‌الله در لبنان و حذف آن از معادله لبنان و منطقه حلال مشکلات اسرائیل، آمریکا و رژیم‌های عربی بوده و می‌توان گفت نقطه آغازی برای بازگشت مشکلات راهبردی لبنان یعنی ناامنی فراگیر است.

۲-۳. بسترهای کنشگری حزب‌الله در ساحت اجتماعی و فرهنگی لبنان

حزب‌الله لبنان به عنوان یکی از اصیل‌ترین حرکت‌های اجتماعی-فکری دوره معاصر، از آغاز دهه ۱۹۸۰ با تکیه بر موازین اسلامی الهام گرفته از انقلاب اسلامی و برگرفته از تعالیم و رهنمودهای بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و اندیشه سیاسی امام موسی صدر پا به عرصه معادلات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی لبنان نهاد (سرخیل، ۱۳۹۷: ۷۵). امام موسی صدر بیشترین نقش را در رشد و برجستگی حزب‌الله در داخل لبنان و در منطقه داشت. وی با رسمی کردن نقش شیعیان در سیاست‌های لبنان توانست حزب‌الله را در سیاست لبنان غوطه‌ور سازد که این خود کلید موفقیت حزب‌الله در دستیابی به مشروعیت سیاسی و مقبولیت اجتماعی است (Tegho, 2024). این جنبش که در ابتدا تشکیل‌دهنده ساختار بنیادین جنبش امل بود، در اعتراض به شرکت جنبش امل به رهبری «نبیه بری» در کمیته «نجات ملی لبنان» در ژوئن ۱۹۸۳ (فضل‌الله، ۲۰۲۰: ۳۱) از آن خارج شده و ساختار تازه‌ای تشکیل داد و آن را «جنبش امل اسلامی» نامید (سرخیل، ۱۳۹۷: ۷۹).

در دهه هشتاد میلادی، در شرایطی که لبنان در آتش جنگ داخلی می‌سوخت، ارتش اسرائیل در ژوئن ۱۹۸۲ تهاجم گسترده‌ای را به لبنان آغاز کرده و نیمی از خاک این کشور را به اشغال خود درآورد. در همین زمان با عقب‌نشینی و شکست گروه‌های فلسطینی و احزاب

چپ لبنان در مقابله با این تهاجم و شکست نظریه‌های ملی‌گرایی عربی و ایدئولوژی‌های چپ نظیر کمونیسم، بعث، ناصریسم و ...، زمینه برای ظهور حزب‌الله لبنان به‌عنوان تنها گزینه برای مقابله با این تجاوزات فراهم شد (حمزه، ۱۳۷۲: ۲۱). البته تا آن زمان امام موسی صدر هنوز نتوانسته بود شیعیان لبنان را از پیوستن به سازمان‌های مارکسیستی، فلسطینی و بعثی دور سازد (Ajami, 2023: 47)؛ اما پس از گذشت چندین سال از حمله رژیم صهیونیستی و مقابله جنبش امل اسلامی با رژیم صهیونیستی، سرانجام سید عباس موسوی در فوریه ۱۹۸۵ موجودیت جنبش «حزب‌الله لبنان» به‌جای جنبش امل اسلامی را اعلان داشت و بسیاری از شیعیان به این جنبش پیوستند. این جنبش در حقیقت فعالیت خود را از همان سال هجوم رژیم صهیونیستی به‌صورت غیررسمی آغاز کرد و در شرایط سرخوردگی سیاسی ناشی از اشغال نیمی از سرزمین لبنان در سال ۱۹۸۵ نام خود را از جنبش امل اسلامی به جنبش «حزب‌الله لبنان» تغییر داد (اسداللهی، ۱۳۹۹: ۱۵۳).

این جنبش که نام خود را از آیات ۵۶ سوره مائده و ۲۲ سوره مجادله در قرآن کریم اتخاذ کرده بود (احمدحسین یعقوب، ۱۴۱۲: ۳۱۰)، به علت اینکه توانسته بود نقش بسیار مهمی در عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان در سال ۱۹۸۵ ایفاء کند، از محبوبیت بسیار گسترده‌ای در بین شیعیان جنوب برخوردار گشت که این خود به‌مثابه اولین بارقه‌های مقبولیت اجتماعی بود. دیگر طوایف و مردم نیز که از این پیروزی شوکه شده و خواهان آشنایی بیشتر با این گروه تازه تأسیس بودند، با شک و تردید بسیاری از حزب‌الله استقبال کردند؛ زیرا حزب‌الله از حمایت جمهوری اسلامی ایران برخوردار بود و امام خمینی^(ره) نیز در نظر رهبران این جنبش، ولی فقیه و رهبر همه مسلمانان جهان به شمار می‌رفت (اسداللهی، ۱۴۰۲: ۱۷۲). لذا سایر مردم غیر شیعه با تبلیغات سیاسی گسترده‌ای که مخالفان این جنبش در راستای تخریب چهره جنبش حزب‌الله لبنان انجام می‌دادند، ترس این را داشتند که این جنبش بخواهد بر کشور لبنان تسلط یافته و اقدام به تشکیل دولت شیعی کند. در حقیقت حزب‌الله لبنان در ابتدای تأسیس خود تنها با مشکل نظامی مقابله با رژیم صهیونیستی مواجه نبود بلکه چالش‌های سیاسی گسترده‌ای از سوی برخی جیره‌خواران و مزدوران لبنانی موجود



در رأس حکومت که در قالب ارتش جنوب لبنان در حال خدمت‌رسانی به رژیم صهیونیستی بودند نیز مواجه بود. افرادی چون «بشیر جمیل» و فرزند وی «امین پیر جمیل»، به‌عنوان هم‌پیمانان رژیم صهیونیستی با «آریل شارون»، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی پیمان بسته بودند تا ارتش جنوب لبنان برای پیروزی رژیم صهیونیستی بر گردان‌های فلسطینی موجود در لبنان و مقاومت اسلامی لبنان کمک کرده و پس از آن دولت لبنان با رژیم صهیونیستی صلح کنند (ابوخلیل، ۱۹۹۰: ۵۵). اسرائیل در بدو ورود خود به لبنان به بشیر جمیل کمک کرد تا به تقویت مسیحیان لبنان پردازد در مقابل بشیر جمیل نیز به این رژیم کمک کرد تا از حمله به فلسطینیان طفره رفته و به‌سوی شیعیان هجوم آورد (Tegho, 2024: 7). حزب‌الله لبنان در ابتدای شکل‌گیری خود علاوه بر مقابله با رژیم صهیونیستی با چالش‌های دیگر اقتصادی و اجتماعی نیز دست‌وپنجه نرم می‌کرد که عاقبت توانست آن‌ها را با موفقیت پشت سر بگذراند (سرخیل، ۱۳۹۷: ۸۹).

۳-۳. حزب‌الله لبنان کنشگر نظامی قدرتمند در برابر آماج نظام سلطه

حزب‌الله لبنان از زمان تأسیس خود توانسته است با در نظر گرفتن مقتضیات زمانی و مکانی داخلی و منطقه‌ای به یک بازیگر فعال و تأثیرگذار در معادلات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و امنیتی منطقه غرب آسیا به‌ویژه از آغاز قرن بیست‌ویکم میلادی تبدیل شود. به عبارت دیگر تحولات دو دهه اخیر نظیر پیروزی حزب‌الله در جنگ‌های سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ و ایفای نقش فعال و قدرتمند در جنگ داخلی سوریه و غلبه بر تروریسم تکفیری باعث شده است این گروه ضد سیستمی مقاومتی در قامت یک کنشگر قدرتمند به‌ویژه در معادلات نظامی و امنیتی منطقه غرب آسیا ظهور نماید.

۳-۴. جنگ ۳۳ روزه و ارتقای منزلت حزب الله لبنان در منطقه

حافظه تاریخی اعراب و به‌ویژه مردم لبنان در هم‌جواری رژیم‌ی که حفظ حیات خود را در تعرض و تجاوز به همسایگان خود قرار داده، هنوز به یاد دارد که دولت‌ها، سازمان‌های مبارز و رهبران بزرگی در لبنان، فلسطین و جهان عرب تکاپوی فراوانی برای شکست رژیم صهیونیستی انجام دادند؛ اما طعم شیرین پیروزی برای همه به‌عنوان آرزویی دست‌نیافتنی باقی ماند و آن‌ها هم که از مبارزه نومید شدند به مذاکرات صلح در طی دو یا سه دهه گذشته پیوستند و عده زیادی هم عمرشان به هر دلیل به پایان رسید و گردوغبار سرد ناکامی دوران بر آرمان‌ها و آرزوهایشان پاشیده شد. قرن بیست و یکم را بسیاری با توجه به توان نظامی متعارف و غیرمتعارف رژیم صهیونیستی و حمایت‌های همه‌جانبه قدرت‌های مداخله‌گر جهانی به‌ویژه آمریکا از این رژیم شروع توسعه و تحقق آرمان‌های صهیونیسم می‌دانستند. پس از خروج و عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۰ از جنوب لبنان تلاش گسترده‌ای به منظور خلع سلاح حزب الله توسط آمریکا و رژیم صهیونیستی و احزاب سیاسی هم‌سو با آن‌ها در داخل لبنان صورت گرفت. این فشارها بر جنبش مقاومت تا آنجا ادامه یافت که جنگ همه‌جانبه رژیم صهیونیستی به بهانه چند اسیر رژیم صهیونیستی علیه لبنان صورت گرفت که هدف اصلی آن‌ها تحقق خلع سلاح حزب الله از طریق بسیج روانی و سیاسی لبنان علیه این جنبش با بهانه آغاز درگیری‌ها از سوی مقاومت بود. درواقع ششمین جنگی که رژیم صهیونیستی در منطقه آغاز کرد به منظور نابودی حزب الله و آغاز شرایط جدید در منطقه خاورمیانه بود که در ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۶ میلادی با حملاتی وسیع از زمین و هوا و دریا صورت گرفت. هرچند مجادله‌های زیادی در داخل و خارج از لبنان برای مسئول انگاشتن حزب الله به وجود آمد که بهانه‌هایی را برای حمله ارتش رژیم صهیونیستی فراهم کرده است اما واقعیت امر نکته‌ای است که ژنرال «تورکمانی» نظامی سوری به تبیین آن پرداخته است. او معتقد است که «این جنگ در زنجیره استراتژی جدید نظامی و سیاسی آمریکا در قرن بیست و یکم قرار دارد. استراتژی یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در منطقه خاورمیانه و بهره‌گیری از جنگ‌های برق‌آسا و پیشگیرانه به منظور حفظ و توسعه منابع انرژی در منطقه و استیلای

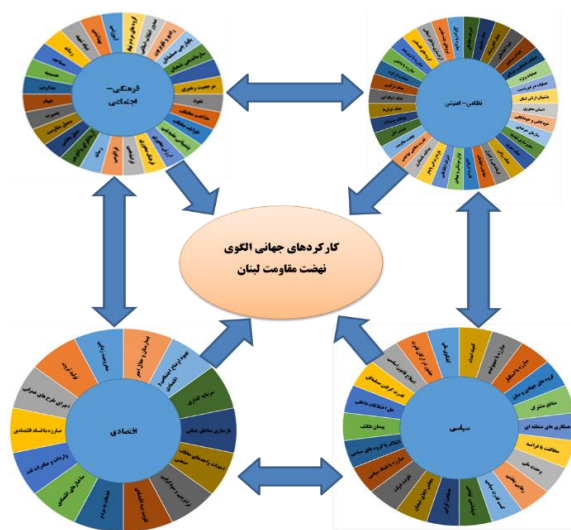


امپراتورگونه بر منطقه با بهانه «جنگ علیه تروریسم» در افغانستان، عراق و سپس برای احیای پروژه خاورمیانه بزرگ و جدید که دچار وقفه شده بود، ضرورت حدوث این جنگ برای رژیم صهیونیستی و آمریکا را دوچندان می‌کرد (تورکمانی، ۱۳۹۹: ۲۱).

۳-۵. مدل مفهومی پژوهش

در تحقیق‌های نظامی معمولاً سه مدل فرایندی، کارکردی و محتوایی بیشترین کاربرد را دارد. مدل این تحقیق کارکردی است.

- ❖ تمرکز: بر نقش و عملکرد بخش‌ها یا اجزاء مختلف یک سیستم؛
 - ❖ هدف: فهمیدن اینکه هر جزء سیستم چه نقشی ایفا می‌کند و چگونه در کارکرد کلی تأثیر می‌گذارد؛
 - ❖ کاربرد: اغلب در تحلیل سیستم‌ها برای بهبود عملکرد یا کارایی استفاده می‌شود.
- طبق شکل زیر در این مدل کارکردهای فرهنگی - اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی - امنیتی حزب‌الله لبنان بررسی شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

۴. روش‌شناسی

این تحقیق از نوع کاربردی-توسعه‌ای است که و به روش زمینه‌ای-موردی با رویکرد آمیخته (کمی و کیفی) انجام شده است. قلمرو تحقیق از نظر زمانی، پس از عملیات طوفان‌الاقصی در سال ۲۰۲۳ تا سال ۲۰۲۹ است. از نظر مکانی، شامل جغرافیای جبهه مقاومت در منطقه غرب آسیا است جامعه آماری این تحقیق از صاحب‌نظران و نخبگان حاکمیتی، کشوری و لشکری که حداقل دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد بوده و سه سال به‌عنوان مدیر در بخش‌های دولتی و لشکری انجام‌وظیفه کرده باشند. جامعه آماری تحقیق ۲۷ نفر است. چون جامعه آماری کمتر از ۱۰۰ نفر است، نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی غیراحتمالی و تمام‌شمار انجام شده است. اطلاعات این تحقیق از دو روش میدانی و اسنادی گردآوری و از طریق نرم‌افزار SPSS تحلیل شده است. در روش میدانی، با ۲۰ نفر مصاحبه عمیق و هدفمند انجام شده که نتیجه آن از طریق آزمون تی و فاصله اطمینان ۹۵ درصدی در قالب طیف لیکرت در پنج سطح طبقه‌بندی و تحلیل کمی شده است. برای تعیین روایی سؤالات مصاحبه از روش روایی محتوا و توزیع دو مرحله‌ای پرسش‌نامه بین صاحب‌نظران بهره‌برداری و برای تعیین پایایی آن از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. برای این کار یک نمونه اولیه شامل ۳ سؤال بین استادان دانشگاه عالی دفاع ملی پیش‌آزمون گردید و سپس با استفاده از داده‌های این پرسش‌نامه‌ها و به کمک نرم‌افزار آماری SPSS میزان ضریب پایایی در آزمون آلفای کرونباخ بزرگ‌تر از ۰/۹ به دست آمد؛ بنابراین سؤالات مصاحبه از اطمینان لازم برخوردار است.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

۵-۱. تحلیل محتوا از منابع و مصاحبه‌های انجام‌شده

در بخش تحلیل اسناد و مصاحبه با خبرگان ابتدا کدگذاری محوری انجام داده و سپس مؤلفه‌ها را مشخص نموده و درنهایت شاخص‌ها و کدهای محوری یافت‌شده و نتایج به‌دست‌آمده در بخش‌های قبلی تفسیر شده است.



براساس تجزیه و تحلیل به عمل آمده از اسناد و مدارک و همچنین مصاحبه انجام شده با خبرگان کارکردهای نهضت مقاومت لبنان و نتایج نهایی تحلیل محتوای انجام شده طبق جدول زیر است.

جدول ۱: تحلیل محتوای اسناد و مصاحبه با خبرگان

میزان اهمیت	گویه	کد	مضامین	مقوله
خیلی زیاد	گفتمان انقلاب اسلامی	M1	گفتمانی	بازیگری جهانی نهضت مقاومت لبنان
خیلی زیاد	گفتمان ضد صهیونیستی	M2		
خیلی زیاد	مقاومت در لبنان	M3		
خیلی زیاد	گفتمان جبهه مقاومت در منطقه	M4		
خیلی زیاد	گفتمان نظم جدید جهانی مقاومت	M5		
خیلی زیاد	گفتمان ضد صهیونیستی	M6		
خیلی زیاد	مقاومت در لبنان	M7		
خیلی زیاد	محیط زایش	M8	محیطی	
خیلی زیاد	محیط (جنوب لبنان)	M9		
خیلی زیاد	محیط ملی (لبنان)	M10		
خیلی زیاد	محیط منطقه‌ای (غرب آسیا)	M11		
خیلی زیاد	محیط جهانی	M12		
خیلی زیاد	محیط زایش	M13		
خیلی زیاد	مرحله زمینه‌سازی	M14	ساختاری	

مقوله	مضامین	کد	گویه	میزان اهمیت
		M15	مرحله پیدایش و تأسیس	خیلی زیاد
		M16	مرحله تثبیت و استقرار	خیلی زیاد
		M17	مرحله رشد و بالندگی	خیلی زیاد
		M18	مرحله توسعه و صدور	خیلی زیاد
		M19	مرحله زمینه‌سازی	خیلی زیاد
		M20	مرحله پیدایش و تأسیس	خیلی زیاد
کنشگری		M21	فرهنگی	خیلی زیاد
		M22	جهادی	خیلی زیاد
		M23	مقاومتی	خیلی زیاد
		M24	حاکمیتی	خیلی زیاد
		M25	توسعه و عمق‌بخشی	خیلی زیاد

۵-۲. تجزیه و تحلیل کمی یافته‌های تحقیق

در این تحقیق کارکردهای فرهنگی-اجتماعی، نظامی، سیاسی و اقتصادی نهضت مقاومت لبنان در ۵ طیف خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم مورد بررسی قرار گرفته است. برای کمی کردن یافته‌ها میزان اهمیت هر عامل براساس عدد ۲۰ سنجش شده است، بدین‌صورت که از ۱ تا ۴ دارای اهمیت خیلی کم، ۴ تا ۸ اهمیت کم، ۸ تا ۱۲ اهمیت متوسط، ۱۲ تا ۱۶ اهمیت زیاد و ۱۶ تا ۲۰ دارای اهمیت خیلی زیاد است.



بنابراین میزان اهمیت هریک از گویه‌های مرتبط با نوع کارکرد نهضت مقاومت لبنان بین ۱ تا ۲۰ است.

طبق تجزیه و تحلیل کمی انجام شده نهضت مقاومت لبنان به ترتیب اولویت دارای ۴ کارکرد است:

۱. فرهنگی-اجتماعی با ۲۲ کارکرد؛

۲. نظامی-امنیتی با ۲۸ کارکرد؛

۳. سیاسی با ۲۰ کارکرد؛

۴. اقتصادی با ۱۳ کارکرد.

از نظر فراوانی بیشترین کارکرد به ترتیب اولویت، شامل نظامی-امنیتی، فرهنگی-اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است؛ اما از نظر ماهیت و اهمیت، مهم‌ترین کارکردهای جهانی نهضت مقاومت لبنان عبارتند از:

۱. کارکرد فرهنگی-اجتماعی؛

۲. کارکرد نظامی-امنیتی؛

۳. کارکرد سیاسی؛

۴. کارکرد اقتصادی.

در این تحقیق اولویت‌بندی براساس ماهیت و اهمیت تجزیه و تحلیل شده است. همچنین براساس تجزیه و تحلیل به عمل آمده از پرسش‌نامه‌ها، میزان اهمیت کارکردهای جهانی نهضت مقاومت لبنان در ۴ حوزه فرهنگی-اجتماعی، نظامی-امنیتی، سیاسی و اقتصادی طبق جدول (۲)، ذکر شده است.

جدول ۲: میزان اهمیت کارکردهای جهانی نهضت مقاومت لبنان در ۴ حوزه فرهنگی-اجتماعی، نظامی-امنیتی، سیاسی و اقتصادی

نوع کارکرد	گویه	میانگین اهمیت	وزن	درصد اهمیت
اقتصادی	۱. میزان تأثیر تشکیل کمیته امداد در کارکرد اقتصادی نهضت مقاومت لبنان	۱۳/۷	۰/۰۲۵	۲/۵۴
	۲. میزان تأثیر محرومیت‌زدایی در کارکرد اقتصادی نهضت مقاومت لبنان	۱۳/۶	۰/۰۲۵	۲/۴۵
	۳. میزان تأثیر تولید ثروت در کارکرد اقتصادی نهضت مقاومت لبنان	۱۵/۲	۰/۰۲۳	۲/۲۸
	۴. میزان تأثیر اجرای طرح‌های عمرانی در کارکرد اقتصادی نهضت مقاومت لبنان	۱۴/۸	۰/۰۱۴	۱/۳۵
	۵. میزان تأثیر مبارزه با فساد اقتصادی در کارکرد اقتصادی نهضت مقاومت لبنان	۱۵/۶	۰/۰۸۶	۲/۶۲
	۶. میزان تأثیر خدمات به مردم در کارکرد اقتصادی نهضت مقاومت لبنان	۱۵/۴	۰/۰۲۵	۲/۵۴
	۷. میزان تأثیر اقتصاد ترانزیتی در کارکرد اقتصادی نهضت مقاومت لبنان	۱۴/۱	۰/۰۲۵	۲/۴۵
	۸. میزان تأثیر تقویت بنیه اقتصادی در کارکرد اقتصادی نهضت مقاومت لبنان	۱۶	۰/۰۱۹	۱/۹۴
	۹. میزان تأثیر بازسازی مناطق جنگی در کارکرد اقتصادی نهضت مقاومت لبنان	۱۶/۳	۰/۰۲۳	۲/۲۸
	۱۰. میزان تأثیر احداث واحدهای صنعتی در کارکرد اقتصادی نهضت مقاومت لبنان	۱۴	۰/۰۲۴	۲/۳۷
	۱۱. میزان تأثیر سرمایه‌گذاری در کارکرد اقتصادی نهضت مقاومت لبنان	۱۴/۹	۰/۰۲۵	۲/۴۵
	۱۲. میزان تأثیر بهبود اوضاع اقتصادی در کارکرد اقتصادی نهضت مقاومت لبنان	۱۵/۳	۰/۰۲۳	۲/۲۸
	۱۳. میزان تأثیر تشکیل هلال احمر و بیمارستان در کارکرد اقتصادی نهضت مقاومت لبنان	۱۴/۱	۰/۰۲۵	۲/۴۵



نوع کارکرد	گوبه	میانگین اهمیت	وزن	درصد اهمیت
سیاسی	میانگین کارکرد اقتصادی		۱۴/۸	
	۱. میزان تأثیر گفت‌وگوی ملی در کارکرد سیاسی نهضت مقاومت لبنان	۱۵/۲	۰/۰۲۳	۲/۲۸
	۲. میزان تأثیر حضور در ارکان قدرت در کارکرد سیاسی نهضت مقاومت لبنان	۱۶/۷	۰/۲۳۴	۲/۴۲
	۳. میزان تأثیر اصلاح قانون اساسی در کارکرد سیاسی نهضت مقاومت لبنان	۱۱/۹	۰/۰۲۵	۲/۵۴
	۴. میزان تأثیر قدرت گرفتن مسلمانان در کارکرد سیاسی نهضت مقاومت لبنان	۱۶/۱	۰/۰۲۵	۲/۴۵
	۵. میزان تأثیر حل اختلافات داخلی در کارکرد سیاسی نهضت مقاومت لبنان	۱۷	۰/۰۲۴	۲/۳۷
	۶. میزان تأثیر پیمان طائف در کارکرد سیاسی نهضت مقاومت لبنان	۱۳/۲	۰/۰۲۵	۲/۴۵
	۷. میزان تأثیر ائتلاف با گروه‌های سیاسی در کارکرد سیاسی نهضت مقاومت لبنان	۱۵/۸	۰/۰۱۶	۱/۶۱
	۸. میزان تأثیر مبارزه با فساد سیاسی در کارکرد سیاسی نهضت مقاومت لبنان	۱۵/۱	۰/۰۱۸	۱/۷۸
	۹. میزان تأثیر تقویت دولت در کارکرد سیاسی نهضت مقاومت لبنان	۱۵/۶	۰/۰۲۲	۲/۲۰
	۱۰. میزان تأثیر تشکیل مجلس اعلای شیعیان در کارکرد سیاسی نهضت مقاومت لبنان	۱۵/۴	۰/۰۲۳	۲/۲۸
	۱۱. میزان تأثیر مصلحت‌گرایی در کارکرد سیاسی نهضت مقاومت لبنان	۱۵/۵	۰/۰۱۰	۱/۰۱
	۱۲. میزان تأثیر دیپلماسی نهضتی در کارکرد سیاسی نهضت مقاومت لبنان	۱۷	۰/۰۱۱	۱/۱۰
	۱۳. میزان تأثیر کسب قدرت سیاسی در کارکرد سیاسی نهضت مقاومت لبنان	۱۷/۳	۰/۰۱۲	۱/۱۸

نوع کارکرد	گویه	میانگین اهمیت	وزن	درصد اهمیت
	۱۴. میزان تأثیر وحدت ملی در کارکرد سیاسی نهضت مقاومت لبنان	۱۶/۳	۰/۰۱۰	۱/۰۱
	۱۵. میزان تأثیر مبارزه با حضور فرانسه و سایر بازیگران در کارکرد سیاسی نهضت مقاومت لبنان	۱۴	۰/۰۲۴	۲/۳۷
	۱۶. میزان تأثیر همکاری‌های منطقه‌ای در کارکرد سیاسی نهضت مقاومت لبنان	۱۷/۹	۰/۰۲۲	۲/۲۰
	۱۷. میزان تأثیر منافع مشترک با گروه‌های مبارز فلسطینی در کارکرد سیاسی نهضت مقاومت لبنان	۱۵/۸	۰/۰۲۴	۲/۳۷
	۱۸. میزان تأثیر تعامل با گروه‌های جهادی و مبارز در کارکرد سیاسی نهضت مقاومت لبنان	۱۶/۶	۰/۰۱۶	۱/۶۱
	۱۹. میزان تأثیر مبارزه با استکبار در کارکرد سیاسی نهضت مقاومت لبنان	۱۶/۱	۰/۰۰۹	۲/۵۴
	۲۰. میزان تأثیر مبارزه با صهیونیسم در کارکرد سیاسی نهضت مقاومت لبنان	۱۶/۴	۰/۰۰۳	۱/۷۸
میانگین کارکرد سیاسی		۱۵/۸		
نظامی	۱. میزان تأثیر مبارزه با اسرائیل در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۶/۹	۰/۰۲۳	۲/۲۸
	۲. میزان تأثیر مبارزه با نیروهای چندملیتی در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۲/۹	۰/۰۲۲	۲/۲۰
	۳. میزان تأثیر آزادسازی مناطق اشغالی در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۷/۴	۰/۰۱۶	۲/۴۵
	۴. میزان تأثیر کمک به گروه‌های فلسطینی در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۵/۲	۰/۰۰۷	۱/۷۸
	۵. میزان تأثیر مبارزه با تروریسم در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۵/۷	۰/۰۲۴	۲/۳۷
	۶. میزان تأثیر مبارزه با داعش در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۵/۸	۰/۰۲۳	۲/۲۸



نوع کارکرد	گوبه	میانگین اهمیت	وزن	درصد اهمیت
	۷. میزان تأثیر جنگ ترکیبی در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۶/۲	۰/۴۵۵	۲/۴۸
	۸. میزان تأثیر جنگ شبکه‌ای در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۷/۲	۰/۰۲۵	۲/۵۴
	۹. میزان تأثیر جنگ اطلاعاتی در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۶/۱	۰/۰۲۵	۲/۴۵
	۱۰. میزان تأثیر جنگ سایبری در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۵	۰/۰۱۸	۱/۷۸
	۱۱. میزان تأثیر جنگ تونل‌ها در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۴/۳	۰/۰۲۵	۲/۴۵
	۱۲. میزان تأثیر جنگ نامتقارن در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۷/۸	۰/۰۲۵	۲/۴۵
	۱۳. میزان تأثیر پدافند چندلایه در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۶/۱	۰/۰۱۸	۱/۷۸
	۱۴. میزان تأثیر بازدارندگی پایدار در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۷	۰/۰۱۶	۱/۶۱
	۱۵. میزان تأثیر توان موشکی و پهپادی در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۶/۳	۰/۰۱۷	۱/۶۹
	۱۶. میزان تأثیر توان دریایی در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۳/۷	۰/۰۲۵	۲/۵۴
	۱۷. میزان تأثیر حفاظت اطلاعات در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۶/۳	۰/۰۲۳	۲/۲۸
	۱۸. میزان تأثیر فرماندهی و کنترل در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۶/۹	۰/۰۲۵	۲/۵۴
	۱۹. میزان تأثیر جنگ روانی در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۶/۱	۰/۰۲۵	۲/۴۵
	۲۰. میزان تأثیر جنگ شهری در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۴/۱	۰/۰۲۳	۲/۲۸

نوع کارکرد	گویه	میانگین اهمیت	وزن	درصد اهمیت
	۲۱. میزان تأثیر معتبرسازی تهدید در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۶/۶	۰/۰۱۴	۱/۳۵
	۲۲. میزان تأثیر حرفه‌ای بودن نیروی انسانی در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۷/۶	۰/۰۸۶	۲/۶۲
	۲۳. میزان تأثیر خوداتکایی و خودکافی بودن در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۷/۷	۰/۰۲۵	۲/۵۴
	۲۴. میزان تأثیر پشتیبانی از ارتش لبنان در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۵/۴	۰/۰۲۵	۲/۴۵
	۲۵. میزان تأثیر عملیات چریکی در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۷/۹	۰/۰۱۹	۱/۹۴
	۲۶. میزان تأثیر عملیات دوردست در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۴/۶	۰/۰۲۳	۲/۲۸
	۲۷. میزان تأثیر اقدام مستقیم در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۴/۸	۰/۰۲۴	۲/۳۷
	۲۸. میزان تأثیر جنگ الکترونیک در کارکرد نظامی نهضت مقاومت لبنان	۱۶/۶	۰/۰۲۵	۲/۴۵
میانگین کارکرد نظامی		۱۶		
فرهنگی-اجتماعی	۱. میزان تأثیر خدمات آموزشی در کارکرد فرهنگی-اجتماعی نهضت مقاومت لبنان	۱۸	۰/۰۲۵	۲/۴۵
	۲. میزان تأثیر خدمات بهداشتی در کارکرد فرهنگی-اجتماعی نهضت مقاومت لبنان	۱۵	۰/۰۲۴	۲/۳۷
	۳. میزان تأثیر بنیاد شهید در کارکرد فرهنگی-اجتماعی نهضت مقاومت لبنان	۱۴/۶	۰/۰۲۳	۲/۲۸
	۴. میزان تأثیر جنگ رسانه‌ای در کارکرد فرهنگی-اجتماعی نهضت مقاومت لبنان	۱۵/۲	۰/۰۲۵	۲/۵۴
	۵. میزان تأثیر مساجد و حسینیه در کارکرد فرهنگی-اجتماعی نهضت مقاومت لبنان	۱۶/۲	۰/۰۲۵	۲/۴۵



نوع کارکرد	گوبه	میانگین اهمیت	وزن	درصد اهمیت
	۶. میزان تأثیر مدارس در کارکرد فرهنگی-اجتماعی نهضت مقاومت لبنان	۱۶/۱	۰/۰۱۹	۱/۹۴
	۷. میزان تأثیر اقدامات جهادی در کارکرد فرهنگی-اجتماعی نهضت مقاومت لبنان	۱۶/۷	۰/۰۲۳	۲/۲۸
	۸. میزان تأثیر روشنگری و جهاد تبیین در کارکرد فرهنگی-اجتماعی نهضت مقاومت لبنان	۱۷/۸	۰/۰۲۴	۲/۳۷
	۹. میزان تأثیر عمق‌بخشی به انقلاب اسلامی در کارکرد فرهنگی-اجتماعی نهضت مقاومت لبنان	۱۷/۲	۰/۰۲۵	۲/۴۵
	۱۰. میزان تأثیر الهام‌گیری از انقلاب اسلامی در کارکرد فرهنگی-اجتماعی نهضت مقاومت لبنان	۱۸/۲	۰/۰۲۳	۲/۲۸
	۱۱. میزان تأثیر آرمانگرایی واقع‌بین در کارکرد فرهنگی-اجتماعی نهضت مقاومت لبنان	۱۷/۲	۰/۰۲۵	۲/۴۵
	۱۲. میزان تأثیر فراقومی و فرامذهبی بودن در کارکرد فرهنگی-اجتماعی نهضت مقاومت لبنان	۱۶/۲	۰/۰۲۴	۲/۳۷
	۱۳. میزان تأثیر ارزش محوری و انسان‌محوری در کارکرد فرهنگی-اجتماعی نهضت مقاومت لبنان	۱۷/۶	۰/۰۲۵	۲/۵۴
	۱۴. میزان تأثیر پشتیبانی عقیدتی از مردم در کارکرد فرهنگی-اجتماعی نهضت مقاومت لبنان	۱۷	۰/۰۲۵	۲/۴۵
	۱۵. میزان تأثیر استفاده از طوایف مختلف در کارکرد فرهنگی-اجتماعی نهضت مقاومت لبنان	۱۵/۷	۰/۰۲۳	۲/۲۸
	۱۶. میزان تأثیر نفوذ فرهنگی در کارکرد فرهنگی-اجتماعی نهضت مقاومت لبنان	۱۸	۰/۰۱۴	۱/۳۵
	۱۷. میزان تأثیر مرجعیت و رهبری در کارکرد فرهنگی-اجتماعی نهضت مقاومت لبنان	۱۷/۳	۰/۰۸۶	۸/۶۲
	۱۸. میزان تأثیر سازمان‌دهی شیعیان در کارکرد فرهنگی-اجتماعی نهضت مقاومت لبنان	۱۷/۷	۰/۰۲۵	۲/۵۴
	۱۹. میزان تأثیر یکپارچگی مسلمانان در کارکرد فرهنگی-اجتماعی نهضت مقاومت لبنان	۱۶/۱	۰/۰۲۵	۲/۵۴

نوع کارکرد	گویه	میانگین اهمیت	وزن	درصد اهمیت
	۲۰. میزان تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی در کارکرد فرهنگی- اجتماعی نهضت مقاومت لبنان	۱۷/۳	۰/۰۱۸	۱/۷۸
	۲۱. میزان تأثیر رادیو و تلویزیون در کارکرد فرهنگی- اجتماعی نهضت مقاومت لبنان	۱۶/۶	۰/۰۲۵	۲/۴۵
	۲۲. میزان تأثیر گروه‌های مردم‌نهاد در کارکرد فرهنگی- اجتماعی نهضت مقاومت لبنان	۱۵/۱	۰/۰۲۵	۲/۴۵
میانگین کارکرد فرهنگی-اجتماعی		۱۶/۷		
میانگین کل الگو		۱۵/۸		

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

براساس تجزیه و تحلیل به عمل آمده نهضت مقاومت لبنان به صورت الگویی موفق در سطح جهان شناخته شده است دارای کارکردهای مشخصی است. کارکردهای نهضت مقاومت لبنان به عنوان یک بازیگر جهانی به ترتیب اولویت در ۴ سطح مشخص و تعریف شده است.

❖ پاسخ سؤال فرعی اول: کارکردهای فرهنگی-اجتماعی کدامند؟

این حوزه دارای ۲۲ کارکرد است، کارکردهای فرهنگی-اجتماعی الگوی نهضت مقاومت لبنان عبارتند از: خدمات آموزشی، خدمات بهداشتی، بنیاد شهید، جنگ رسانه‌ای، مساجد و حسینیه، مدارس، اقدامات جهادی، روشنگری و جهاد تبیین، عمق بخشی، الهام‌گیری از انقلاب اسلامی، آرمان‌گرایی واقع‌بین، فراقومی و فرامذهبی بودن، ارزش‌محوری و انسان‌محوری، پشتیبانی عقیدتی از مردم، استفاده از طوایف مختلف، نفوذ فرهنگی، مرجعیت و رهبری، سازمان‌دهی شیعیان، یکپارچگی مسلمانان، گفتمان انقلاب اسلامی، رادیو و تلویزیون، گروه‌های مردم‌نهاد.



❖ پاسخ سؤال فرعی دوم: کارکردهای نظامی - امنیتی کدامند؟

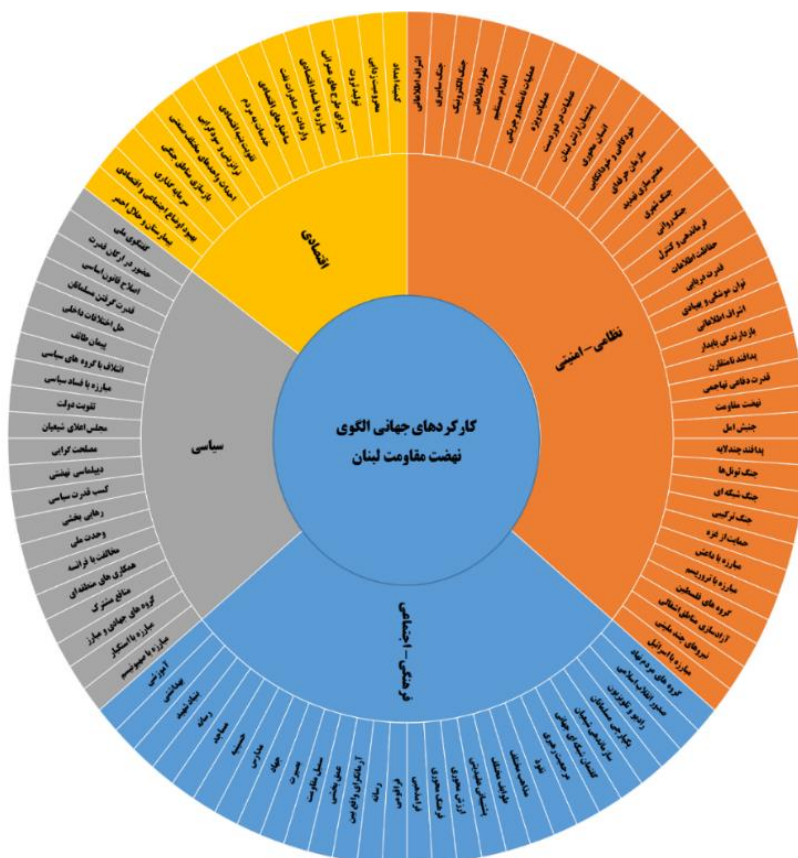
در این حوزه دارای ۲۸ کارکرد مشخص است. کارکردهای نظامی - امنیتی الگوی نهضت مقاومت لبنان عبارتند از: مبارزه با اسرائیل، مبارزه با نیروهای چندملیتی، آزادسازی مناطق اشغالی، کمک به گروه‌های فلسطینی، مبارزه با تروریسم، مبارزه با داعش، جنگ ترکیبی، جنگ شبکه‌ای، جنگ اطلاعاتی، جنگ سایبری، جنگ تونل‌ها، جنگ نامتقارن، پدافند چندلایه، بازدارندگی پایدار، توان موشکی و پهپادی، توان دریایی، حفاظت اطلاعات، فرماندهی و کنترل، جنگ روانی، جنگ شهری، معتبرسازی تهدید، حرفه‌ای بودن نیروی انسانی، خوداتکایی و خودکافی، پشتیبانی از ارتش لبنان، عملیات چریکی، عملیات دوردست، اقدام مستقیم، جنگ الکترونیک.

❖ پاسخ سؤال فرعی سوم کارکردهای سیاسی کدامند؟

در این حوزه دارای ۲۰ کارکرد مشخص است. کارکردهای سیاسی الگوی نهضت مقاومت لبنان عبارتند از: گفت‌وگوی ملی، حضور در ارکان قدرت، اصلاح قانون اساسی، قدرت گرفتن مسلمانان، حل اختلافات داخلی، پیمان طائف، ائتلاف با گروه‌های سیاسی، مبارزه با فساد سیاسی، تقویت دولت، تشکیل مجلس اعلای شیعیان، مصلحت‌گرایی، دیپلماسی نهضتی، کسب قدرت سیاسی، وحدت ملی، مبارزه با حضور فرانسه و سایر بازیگران، همکاری‌های منطقه‌ای، منافع مشترک با گروه‌های مبارز فلسطینی، تعامل با گروه‌های جهادی و مبارز، مبارزه با استکبار، مبارزه با صهیونیسم.

❖ پاسخ سؤال فرعی چهارم کارکردهای اقتصادی کدامند؟

در این حوزه دارای ۱۳ کارکرد مشخص است. کارکردهای اقتصادی الگوی نهضت مقاومت لبنان عبارتند از: تشکیل کمیته امداد، محرومیت‌زدایی، تولید ثروت، اجرای طرح‌های عمرانی، مبارزه با فساد اقتصادی، خدمات به مردم، اقتصاد ترانزیتی، تقویت بنیه اقتصادی، بازسازی مناطق جنگی، احداث واحدهای صنعتی سرمایه‌گذاری، بهبود اوضاع اقتصادی، تشکیل هلال احمر و بیمارستان. با توجه به کارکردهای بیان شده مدل کارکردی الگوی نهضت مقاومت لبنان طبق شکل زیر است.



پیشنهادهای پژوهش

✓ تعامل نیروی قدس و وزارت امور خارجه با دولت لبنان به منظور افزایش کنشگری سیاسی حزب الله لبنان در ساخت سیاسی لبنان برای تأثیرگذاری در سطح ملی و منطقه ای بیشتر شود؛



- ✓ با توجه به تحولات اخیر جبهه مقاومت و آسیب‌های نظامی وارده به این جبهه، در حال حاضر اولویت نیروی قدس باید تقویت گفتمان و فرهنگ مقاومت باشد. غالب کردن بخش فرهنگی به بخش نظامی؛
- ✓ حفظ محوریت مسئله فلسطین به عنوان گفتمان مبنایی و اصلی برای جبهه مقاومت و حزب الله لبنان توسط ج.ا.ایران از طریق اقدامات فرهنگی مثل گرامی داشت روز قدس؛
- ✓ برنامه‌ریزی و هدایت حزب الله لبنان توسط نیروی قدس، به منظور اجرا نمودن فعالیت‌ها و اقدام‌های چندوجهی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی و عملیاتی به صورت هم‌زمان و با اولویت فعالیت‌ها فرهنگی.

فهرست منابع

- آقابخش، علی؛ افشاری‌راد، مینو (۱۳۹۷)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، نشر چاپار.
- اسداللهی، مسعود (۱۳۹۹)، *از مقاومت تا پیروزی*، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه‌سازان نور.
- اسداللهی، مسعود (۱۴۰۲)، *جنبش حزب‌الله: گذشته و حال*، چاپ اول، تهران پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اکبری، حسین (۱۳۹۶)، *تقابل گفتمان مقاومت و گفتمان نظام سلطه*، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- ابوخلیل، جوزف (۱۹۹۰)، *قصه الموارنه فی الحر، لبنان، بیروت*، شرکه المطبوعات للتوزیع و النشر.
- بصیری، محمد علی؛ مجیدی نژاد، سید علی؛ موسوی، سید قائم (۱۳۹۶)، *واکاوی تهدیدات امنیتی داعش بر محور مقاومت و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۴۸.
- بابایی، راضیه؛ غفاری، زاهد (۱۳۹۸)، *نقش رهبری سید حسن نصرالله در به‌کارگیری قدرت هوشمند حزب‌الله در مواجهه با مخالفان*، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۴.
- پورقیومی، ایوب (۱۳۹۷)، *بیداری و هویت‌گرایی اسلامی در خاورمیانه چالش‌ها و راهبردها*، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- تورکمانی، حسن (۱۳۹۹)، *جنگ رژیم صهیونیستی علیه لبنان محیط راهبردی جدید خاورمیانه*، ترجمه محمدرضا بلوردی و میترا فرهادی، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- داوند، محمد و همکاران، (۱۳۹۷)، *تأثیر انقلاب اسلامی بر هندسه قدرت مقاومت اسلامی در غرب آسیا*، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۲۵.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۹)، *پیروزی مقاومت هویت و فرهنگ پیروزی*، مترجم صغری روستایی، تهران، مؤسسه اندیشه‌سازان نور.
- حمزه، نزار (۱۳۷۲)، *حزب‌الله لبنان: از انقلاب اسلامی تا سازش پارلمانی*، ترجمه بهروز ابوئی مهریزی، مجله دانش سیاسی، بهمن و اسفند.



- داوند، محمد؛ اسلامی، محسن؛ داوند، حجت (۱۳۹۷)، *تأثیر انقلاب اسلامی بر هندسه قدرت مقاومت اسلامی در غرب آسیا*، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۷، شماره ۲۵.
- حسین یعقوب، احمد (۱۴۱۲)، *النظام السياسي في الاسلام*، بیروت، لبنان، الدار الاسلامیه
- سعیدی، علی (۱۴۰۰)، *بازشناسی انقلاب اسلامی*، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- سرخیل، بهنام (۱۳۹۷)، *حزب‌الله پیروز*، چاپ اول، تهران، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- صالح اصفهانی، اصغر؛ نظامی‌پور، قدیر؛ کاظمی قمی، حسن؛ فرجی، ایرج (۱۳۹۹)، *الگوی جبهه مقاومت از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)*، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال ۱۸، شماره ۸۲.
- کریمی، ابوالفضل (۱۳۹۶)، *نقش جمهوری اسلامی ایران در هویت بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت*، فصلنامه شماره ۲۰ پژوهش‌های ملل.
- گلچین، علی (۱۳۹۸)، *حزب‌الله و مواجهه با چالش‌های درونی لبنان*، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیستم، شماره ۴، پیاپی ۸۰، زمستان ۱۳۹۸.
- فضل‌الله، حسن (۲۰۲۰)، *حزب‌الله و الدولة في لبنان: الروية والمسار*، بیروت، شركة المطبوعات للتوزيع والنشر.

References

- Ajami, Fouad (2023). The Vanished Imam: Musa al-sadr and Shia of Lebanon, Inthaca and London: Cornell University Press.
- Tegho, Julie.A (2024), Other Side of Coin: The Political Credibility Of Hezbollah and It`s Impact on Domestic and Regional Politics, Washangton D.C., June4.



Analyzing the Impact of Social and Economic Conflicts on the Military Thought of Azerbaijan and Armenia during the Second Nagorno-Karabakh War (2020) and Its Implications for the Islamic Republic of Iran

Shahram Norouzani

Professor, Supreme National Defence University, Tehran, Iran

Alireza Shaban

PhD Candidate in Military Thought, Supreme National Defence University, Tehran, Iran

Email: a.shaban181@gmail.com

Morteza Sedaghat

PhD Candidate in Military Thought, Supreme National Defence University, Tehran, Iran

Nabiollah Moradi

PhD Candidate in Military Thought, Supreme National Defence University, Tehran, Iran

Seyed Hassan Mousavi

PhD Candidate in Military Thought, Supreme National Defence University, Tehran, Iran

Abstract

The South Caucasus, as one of the most sensitive geopolitical regions, has witnessed profound social and economic conflicts between the Republic of Azerbaijan and Armenia over recent decades. These conflicts, rooted in the First Nagorno-Karabakh War, reached a critical turning point during the Second Nagorno-Karabakh War in 2020, significantly reshaping the military and security dynamics of the region. The main objective of this study is to analyze the role of social and economic conflicts in shaping the military thought and defensive strategies of Azerbaijan and Armenia, as well as to examine the implications of these developments for the Islamic Republic of Iran.

This research adopts a qualitative approach and employs a descriptive-analytical method. Data were collected and analyzed from documents, library resources, and credible international reports. The findings indicate that in Azerbaijan, social challenges combined with the utilization of oil revenues led to military modernization and a technology-oriented approach. In contrast, Armenia, constrained by economic limitations, emphasized popular mobilization and traditional defense strategies. Armenia's defeat in the Second Nagorno-Karabakh War prompted a reassessment of its defense structure and a growing inclination toward modern military technologies. These developments have resulted in increased instability along Iran's northwestern borders, the active involvement of external actors, and heightened threats to Iran's geopolitical interests, particularly through the Zangezur Corridor. The results underscore the necessity for revising Iran's defense and security strategies and enhancing the country's technological and intelligence capabilities.

Keywords: Second Nagorno-Karabakh War, Social Conflicts, Economic Conflicts, Military Thought, Iranian Geopolitics



تحلیل تأثیر منازعات اجتماعی و اقتصادی بر اندیشه‌های نظامی آذربایجان و ارمنستان در جنگ دوم قره‌باغ (۲۰۲۰) و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران

شهرام نوروزانی

استاد دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

علیرضا شaban

دانشجوی دکتری اندیشه نظامی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

Email: a.shaban181@gmail.com

مرتضی صداقت، نبی اله مرادی، سید حسن موسوی

دانشجوی دکتری اندیشه نظامی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

چکیده

قفقاز جنوبی به‌عنوان یکی از مناطق ژئوپلیتیکی حساس، طی دهه‌های اخیر شاهد منازعات عمیق اجتماعی و اقتصادی میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان بوده است؛ منازعاتی که ریشه در جنگ اول قره‌باغ داشته و در جنگ دوم قره‌باغ (۲۰۲۰) به نقطه عطفی در تحولات نظامی و امنیتی منطقه انجامید. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل نقش منازعات اجتماعی و اقتصادی در شکل‌دهی به اندیشه‌های نظامی و راهبردهای دفاعی دو کشور مذکور و بررسی پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران است. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش توصیفی-تحلیلی، داده‌های خود را از اسناد، منابع کتابخانه‌ای و گزارش‌های معتبر بین‌المللی گردآوری و تحلیل نموده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در آذربایجان، بحران‌های اجتماعی و بهره‌گیری از درآمدهای نفتی به مدرن‌سازی ارتش و رویکرد فناورانه منجر شد، درحالی‌که ارمنستان با محدودیت‌های اقتصادی، بر بسیج مردمی و دفاع سنتی تأکید داشت. شکست ارمنستان در جنگ دوم قره‌باغ موجب بازنگری در ساختار دفاعی و گرایش به فناوری‌های نوین گردید. این تحولات، افزایش بی‌ثباتی در مرزهای شمال‌غربی، حضور فعال بازیگران خارجی و تهدید منافع ژئوپلیتیکی ایران (به‌ویژه از طریق کریدور زنگرور) را به دنبال داشته است. نتایج پژوهش بر ضرورت بازنگری در راهبردهای دفاعی و امنیتی ایران و ارتقای توانمندی‌های فناورانه و اطلاعاتی کشور تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها: جنگ دوم قره‌باغ، منازعات اجتماعی، منازعات اقتصادی، اندیشه نظامی، ژئوپلیتیک ایران

مقدمه

قفقاز جنوبی با همه پیچیدگی‌های قومی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی خود، دهه‌ها است که صحنه کشمکش‌های عمیق و گاه فرساینده میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان است. ریشه‌های این مناقشه را باید در سال‌های ابتدایی دهه ۱۹۹۰ و جنگ اول قره‌باغ جست‌وجو کرد؛ جنگی که نه تنها مرزهای جغرافیایی، بلکه مرزهای هویتی و اجتماعی دو ملت را نیز دگرگون ساخت. این منازعات، با ایجاد موج‌های گسترده مهاجرت، آوارگی و بحران‌های اقتصادی، بستر شکل‌گیری اندیشه‌های نوین نظامی و امنیتی را در هر دو کشور فراهم کردند (Cornell, 2017). (قاسمی، ۱۳۹۹).

در سال‌های پس از جنگ اول، جمهوری آذربایجان با تکیه بر درآمدهای نفتی و حمایت‌های خارجی، مسیر مدرن‌سازی ارتش و توسعه فناوری‌های پیشرفته نظامی را درپیش گرفت؛ درحالی‌که ارمنستان، با محدودیت‌های اقتصادی و فشارهای ناشی از تحریم‌ها، ناگزیر به اتکا بر متحدان سنتی و تمرکز بر دفاع سرزمینی شد (Broers, 2019؛ رحمانی، ۱۴۰۱؛ Cornell, 2024). نقطه عطف این تحولات، جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ بود؛ جنگی که نه تنها توازن قوا را در منطقه تغییر داد، بلکه باعث بازنگری اساسی در راهبردهای نظامی و امنیتی هر دو کشور شد و مدل جدیدی از جنگ فناورانه را در قفقاز جنوبی تثبیت کرد (International Crisis Group, 2023. De Waal, 2023).

اهمیت این پژوهش زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم منازعات اجتماعی و اقتصادی، فراتر از آمار و داده‌های خشک، به‌طور واقعی بر سرنوشت ملت‌ها و مسیرهای راهبردی کشورها اثرگذارند. بررسی دقیق این تأثیرات بر اندیشه‌های نظامی آذربایجان و ارمنستان، به ما کمک می‌کند تا لایه‌های پنهان امنیت و سیاست در منطقه را بهتر بفهمیم. این شناخت، نه تنها به غنای ادبیات علمی حوزه امنیت و استراتژی می‌افزاید، بلکه می‌تواند ابزاری عملی برای تصمیم‌سازان ایرانی باشد تا در مواجهه با تحولات قفقاز جنوبی، تصمیماتی هوشمندانه‌تر و آینده‌نگرانه‌تر اتخاذ کنند (Cornell, 2024. International Crisis Group, 2023).



بر همین اساس، هدف اصلی این پژوهش، تحلیل دقیق نقش منازعات اجتماعی و اقتصادی در شکل‌دهی به اندیشه‌های نظامی و راهبردهای دفاعی جمهوری آذربایجان و ارمنستان، با تأکید ویژه بر پیامدهای این تحولات برای جمهوری اسلامی ایران است. سؤال کلیدی تحقیق نیز چنین تعریف می‌شود: «تحولات اجتماعی و اقتصادی ناشی از منازعات اخیر، چگونه بر اندیشه‌های نظامی و راهبردهای دفاعی آذربایجان و ارمنستان اثر گذاشته و این تغییرات چه پیامدهایی برای امنیت ملی و منافع ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟»

۱. پیشینه پژوهش

مطالعه تأثیر منازعات اجتماعی و اقتصادی بر اندیشه‌های نظامی، هم در سطح منطقه‌ای و هم در سطح جهانی، موضوع پژوهش‌های متعددی بوده است. در سال‌های اخیر، پژوهشگران با رویکردهای تطبیقی و بین‌رشته‌ای، به بررسی نقش عوامل اجتماعی و اقتصادی در تحول ساختارها و راهبردهای دفاعی کشورها پرداخته‌اند.

نوروزانی (۱۳۹۸)، در مقاله تحولات امنیتی قفقاز جنوبی و پیامدهای آن برای ایران و موسوی (۱۴۰۰)، در مقاله تأثیر منازعات قومی و اقتصادی بر سیاست‌های دفاعی جمهوری آذربایجان به این موضوع پرداخته‌اند.

Prunier (1995): در کتاب خود درباره نسل‌کشی رواندا، نشان می‌دهد که بحران‌های اجتماعی و قومی چگونه به شکل‌گیری ارتش‌های ایدئولوژیک و تمرکز نظامی شدید منجر شده است.

Judah (2000): در مطالعه‌ای درباره یوگسلاوی سابق، تأکید می‌کند که تنش‌های قومی دهه ۱۹۹۰ باعث بازتعریف ساختار و راهبرد ارتش‌ها بر مبنای هویت قومی شد.

Sayigh (2019): در پژوهش خود درباره مصر، نشان می‌دهد که اعتراضات اجتماعی و بحران‌های داخلی، وابستگی دولت به ارتش و نقش نظامیان در مدیریت بحران را افزایش داده است.

Cordesman (2019, 2023): درباره کشورهای نفتی، به‌ویژه عربستان سعودی، توضیح می‌دهد که درآمدهای نفتی در شرایط بحران اقتصادی، صرف تقویت نیروهای نظامی و فناوری‌های پیشرفته می‌شود.

Ghazaryan & Aliyev (2023): در پژوهش خود درباره قفقاز جنوبی، تأکید دارند که منازعات قره‌باغ موجب تغییرات بنیادین در سیاست‌های دفاعی و امنیتی آذربایجان و ارمنستان شده است.

Cornell (2024): با بررسی پیامدهای جنگ دوم قره‌باغ، به نقش فناوری‌های نوین نظامی و تأثیر آن بر راهبردهای دفاعی دو کشور می‌پردازد.

قاسمی (۱۳۹۹) و رحمانی (۱۴۰۱): در مقالات داخلی، نقش منازعات اجتماعی و اقتصادی و تأثیر آن بر تحول اندیشه‌های نظامی و ساختار دفاعی آذربایجان و ارمنستان را بررسی کرده‌اند.

این پیشینه‌ها نشان می‌دهد که منازعات اجتماعی و اقتصادی، به‌ویژه در مناطق بحران‌خیز، همواره یکی از عوامل کلیدی در تحول اندیشه‌های نظامی و ساختارهای دفاعی به شمار می‌آیند.

۲. مفهوم‌شناسی

منازعه اجتماعی: به مجموعه‌ای از تعارضات و بحران‌های داخلی اطلاق می‌شود که ناشی از اختلافات قومی، مذهبی، طبقاتی یا هویتی است و می‌تواند به بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی منجر شود (Gurr, 2021؛ سرمد و همکاران، ۱۳۹۹).

منازعه اقتصادی: شامل بحران‌های اقتصادی، تحریم‌ها، رکود، کاهش درآمدهای ملی یا نابرابری‌های اقتصادی است که بر سیاست‌های کلان کشورها، از جمله سیاست‌های دفاعی و نظامی، اثرگذار است (Cordesman, 2023؛ دلاور، ۱۴۰۰).



اندیشه نظامی: مجموعه‌ای از باورها، راهبردها و سیاست‌هایی است که برای تأمین امنیت ملی، دفاع از تمامیت ارضی و مقابله با تهدیدات خارجی توسط نخبگان نظامی و سیاسی تدوین می‌شود (Gray, 1999).

راهبرد دفاعی: برنامه‌ریزی کلان و سازمان‌یافته برای استفاده از منابع نظامی و غیرنظامی جهت مقابله با تهدیدات بالفعل و بالقوه که متأثر از شرایط اجتماعی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی هر کشور است (Snyder, 1961).

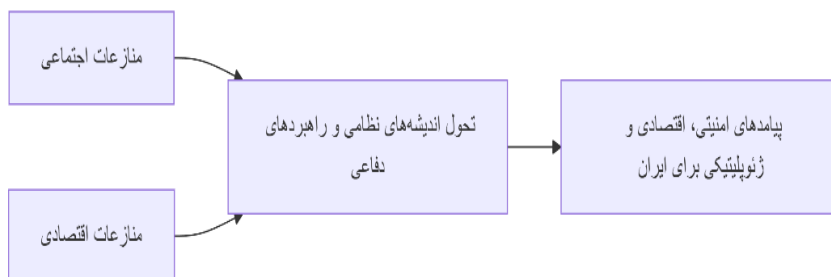
۳. چهارچوب نظری

در این پژوهش، چهارچوب نظری بر مبنای مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیتی و نظریه پیوند متقابل امنیت اجتماعی-اقتصادی شکل گرفته است. براساس این رویکرد، امنیت نه فقط یک مقوله نظامی، بلکه پدیده‌ای چندبعدی است که عوامل اجتماعی و اقتصادی، نقش بنیادینی در شکل‌دهی به راهبردها و اندیشه‌های نظامی ایفا می‌کنند (Buzan & Waever, 2003). همچنین، نظریه‌های جدیدتر امنیت منطقه‌ای و امنیت انسانی (De Waal, 2023. Cornell, 2024) نیز بر چندلایه بودن تهدیدات و اهمیت پیوند متقابل حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و نظامی تأکید دارند.

۳-۱. مدل مفهومی پژوهش

در این مدل، منازعات اجتماعی (مانند بحران‌های قومی، مهاجرت و آوارگی) و منازعات اقتصادی (مانند تحریم‌ها، رکود یا درآمدهای نفتی) به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند که از طریق تأثیرگذاری بر ساختارهای سیاسی و اجتماعی، موجب تحول در اندیشه‌های نظامی و راهبردهای دفاعی جمهوری آذربایجان و ارمنستان می‌شوند. این

تحولات، به نوبه خود، پیامدهای مستقیمی برای امنیت ملی و منافع ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران دارند.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

نمودار مدل مفهومی نشان‌دهنده تأثیر منازعات اجتماعی و اقتصادی (متغیرهای مستقل) بر اندیشه‌های نظامی و راهبردهای دفاعی آذربایجان و ارمنستان (متغیر واسطه) و در نهایت پیامدهای آن برای امنیت و ژئوپلیتیک ایران (متغیر وابسته) است.

۴. روش‌شناسی

این پژوهش باهدف تحلیل تأثیر منازعات اجتماعی و اقتصادی بر اندیشه‌های نظامی جمهوری آذربایجان و ارمنستان و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران، از رویکرد کیفی و روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته است. روش‌های کیفی، به‌ویژه تحلیل اسنادی و کتابخانه‌ای، برای بررسی روندهای تاریخی، اجتماعی و نظامی و فهم عمیق پدیده‌های پیچیده در مطالعات راهبردی و علوم انسانی بسیار رایج و کارآمد هستند (Creswell, 2022؛ همکاران، ۱۳۹۹؛ Flick, 2023).



این پژوهش از نوع بنیادی-کاربردی است؛ زیرا هم به توسعه دانش نظری در حوزه امنیت و مطالعات نظامی کمک می‌کند و هم یافته‌های آن می‌تواند در سیاست‌گذاری و تدوین راهبردهای دفاعی کشور مورد استفاده قرار گیرد (Neuman, 2022؛ دلاور، ۱۴۰۰).

روش اصلی تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. داده‌ها عمدتاً از طریق مطالعه اسناد، کتاب‌ها، مقالات علمی-پژوهشی، گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی و منابع آرشیوی گردآوری شده‌اند. این رویکرد امکان تحلیل روندهای تاریخی، اجتماعی و اقتصادی و تفسیر تأثیر آن‌ها بر سیاست‌های نظامی و دفاعی را فراهم می‌آورد (Bowen, 2023؛ فراهانی، ۱۳۹۸).

همچنین با توجه به ماهیت کیفی پژوهش و تمرکز بر تحلیل اسناد و منابع، جامعه پژوهش شامل کلیه منابع مکتوب و دیجیتال مرتبط با موضوع (کتاب تخصصی، مقالات علمی، گزارش‌های رسمی و داده‌های آماری) است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و مبتنی بر اشیاء نظری انجام شده است؛ یعنی جمع‌آوری داده‌ها تا زمانی ادامه یافته که اطلاعات جدیدی به دست نیامده و مفاهیم اصلی پژوهش به طور کامل پوشش داده شده‌اند.

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها نیز، فیش‌برداری از منابع کتابخانه‌ای و پایگاه‌های اطلاعاتی علمی مانند Elsevier، Springer، JSTOR و پایگاه‌های ملی و منطقه‌ای بوده است. همچنین از داده‌های آماری و گزارش‌های نهادهای بین‌المللی (مانند بانک جهانی، SIPRI و سازمان ملل) و اسناد تاریخی و آرشیوی استفاده شده است.

روایی و پایایی داده‌ها

برای اطمینان از روایی داده‌ها، منابع معتبر و به‌روز علمی انتخاب و اعتبارسنجی آن‌ها با رجوع به مقالات علمی-پژوهشی و گزارش‌های تخصصی انجام شده است. همچنین با بهره‌گیری از روش مثلث‌سازی داده‌ها (triangulation)، یافته‌ها با منابع مختلف تطبیق داده شده تا صحت و دقت تحلیل‌ها تضمین شود.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و تحلیل تطبیقی بررسی شده‌اند. ابتدا داده‌ها کدگذاری و طبقه‌بندی شده، سپس روندها و الگوهای مشترک و متفاوت در اندیشه‌های نظامی آذربایجان و ارمنستان استخراج گردیده است. درنهایت، پیامدهای این تحولات برای امنیت و منافع ژئوپلیتیکی ایران تحلیل شد.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

۵-۱. تأثیر منازعات اجتماعی و اقتصادی بر اندیشه‌های نظامی جمهوری آذربایجان

❖ تأثیر منازعات اجتماعی

منازعات اجتماعی، به‌ویژه اختلافات قومی و مذهبی، نقش کلیدی در شکل‌گیری و تحول اندیشه‌های نظامی جمهوری آذربایجان داشته است. جنگ اول قره‌باغ (۱۹۹۰) موجی از آوارگی، مهاجرت و بحران هویت ملی را به دنبال داشت که به تقویت رویکردهای ملی‌گرایانه و دفاع سرزمینی منجر شد (قاسمی ۱۳۹۹؛ Cornell, 2017). در این دوران، اندیشه نظامی آذربایجان بر محور دفاع از سرزمین و حفظ هویت ملی شکل گرفت و ارتش به‌عنوان نماد وحدت ملی و ابزار مقابله با تهدیدات خارجی مطرح شد.

❖ تحول مفاهیم امنیت ملی و نظامی

پس از جنگ اول قره‌باغ و با تداوم بحران‌های اجتماعی و سیاسی، آذربایجان به‌تدریج به سمت مدرن‌سازی ارتش و استفاده از فناوری‌های نوین نظامی حرکت کرد. سرمایه‌گذاری‌های کلان در ارتش، ورود پهپادها، موشک‌های دقیق و سیستم‌های دفاع هوایی، نشانگر تغییر رویکرد از دفاع سنتی به دفاع فناورانه و انعطاف‌پذیر بود (رحمانی ۱۴۰۱،

(Broers, 2019).



❖ تأثیر منازعات اقتصادی

آذربایجان با تکیه بر درآمدهای نفت و گاز، توانست منابع مالی لازم برای نوسازی ارتش و خرید تسلیحات پیشرفته را تأمین کند (Cordesman, 2019). همکاری با کشورهای خارجی مانند ترکیه و رژیم صهیونیستی در تأمین فناوری نظامی، به شکل‌گیری اندیشه‌های جدید در عرصه نظامی کمک کرد. همچنین فشارهای اقتصادی ناشی از منازعات نظامی، آذربایجان را به توسعه صنایع دفاعی داخلی سوق داد تا وابستگی به واردات کاهش یابد.

جدول ۱: روند بودجه نظامی جمهوری آذربایجان و ارمنستان (۲۰۱۰-۲۰۲۰)

سال	آذربایجان (میلیارد دلار)	ارمنستان (میلیارد دلار)
۲۰۱۰	۲/۳	۰/۴
۲۰۱۱	۲/۸	۰/۴
۲۰۱۲	۳/۰	۰/۴
۲۰۱۳	۳/۴	۰/۴
۲۰۱۴	۳/۶	۰/۴
۲۰۱۵	۳/۲	۰/۴
۲۰۱۶	۲/۷	۰/۵
۲۰۱۷	۱/۶	۰/۵
۲۰۱۸	۱/۷	۰/۶
۲۰۱۹	۲/۰	۰/۶
۲	۲/۷	۰/۶

منبع: (SIPRI Military Expenditure Database, World Bank)

همان‌طور که در جدول (۱)، مشاهده می‌شود، بودجه نظامی آذربایجان در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ روندی صعودی و چشمگیر داشته است و این روند در سال‌های اخیر نیز ادامه یافته است (SIPRI, 2024; World Bank, 2024). افزایش منابع مالی ناشی از درآمدهای نفت و گاز، به آذربایجان امکان داد تا ارتش خود را به‌طور گسترده مدرن‌سازی کند و به فناوری‌های پیشرفته نظامی، به‌ویژه در حوزه پهپادها و سامانه‌های هوشمند رزمی، دست یابد (Cornell, 2024). در مقابل، بودجه نظامی ارمنستان با رشدی کند و محدود همراه بوده که این امر عمده‌تاً ناشی از فشارهای اقتصادی، تحریم‌ها و محدودیت منابع مالی است؛ این تفاوت بودجه‌ای، تأثیر مستقیمی بر راهبردهای نظامی و توان تجهیزاتی دو کشور داشته و موجب شده است که ارمنستان بیشتر بر بسیج مردمی و دفاع سنتی تکیه کند.

❖ جنگ دوم قره‌باغ و نقطه عطف اندیشه نظامی

جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ نقطه عطفی در تحول اندیشه‌های نظامی آذربایجان بود. به گزارش گروه بحران بین‌المللی (International Crisis Group, 2023)، استفاده موفق آذربایجان از پهپادهای رزمی، تسلیحات دقیق و جنگ ترکیبی، مدل جدیدی از نبرد فناورانه را در منطقه تثبیت کرد. این تجربه، موجب تقویت نگاه فناورانه و افزایش سرمایه‌گذاری در حوزه‌های نوین نظامی شد و به‌ویژه پس از ۲۰۲۰، روند نوسازی و ارتقای توان دفاعی آذربایجان با شتاب بیشتری دنبال شد (SIPRI, 2024).

۵-۲. تأثیر منازعات اجتماعی و اقتصادی بر اندیشه‌های نظامی ارمنستان

❖ تأثیر منازعات اجتماعی

در ارمنستان نیز منازعات اجتماعی، به‌ویژه جنگ‌های قره‌باغ، موجب تقویت هویت ملی، احساس تهدید دائمی و تمرکز بر دفاع سرزمینی شد. ارتش ارمنستان با تکیه بر بسیج عمومی و روحیه ملی‌گرایی، دفاع از سرزمین و هویت ملی را در رأس راهبردهای خود قرار داد (De Waal, 2023).



❖ تأثیر منازعات اقتصادی

محدودیت‌های اقتصادی، تحریم‌ها و فشارهای منطقه‌ای، ارمنستان را ناگزیر به اولویت‌بندی بودجه دفاعی و اتکا بر صنایع دفاعی داخلی و همکاری با متحدان سنتی، به‌ویژه روسیه، کرد (Ghazaryan & Aliyev, 2023). این کشور با وجود مشکلات مالی، منابع خود را عمدتاً به حوزه‌هایی مانند دفاع موشکی، پدافند هوایی و ارتقای توانمندی‌های زمینی اختصاص داد، اما توان رقابت فناورانه با آذربایجان را نداشت (Cornell, 2024).

❖ تحولات پس از جنگ دوم قره‌باغ

شکست در جنگ دوم قره‌باغ، موجب بازنگری اساسی در ساختار و راهبردهای نظامی ارمنستان شد. ضعف در استفاده از فناوری‌های نوین و عدم انطباق با الزامات جنگ مدرن، دولت ارمنستان را به سمت اصلاحات ساختاری، افزایش همکاری با کشورهای غربی و تمرکز بر فناوری‌های جدید سوق داد (International Crisis Group, 2023; De Waal, 2023).

۳-۵. تحلیل تطبیقی و پیامدهای منطقه‌ای (با تأکید بر ایران)

❖ شباهت‌ها و تفاوت‌ها

- هر دو کشور تحت تأثیر منازعات اجتماعی، به تقویت هویت ملی و دفاع سرزمینی روی آورده‌اند؛
- آذربایجان با پشتوانه اقتصادی قوی‌تر، توانسته است ارتشی فناورانه‌تر و مدرن‌تر ایجاد کند؛ درحالی‌که ارمنستان بیشتر به بسیج مردمی و دفاع سنتی متکی بوده است؛
- هر دو کشور پس از جنگ دوم قره‌باغ، به سمت استفاده بیشتر از فناوری‌های نوین نظامی حرکت کرده‌اند، اما سطح و سرعت این تحول در آذربایجان بسیار بالاتر بوده است.

❖ پیامدهای راهبردی برای جمهوری اسلامی ایران

۱. افزایش بی‌ثباتی در مرزهای شمال‌غربی: تحولات نظامی و امنیتی در جمهوری آذربایجان و ارمنستان، به‌ویژه پس از جنگ دوم قره‌باغ، موجب افزایش بی‌ثباتی و حساسیت در مرزهای شمال‌غربی ایران شده است. داده‌های جدید نشان می‌دهد که تداوم رقابت تسلیحاتی و تغییر موازنه قوا در قفقاز جنوبی، ریسک بروز درگیری‌های جدید و تهدیدات مرزی را برای ایران افزایش داده است (International Crisis Group, 2023; SIPRI, 2024).

۲. افزایش نقش و نفوذ بازیگران خارجی: حضور فعال و فزاینده بازیگران خارجی همچون ترکیه، روسیه و رژیم صهیونیستی در فرآیندهای امنیتی و نظامی قفقاز جنوبی، ابعاد جدیدی از تهدیدات را برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است. این بازیگران نه تنها به تقویت یکی از طرفین منازعه کمک کرده‌اند، بلکه با حضور نظامی و اطلاعاتی خود، معادلات امنیتی منطقه را پیچیده‌تر ساخته‌اند (De Waal, 2023; Cornell, 2024).

۳. تهدیدات ژئوپلیتیکی و ترانزیتی ناشی از کریدور زنگزور: برخلاف برخی تحلیل‌ها که بر فرصت‌های ترانزیتی جدید تأکید دارند، شواهد و تحلیل‌های راهبردی اخیر نشان می‌دهد که راه‌اندازی کریدور زنگزور عملاً باهدف حذف یا تضعیف نقش ایران در مسیرهای ترانزیت منطقه‌ای و اتصال مستقیم آذربایجان به نخجوان و ترکیه طراحی شده است. این کریدور می‌تواند منافع ژئوپلیتیکی و اقتصادی ایران را به شدت تهدید کند و موجب کاهش اهمیت راهبردی ایران در معادلات منطقه‌ای گردد (International Crisis Group, 2023; World Bank, 2024).

۴. ضرورت بازنگری و ارتقای راهبردهای دفاعی و امنیتی ایران: تحولات فناورانه و نظامی در همسایگان شمال‌غربی، ازجمله افزایش توانمندی‌های پهپادی و استفاده از فناوری‌های نوین نظامی، ضرورت بازنگری و به‌روزرسانی راهبردهای دفاعی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران را بیش‌ازپیش برجسته می‌کند. یافته‌های پژوهش‌های



جدید نیز تأکید دارند که تحولات ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی پس از جنگ دوم قره‌باغ، لزوم تقویت سیاست‌ها و راهبردهای دفاعی و امنیتی ایران را دوچندان ساخته است (Cornell, 2024; Ghazaryan & Aliyev, 2023).

جدول ۲: پیامدهای منازعات اجتماعی و اقتصادی بر اندیشه‌های نظامی آذربایجان و ارمنستان

کشور	عوامل اجتماعی	عوامل اقتصادی	پیامدهای نظامی	پیامد برای ایران
آذربایجان	هویت ملی، مهاجرت، آوارگی	درآمد نفت و گاز، همکاری خارجی	مدرن‌سازی ارتش، فناوری نوین	افزایش بی‌ثباتی مرزی، تهدید فناورانه
ارمنستان	هویت ملی، تهدید خارجی	محدودیت بودجه، تحریم	دفاع سنتی، اصلاح ساختار	افزایش نقش روسیه، تهدید ترانزیتی

جدول تطبیقی، مقایسه‌ای از تأثیر منازعات اجتماعی و اقتصادی بر اندیشه نظامی و راهبرد دفاعی دو کشور و پیامدهای آن برای ایران را ارائه می‌دهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

بررسی تطبیقی تأثیر منازعات اجتماعی و اقتصادی بر اندیشه‌های نظامی جمهوری آذربایجان و ارمنستان نشان می‌دهد که این دو کشور، علی‌رغم شباهت‌های جغرافیایی و تاریخی، مسیرهای متفاوتی را در تحول راهبردهای دفاعی و نظامی خود طی کرده‌اند. در آذربایجان، بحران‌های اجتماعی ناشی از جنگ قره‌باغ و موج‌های آوارگی، زمینه‌ساز تقویت هویت ملی و تمرکز بر ارتش حرفه‌ای و فناورانه شد. این کشور با بهره‌گیری از درآمدهای نفت و گاز و همکاری با بازیگران خارجی، توانست ارتش خود را مدرن‌سازی کند و در جنگ دوم قره‌باغ با اتکا به فناوری‌های نوین، به دستاوردهای نظامی قابل توجهی برسد و مدل جدیدی از جنگ فناورانه را در منطقه تثبیت کند.

در مقابل، ارمنستان با محدودیت‌های اقتصادی، فشارهای ناشی از تحریم‌ها و بحران‌های اجتماعی، ناگزیر به اتکا بر بسیج عمومی و دفاع سرزمینی شد. شکست در جنگ دوم قره‌باغ، ضعف در بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و ناکارآمدی ساختار دفاعی سنتی را آشکار ساخت

و این کشور را به سمت اصلاحات ساختاری و افزایش همکاری‌های دفاعی با کشورهای غربی سوق داد. تحلیل پیامدهای این تحولات برای جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که افزایش بی‌ثباتی در مرزهای شمال غربی، حضور فعال‌تر بازیگران خارجی و تغییر معادلات امنیتی و ژئوپلیتیکی، تهدیدات و چالش‌های جدیدی را برای ایران ایجاد کرده است. به‌ویژه راه‌اندازی کریدور زنگرور که باهدف کاهش نقش ایران در مسیرهای ترانزیتی منطقه و اتصال مستقیم آذربایجان به نخجوان و ترکیه دنبال می‌شود، می‌تواند موقعیت ژئوپلیتیکی و منافع اقتصادی ایران را به‌طور جدی تهدید کند و نقش سنتی ایران در معادلات ترانزیتی و تجاری منطقه را تضعیف نماید. در چنین شرایطی، ضرورت بازنگری در راهبردهای دفاعی، امنیتی و اقتصادی کشور و ارتقاء توانمندی‌های فناورانه و اطلاعاتی بیش‌ازپیش احساس می‌شود. درنهایت، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که منازعات اجتماعی و اقتصادی، به‌ویژه در مناطق بحران‌خیز مانند قفقاز جنوبی، نه تنها ساختارهای اجتماعی و اقتصادی کشورها را دگرگون می‌کند، بلکه به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر اندیشه‌ها و سیاست‌های نظامی و دفاعی آنان اثرگذار است. این روندها، به‌ویژه در سایه تحولات فناورانه و رقابت‌های ژئوپلیتیکی، همچنان نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده امنیت منطقه و جمهوری اسلامی ایران خواهند داشت.

پیشنهادهای پژوهش

- ✓ تقویت دیپلماسی فعال و چندلایه منطقه‌ای: ایران باید با اتخاذ سیاست خارجی فعال و چندجانبه، سطح تعاملات دیپلماتیک خود را با کشورهای قفقاز جنوبی، روسیه، ترکیه و سایر بازیگران مؤثر افزایش دهد تا بتواند نقش مؤثرتری در مدیریت بحران‌ها و جلوگیری از افزایش نفوذ بازیگران فرا منطقه‌ای ایفا کند.
- ✓ بازنگری و ارتقای راهبردهای دفاعی و امنیتی: با توجه به تحولات فناورانه و نظامی در منطقه، لازم است راهبردهای دفاعی و امنیتی ایران به‌روز شده و بر توسعه فناوری‌های نوین نظامی، افزایش توان اطلاعاتی و ارتقای آمادگی نیروهای نظامی و امنیتی در مرزهای شمال غربی تمرکز شود.



✓ حفظ و تقویت نقش ژئوپلیتیکی ایران در معادلات منطقه‌ای: ایران باید با بهره‌گیری از ابزارهای دیپلماتیک، حقوقی و اقتصادی، مانع از اجرایی شدن طرح‌هایی مانند کریدور زنگزور شود که هدف آن‌ها کاهش نقش ایران در مسیرهای ترانزیتی منطقه است و درعین‌حال، مسیرهای جایگزین داخلی و همکاری‌های منطقه‌ای را تقویت نماید.

✓ گسترش همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی منطقه‌ای: ایجاد سازوکارهای مؤثر برای تبادل اطلاعات و همکاری امنیتی با کشورهای همسایه، به‌ویژه ارمنستان و گرجستان، می‌تواند از گسترش تهدیدات امنیتی و نفوذ بازیگران فرا منطقه‌ای جلوگیری کند و امنیت مرزهای شمال‌غربی کشور را تقویت نماید.

✓ افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های دفاعی و اطلاعاتی مرزی: توسعه سامانه‌های مراقبت و هشدار سریع، به‌روزرسانی تجهیزات نظامی و تقویت حضور نیروهای امنیتی و انتظامی در استان‌های مرزی شمال غرب، باید در اولویت قرار گیرد.

✓ توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق مرزی: اجرای پروژه‌های اشتغال‌زایی، بهبود خدمات عمومی و زیرساختی و تقویت هویت ملی در استان‌های مرزی، می‌تواند تاب‌آوری این مناطق را در برابر تهدیدات خارجی و تحولات منطقه‌ای افزایش دهد.

✓ پیگیری حقوقی و دیپلماتیک منافع ملی ایران در مجامع بین‌المللی: ایران باید با استفاده از ظرفیت‌های حقوقی و دیپلماتیک، منافع ملی خود را در برابر طرح‌های تهدیدکننده مانند کریدور زنگزور در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی پیگیری و از حقوق ترانزیتی و ژئوپلیتیکی خود دفاع کند.

✓ حمایت هدفمند از پژوهش‌های راهبردی و آینده‌پژوهی: افزایش حمایت مالی و معنوی از پژوهش‌های راهبردی و آینده‌پژوهی در حوزه قفقاز جنوبی و امنیت منطقه‌ای، به تصمیم‌گیران کمک می‌کند تا با آگاهی و پیش‌بینی بهتر، در مواجهه با تحولات منطقه‌ای تصمیمات هوشمندانه‌تری اتخاذ نمایند.

فهرست منابع

- دلاور، علی (۱۴۰۰). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: رشد.
- رحمانی، محمد (۱۴۰۱). پیامدهای جنگ دوم قره‌باغ بر راهبردهای دفاعی آذربایجان و ارمنستان. فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۸ (۲)، ۷۸-۵۵.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهام (۱۳۹۹). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: سمت.
- قاسمی، مجتبی (۱۳۹۹). تأثیر منازعات قره‌باغ بر سیاست‌های دفاعی قفقاز جنوبی. پژوهشنامه جغرافیای سیاسی، ۴ (۳)، ۴۵-۲۳.
- فراهانی، محمد (۱۳۹۸). روش‌شناسی پژوهش‌های کیفی در علوم اجتماعی. تهران: نشر نی.
- موسوی، سید حسن (۱۴۰۰). تأثیر منازعات قومی و اقتصادی بر سیاست‌های دفاعی جمهوری آذربایجان. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۴ (۳)، ۸۴-۶۲.
- نوروزانی، شهرام (۱۳۹۸). تحولات امنیتی قفقاز جنوبی و پیامدهای آن برای ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۲ (۱)، ۳۵-۱۱.



References

- Bowen, G. A. (2023). Document Analysis as a Qualitative Research Method. *Qualitative Research Journal*.
- Broers, L. (2019). *Armenia and Azerbaijan: Anatomy of a Rivalry*. Edinburgh University Press.
- Buzan, B. (1991). *People, States and Fear: An Agenda for International Security Studies in the Post-Cold War Era*. Harvester Wheatsheaf.
- Buzan, B. & Waever, O. (2003). *Regions and Powers: The Structure of International Security*. Cambridge University Press.
- Cornell, S. E. (2017). *The International Politics of the Armenian-Azerbaijani Conflict: The Original “Frozen Conflict” and European Security*. Palgrave Macmillan.
- Cornell, S. E. (2024). *Regional Security in the South Caucasus: Post-Conflict Dynamics*. Central Asia-Caucasus Analyst.
- Cordesman, A. H. (2019). *Military Spending and Arms Sales in the Gulf: Challenges for 2019*. Center for Strategic and International Studies.
- Cordesman, A. H. (2023). *The Changing Balance of Military Power in the Middle East*. Center for Strategic and International Studies.
- Creswell, J. W. (2022). *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among Five Approaches* (4th ed). Sage.
- De Waal, T. (2023). *The South Caucasus: Between Conflict and Cooperation*. Carnegie Endowment for International Peace.
- Denzin, N. K. (2023). *The Research Act: A Theoretical Introduction to Sociological Methods*. Routledge.
- Flick, U. (2023). *An Introduction to Qualitative Research* (7th ed). Sage.
- Ghazaryan, T. & Aliyev, F. (2023). Security Dilemmas in the South Caucasus after the Second Karabakh War. *Journal of Eurasian Studies*, 14(2), 112-129.
- Gray, C. S. (1999). *Modern Strategy*. Oxford University Press.
- Gurr, T. R. (2021). *Why Men Rebel* (50th Anniversary Edition). Routledge.
- International Crisis Group. (2023). *Nagorno-Karabakh: New Risks in the South Caucasus*.
- Judah, T. (2000). *The Serbs: History, Myth and the Destruction of Yugoslavia*. Yale University Press.
- Mayring, P. (2023). *Qualitative Content Analysis: Theoretical Foundation, Basic Procedures and Software Solution*. Beltz.
- Neuman, W. L. (2022). *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches* (8th ed). Pearson.
- Patton, M. Q. (2023). *Qualitative Research & Evaluation Methods* (5th ed). Sage.
- Prunier, G. (1995). *The Rwanda Crisis: History of a Genocide*. Columbia University Press.
- Sayigh, Y. (2019). *Owners of the Republic: An Anatomy of Egypt’s Military Economy*. Carnegie Middle East Center.
- SIPRI. (2024). *Military Expenditure Database*. Stockholm International Peace Research Institute.

- Snyder, G. H. (1961). Deterrence and Defense: Toward a Theory of National Security. Princeton University Press.
- World Bank. (2024). World Development Indicators: Military Expenditure.



Factors Contributing to the Enhancement of Air Defense Combat Capability in Response to Aerial Threats

Seyed Esmail Shahraeyni

Assistant Professor, Passive Defense Department, National Defense College, Supreme National Defence University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Hossein Basiri Adl

PhD Candidate in Strategic Military Management, Supreme National Defence University, Tehran, Iran

Abstract

Examining the nature of military threats and the outcomes of recent wars in the West Asia region, along with the rapid advancement of military technologies—particularly in relation to the characteristics of aerial threats—has made scientific and systematic attention to air defense an unavoidable necessity. Combat capability constitutes the primary factor in the execution of missions within any military organization and encompasses three dimensions: physical, non-physical, and force-multiplying. These dimensions play an undeniable role in strengthening the combat capability of the armed forces, including air defense units.

Rapid and complex transformations, together with the continuously evolving nature of aerial threats, have further intensified the need to enhance air defense combat capability in order to effectively counter a wide range of aerial threats, thereby elevating its strategic importance.

The objective of this study is to identify and explain the most significant factors contributing to the enhancement of air defense combat capability in proportion to aerial threats. Given the priority of air defense within the defense doctrines of most countries, as well as the adoption of extensive aerial offensive strategies by adversaries as their primary operational approach, the authors have sought to address this issue through systematic research.

This applied–developmental study adopts a mixed-methods approach and employs a descriptive–analytical methodology. The statistical population and research sample consisted of 60 participants, selected through a census method. The collected data were analyzed, followed by synthesis and evaluation. The findings indicate that the factors enhancing air defense combat capability in response to aerial threats comprise three main components: tangible components with 17 subcomponents, intangible components with 20 subcomponents, and force-multiplying components with 14 subcomponents.

Keywords: Combat Capability, Combat Capability Enhancement, Aerial Threats



عوامل ارتقای توان رزم پدافند هوایی متناسب با تهدیدهای هوایی

سید اسماعیل شهرآیینی

استادیار گروه پدافند غیرعامل، دانشکده دفاع ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

حسین بصیری عدل

دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی نظامی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

چکیده

بررسی ماهیت تهدیدهای نظامی و نتایج جنگ‌های اخیر در منطقه غرب آسیا، پیشرفت روزافزون فناوری‌های نظامی به‌ویژه مشخصات تهدیدهای هوایی، لزوم توجه علمی و دقیق به مقوله پدافند هوایی را اجتناب‌ناپذیر نموده است. توان رزم عامل اصلی اجرای مأموریت‌های هر سازمان نظامی بوده و دارای سه بُعد فیزیکی، غیرفیزیکی و برترساز است که نقش انکارناپذیری در توان رزم نیروهای مسلح ازجمله پدافند هوایی دارد. تحولات سریع و پیچیده و تغییر دائم ماهیت تهدیدهای هوایی، ارتقای توان رزم پدافند هوایی جهت مقابله با این تهدیدهای متنوع هوایی را بیش‌ازپیش ضروری نموده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هدف تحقیق شناسایی و تبیین مهم‌ترین عوامل ارتقای توان رزمی پدافند هوایی متناسب با تهدیدهای هوایی است. با توجه به اولویت موضوع دفاع هوایی در دکتترین دفاعی اکثر کشورها و همچنین اتخاذ رویکرد تهاجم گسترده هوایی دشمنان به‌عنوان رویکرد اصلی آفندی آنان، نویسندگان سعی نمودند با طرح این مسئله به تحقیق بپردازند. نوع تحقیق کاربردی- توسعه‌ای بوده و رویکرد آن آمیخته و از روش توصیفی و تحلیلی استفاده شده است. حجم جامعه آماری و نمونه تحقیق به تعداد ۶۰ نفر و به‌صورت تمام‌شمار است که داده‌های گردآوری شده، تجزیه و تحلیل و در ادامه به جمع‌بندی و ارزیابی آن پرداخته شده است. نتایج تحقیق بیانگر این مطلب است که عوامل ارتقای توان رزم پدافند هوایی متناسب با تهدیدهای هوایی دارای سه مؤلفه محسوس با ۱۷ زیرمؤلفه، مؤلفه نامحسوس با ۲۰ زیرمؤلفه و مؤلفه برترساز با ۱۴ زیرمؤلفه است.

کلیدواژه‌ها: توان رزم، ارتقای توان رزم، تهدیدهای هوایی

مقدمه

قدرت و توان نظامی از مؤلفه‌های اصلی و اثرگذار در حفظ امنیت، استقلال و به‌طور کلی قدرت ملی کشور است. در تمام کشورهای جهان، توجه به کارآمدی نیروهای نظامی، دغدغه سیاست‌گذاران و راهبردپردازان نظامی بوده و از آن به‌عنوان ابزاری برای تأمین امنیت و بستر لازم برای توسعه در تمامی زمینه‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یاد می‌شود. تغییر ماهیت تهدیدهای نظامی و تأکید بیش‌ازپیش به حملات هوایی و موشکی کشورها در دهه‌های اخیر، لزوم تقویت توان دفاع هوایی در مقابل این تهدیدها را می‌طلبد تا با تقویت سازمان‌های متولی، مقابله با تهدیدهای این حوزه را عملی ساخته و بتوان ضریب امنیت و قدرت ملی را افزایش داد. در نبردهای امروزی یگان‌های پدافند هوایی که به‌عنوان اولین بخش‌های درگیر شونده هستند و بایستی پایداری عملیات دفاعی آنان تا پایان نبرد ادامه داشته باشد؛ این یگان‌ها نقش بسیار مهمی در پایداری و تأمین دفاع آسمان کشور را بر عهده دارند و دفاع هوایی مؤثر بستگی تام به توان رزمی یگان‌های موصوف دارد (کوشا، ۱۳۹۸: ۹۸).

تقویت و ارتقای توان رزم پدافند هوایی با مأموریت تأمین پوشش دفاع هوایی قلمرو هوا و فضای کشور و حفاظت از نیروها و منابع حیاتی در مقابل حملات هوایی، موشکی و مراقبتی دشمن امری ضروری بوده و دائماً مورد تأکید است. تقویت و ارتقای توان نظامی از اولویت‌های بیشتر کشورها است. در بیشتر نبردهای گذشته، حال و آینده شناسایی وضعیت و توانمندی آفند هوایی دشمن و اقدام‌های پدافند هوایی مؤثر در جهت مقابله، به‌منظور کاهش توانمندی آن از اقدام‌های اولیه بوده و خواهد بود. نقش پدافند هوایی کارآمد در پیشگیری از شناسایی مراکز و هدف‌های حساس حیاتی و مهم کشور و در نهایت مواجهه مؤثر با تهاجم هوایی، اهمیت ویژه‌ای خواهد داشت (غفاری، ۱۳۹۹: ۱۵۴).

با این تفاسیر و مدنظر قرار دادن رشد و توسعه فناوری‌های نظامی و به دنبال آن تغییر ویژگی‌های تهدیدها هوایی و موشکی آینده، یک موقعیت پیچیده نیازمند به شناخت علمی را پیش‌روی ما قرار داده که تقویت و ارتقای توان رزم را امری ضروری نموده است؛ لذا فقدان یک کار علمی مدون در خصوص شناسایی عوامل توان رزم پدافند هوایی متناسب با تهدیدهای



هوایی، مسئله اصلی تحقیق بوده که لازم است از طریق یک تلاش علمی به شناسایی این عوامل پرداخته تا بتوان به تهدیدهای هوایی پاسخ داده شود. هدف اصلی تحقیق «شناسایی عوامل اصلی توان رزم پدافند هوایی متناسب با تهدیدهای هوایی» است. جهت دستیابی به هدف مذکور، محقق قصد دارد با بررسی مبانی نظری تحقیق و با بهره‌گیری از نظر صاحب‌نظران و خبرگان این حوزه به آن دست یابد.

۱. پیشینه پژوهش

تعدادی از پیشینه‌های مرتبط که با این پژوهش قرابت موضوعی و یا روشی دارند به شرح ذیل ارائه می‌شود.

دانشجویان دانشگاه عالی دفاعی ملی، مطالعه‌ای در سال ۱۳۹۹ با موضوع «الگوی راهبردی ارتقای توان رزم و آمادگی رزمی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران» انجام دادند، در این پژوهش، الگویی دوبعدی ارائه گردیده که مشتمل بر بُعد محسوس همراه با مؤلفه‌های نیروی انسانی، قدرت آتش، پدافند جنگ نوین، آماد و پشتیبانی، سامانه فرماندهی و کنترل و فاوا، جنگ الکترونیک، مهندسی رزمی، ساختار سازمانی و سازمان‌دهی، پدافند غیرعامل، توان اطلاعاتی، قدرت تحرک و توان جابه‌جایی، سایبر، بهداری رزمی و بُعد نامحسوس همراه با مؤلفه‌های فرماندهی، مدیریت و رهبری، روحیه و انگیزه، عملیات روانی، خودتوسعه‌ای و توانمندسازی، نظم و انضباط، آموزش و معنویت است (گروه محققین، ۱۳۹۹: ۷۷).

داوود آذر در سال ۱۳۹۵ در مقاله‌ای به تبیین عوامل و شاخص‌های توان رزمی آجا در جنگ ترکیبی پرداخته و آن‌ها را در دو بُعد محسوس با مؤلفه‌های ایمان، روحیه، آموزش، انضباط، هدایت، رهبری و سازمان‌دهی بیان نموده است (آذر، ۱۳۹۵: ۴۴).

بهزاد غفاری در رساله دکتری خود با عنوان طراحی الگوی ارتقای توان رزمی قرارگاه پدافند هوایی کشور متناسب با تهدیدها آینده برای ایجاد یک دفاع هوایی مطمئن که سال ۱۳۹۸ در دانشگاه عالی دفاعی ملی انجام شده، در نتایج پژوهش به سه بُعد (فیزیکی، غیرفیزیکی، برترساز) الگوی ارتقای توان رزمی پرداخته است. تعداد ۱۸ مؤلفه مهم که در ارتقای توان رزمی

پدافند هوایی تأثیرگذار بوده، احصا گردیده‌اند. مؤلفه‌های بُعد فیزیکی شامل سامانه‌های کشف، سامانه‌های سلاح، آماد، ترابری، نگهداری و تعمیر، بودجه دفاعی و مؤلفه‌های بُعد برترساز شامل فرماندهی و کنترل، جنگ سایبری و الکترونیک، اطلاعات، عملیات روانی، پدافند غیرعامل، لیزر و انرژی مستقیم و مؤلفه‌های بُعد غیرفیزیکی شامل ایمان، فرماندهی و مدیریت، روحیه و انگیزه، نظم و انضباط، دانش، مهارت و سازمان‌دهی است (غفاری، ۱۳۹۸: ۵۲).

حسن کوشا در رساله خود با عنوان طراحی سامانه یکپارچه فرماندهی و کنترل قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیا (ص) متناسب با تهدیدهای هوایی و موشکی آینده که در سال ۱۳۹۸ در دانشگاه عالی دفاعی ملی انجام شده، در نتایج پژوهش، مهم‌ترین تهدیدهای هوایی و موشکی آینده را جنگ الکترونیک، ماهواره‌ها، تسلیحات هدایت‌شونده با سامانه موقعیت‌یاب جهانی، هواپیماهای بدون سرنشین، جنگنده‌های نسل پنجم و بالگردها، راکت‌های کالیبر بالا، ریزپرنده‌ها، سامانه فرماندهی و کنترل دشمن، انواع بمب‌ها و مهمات هدایت‌شونده، موشک‌ها و بمب‌های هوشمند، نفوذپذیر، دوربرد، موشک‌های بالستیک تاکتیکی، موشک‌های بین‌قاره‌ای، موشک دور ایستای هوا به زمین مشترک، موشک‌های تاکتیکی هوا به سطح معرفی نموده است (کوشا، ۱۳۹۸: ۴۱).

۲. مفهوم‌شناسی

قدرت (توان) رزم: توان رزمی عبارت است از مجموع قابلیت‌ها و توانمندی‌های تخریبی یا سازنده و همچنین قابلیت‌های اطلاعاتی است که یک واحد با آرایش نظامی می‌تواند در یک زمان مشخص استفاده کند و آن را به کار گیرد (لطفی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۷). توان رزم شامل تمامی قابلیت‌های مهیا شده از طریق انجام اقدامات متحد، یکپارچه و واحدی است که به‌صورت کامل و همگام با اهداف فرمانده که به‌منظور دستیابی به وحدت تلاش برای پایداری در عملیات هستند (باجلانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱). توان (قدرت) رزمی قدرتی است که در اختیار فرمانده یک یگان بوده و او می‌تواند از این قدرت برای از بین بردن دشمن و انجام مأموریت در میدان رزم استفاده نماید. توان رزمی ترکیبی از عوامل فیزیکی (آتش‌های سازمانی



و غیرسازمانی، عناصر رزمی، عناصر پشتیبانی رزمی و عناصر خدمات رزمی)، عوامل روحی (غیرفیزیکی) (انضباط، روحیه، حمیت قسمتی، قدرت رهبری، آموزش، عادات و رسوم، مذهب و ایدئولوژی) و سایر عوامل (کنترل و هماهنگی، آسیب‌پذیری و قبول خطرات، اطلاعات، پوشش و فریب، عملیات ایدایی، ممانعت، عملیات روانی، جنگ‌های الکترونیکی، آب‌وهوا، جو و زمین) است (پوردستان و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۴). به‌طور کلی قدرت (توان) رزمی از عوامل فیزیکی، غیر فیزیکی و برترساز به شرح زیر تشکیل شده است:

❖ عوامل فیزیکی (کمی یا محسوس) شامل تعداد نیروی انسانی شاغل در پدافند هوایی، تعداد جنگ‌افزار و تجهیزات عمده (سامانه‌های پدافندی، موشکی، راداری، جنگالی و...)، میزان ذخیره موشک و مهمات در پدافند هوایی، تعداد مراکز پدافندی (مناطق، گروه‌ها، سایت‌ها و ایستگاه‌ها)، منابع آماد و پشتیبانی پدافند هوایی (منابع لجستیکی) و توان تولید تجهیزات و سامانه‌های دفاع هوایی.

❖ عوامل غیرفیزیکی (کیفی) شامل ویژگی‌های مربوط به نیروهای پدافندی (انگیزه، روحیه، مهارت، ایمان، تجارب جنگی و...)، ویژگی‌های مربوط به تجهیزات و جنگ‌افزارهای دفاع هوایی (عملکرد، قدرت آتش، سرعت، دقت، برد و...) و کیفیت و کارایی سامانه آماد و پشتیبانی.

❖ عوامل برترساز شامل رهبری و اراده ملی، نوآوری و خلاقیت در طرح‌ریزی و فرماندهی، سامانه‌های فرماندهی و کنترل، انجام رزمایش‌های دفاع هوایی مشترک و مرکب، سایر، جنگ الکترونیک، پدافند غیرعامل و علوم و فناوری‌های نوین (شهرآیینی، ۱۳۹۹: ۱۰).

❖ ارتقای توان رزم: شامل افزایش توانمندی‌ها، مهارت‌ها و شایستگی‌های (مادی، معنوی) یک واحد نظامی به‌منظور اجرای بهینه مأموریت در برابر حریف و در یک‌زمان و مکان مشخص (آشتیانی، ۱۳۹۲: ۷۰).

پدافند هوایی: ابزارها، تکنیک‌ها و سازمان‌های اختصاص داده شده به‌منظور جلوگیری و یا به حداقل رساندن اثرات حمله توسط هواپیماها و یا موشک‌های هدایت‌شونده دشمن را

پدافند هوایی گویند (نصیرپور و شاملو، ۱۳۹۸: ۱۹). کلیه اقداماتی که به منظور کشف و رصد اهداف هوایی، شناسایی، اختلال و فریب، انهدام، خنثی کردن و یا تقلیل اثرات عملیات هواپیماها، موشک‌های بالستیکی و سایر انواع موشک‌های هوایی دشمن در هوا انجام می‌گیرد شامل پدافند هوایی عامل و غیرعامل است. مراحل اجرای مأموریت پدافند هوایی عبارتند از: مراقبت و کشف، شناسایی (طبقه‌بندی)، رهگیری و درگیری (آیین‌نامه مرجع فراسازمانی عملیات پدافند هوایی، ۱۴۰۲: ۲۴).

تهدیدهای هوایی: شامل هر نوع عملیات هوایی دشمن است که وضعیت آفندی یا پدافندی و پشتیبانی نیروهای خودی را به مخاطره می‌اندازد (کوشا، ۱۳۹۸: ۱۰۱). تهدید هوایی را می‌توان از نقطه نظر مختلف تقسیم‌بندی نمود، به عنوان مثال از دیدگاه مکانی و حیطه اثرگذاری به سه نوع نقطه‌ای، منطقه‌ای و سراسری تقسیم‌بندی می‌شود که در این صورت شبکه پدافند هوایی نیز بر همین اساس می‌تواند مأموریت‌های مقابله را در این سطوح انجام دهد و یک یا چندین سامانه را با تهدیدهای هوایی درگیر نمایند (نیروی هوافضای سپاه، آیین‌نامه عملیات پدافند هوایی، ۱۳۹۳: ۵۷).

۳. مبانی نظری پژوهش

۳-۱. نظریه‌های توان رزمی

در خصوص توان رزمی، صاحب‌نظران و متخصصان امر، نظریه‌های مختلفی را عنوان نموده‌اند که خلاصه آن‌ها به شرح زیر است:

توان رزم، برآیند ترکیب و تلفیق مؤثر عوامل فیزیکی با عوامل غیرفیزیکی و برترساز، توأم با تدبیر و چگونگی به‌کاربردن این عناصر در محیط عملیاتی و در راستای انجام مأموریت محوله است (تقواطلب، ۱۳۸۹: ۲۷).

مؤلفه‌های توان رزمی شامل فیزیکی (محسوس)، غیر فیزیکی (غیر محسوس) و چگونگی به‌کارگیری عوامل توان رزمی برتری ساز هستند (کیانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۷۹).



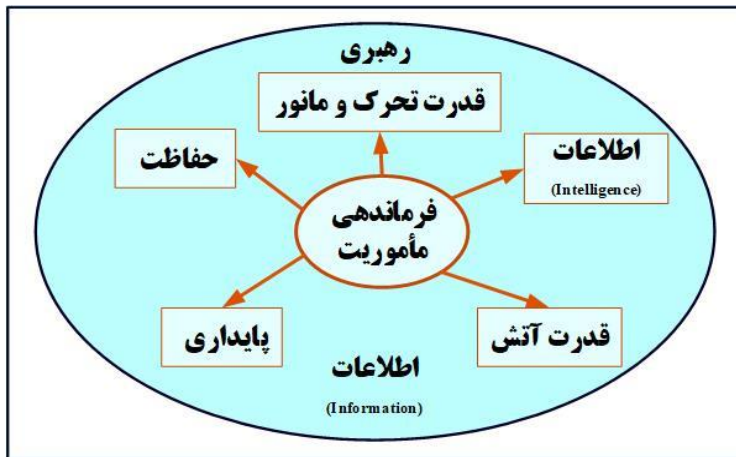
توان رزم از عوامل فیزیکی شامل یگان‌های پشتیبانی رزمی، یگان‌های پشتیبانی خدمات رزمی، یگان‌های مانوری و آتش‌های پشتیبانی؛ عوامل غیرفیزیکی شامل معنوی (ایمان، استقامت)، سازمانی (رهبری، انضباط، آموزش، سازمان‌دهی)، فردی (شجاعت، انگیزه و روحیه) و عوامل برترساز شامل فریب تاکتیکی، هماهنگی و کنترل، عملیات جنگ الکترونیک، عملیات روانی، عملیات ممانعت و سد موانع، آسیب‌پذیری و قبول خطر، تاثیر مانور در زمین، آب و هوا و جو، عملیات اطلاعاتی و حفاظت اطلاعات تشکیل شده است (حسن‌پور و رضالو، ۱۳۹۸: ۳۸).

برای یک فرمانده ارتش، نیروهای نظامی با تبدیل نیروی بالقوه (پتانسیل) به اقدامی مؤثر، توان رزم تولید می‌کنند. توان رزم شامل تمامی قابلیت‌های مهیا شده از طریق انجام اقدامات متحد، یکپارچه و واحدی است که به‌صورت کامل و همگام با اهداف فرمانده به‌منظور دستیابی به وحدت تلاش برای پایداری در عملیات هستند؛ برای اجرای عملیات نظامی ترکیبی، فرماندهان توانمندی‌ها را برحسب توان رزم، تصویرسازی می‌کنند.

مطابق شکل (۲)، توان رزم دارای هشت عنصر است: فرماندهی نظامی، اطلاعات^۱، فرماندهی مأموریت، قدرت تحرک و مانور، قدرت آتش، اطلاعات^۲، پایداری و حفاظت. عناصر تسهیل‌کننده نیروهای ارتش، شامل دسترسی مشترک، دارایی‌ها و قدرت آتش چندملیتی است. ارتش در مجموع شش عنصر آخر را عملکردهای جنگیدن توصیف می‌کند. فرماندهان، توان رزم را از طریق عملکردهای جنگیدن با استفاده از رهبری و اطلاعات به‌کار می‌گیرند.

1. Information

2. Intelligence: Information is an available fact while intelligence is the result of an extensive analysis of facts. While information may be generally available, intelligence can only be made available through investigation or study.



شکل ۲: عناصر توان رزم (باجلانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱)

توان رزمی یا قدرت رزمی، قدرتی است که در اختیار فرمانده بوده و می‌تواند از این قدرت برای از بین بردن دشمن و انجام مأموریت در میدان رزم استفاده نماید و شامل عوامل فیزیکی، عوامل غیرفیزیکی و عوامل برتر ساز است.

عوامل فیزیکی: شامل «نیروی انسانی (کمیت نیروی انسانی و وضعیت آماده به رزم بودن نیروی انسانی)، قدرت آتش (وضعیت آماده به کار بودن تسلیحات و تجهیزات)، پدافند جنگ نوین، وضعیت لجستیک، سامانه فرماندهی و کنترل و ارتباطات، وضعیت سامانه‌های جنگ الکترونیک، مهندسی رزمی، پدافند غیرعامل (وضعیت اقدامات زیرساختی، وضعیت استتار، اختفا، پوشش و فریب)، قدرت تحرک (وضعیت کمیت و کیفیت وسایل ترابری)، وضعیت بهداری رزمی و تجهیزات امدادی» است.

عوامل غیرفیزیکی: شامل «فرماندهی، مدیریت و رهبری، وضعیت قابلیت‌های فردی فرمانده (مؤمن، شجاع، منضبط، عادل، بصیر و ...)، وضعیت مهارت و شایستگی حرفه‌ای همچون دانش، تجربه، قدرت برنامه‌ریزی، نوآوری، وضعیت تجهیزات و زیرساخت‌های عملیات روانی، روحیه و انگیزه کارکنان، خود توسعه‌ای و توانمندسازی (میزان مهارت‌های انفرادی و سازمانی، میزان خلاقیت و نوآوری در رزم)، نظم و انضباط (میزان پایبندی به قوانین و مقررات و ...)، وضعیت آموزش، معنویت (میزان اعتقاد راسخ به اصول و مبانی دین



اسلام، میزان تعهد به انجام فرایض دینی، میزان التزام به ولایت فقیه، وضعیت روحیه ایثار و ازخودگذشتگی)» است. عوامل برترساز توان رزم شامل «فرماندهی و کنترل، سایبرالکترونیک، اطلاعات، پدافند غیرعامل، لیزر، عملیات روانی و انرژی مستقیم» است (مطالعات گروهی، ۱۳۹۹: ۱۸۰)

عوامل غیر فیزیکی توان رزم، شامل عناصر فردی و عناصر سازمانی است. عناصر فردی شامل ایمان، روحیه، نظم و انضباط و رهبری و عناصر سازمانی شامل مدیریت و فرماندهی، سازمان‌دهی، آموزش و دانش محوری است (آشتیانی، ۱۳۹۴: ۷۴).

مؤلفه‌های قدرت (توان) نظامی عبارتند از: نیروی انسانی، روحیه و انگیزه، وفاداری و اطاعت‌پذیری، انضباط، آموزش، تجهیزات و امکانات، فناوری، فرماندهی کارآمد، آماد پشتیبانی فعال، مردمی بودن، بودجه دفاعی، قدرت تولید و حفظ اطلاعات نظامی و عضویت در اتحادیه‌های منطقه‌ای (صنیعی، ۱۳۹۸: ۶۴).

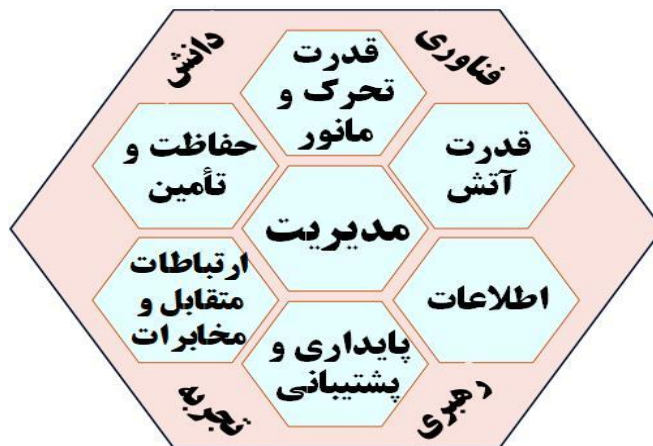
عناصر تشکیل‌دهنده قدرت نظامی (توان نظامی) عبارتند از: ساختار سازمانی، سامانه‌های جنگ ابزار و تجهیزات، فرماندهی و کنترل، پشتیبانی و آماد، نظام آموزش، تجربه‌های تاریخی و جنگی، اراده ملی، رهبری ملی، روحیه و انضباط، قابلیت رزمی و جنگاوری (باقری، ۱۳۹۳: ۹۶).

در سطح عملیاتی و تاکتیکی، توان رزم یا قدرت جنگیدن یک یگان نظامی، عبارت است از ماحصل ترکیب و تلفیق مؤثر عناصر فیزیکی (مادی) با عناصر نامحسوس (غیرمادی) یگان، توأم با تدبیر و چگونگی به‌کاربردن این عناصر در محیط عملیاتی، در راستای انجام مأموریت محوله. توان رزمی شامل عوامل فیزیکی، برترساز و نامحسوس است. از عوامل تأثیرگذار در توان رزمی می‌توان به عوامل فیزیکی یا مادی یا محسوس اشاره کرد که این عوامل وجود مادی دارند. محسوس و قابل اندازه‌گیری هستند و نقش اساسی در توانایی یک یگان برای جنگیدن ایفا می‌کنند و عبارتند از: یگان‌های مانوری، آتش‌های پشتیبانی (قدرت آتش)، یگان‌های پشتیبانی رزمی و یگان‌های پشتیبانی خدمات رزمی. اهم عوامل غیرفیزیکی یا غیرمادی و یا غیرمحسوس توان رزمی عبارتند از: تأثیر رهبری نظامی، ایمان، روحیه، انگیزه،

آموزش، انضباط، سازمان‌دهی، صبر و بردباری، شجاعت، آداب و سنن و رسوم قومی و مذهبی. آخرین مؤلفه توان رزم تغییر و چگونگی به‌کاربردن عوامل توان رزمی در محیط عملیاتی است که در سابق به‌عنوان عوامل برترساز عنوان می‌شد و عبارتند از: هماهنگی و کنترل، عملیات اطلاعاتی و حفاظت اطلاعات، تأثیر مانور، پوشش و فریب راه‌کنشی، آسیب‌پذیری و قبول خطر، عملیات ممانعت و سد موانع، عملیات و جنگ روانی، جنگ الکترونیک، آب‌وهوا، جو و زمین (پوردستان و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۴).

۲-۳. توان رزم نوین

مفهوم «توان رزم نوین»^۱ مطابق شکل (۳)، توسط «گینتوتاس رزما»^۲ پیشنهاد شده است. این مفهوم پیشنهادی براساس عناصر و چهارچوب توان رزم «نشریه مرجع دکترین ارتش»^۳ ارائه شده که البته بهسازی زیادی روی آن صورت پذیرفته است.



شکل ۳: مفهوم توان رزم نوین (باجلانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴)

1. Concept Of Modern Combat Power

2. Gintautas Razma

3. ADRP (Army Doctrine Reference Publication) 3-0, 2012, fig. 3-1, p. 3-



۳-۲-۱. مؤلفه‌های توان رزمی ارتش‌های هشت کشور جهان

در ادامه به مطالعه و بررسی مؤلفه‌های توان رزمی ارتش‌های هشت کشور از جهان پرداخته شده است. لازم به ذکر است که انتخاب این کشورها براساس اسناد موجود و در دسترس انتخاب شده است.

جدول ۱: مؤلفه‌های توان رزم هشت کشور جهان (یداللهی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۲۵)

ردیف	کشور	بُعد	مؤلفه‌های توان رزم
۱	استرالیا	فیزیکی	قدرت آتش، پشتیبانی رزمی، پشتیبانی خدمات رزمی، پشتیبانی از فرمان
		غیرفیزیکی	دانش، محیط سازمانی، مهارت‌های فردی و گروهی، آموزش، شجاعت، خلاقیت، احترام، انگیزه و اراده (Army of Australia, 2014, 49)
۲	انگلستان	فیزیکی	نیروی انسانی، تجهیزات، عملیات مشترک، آمادگی، پایداری
		غیرفیزیکی	رهبری، مدیریت، انگیزه، دکترین، توسعه نیرو، اصول جنگ (Sloan, 2012)
۳	فرانسه	فیزیکی	پیاده‌نظام، جنگ‌افزار، سرعت، برد، قدرت، قابلیت اطمینان، انعطاف‌پذیری
		غیرفیزیکی	سطح آموزش، روحیه، کفایت، دکترین، سازمان‌دهی، رهبری، ابتکار و نوآوری، تفکر راهبردی (Briant, etc, 2021, 2)
۴	آمریکا	تلفیقی	رهبری، اطلاعات، تحرک و مانور، پایداری، قدرت آتش، هوش، پدافند (حفاظت)، فرماندهی مأموریت (U.S. Army, 2019, 1-4)
۵	چین	تلفیقی	نیرو، قدرت آتش، مانور یا تحرک، لجستیک، فرماندهی و کنترل، اطلاعات (Lingfeng, 2016)
۶	کانادا	فیزیکی	نیروی انسانی، تجهیزات، ساختار سازمانی، آموزش، آمادگی نیروها، تولید نیرو، پایداری
		غیرفیزیکی	فرهنگ سازمانی، روحیه، رهبری، مدیریت مؤثر، اصول جنگ، دکترین، چهارچوب مفهومی قابلیت‌ها (Canadian Force Experimentation Center, 2009, 2-4)
۷	کره جنوبی	فیزیکی	پیاده‌نظام، تجهیزات، لجستیک، اطلاعات، تحرک و مانور، قدرت آتش، پدافند (حفاظت)، فرماندهی و کنترل
		غیرفیزیکی	انگیزه، روحیه، تجربه رزمی، دانش آشنایی با صحنه نبرد (Han, 2016)

ردیف	کشور	بُعد	مؤلفه‌های توان رزم
۸	هندوستان	فیزیکی	نیروی انسانی، لجستیک، سرمایه‌ها و زیرساخت‌های ملی، آموزش، تجهیزات
		غیرفیزیکی	رهبری، اصول اخلاقی، انگیزه، مدیریت، اصول جنگ، دکتربین نظامی، توسعه (Headquarters Army Training Comaand of India, 2004, 30)

۳-۳. تهدیدهای محیط خارجی

بررسی وضعیت تهدیدهای محیط خارجی نشان می‌دهد کشور با طیف وسیعی از تهدیدها در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی مواجه است که از مهم‌ترین آن‌ها تهدیدهای نظامی به‌طور اعم و تهدیدهای هوایی به‌طور اخص بوده و خواهد بود؛ تهدیدهای هوایی پس از ارزیابی، همواره نیازمند تعیین اولویت برای تمرکز به‌منظور مقابله هستند. به هر میزان که توانمندی تهدیدها و قابلیت تجهیزات آفندی کشورهای رقیب و متخصص ارتقا یابد به همان میزان، دامنه و شدت تهدیدهای هوایی آن‌ها گسترده‌تر می‌گردد. به این نکته باید توجه خاص نمود که بایستی طرح‌های دفاعی و راهبردهای نظامی و پدافند هوایی کشور به‌گونه‌ای باشد که دشمن در تبدیل توان بالقوه به بالفعل دچار مشکل و محدودیت گردد.

ازجمله ویژگی‌های تهدیدهای هوایی، می‌توان به عدم قطعیت و غیرقابل پیش‌بینی بودن تهدید محیط و بازیگران، فشرده‌سازی زمان در جنگ، ترکیب فناوری، جغرافیای جنگ سیال و متغیر، تقدم عملیات اطلاعاتی بر عملیات رزم، کسب برتری هوایی، نبرد بدون سرنشین، عملیات هوایی بر مبنای خنثی‌سازی و نابودی دشمن و تمرکز بر درگیری از حداکثر فاصله مورد نیاز با تأکید بر عملیات هوا به زمین و دور ایستا، بهره‌گیری از بمب‌های هوشمند با هدف افزایش امکان اصابت، نبرد الکترونیک اشاره نمود؛ لذا جهت شناخت دقیق تهدیدهای هوایی، افزون بر مطالعه و بررسی ادبیات و متون مرتبط، با بهره‌مندی از نظر خبرگان و صاحب‌نظران این حوزه، به بررسی مهم‌ترین تهدیدهای هوایی پرداخته شده است.



جدول ۲: تهدیدهای هوایی احصاشده از متون و ادبیات

ردیف	تهدیدها هوایی	منبع
۱	سامانه فرماندهی و کنترل دشمن	(کوشا، ۱۳۹۸: ۶۸)
۲	قابلیت تجسس و شناسایی توسط پهپادهای شناسایی دشمن	(اف ام ۴۴-۱۰۰، ۲۰۱۴: ۹) ^۱
۳	قابلیت جاسوسی توسط ریز روبات‌های شناسایی دشمن	(غفاری، ۱۳۹۸)
۴	سامانه جهانی مراقبت، شناسایی و هدف‌گیری	(کوشا، ۱۳۹۸: ۱۳۲)
۵	هواپیماها	(اف ام ۴۴-۱۰۰، ۲۰۱۴: ۱۰)
۶	قابلیت حمل مهمات، موشک و بمب توسط پهپادهای تهاجمی دشمن	(آیین‌نامه تاکتیک و تکنیک‌های استاندارد رزم هوایی، ۱۳۹۹)
۷	موشک‌های کروز	(تهدید شناسی موشک‌های کروز، ۱۳۹۸)
۸	موشک‌های بین‌قاره‌ای یا راهبردی	(عبدی، ۱۳۹۹: ۲۳)
۹	موشک‌های بالستیک تاکتیکی	(تهدید شناسی بمب‌های بالستیک، ۱۳۹۸)
۱۰	موشک‌های تاکتیکی هوا به سطح «تی. ای. اس. ام» ^۲	(طالبیان، ۱۳۹۵: ۶۷)
۱۱	موشک‌ها و بمب‌های هوشمند، نفوذپذیر، دوربرد و با قابلیت‌های مختلف	(تهدید شناسی بمب‌های هوشمند، ۱۳۹۸)
۱۲	مهمات هوشمند لیزری	(تهدید شناسی بمب‌های هوشمند، ۱۳۹۸)
۱۳	بمب‌های گرافیتی (کربنی)	(تهدید شناسی بمب‌های هوشمند، ۱۳۹۸)
۱۴	بمب‌های «ام. ا. ای. بی» ^۳	(طالبیان، ۱۳۹۵: ۷۵)
۱۵	بمب‌های الکترومغناطیسی	(غفاری، ۱۳۹۸)

1. FM 44-100,2014

2. TASM:Tactical AIR To Surface Missiles

3. MOAB: Mother of all Bombs

ردیف	تهدیدها هوایی	منبع
۱۶	جنگ الکترونیک دشمن	(آیین نامه مشترک فراسازمانی امنیت فاوا و دفاع سایبری در شبکه یکپارچه پدافند هوایی، ۱۴۰۰)
۱۷	جنگ سایبری دشمن	(آیین نامه مشترک فراسازمانی امنیت فاوا و دفاع سایبری در شبکه یکپارچه پدافند هوایی، ۱۴۰۰)
۱۸	قابلیت آسیب به سامانه ها و تجهیزات دفاع هوایی توسط تروجان، کرم ها و اسپم های مجازی	(آیین نامه مرجع عملیات مشترک فراسازمانی پدافند هوایی کشور، ۱۴۰۲)
۱۹	هوش مصنوعی، کوانتوم، فناوری پلاسما، هواپیماهای نسل ۶، کروزر هواپایه و بالستیک هواپایه	(نشریه تهدیدات نوین، ۱۴۰۲)
۲۰	(جی.بی.یو). ^۱	(تهدید شناسی بمب های هوشمند، ۱۳۹۸)

۳-۴. مطالعات میدانی (مصاحبه با خبرگان)

۳-۴-۱. عوامل توان رزم پدافند هوایی

با توجه به اهمیت نظر خبرگان در حوزه شناخت عوامل توان رزم مؤثر بر پدافند هوایی متناسب با تهدیدهای هوایی و همچنین آشنایی آن ها با توان رزمی پدافند هوایی و به منظور کشف بهتر مفاهیم تحقیق و تولید ادبیات، با ۱۲ نفر صاحب نظران و خبرگان سطوح عالی سازمان های مختلف لشکری و کشوری که با بحث مربوطه آشنایی دارند مصاحبه انجام گردید که براساس نظر این افراد، به طور کلی قدرت (توان) رزمی پدافند هوایی متناسب با تهدیدهای هوایی از عوامل فیزیکی، غیرفیزیکی و برترساز به شرح ذیل تشکیل شده است:

الف. عوامل فیزیکی (کمی یا محسوس)

۱. تعداد نیروی انسانی متخصص شاغل در پدافند هوایی؛
۲. سامانه های کشف (سامانه های راداری، سامانه های شنود، شناسایی، اطلاعات الکترونیکی، سامانه های الکترواپتیکی، بصری و دیدبانی؛



۳. سامانه‌های سلاح (هواپیماهای شکاری، سامانه‌های زمین به هوا؛
۴. میزان ذخیره موشک و مهمات در پدافند هوایی؛
۵. تعداد مراکز پدافندی (مناطق، گروه‌ها، سایت‌ها و ایستگاه‌ها)؛
۶. منابع آماد و پشتیبانی پدافند هوایی (منابع لجستیکی)؛
۷. توان تولید تجهیزات و سامانه‌های دفاع هوایی؛
۸. بهداری رزمی در پدافند هوایی؛
۹. سخت‌افزارهای فرماندهی و کنترل؛
۱۰. آماد راهکنشی (تاکتیکی) پدافند هوایی؛
۱۱. ترابری و قدرت تحرک سامانه‌ها پدافندی؛
۱۲. پشتیبانی فنی و نگهداری و تعمیر تجهیزات و سامانه‌های پدافند هوایی؛
۱۳. بودجه پدافند هوایی؛
۱۴. ساختار سازمانی پدافند هوایی؛

ب. عوامل غیر فیزیکی (کیفی، نامحسوس)

۱. ویژگی‌های مربوط به تجهیزات و جنگ‌افزارهای دفاع هوایی (عملکرد، قدرت آتش، سرعت، دقت، برد)؛
۲. ویژگی‌های مربوط به نیروهای پدافندی (آموزش، انگیزه، روحیه، مهارت، ایمان، تجارب جنگی، آمادگی رزمی، انضباط، ارزیابی عملکرد، حفاظت اطلاعات، اطاعت‌پذیری، مقاومت و ایستادگی، فداکاری، خودکنترلی و تفکر راهبردی)؛
۳. کیفیت و کارایی سامانه آماد و پشتیبانی.

ج. عوامل برترساز

۱. مدیریت و رهبری؛
۲. نوآوری و خلاقیت؛
۳. لیزر و انرژی مستقیم؛
۴. اشراف اطلاعاتی؛

۵. فرماندهی و کنترل هوشمند؛
۶. انجام رزمایش‌های دفاع هوایی مشترک و مرکب؛
۷. سایبر؛
۸. جنگ الکترونیک؛
۹. پدافند غیرعامل؛
۱۰. علوم و فناوری‌های نوین و شالوده شکن دفاع هوایی؛
۱۱. عملیات روانی؛
۱۲. چابکی سامانه‌های پدافند هوایی؛
۱۳. چندلایه بودن ارتباطات؛
۱۴. امنیت شبکه‌های رایانه‌ای.

جدول ۳: تهدیدهای محیط خارجی احصاشده از مصاحبه‌ها

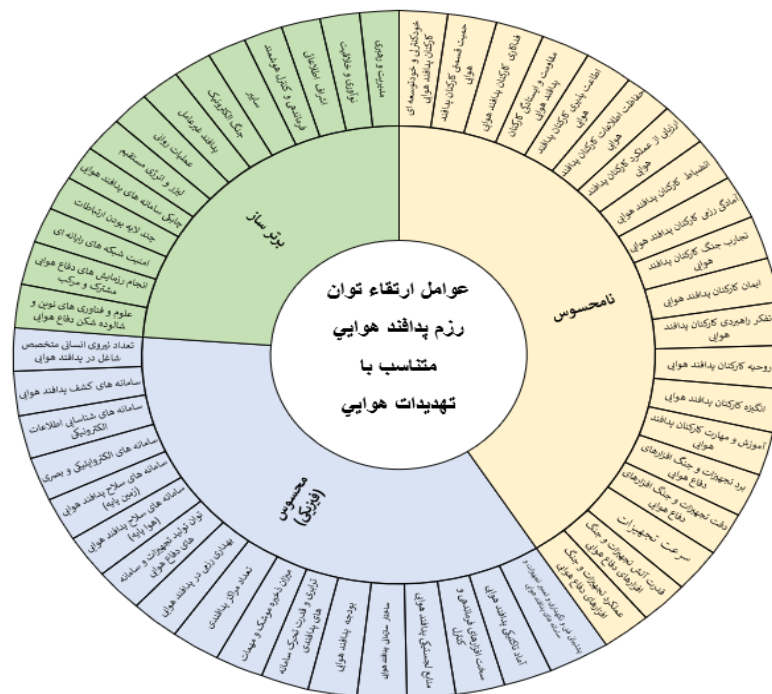
ردیف	تهدیدهای هوایی
۱	قدرت جنگ الکترونیک و سایبری منجر به اشراف اطلاعاتی و جمع‌آوری دشمن
۲	استفاده دشمن از فناوری‌های نوین از قبیل کوانتوم، هوش مصنوعی، پلاسما، کروز و بالستیک هوایانه
۳	سامانه‌های موقعیت‌یاب جهانی و اطلاع کامل از مشخصات و محل استقرار سامانه‌های استقراری و راداری قدیمی پدافند هوایی کشور
۴	چابکی و قدرت جابه‌جایی سریع دشمن در حوزه هوا و فضا
۵	برخورداری دشمن از موشک‌های کروز، بین‌قاره‌ای، بالستیک تاکتیکی، تاکتیکی هوا به سطح، هوشمند و نفوذپذیر، بمب‌های گرافیتی (کربنی) و الکترومغناطیسی ریز روبات‌های و پهپادهای شناسایی و تهاجمی و هواپیماهای پنهان‌کار فوق پیشرفته و مدرن
۶	حمله هم‌زمان دشمن به زیرساخت‌ها، سطوح راهبردی و عملیات هوایی علیه نیروهای خودی
۷	بهره‌مندی دشمن از حجم انبوه، تنوع و کیفیت سامانه و سلاح‌های آفندی نسبت به پدافند هوایی
۸	قدرت ائتلاف جهانی دشمن
۹	پایگاه‌های فضایی دشمن و تسلط نسبی دشمن بر فضا



ردیف	تهدیدهای هوایی
۱۰	برخورداری دشمن از زنجیره تأمین جهانی، آموزش بالا و مهارت تخصصی کارکنان
۱۱	وجود سامانه‌های متعدد جمع‌آوری دشمن در اطراف جمهوری اسلامی (زمین پایه، دریایا، هواپایه)
۱۲	سامانه فرماندهی و کنترل پیشرفته دشمن
۱۳	توانمندی دشمن در استفاده از فناوری‌های لیزر، نانوفناوری، ارتباطات ماهواره‌ای، سامانه‌های کشف هوایی، هوش مصنوعی، انرژی مستقیم در طول درگیری‌ها
۱۴	سکوهای رهاسازی پهپادهای انتحاری دشمن (هواپایه - دریایا)
۱۵	امکان ترکیب سطوح تهدیدهای هوایی برای دشمن (تاکتیکی، عملیاتی، راهبردی)
۱۶	در اختیار داشتن منابع مالی فراوان و پشتیبانی رزمی و عمومی گسترده دشمن از نیروهای خودی
۱۷	حضور و استقرار دشمن در مناطق پیرامونی کشور (۳۶۰ درجه) و توانایی انجام حملات پُرحجم و همه‌جانبه
۱۸	سکوهای هواپایه و چند طیفی دشمن
۱۹	سامانه‌های نوین دشمن برای حملات دور ایستا و پرسه‌زن

۳-۵. مدل مفهومی پژوهش

با نگرش به اطلاعات گردآوری شده در قالب مدارک (اسناد و مدارک و مصاحبه با خبرگان)، الگوی مفهومی مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار ارتقای توان رزمی پدافند هوایی متناسب با تهدیدهای هوایی به شرح زیر و مطابق شکل (۴) ترسیم شده است.



شکل ۴: مدل مفهومی پژوهش

۴. روش‌شناسی

این تحقیق از نظر روش اجرا، توصیفی-تحلیلی و از نوع کاربردی است. رویکرد پژوهش به صورت آمیخته (کمی و کیفی) بوده و از روش‌های رایج کتابخانه‌ای مشتمل بر مطالعه کتب و مقالات مربوط به بحث و منابع معتبر اینترنتی به منظور جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها بهره‌گیری شده است.

جامعه آماری تحقیق شامل نظامیان و کارشناسانی است که دارای تجارب و مشاغل راهبردی بوده و حداقل در حال طی دوره دکتری باشند و همچنین در این زمینه از سوابق مطالعاتی و تحقیقاتی نیز برخوردار باشند که با بررسی‌های صورت گرفته با اعمال ضریبی حدود ۵۰ نفر هستند و جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهند که به صورت تمام‌شمار به آن‌ها مراجعه شده است.



در این تحقیق پرسش‌نامه‌ای به‌منظور «احصای عوامل ارتقای توان رزم پدافند هوایی متناسب با تهدیدهای هوایی» طراحی گردیده است. محقق جهت تهیه پرسش‌نامه به مراجعه و استفاده از کتب و منابع معتبر مرتبط با موضوع تحقیق و همچنین مصاحبه با خبرگان، اقدام و به‌منظور تعیین روایی محتوایی پرسش‌نامه از ضریب لاوشه استفاده نموده است. با توجه به اینکه تعداد خبرگان و نظردهندگان برای این ارزیابی ۱۲ نفر بودند؛ لذا مقدار قابل قبول، ضریب بالاتر از ۰/۵۹ بوده که تمامی ابزارها مورد تأیید قرار گرفتند. محقق برای تعیین پایایی پرسش‌نامه از آلفای کرونباخ استفاده نموده که پس از محاسبه مقدار آن ۰/۹۵۶ بوده که پایایی پرسش‌نامه مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین از اسناد و مدارک معتبر و دست اول از منابع مؤثر علمی و مقالات مرتبط با موضوع که مورد تأیید صاحب‌نظران و متخصصان فن در امور پدافند هوایی و جنبه کاربردی دارند استفاده شده است.

در انجام تجزیه و تحلیل این تحقیق از نرم‌افزار SPSS استفاده شده و پس از نظرسنجی از خبرگان در خصوص آن‌ها، به روش توصیفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. با تجزیه و تحلیل و به‌کارگیری آزمون مقایسه میانگین «تی» مهم‌ترین مؤلفه‌ها به‌صورت جدول استخراج و اولویت‌بندی شده است.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

تحلیل پرسش‌نامه: در پرسش‌نامه از جامعه خبره سؤال شده است که به نظر جنابعالی عوامل ارتقای توان رزم پدافند هوایی متناسب با تهدیدهای هوایی کدامند؟ حاصل تحلیل داده‌های گردآوری شده مطابق نظر خبرگان، سه مؤلفه توان رزم تأیید شد. مؤلفه محسوس با ۱۷ زیرمؤلفه، مؤلفه نامحسوس با ۲۰ زیرمؤلفه و مؤلفه برترساز با ۱۴ زیرمؤلفه از دید جامعه آماری تحقیق به شرح ذیل، مورد تأیید قرار گرفت.

شماره گویه	مؤلفه	زیرمؤلفه	میانگین	مقدار آزمون تی	درجه آزادی	سطح معناداری
۱	محبوس	سامانه‌های کشف پدافند هوایی (سامانه‌های شناسایی اطلاعات الکترونیکی)	۴/۵۰	۷/۷۱	۴۹	۰.۰۰۰
۲		بهداری رزمی در پدافند هوایی	۴/۲۵	۶/۹۷	۴۹	۰.۰۰۰
۳		ترابری و قدرت تحرک سامانه‌ها	۴/۰۸	۷/۲۹	۴۹	۰.۰۰۰
۴		منابع آماد و پشتیبانی پدافند هوایی (منابع لجستیکی)	۴/۰۸	۷/۲۹	۴۹	۰.۰۰۰
۵		تعداد نیروی انسانی متخصص شاغل در پدافند هوایی	۴/۴۲	۷/۳۴	۴۹	۰.۰۰۰
۶		سامانه‌های سلاح پدافند هوایی (هواپایه)	۴/۷۶	۹/۷۵	۴۹	۰.۰۰۰
۷		میزان ذخیره موشک و مهمات در پدافند هوایی	۴/۳۳	۷/۰۹	۴۹	۰.۰۰۰
۸		تعداد مراکز پدافندی (مناطق، گروه‌ها، سایت‌ها و ایستگاه‌ها)	۴/۴۲	۹/۵۳	۴۹	۰.۰۰۰
۹		آماد راهکنشی (تاکتیکی) پدافند هوای	۴/۱۷	۱۰/۳۸	۴۹	۰.۰۰۰
۱۰		سامانه‌های کشف پدافند هوایی (سامانه‌های الکترواپتیکی و بصری)	۴/۵۰	۷/۷۱	۴۹	۰.۰۰۰
۱۱		بودجه پدافند هوایی	۴/۳۳	۷/۰۹	۴۹	۰.۰۰۰
۱۲		پشتیبانی فنی و نگهداری و تعمیر تجهیزات و سامانه‌های پدافند هوایی	۴/۰۸	۷/۲۹	۴۹	۰.۰۰۰
۱۳		ساختار سازمانی پدافند هوایی	۴/۴۲	۷/۳۴	۴۹	۰.۰۰۰
۱۴		سامانه‌های سلاح پدافند هوایی (زمین پایه)	۴/۷۵	۹/۷۵	۴۹	۰.۰۰۰
۱۵		توان تولید تجهیزات و سامانه‌های دفاع هوایی	۴/۳۳	۷/۰۹	۴۹	۰.۰۰۰



شماره گویه	مؤلفه	زیرمؤلفه	میانگین	مقدار آزمون تی	درجه آزادی	سطح معناداری
۱۶		سامانه‌های کشف پدافند هوایی (سامانه‌های راداری)	۴/۶۷	۱۱/۷۳	۴۹	۰.۰۰۰
۱۷		سخت‌افزارهای فرماندهی و کنترل	۴/۵۰	۹/۹۵	۴۹	۰.۰۰۰
۱۸	رزم هوایی	ارزیابی از عملکرد کارکنان پدافند هوایی	۴/۲۵	۹/۵۷	۴۹	۰.۰۰۰
۱۹		مقاومت و ایستادگی کارکنان پدافند هوایی	۴/۰۸	۱۳/۰۰	۴۹	۰.۰۰۰
۲۰		سرعت تجهیزات و جنگ‌افزارهای دفاع هوایی	۴/۹۲	۲۳/۰۰	۴۹	۰.۰۰۰
۲۱		آموزش و مهارت کارکنان پدافند هوایی	۴/۵۰	۹/۹۵	۴۹	۰.۰۰۰
۲۲		برد تجهیزات و جنگ‌افزارهای دفاع هوایی	۴/۵۰	۷/۷۱	۴۹	۰.۰۰۰
۲۳		تفکر راهبردی کارکنان پدافند هوایی	۴/۳۳	۷/۰۹	۴۹	۰.۰۰۰
۲۴		حمیت قسمتی کارکنان پدافند هوایی	۴/۰۸	۷/۲۹	۴۹	۰.۰۰۰
۲۵		ایمان کارکنان پدافند هوایی	۴/۴۲	۷/۳۴	۴۹	۰.۰۰۰
۲۶		دقت تجهیزات و جنگ‌افزارهای دفاع هوایی	۴/۷۵	۹/۷۵	۴۹	۰.۰۰۰
۲۷		روحیه کارکنان پدافند هوایی	۴/۳۳	۷/۰۹	۴۹	۰.۰۰۰
۲۸		تجارب جنگی کارکنان پدافند هوایی	۴/۴۲	۹/۵۳	۴۹	۰.۰۰۰
۲۹		اطاعت‌پذیری کارکنان پدافند	۴/۰۸	۷/۲۹	۴۹	۰.۰۰۰
۳۰		انضباط کارکنان پدافند هوایی	۴/۴۲	۷/۳۴	۴۹	۰.۰۰۰
۳۱		عملکرد تجهیزات و جنگ‌افزارهای دفاع هوایی	۴/۷۵	۹/۷۵	۴۹	۰.۰۰۰

شماره گویه	مؤلفه	زیرمؤلفه	میانگین	مقدار آزمون تی	درجه آزادی	سطح معناداری
۳۲		قدرت آتش تجهیزات و جنگ‌افزارهای دفاع هوایی	۴/۸۳	۱۶/۳۲	۴۹	۰.۰۰۰
۳۳		آمادگی رزمی کارکنان پدافند هوایی	۴/۵۸	۱۰/۶۵	۴۹	۰.۰۰۰
۳۴		حفاظت اطلاعات کارکنان پدافند هوایی	۴/۴۲	۹/۵۳	۴۹	۰.۰۰۰
۳۵		فداکاری کارکنان پدافند هوایی	۴/۲۸	۷/۵۴	۴۹	۰.۰۰۰
۳۶		انگیزه کارکنان پدافند هوایی	۴/۴۱	۷/۶۹	۴۹	۰.۰۰۰
۳۷		خودکنترلی کارکنان پدافند هوایی	۴/۳۰	۸/۲۱	۴۹	۰.۰۰۰
۳۸	تربیت	چابکی سامانه‌های پدافند هوایی	۴/۰۱	۶/۲۶	۴۹	۰.۰۰۰
۳۹		سایبر	۴/۴۷	۷/۵۳	۴۹	۰.۰۰۰
۴۰		جنگ الکترونیک	۴/۴۹	۹/۳۶	۴۹	۰.۰۰۰
۴۱		پدافند غیرعامل	۴/۵۱	۸/۲۳	۴۹	۰.۰۰۰
۴۲		اشراف اطلاعاتی	۴/۶۳	۷/۷۴	۴۹	۰.۰۰۰
۴۳		امنیت شبکه‌های رایانه‌ای	۴/۰۳	۷/۲۶	۴۹	۰.۰۰۰
۴۴		انجام رزمایش‌های دفاع هوایی مشترک و مرکب	۴/۱۴	۷/۳۴	۴۹	۰.۰۰۰
۴۵		نوآوری و خلاقیت	۴/۱۲	۷/۵۷	۴۹	۰.۰۰۰
۴۶		فرماندهی و کنترل هوشمند	۴/۷۵	۷/۳۶	۴۹	۰.۰۰۰
۴۷		عملیات روانی	۴/۲۳	۸/۷۴	۴۹	۰.۰۰۰



شماره گویه	مؤلفه	زیرمؤلفه	میانگین	مقدار آزمون تی	درجه آزادی	سطح معناداری
۴۸		لیزر و انرژی مستقیم	۴/۰۱	۶/۰۹	۴۹	۰.۰۰۰
۴۹		چندلایه بودن ارتباطات	۴/۱۴	۹/۶۸	۴۹	۰.۰۰۰
۵۰		مدیریت و رهبری	۴/۲۳	۹/۵۴	۴۹	۰.۰۰۰
۵۱		علوم و فناوری‌های نوین و شالوده شکن دفاع هوایی (کوانتوم، رایانش ابری، هوش مصنوعی و...)	۴/۴۶	۸/۴۳	۴۹	۰.۰۰۰

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با نگرش به مواردی که در این پژوهش مورد واکاوی و تحلیل قرار گرفت، در راستای پاسخ به سؤال تحقیق مبنی بر اینکه «عوامل ارتقای توان رزم پدافند هوایی متناسب با تهدیدهای هوایی کدامند؟» می‌توان گفت:

الف. برابر مطالعات اسنادی و میدانی و مراجعه به نظر خبرگان و صاحب‌نظران این تحقیق، ترتیب عوامل محسوس ارتقای توان رزم پدافند هوایی متناسب با تهدیدهای هوایی، عبارتند از:

- ❖ سامانه‌های سلاح پدافند هوایی (هواپایه)؛
- ❖ سامانه‌های سلاح پدافند هوایی (زمین‌پایه)؛
- ❖ سامانه‌های کشف پدافند هوایی (سامانه‌های راداری)؛
- ❖ سامانه‌های کشف پدافند هوایی (سامانه‌های شناسایی اطلاعات الکترونیکی)؛
- ❖ سامانه‌های کشف پدافند هوایی (سامانه‌های الکترواپتیکی و بصری)؛
- ❖ ساختار سازمانی پدافند هوایی؛
- ❖ سخت‌افزارهای فرماندهی و کنترل؛
- ❖ تعداد نیروی انسانی متخصص شاغل در پدافند هوایی؛

- ❖ میزان ذخیره موشک و مهمات در پدافند هوایی؛
 - ❖ تعداد مراکز پدافندی (مناطق، گروه‌ها، سایت‌ها و ایستگاه‌ها)؛
 - ❖ بهداری رزمی در پدافند هوایی؛
 - ❖ بودجه پدافند هوایی؛
 - ❖ توان تولید تجهیزات و سامانه‌های دفاع هوایی؛
 - ❖ آماد راهکنشی (تاکتیکی) پدافند هوایی؛
 - ❖ ترابری و قدرت تحرک سامانه‌ها پدافندی؛
 - ❖ منابع آماد و پشتیبانی پدافند هوایی (منابع لجستیکی)؛
 - ❖ پشتیبانی فنی و نگهداری و تعمیر تجهیزات و سامانه‌های پدافند هوایی.
- ب. برابر مطالعات اسنادی و میدانی و مراجعه به نظر خبرگان و صاحب‌نظران این تحقیق، ترتیب عوامل نامحسوس ارتقای توان رزم پدافند هوایی متناسب با تهدیدهای هوایی، عبارتند از:

- ❖ سرعت تجهیزات و جنگ‌افزارهای دفاع هوایی؛
- ❖ قدرت آتش تجهیزات و جنگ‌افزارهای دفاع هوایی؛
- ❖ دقت تجهیزات و جنگ‌افزارهای دفاع هوایی؛
- ❖ عملکرد تجهیزات و جنگ‌افزارهای دفاع هوایی؛
- ❖ برد تجهیزات و جنگ‌افزارهای دفاع هوایی؛
- ❖ آموزش و مهارت کارکنان پدافند هوایی؛
- ❖ ایمان کارکنان پدافند هوایی؛
- ❖ تجارب جنگی کارکنان پدافند هوایی؛
- ❖ انضباط کارکنان پدافند هوایی؛
- ❖ آمادگی رزمی کارکنان پدافند هوایی؛
- ❖ حفاظت اطلاعات کارکنان پدافند هوایی؛
- ❖ انگیزه کارکنان پدافند هوایی؛



- ❖ تفکر راهبردی کارکنان پدافند هوایی؛
- ❖ روحیه کارکنان پدافند هوایی؛
- ❖ خودکنترلی کارکنان پدافند هوایی؛
- ❖ فداکاری کارکنان پدافند هوایی؛
- ❖ ارزیابی از عملکرد کارکنان پدافند هوایی؛
- ❖ اطاعت‌پذیری کارکنان پدافند هوایی؛
- ❖ مقاومت و ایستادگی کارکنان پدافند هوایی؛
- ❖ حمیت قسمتی کارکنان پدافند هوایی.

ج. برابر مطالعات اسنادی و میدانی و مراجعه به نظر خبرگان و صاحب‌نظران این تحقیق، ترتیب عوامل برترساز ارتقای توان رزم پدافند هوایی متناسب با تهدیدهای هوایی، عبارتند از:

- ❖ فرماندهی و کنترل هوشمند پدافند هوایی؛
- ❖ اشراف اطلاعاتی پدافند هوایی؛
- ❖ پدافند غیرعامل در اماکن، تجهیزات و سامانه‌های پدافند هوایی؛
- ❖ جنگ الکترونیک؛
- ❖ سایر؛
- ❖ علوم و فناوری‌های نوین و شالوده شکن دفاع هوایی (کوانتوم، رایانش ابری، هوش مصنوعی و...)
- ❖ مدیریت و رهبری در پدافند هوایی؛
- ❖ عملیات روانی؛
- ❖ نوآوری و خلاقیت در به‌کارگیری و بهره‌برداری از سامانه‌ها و تجهیزات دفاع هوایی؛
- ❖ امنیت شبکه‌های رایانه‌ای دفاع هوایی؛
- ❖ انجام رزمایش‌های دفاع هوایی مشترک و مرکب؛
- ❖ چندلایه بودن ارتباطات؛

❖ چابکی سامانه‌های پدافند هوایی؛

❖ لیزر، انرژی مستقیم.

پیشنهادهای پژوهش

۱. عوامل ارتقای توان رزم پدافند هوایی متناسب با تهدیدهای هوایی در مؤلفه‌های محسوس، نامحسوس و برترساز احصایی، مورد بهره‌برداری نیروی پدافند هوایی آجا، فرماندهی پدافند هوایی نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و قرارگاه پدافند هوایی کشور قرار گیرد.

۲. تدوین نقشه راه رصد تهدیدهای هوایی آینده و تهدیدهای فضایی توسط قرارگاه مشترک پدافند هوایی کشور و ستاد کل نیروهای مسلح و با کمک دانشگاه‌های نیروهای مسلح و مراکز مطالعاتی نیروی هوافضا سپاه و نیروهای هوایی و پدافند ارتش.

۳. با توجه به محیط پیچیده تهدیدهای هوایی انجام تحقیقات بیشتر در خصوص مؤلفه‌های توان رزمی پدافند هوایی متناسب با علوم و فناوری‌های نوین از قبیل کوانتوم، هوش مصنوعی و... در آینده پیشنهاد می‌گردد.

۴. پیشنهاد می‌گردد که مسئولین و تصمیم‌سازان حوزه دفاع هوایی، تمهیدات لازم در خصوص تقویت ابعاد سه‌گانه توان رزم پدافند هوایی متناسب با تهدیدهای هوایی به عمل آورند.



فهرست منابع

- آذر، داوود (۱۳۹۵)، *تبیین و تحلیل عوامل و شاخص‌های توان رزمی آجا در جنگ ترکیبی*، فصلنامه علوم و فنون نظامی، ۱۲(۳۷)، ص ۴۹
- آشتیانی، محمدرضا (۱۳۹۴)، *توان رزمی*، فصلنامه راهبردی دفاعی، ۹(۳۲)، ص ۹۱
- آیین‌نامه مرجع عملیات مشترک فراسازمانی پدافند هوایی کشور، قرارگاه مشترک پدافند هوایی کشور، ۱۴۰۲
- آیین‌نامه مرجع نیروی پدافند هوایی آجا، ۱/۱-۱۰-۱/الف/پ، ۱۳۹۹
- آیین‌نامه مشترک فراسازمانی امنیت فاوا و دفاع سایبری در شبکه یکپارچه پدافند هوایی کشور، قرارگاه مشترک پدافند هوایی کشور، ۱۴۰۰
- آیین‌نامه تاکتیک و تکنیک‌های استاندارد در رهگیری و رزم هوایی، ۱۳۴-۰۱/۲/الف/پ، ۱۳۹۹
- آیین‌نامه عملیات پدافند هوایی، نیروی هوافضای سپاه، ۱۳۹۳
- باجلانی و همکاران، صفدر (۱۴۰۱)، *تأثیر طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی راهبردی و بودجه‌بندی نظامی در ارتقای توان رزم*، فصلنامه علوم و فنون نظامی، ۴۸(۳).
- باقری، محمدحسین (۱۳۹۳)، *تدوین دکترین صحنه جنگ*، تهران: انتشارات دافوس.
- بی‌نام (۱۳۹۶)، *تهدیدشناسی موشک‌های کروز*، مرکز مطالعات و تدوین آیین‌نامه‌های نپاجا
- بی‌نام (۱۳۹۶)، *تهدیدشناسی بمب‌های بالستیک*، مرکز مطالعات و تدوین آیین‌نامه‌های نپاجا
- بی‌نام (۱۳۹۸)، *تهدیدشناسی بمب‌های هوشمند*، مرکز مطالعات و تدوین آیین‌نامه‌های نپاجا
- پوردستان و همکاران، احمدرضا (۱۳۹۹)، *الگوی راهبردی ارتقای آمادگی رزمی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی
- تقوا طلب، شبرزاد، (۱۳۸۹)، *تدبیر و چگونگی به‌کاربردن عوامل توان رزمی در محیط عملیاتی*، فصلنامه علوم و فنون نظامی، ۹(۱۷)، صص ۲۷-۴۰.
- حسن‌پور، حمید و رضالو، رضا (۱۳۹۸)، *اولویت‌بندی عوامل نرم‌افزاری توان رزمی در جنگ‌های غیرخطی*، فصلنامه علوم و فنون نظامی، ۱۵(۴۷)، صص ۲۹-۵۱
- رودسرابی، حسین (۱۳۹۹)، *اهمیت بازی جنگ و ارتقای قدرت تصمیم‌گیری در سامانه فرماندهی و کنترل*، دو فصلنامه بازی جنگ، (۷)، صص ۵۵-۷۵.

- شهرآیینی، سیداسماعیل (۱۳۹۸)، *الگوی راهبردی چابک‌سازی پدافند هوایی متناسب با تهدید ناهم‌طراز*، تهران: دانشگاه عالی دفاعی ملی.
- صنیعی، محمدحسین (۱۳۹۸)، *قدرت نظامی*، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- طالبیان، احمدرضا (۱۳۹۵)، *تدوین راهبردهای پدافند غیرعامل سامانه‌های کشف راداری قرارگاه مشترک پدافند هوایی خاتم‌الانبیا (ص)* آجا با تأکید بر جنگ‌های آینده، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی
- غفاری، بهزاد (۱۳۹۹)، *طراحی الگوی ارتقای توان رزمی قرارگاه پدافند هوایی کشور متناسب با تهدیدهای آینده برای ایجاد یک دفاع هوایی مطمئن*، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی
- غفاری، بهزاد (۱۳۹۸)، *تبیین نقش فرماندهی و کنترل در برترسازی و ارتقای توان رزمی پدافند هوایی*، فصلنامه فرماندهی و کنترل، ۱۱۴(۴)، صص ۱۰۸-۱۲۷
- کوشا، حسن (۱۳۹۸)، *طراحی سامانه یکپارچه فرماندهی و کنترل قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیا (ص) متناسب با تهدیدهای هوایی و موشکی آینده*، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی
- کیانی، جواد؛ نایب پور، محمد؛ ویسیان، محمد (۱۳۹۹)، *مدل عوامل عملیاتی مؤثر بر توان رزم در نیروی انتظامی*، فصلنامه مدیریت انتظامی ۱۵ (۱۴)، صص ۵۱۷-۴۸۹
- لطفی، مصطفی؛ غلامی، محمود؛ گلرنگ، رهام (۱۳۹۵)، *تبیین و تشریح وضعیت سامانه آماد و پشتیبانی نهجا*، تهران: دانشگاه هوایی
- مدنی، سید مصطفی؛ آبرسان، محمد (۱۳۹۴)، *تأثیر رهبری تحول‌آفرین بر ارتقای توان رزم*، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- مطالعات گروهی (۱۳۹۹)، *الگوی راهبردی ارتقای توان رزم و آمادگی رزمی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران*، دانشجویان دانشگاه عالی دفاعی ملی.
- نشریه تخصصی فناوری‌های دفاعی و نظامی، تهدیدات نوین، ۳(۱۲)، صص ۳۶-۴۷
- نصیرپور، غلامرضا؛ شاملو، رضا (۱۳۹۸)، *ارتقای توان رزمی گردان‌های زمین بهوای قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیا (ص)*، نشریه علوم و فنون نظامی، ۱۵(۵۰)، صص ۷۷-۵۸
- یداللهی، رضا؛ بهبودی، پیمان؛ باغبان، مهدی (۱۴۰۱)، *مطالعه تطبیقی مؤلفه‌های توان رزم ارتش‌های هشت کشور از جهان*، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، ۲۱(۹۱).



References

- Army of Australia, (2014), Land Warfare Doctrine 1 - The Fundamentals of Land Power
- Briant, Raphaël, Florant, Jean-Baptiste, Pesqueur, Michel, (2021), La Masse Dans les Armées Francaises - Un défi Pour la Haute Intensite, Centre des Études de Sécurité
- Canadian Force Experimentation Centre, (2009), CFJP 01 – Canadian Military Doctrine, Canadian Force Joint Publication
- Han, Seong-Jo, (2016), Analysis of Relative Combat Power with Expert System, Jornal of Digital Convergence, (143 – 150), ISSN: 1738-1916
- Headquarters Army Training Comaand of India, (2004), Indian Army Doctrine, Shimla
- Lingfeng, He, (2016), Progress of Wartime Psychological Protection Mechanism in Combat Effectiveness Generation Vision, 2016, 38 (1), <http://aammt.tmmu.edu.cn>
- Razma, gintautas. (2019). A modern warfare paradigm:reconsideration of combat power concept, journal of security and sustainability issues, (8):201-223.
- Sloan, Geoffrey, (2012), Military Doctrine, Command Philosophy & the Generation of Fighting Power; Genesis & Theory, International Affairs 88: 2 (2012), (243 – 263), <https://ciaotest.cc.columbia.edu/journals/>
- U.S. Army, (2019), ADP 3 – 0 – Operations, <https://armypubs.army.mil/>
- FM 44-100, Chapter 2, Page 2-10, 2012



Security Challenges Facing the Asia–Pacific Region Based on the Indicators of Barry Buzan’s Regional Security Complex Theory

Marjan Badiei Azandahi

Associate Professor, Department of Political Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Email: mbadiee@ut.ac.ir

Hassan Kamran Dastjerdi

Professor, Department of Political Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Email: hkamran@ut.ac.ir

Bahador Zarei

Associate Professor, Department of Political Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Email: bzarei@ut.ac.ir

Seyed Mohammad Naghib zadeh

PhD Candidate in Political Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Email: naghibzade.48@ut.ac.ir

Abstract

The Asia–Pacific region, as one of the most significant geographical and geopolitical areas, plays a decisive role in shaping and transforming global order and security in the twenty-first century. One of the key theoretical frameworks for analyzing this region is Barry Buzan’s Regional Security Complex Theory, which is grounded in five core indicators: security interdependence; social structure (patterns of amity and enmity); geographical proximity; anarchic structure; and relative autonomy. The present study aims to identify and analyze the security challenges confronting the Asia–Pacific region based on these five indicators. The research adopts a descriptive–analytical approach and is conducted using library-based and online sources. According to the findings, the most significant security challenges include, under the first indicator, the interdependence of territorial disputes, non-traditional threats, and the crisis on the Korean Peninsula. Under the second indicator, challenges stem from historical and identity-related issues such as historical legacies of war and occupation, collective memories, ideological divides and value-based confrontations, the spectrum of power relations, multilayered security architecture, and discursive competition between the Asia–Pacific and the Indo-Pacific frameworks. Under the third indicator, challenges arise from the interconnection and overlap of crisis-prone zones across the subregions of this vast area. Based on the fourth indicator, challenges are associated with the absence of comprehensive regional authority, arms competition among major powers, dual policies adopted by states, and the inefficiency of regional institutions. Finally, under the fifth indicator, challenges are examined in relation to the relative autonomy of states within the region. The results indicate that security challenges in the Asia–Pacific region are deeply intertwined and complex, exerting significant impacts on the stability and security of neighboring regions as well as the global system.

Keywords: Asia–Pacific, Security Challenges, Regional Security Complex, Barry Buzan



چالش‌های امنیتی پیش‌روی آسیا-پاسفیک با تکیه بر شاخص‌های نظریه امنیتی منطقه‌ای «بری بوزان»

مرجان بدیعی ازنادهی

دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: mbadiee@ut.ac.ir

حسن کامران دستجردی

استاد گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: hkamran@ut.ac.ir

بهادر زارعی

دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: bzarei@ut.ac.ir

سید محمد نقیب‌زاده

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: naghbizade.48@ut.ac.ir

چکیده

منطقه آسیا-پاسفیک به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق جغرافیایی و ژئوپلیتیکی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری و تحول نظم و امنیت جهانی در قرن بیست‌ویکم دارد. یکی از نظریه‌های مهم در تحلیل این موضوع، نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای «بری بوزان» است که بر شاخص‌های پنج‌گانه استوار است: وابستگی متقابل امنیتی، ساخت اجتماعی (الگوهای دوستی و دشمنی)، مجاورت جغرافیایی، ساختار آنارشیک و استقلال نسبی. تحقیق حاضر با هدف شناسایی و تحلیل چالش‌های امنیتی پیش‌روی این منطقه براساس شاخص‌های پنج‌گانه به رشته تحریر درآمده است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام گرفته است. براساس یافته‌های پژوهش، مهم‌ترین چالش‌های امنیتی عبارتند از: در شاخص اول وابستگی متقابل مناقشات سرزمینی، تهدیدات غیرمستقیم و بحران شبه جزیره کره؛ در شاخص دوم، به مسائل تاریخی و هویتی مانند میراث تاریخی، جنگ، اشغال و خاطرات جمعی، شکاف ایدئولوژیک و تقابل ارزش‌ها، طیف روابط قدرت، معماری امنیتی چندلایه و رقابت گفتمانی آسیا-پاسفیک در برابر اقیانوس هند-آرام بازمی‌گردند؛ در شاخص سوم، چالش‌ها برآمده از درهم‌تنیدگی حوزه‌های بحران‌زا در زیر مناطق این گستره وسیع هستند؛ همچنین طبق شاخص چهارم، چالش‌ها ناشی از فقدان اقتدار کامل منطقه‌ای، رقابت تسلیحاتی قدرت‌ها، سیاست‌های دوگانه کشورها همراه با ناکارآمدی نهادهای منطقه‌ای هستند و در شاخص پنجم، چالش‌ها براساس استقلال نسبی کشورهای منطقه، قابل مطالعه و بررسی هستند. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد چالش‌های امنیتی در قلمرو آسیا-پاسفیک به‌گونه‌ای درهم‌تنیده و پیچیده‌اند که اثرگذاری خود را بر ثبات و امنیت مناطق پیرامونی و جهانی برجای می‌گذارند.

کلیدواژه‌ها: آسیا-پاسفیک، چالش، مجموعه امنیتی منطقه‌ای، بری بوزان



مقدمه

منطقه آسیا-پاسیفیک، به عنوان مرکز ثقل تحولات اقتصادی و ژئوپلیتیکی قرن بیست و یکم، با چشم انداز امنیتی به شدت پیچیده، پویا و مملو از چالش های چندوجهی روبه رو است. این منطقه پهناور که میزبان قدرت های بزرگ جهانی و منطقه ای با آرمان های متفاوت و مجموعه ای متنوع از کشورهای کوچک تر اما استراتژیک است، صحنه تعاملاتی فشرده و پویا است (Tow & Loke, 2009: 443-444). درک ماهیت و ریشه های عمیق چالش های امنیتی این منطقه که از تلاقی عوامل متعدد ساختاری و اجتماعی نشئت می گیرد، برای تحلیل دقیق و تلاش برای مدیریت بحران و حفظ صلح امری ضروری است.

پیچیدگی معمای امنیتی آسیا-پاسیفیک را می توان در تعامل مجموعه ای از عوامل بنیادین جستجو کرد؛ مانند واقعیت های جغرافیایی که نزدیکی فیزیکی امکان انتقال هرچه سریع تر تهدیدات را ممکن می سازد (Buzan & Wæver, 2003: 45)، به عنوان نمونه، آسیب پذیری سئول در برابر کره شمالی، گره خوردن امنیت در آبراه های حیاتی و مناطق مورد مناقشه دریایی که نقش دوگانه ای در شکل دهی به همکاری و رقابت ایفا می کنند. این تعاملات در بستری آنارشیک رخ می دهند به طوری که فقدان اقتدار مرکزی به معمای امنیت، رقابت های تسلیحاتی فزاینده و محدودیت اثربخشی نهادهای منطقه ای منجر شده است (Acharya, 2014: 186). در این میان، آنچه «مدکالف»^۱ (۲۰۲۰) از آن با عنوان «وجود چند بازیگر» یاد می کند، نشان دهنده نقش آفرینی قدرت های بزرگ و میانی در شکل دهی به تحولات منطقه ای است؛ به ویژه ظهور چین و رقابت استراتژیک آن با ایالات متحده، به نیروی محرکه اصلی تحولات تبدیل شده و حتی به رقابت گفتمانی بر سر مفهوم سازی خود منطقه دامن زده است (Medcalf, 2020: 120-). با این حال، امنیت صرفاً محصول محاسبات مادی نیست؛ بلکه ساختارهای اجتماعی، الگوهای ریشه دار دوستی و دشمنی که محصول تعاملات، هویت ها و برداشت های بین الازدهانی هستند نقش حیاتی دارند. میراث تاریخی تلخ و شکاف های ایدئولوژیک و فرهنگی - هویتی همچنان بر روابط سایه افکنده و تلاش برای ایجاد هویت های



منطقه‌ای مشترک را با چالش مواجه می‌سازند. این عوامل در کنار هم وابستگی متقابل امنیتی بالایی ایجاد کرده‌اند، به گونه‌ای که مشکلات امنیتی کشورها از یکدیگر جدایی‌ناپذیر هستند. در چنین فضایی، کشورهای منطقه در تلاش برای حفظ استقلال نسبی خود در برابر نفوذ قدرت‌های بزرگ استراتژی‌های متنوعی دنبال می‌کنند. مقاله حاضر با اتخاذ رویکردی توصیفی-تحلیلی، با تکیه بر شاخص‌های نظریه امنیتی منطقه‌ای بری بوزان به بررسی این شبکه پیچیده و درهم‌تنیده از عوامل و چالش‌های امنیتی در منطقه آسیا-پاسفیک پرداخته است. هدف آن است که با استفاده از منابع موجود و کاوش در ریشه‌ها، چالش‌های مهم پیش‌روی آسیا-پاسفیک در قرن بیست‌ویکم را شناسایی و تحلیل نماید؛ از رقابت قدرت‌های بزرگ و منازعات سرزمینی گرفته تا تهدیدات گوناگون، امنیت دریایی، رقابت قدرت‌ها، تنش‌های ناشی از تاریخ و جغرافیا و هویت و همچنین پویایی‌های ساختاری در حال تحول این منطقه.

۱. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره منطقه ژئوپلیتیکی آسیا-پاسفیک انجام گرفته است که محوریت اغلب آن‌ها اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی این منطقه، رقابت‌ها و همکاری‌های میان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، علل اهمیت این منطقه برای قدرت‌های بزرگ و همچنین استراتژی‌ها و راهبردهای بازیگران فعال بوده است. در ادامه تعدادی از مهم‌ترین این پژوهش‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

خضری (۱۴۰۱) در مقاله «آسیا پاسفیک در قرن بیست‌ویکم: فرصت‌ها و چالش‌ها» معتقد است رقابت چین و آمریکا در منطقه هنوز به سطح جنگ سرد نرسیده و بیشتر به همزیستی مسالمت‌آمیز همراه با رقابت شباهت دارد.

زارعی و موسوی شهیدی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «همکاری‌های ژئواکونومیکی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی چین و آمریکا در منطقه آسیا پاسفیک در قرن بیست‌ویکم» بیان می‌کنند که ظرفیت بزرگ ژئواکونومیکی چین و منافع سرشاری که اقتصاد و بازار رو به رشد

چین نصیب آمریکا خواهد کرد، چشم‌انداز همکاری ژئواکونومیکی بین دو کشور بیش از رقابت‌های ژئوپلیتیکی در این قرن خواهد بود.

شفیعی (۱۳۹۹) در مقاله «جنگ سرد جدید؛ تحلیلی بر نظم امنیتی در حوزه آسیا پاسیفیک» مطرح می‌کند که ورود چین و آمریکا به‌عنوان دو رقیب اصلی، بزرگ‌ترین چالش برای حفظ صلح و امنیت منطقه است. اگرچه الگوهای امنیت جمعی یا تعاونی می‌توانند نظم را تأمین کنند؛ اما سناریوی محتمل، شکل‌گیری نظم امنیتی دوقطبی است که به «دام چرچیل» معروف است.

«ژیانگ‌هونگ»^۱ و «شاوون»^۲ (۲۰۲۱) در مقاله «از آسیا-پاسیفیک تا ایندو-پاسیفیک: تعدیل راهبرد آسیای پاسیفیک آمریکا از منظر ژئوپلیتیک انتقادی» معتقدند چین اکنون رقیب استراتژیک اصلی آمریکا به شمار می‌رود و نقش آن از عرصه اقتصادی و تجاری فراتر رفته است.

«ایدس»^۳ و «کوپر»^۴ (۲۰۱۰) در مقاله «جهان آسیا-پاسیفیک: خلاصه و دستور کار» بیان می‌کنند که اگرچه برخی با پیش‌بینی قرن حاضر به‌عنوان قرن آسیایی مخالفت کرده‌اند، اما روند آسیایی یا آسیا-اقیانوسی شدن همچنان ادامه دارد و معنای آن نیز تغییر یافته است.

«کریستوفرسن»^۵ (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «پیشروی روسیه به منطقه آسیا-پاسیفیک: نقش چین» به بررسی آمادگی روسیه برای میزبانی APEC در سال ۲۰۱۲، روابط اقتصادی چین و روسیه در سطح محلی و دوگانگی روسیه در مورد وابستگی متقابل با همسایه چینی خود می‌پردازد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در هیچ‌یک از پژوهش‌هایی که تاکنون به رشته تحریر درآمده‌اند، به مبحث چالش‌های امنیتی پیش‌روی آسیا-پاسیفیک پرداخته نشده است.

-
1. Xianghong
 2. Shaowen
 3. Eades
 4. Cooper
 5. Christoffersen



۲. چهارچوب نظری

۲-۱. نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای بری بوزان

نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای (RSCT)^۱ توسط «بری بوزان»^۲، «اوله ویور»^۳ و «یاب د وایلد»^۴ (متعلق به دانشکده مطالعات امنیتی کپنهاگ)، در سال‌های ۱۹۸۳-۲۰۰۳ ابداع شده و گسترش یافته است و بر آن است که امنیت را باید به‌عنوان یک ساخت اجتماعی (امنیت‌سازی) مطالعه کرد. طبق این نظریه، امنیت بین‌الملل باید از منظر منطقه‌ای بررسی شود تا بتواند یک توجیه نظری برای ساختار مناطق جهان ارائه دهد (Grabowski, 2020: 20). آن‌ها رویکرد پذیرفته شده‌ای که به بررسی این مسئله تنها از دیدگاه سیاسی و نظامی می‌پرداخت را به چالش کشیدند و با اتخاذ دیدگاه گسترده‌تری ادعا کردند امنیت باید با ابعاد پنج‌گانه سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی (اکولوژیکی) مورد بررسی قرار گیرد (Buzan et al, 1998: 7-10). یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای به‌وسیله کشورهایی که بخشی از آن مجموعه هستند تشکیل می‌شود، از این‌رو مطالعه امنیت از دیدگاه فراملی به معنای کاهش اهمیت یا نقش کشورها نیست (Szydzisz, 2019: 18). بر این اساس، یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای باید از دو یا چند واحد خودمختار تشکیل شده باشد. بوزان همچنین از عاملی به نام «نفوذ» نام می‌برد که هرچند ذاتی یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای نیست، اما می‌تواند پویای درونی یک مجموعه را تحت تأثیر قرار دهد و حتی تغییراتی در آن ایجاد کند. بر پایه این نظریه، نفوذ زمانی اتفاق می‌افتد که قدرت‌های خارجی با دولت‌های تشکیل‌دهنده یک مجموعه امنیتی، یک صف‌بندی امنیتی تشکیل دهند (Buzan & Wæver, 2009: 58). از نظر بوزان، یک نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای دست‌کم دارای پنج شاخص است که در زیر به هریک اشاره می‌شود.

۱. وابستگی متقابل امنیتی: وابستگی متقابل امنیتی، اولین مفهوم محوری نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای است. بوزان و ویور یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را مجموعه‌ای از واحدها می‌دانند که فرایندهای اصلی امنیتی‌سازی و غیرامنیتی‌سازی آن‌ها چنان

1. Regional Security Complex Theory

2. Barry Buzan

3. Ole Wæver

4. Jaap de Wilde

به هم پیوسته است که مشکلات امنیتی آن‌ها را نمی‌توان به صورت منطقی جدا از یکدیگر تحلیل یا حل کرد (Buzan & Wæver, 2003: 44-45).

۲. ساخت اجتماعی یا الگوهای دوستی و دشمنی: ساخت اجتماعی، به عنوان دومین متغیر اصلی در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، به الگوهای دوستی و دشمنی بین بازیگران منطقه‌ای اشاره دارد. این مفهوم از سازه‌نگاری اجتماعی تأثیر پذیرفته و بر این اصل استوار است که امنیت، مفهومی صرفاً مادی نیست، بلکه محصول تعاملات اجتماعی، برداشت‌ها و تفسیرهای بازیگران است (Buzan & Wæver, 2003: 71).

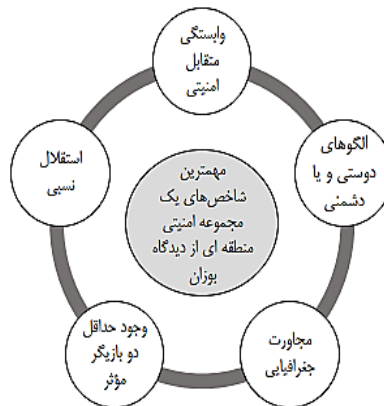
۳. مجاورت جغرافیایی: مجاورت جغرافیایی یکی از اساسی‌ترین متغیرها در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای بوزان است. این اصل بر این واقعیت استوار است که تهدیدات در فواصل کوتاه با شدت بیشتری منتقل می‌شوند. بوزان و ویور استدلال می‌کنند که مجاورت فیزیکی سبب تعامل امنیتی بیشتر میان همسایگان نسبت به دولت‌هایی می‌شود که دورتر از یکدیگر قرار دارند (Buzan & Wæver, 2003: 45).

۴. ساختار آنارشیک یا وجود حداقل دو بازیگر: ساختار آنارشیک چهارمین متغیر اصلی در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای است که از مکتب نئورئالیسم در روابط بین‌الملل برگرفته شده است. طبق مطالعات بوزان، مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای در بستر آنارشی جهانی شکل می‌گیرند. آنارشی به معنای فقدان اقتدار مرکزی فراتر از دولت‌ها است که باعث می‌شود دولت‌ها برای تأمین امنیت خود، به خودیاری و توانایی‌های خویش متکی باشند (Buzan et al, 1993: 339-342).

۵. استقلال نسبی: استقلال نسبی یکی از مفاهیم نظری پیچیده در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای است که به رابطه دیالکتیکی بین پویایی‌های منطقه‌ای و سطح سیستمیک (جهانی) اشاره دارد. طبق استدلال بوزان و ویور، یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای باید دارای «درجه‌ای از استقلال نسبی» از سطح سیستمیک باشد تا بتواند به عنوان یک زیرسیستم متمایز تلقی شود (Buzan & Wæver, 2003: 48). همچنین این مفهوم با مفهوم



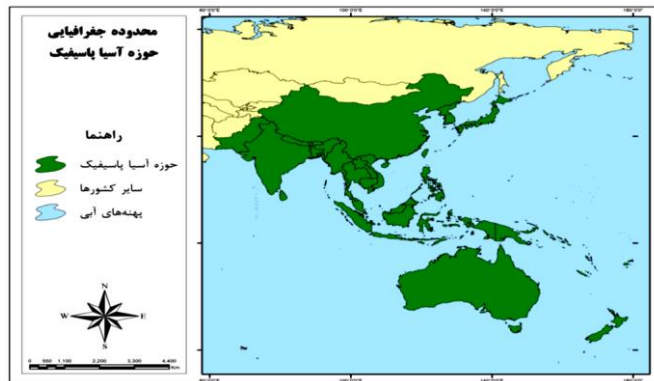
«نفوذ» در ارتباط است که به میزان دخالت قدرت‌های خارجی در پویایی‌های امنیتی یک منطقه اشاره دارد (شکل ۱).



شکل ۱: شاخص‌های یک مجموعه امنیتی - منطقه‌ای از دیدگاه بوزان (نگارندگان، ۱۴۰۴)

قلمرو تحقیق: منطقه آسیا-پاسفیک

آسیا-پاسفیک، مناطقی از قاره آسیا و اقیانوس آرام را در برمی‌گیرد و بسته به چگونگی تعریف اندک آن، این منطقه می‌تواند در بزرگ‌ترین شکل خود، ملت‌های واقع در قاره آمریکا، اقیانوسیه، آسیای شمال شرقی، آسیای جنوب شرقی، آسیای جنوبی، آسیای جنوب غربی و آسیای مرکزی را شامل شود. در زبان عام، منطقه آسیا-پاسفیک معمولاً به مناطق شمال شرق آسیا، اقیانوسیه، آسیای جنوبی و آسیای جنوب شرقی اطلاق می‌شود ولی در تعداد اندکی از نقشه‌ها، این منطقه گسترش‌یافته و سواحل غربی آمریکای شمالی و جنوبی را نیز در برمی‌گیرد (Snedden & Inouye, 2018: 4) (شکل ۲)



شکل ۲: محدوده جغرافیایی حوزه آسیا-پاسفیک (نگارندگان، ۱۴۰۴)

رقابت اصلی در این منطقه، به چین و ایالات متحده اختصاص دارد. اصلاحات و رشد مداوم پنج دهه اقتصاد چین و رشد اقتصادی آ.سه.آن مهم‌ترین کانون‌های تحولات ژئواکونومیکی در منطقه شرق آسیا به شمار می‌رود و همکاری ژئواکونومیکی منطقه و وابستگی متقابل را طی یک دهه اخیر به سرعت توسعه داده است. در پی تحولات نظام بین‌الملل و باتوجه به ویژگی‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی در منطقه به‌ویژه تلاقی سیاست‌های چهار قدرت بزرگ آمریکا، چین، هند و ژاپن، به نظر می‌رسد مرکز ثقل استراتژیک جهان در حال انتقال از آتلانتیک به منطقه آسیا-پاسفیک است. ساختار روابط در این منطقه بر مبنای مناسبات دو قدرت عمده یعنی آمریکا و چین خواهد بود که بر مبنای الگوی همکاری ژئواکونومیکی و رقابت ژئوپلیتیکی تعقیب می‌شود (زارعی و موسوی شهیدی، ۱۳۹۹: ۱۴۶).

۳. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر نوع، کاربردی و با شیوه توصیفی-تحلیلی بررسی شده است. این پژوهش درصدد است در مرحله اول، مهم‌ترین شاخص‌های نظریه مجموعه امنیتی- منطقه‌ای بری بوزان را مورد بررسی قرار داده و سپس چالش‌های امنیتی پیش‌روی منطقه آسیا-پاسفیک بر مبنای این نظریه را مورد تجزیه و تحلیل و شناسایی قرار دهد.



۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، منطقه آسیا-پاسیفیک براساس شاخص‌های پنج‌گانه یک مجموعه امنیتی و منطقه‌ای از دیدگاه بری بوزان مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

۴-۱. وابستگی متقابل امنیتی

آسیا-پاسیفیک منطقه‌ای با وابستگی متقابل امنیتی بسیار بالا است و مسائل امنیتی در این منطقه به شدت به هم پیوسته‌اند و اقدامات یک کشور می‌تواند بر امنیت سایر کشورها تأثیر بگذارد. در این میان، روابط ایالات متحده و چین یکی از محورهای اصلی تحولات امنیتی به شمار می‌آید؛ به نحوی که آمریکا هم‌زمان با تلاش برای مدیریت و مهار قدرت روبه‌رشد چین، ناگزیر به حفظ تعاملات و منافع راهبردی خود با این کشور است. همچنین، اتحاد امنیتی میان آمریکا و ژاپن نقش مهمی در حفظ موازنه قدرت و ثبات در شرق آسیا ایفا می‌کند (Hook & Spanier, 2018: 215-220). این وضعیت باعث شده تا امنیت آمریکا به‌طور فزاینده‌ای به ثبات آسیا-پاسیفیک وابسته باشد، به نحوی که هرگونه درگیری در این منطقه می‌تواند به یک بحران امنیتی جهانی تبدیل شود (Hook, 2016: 340-341). مثلاً در بحران شبه‌جزیره کره، این وابستگی متقابل امنیتی به صورت برجسته‌تری نمایان می‌شود. همچنین روابط بین آمریکا، چین، ژاپن و دو کره چنان به هم گره خورده است که اقدامات هر کشور به‌طور مستقیم بر محاسبات امنیتی سایر کشورها تأثیر می‌گذارد (Hook & Spanier, 2018: 220-225). علاوه بر این، نگرانی‌های امنیتی مشترک و غیرستنی مانند تروریسم، امنیت سایبری و امنیت دریایی، کشورهای منطقه را به سمت همکاری‌های چندجانبه سوق داده و اهمیت همگرایی امنیتی در این منطقه را افزایش داده است (Chong, 2018: 289, 404).

مهم‌ترین مصادیق وابستگی متقابل امنیتی در منطقه آسیا-پاسیفیک را می‌توان در موارد زیر جستجو کرد: الف. برنامه هسته‌ای کره شمالی؛ ب. دریای جنوبی چین وابستگی متقابل در مناقشات سرزمینی؛ ج. تهدیدات غیرستنی.

برنامه هسته‌ای و موشکی کره شمالی به عنوان یک تهدید امنیتی عمده، نه تنها نگرانی‌های داخلی این کشور را تحت تأثیر قرار داده است؛ بلکه به یک نقطه تلاقی مهم در منافع و نگرانی‌های امنیتی کشورهای منطقه و قدرت‌های جهانی تبدیل شده است. این تهدیدات، روابط میان ایالات متحده، روسیه، چین و کشورهای همسایه را پیچیده کرده است و به عنوان یکی از عوامل اصلی وابستگی متقابل امنیتی در آسیا-پاسفیک شناخته می‌شود (Kim, 2024: 8). برای کره شمالی، سلاح هسته‌ای ابزاری برای بقا و اهرمی برای مذاکره با قدرت‌های بزرگ است. کره شمالی در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۰۹، ۲۰۱۳، ۲۰۱۶ (دو بار) و ۲۰۱۷ شش آزمایش هسته‌ای انجام داده است (McLaughlin, 2017). همچنین این کشور از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۴، بیش از ۲۲۰ آزمایش موشکی انجام داده است که شامل موشک‌های بالستیک قاره‌پیما نیز می‌شود (Arms Control Association, 2025). برنامه هسته‌ای کره شمالی برای کره جنوبی تهدیدی وجودی محسوب می‌شود. سئول در فاصله تقریباً ۶۰ کیلومتری از مرز کره شمالی قرار دارد و در معرض بُرد سلاح‌های متعارف این کشور است، تا چه رسد به سلاح‌های هسته‌ای. به همین منظور واشینگتن و سئول جهت مصونیت در برابر تهدیدات کره شمالی، تصمیم به راه‌اندازی سیستم THAAD گرفتند تا بدین منظور از کره جنوبی و نیروهای آمریکایی محافظت کنند (Seung-woo, 2016). در واکنش به این موضوع، ژاپن سیستم‌های دفاع موشکی خود را تقویت کرده و همکاری‌های اطلاعاتی و دفاعی با آمریکا و کره جنوبی را افزایش داده است (Smith, 2019: 3). چین نگران برنامه هسته‌ای کره شمالی است و این نگرانی به‌ویژه به گسترش تسلیحات هسته‌ای در منطقه و تهدیدات ناشی از آن مربوط می‌شود. چین از احتمال گسترش برنامه هسته‌ای کره شمالی به کشورهای همسایه مانند ژاپن و کره جنوبی نگران است. این نگرانی‌ها ناشی از خطرات امنیتی بیشتر در منطقه و رقابت‌های هسته‌ای است که می‌تواند باعث افزایش بی‌ثباتی در آسیا-پاسفیک شود (Lanteigne, 2020: 166-168). برای آمریکا، برنامه هسته‌ای کره شمالی چالشی برای پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، تهدیدی برای متحدان آمریکا در منطقه و یک تهدید بالقوه برای خاک اصلی آمریکا است. واشینگتن نگران است که کره شمالی به توانایی قابل اعتماد برای هدف قرار دادن



شهرهای آمریکا با موشک‌های بالستیک قاره‌پیما مجهز به کلاهک‌های هسته‌ای دست یابد (Jervis & Rapp-Hooper, 2018: 103). دریای جنوبی چین نمونه دیگری از وابستگی متقابل امنیتی در آسیا-پاسفیک است. اختلافات سرزمینی در این دریا شبکه پیچیده‌ای از وابستگی‌های متقابل امنیتی را ایجاد کرده است (UNCTAD, 2024). شش کشور (چین، ویتنام، فیلیپین، مالزی، برونئی و تایوان) دارای همپوشانی ادعاهای سرزمینی در این دریا هستند. این اختلافات به تنش‌های دیپلماتیک و گاه رویارویی‌های نظامی منجر شده است (Storey, 2015: 4). آمریکا، اگرچه ادعای سرزمینی در دریای جنوبی چین ندارد، اما به‌عنوان تضمین‌کننده آزادی دریاوردی و متحد فیلیپین، نقش مهمی در این مناقشات ایفا می‌کند (O'Rourke, 2024: 89, 18).

آسیا-پاسفیک همچنین با تهدیدات امنیتی غیرسنجی مانند تروریسم، دزدی دریایی، قاچاق انسان و مواد مخدر، تهدیدات غیرنظامی و نوظهور و تغییرات اقلیمی مواجه است که ماهیتی فراملی دارند و نشان‌دهنده وابستگی متقابل امنیتی هستند (Caballero-Anthony, 2005: 200). تروریسم یکی از مهم‌ترین تهدیدات غیرسنجی در منطقه است. گروه‌های تروریستی مانند جماعت اسلامی (JI)^۱، ابوسیف و گروه‌های مرتبط با داعش در جنوب شرق آسیا فعالیت دارند و از مرزهای ملی عبور می‌کنند. حملات تروریستی در بالی (۲۰۰۲) و جاکارتا (۲۰۱۶) در اندونزی، «مانیل»^۲ (۲۰۱۷) و «سولو»^۳ (۲۰۱۹) در فیلیپین نشان‌دهنده ماهیت فراملی این تهدید است (Tan, 2024: 302). دزدی دریایی در تنگه مالاکا و دریای سولو نیز از جمله تهدیدات فراملی محسوب می‌شود (ReCAAP Information Sharing Centre, 2025: 5).

همچنین تغییرات اقلیمی و بلایای طبیعی نیز از جمله تهدیدات غیرسنجی مهم در منطقه هستند و براساس گزارش کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه، منطقه آسیا-پاسفیک آسیب‌پذیرترین منطقه جهان در برابر بلایای طبیعی است. از سال ۱۹۷۰

1. Al-Jama'ah Al-Islamiyah

2. Manila

3. Sulu

تاکنون، بلایای طبیعی در منطقه موجب مرگ بیش از ۲ میلیون نفر شده است و ۵۷/۳ میلیون دلار زیان اقتصادی ناشی از این بلایای طبیعی ثبت شده است (ESCAP, 2023: 5)

۴-۲. ساخت اجتماعی یا الگوهای دوستی و دشمنی

آسیا-پاسیفیک منطقه‌ای با الگوهای پیچیده دوستی و دشمنی است که به شدت تحت تأثیر تاریخ، به‌ویژه تجربه استعمار، جنگ جهانی دوم، جنگ سرد و اختلافات سرزمینی قرار دارد. در بررسی الگوهای دوستی و دشمنی در این منطقه، تاریخ و هویت نقش مهمی در شکل‌گیری روابط میان کشورها ایفا می‌کنند. روابط ایالات متحده با متحدان آسیایی خود، به‌ویژه ژاپن، علاوه بر اهداف راهبردی، بر پایه هویت‌های مشترک دموکراتیک بنا شده است که پس از پایان جنگ سرد اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند (Hook, 2016: 336-337). این ویژگی‌ها باعث تقویت اتحاد میان این دو کشور شده و روابط آن‌ها را از سطح صرفاً منافع امنیتی فراتر برده است. در روابط میان ژاپن و چین، الگوهای دیرینه دشمنی همچنان تأثیرگذار هستند و این امر به‌رغم همکاری‌های اقتصادی گسترده میان دو کشور، پیچیدگی‌هایی در تعاملات دیپلماتیک ایجاد کرده است (Hook & Zhang, 1998: 1058).

در روابط میان ایالات متحده و چین، یک الگوی چرخه‌ای از دوستی و دشمنی مشاهده می‌شود که با دوره‌های متناوب تنش و همکاری مشخص شده است. افزایش قدرت چین در سال‌های اخیر، موجب نگرانی سیاست‌گذاران آمریکایی شده و این روابط را با چالش‌های بیشتری مواجه ساخته است (Hook & Spanier, 2018: 218-220). ساخت اجتماعی یا الگوهای دوستی و دشمنی در آسیا-پاسیفیک شامل موارد زیر می‌شود:

- ❖ میراث تاریخی: جنگ، اشغال و خاطرات جمعی؛
- ❖ شکاف ایدئولوژیک و تقابل ارزش‌ها؛
- ❖ طیف روابط قدرت در منطقه؛
- ❖ معماری امنیتی چندلایه؛
- ❖ رقابت گفتمانی: آسیا-پاسیفیک در برابر اقیانوس هند-آرام.



میراث جنگ جهانی دوم و اشغال امپریالیستی ژاپن یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده به الگوهای دوستی و دشمنی در شرق آسیا است. به‌رغم گذشت بیش از ۷۵ سال از پایان جنگ، خاطرات تلخ اشغال ژاپن همچنان در حافظه جمعی چین و کره زنده است و به‌عنوان منبعی برای ناسیونالیسم و بی‌اعتمادی نسبت به ژاپن عمل می‌کند. براساس گفته‌های «وانگ»^۱ (۲۰۱۲)، «تاریخ» نه تنها گذشته است، بلکه نیرویی زنده است که روابط کنونی را شکل می‌دهد. در چین، «قرن تحقیر» (از جنگ اول تریاک در سال ۱۸۳۹ تا تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹) که شامل تجاوز ژاپن می‌شود، بخش مهمی از روایت ملی است (Wang, 2012: 187). در کره جنوبی، دوران استعمار ژاپن (۱۹۱۰-۱۹۴۵) به‌عنوان دوره‌ای از سرکوب فرهنگی، استثمار اقتصادی و بی‌عدالتی به یاد آورده می‌شود. مسئله زنان آسیایند^۲ - زنان کره‌ای، چینی و نیز زنانی از سایر کشورهای آسیایی که به بردگی جنسی در ارتش امپراتوری ژاپن مجبور شدند - همچنان نقطه اصلی اختلاف بین کره جنوبی و ژاپن است (Hosaka, 2021). مسائلی مانند بازدید مقامات ژاپنی از معبد یاسوکونی (که در آن جنایتکاران جنگی نیز مورد احترام قرار می‌گیرند)، اختلاف نظر درباره محتوای کتاب‌های درسی تاریخ و مناقشات سرزمینی بر سر جزایر «دوکدو»^۳ - «تاکشیم»^۴ (صخره‌های لیانکورت^۵ میان شبه‌جزیره کره و ژاپن) و «سنکاکو»^۶ - «دیائویو»^۷ (بین ژاپن و چین) همچنان باعث بروز تنش‌های دیپلماتیک بین این کشورها می‌شود. این تنش‌ها مانع از شکل‌گیری همکاری‌های امنیتی مؤثر بین سه قدرت اصلی شرق آسیا شده است (Nagy, 2013: 49; McDevitt & Lea, 2013: 52).

شکاف ایدئولوژیک بین رژیم‌های دموکراتیک (ژاپن، کره جنوبی، تایوان) و غیردموکراتیک (چین، کره شمالی، ویتنام) در آسیا-پاسفیک به شکل‌گیری الگوهای خاصی

-
1. Jichuan Wang
 2. Comfort women
 3. Jukdo
 4. Takeshima
 5. Liancourt Rocks
 6. Senkaku Islands
 7. Diaoyudao Islands

از اتحاد و دشمنی منجر شده است. این شکاف ایدئولوژیک که ریشه در دوران جنگ سرد دارد، در سال‌های اخیر با تأکید بیشتر آمریکا بر ارزش‌های دموکراتیک و حقوق بشر در سیاست خارجی خود، عمیق‌تر شده است (Ikenberry, 2020: 257). کشورهای دموکراتیک منطقه نسبت به نزدیکی با آمریکا به عنوان یک قدرت دموکراتیک خارج از منطقه تمایل داشته‌اند. ژاپن، کره جنوبی، تایوان و استرالیا روابط امنیتی خود با آمریکا را به عنوان تضمین‌کننده امنیت و ثبات منطقه‌ای می‌بینند. در مقابل، چین و کره شمالی روابط نزدیکی با یکدیگر دارند که ریشه در پیوندهای ایدئولوژیک و تاریخی دارد (Mahbubani, 2020: chapter 8). موفقیت اقتصادی چین تحت یک نظام اقتدارگرا، به ایجاد یک دولت مدرن و قدرتمند منجر شده است؛ اما این دولت با وجود قدرت بالا، فاقد حاکمیت قانون و مسئولیت‌پذیری دموکراتیک است که جذابیت فزاینده‌ای برای برخی کشورهای در حال توسعه دارد (Hicks, 2015: 120). نکته دیگر، شدت پیچیدگی و چندبعدی بودن روابط قدرت در آسیا-پاسفیک است. ژاپن، به عنوان سومین اقتصاد بزرگ جهان و یک قدرت فناوری پیشرفته، نقش مهمی در معادلات قدرت منطقه‌ای ایفا می‌کند و تغییر توازن قدرت اقتصادی بین ژاپن و چین از جمله تحولات مهم ژئواستراتژیک در قرن ۲۱ محسوب می‌شود. با این وجود، «وو»^۱ در پژوهش و آنالیز روابط این دو کشور در سال ۲۰۲۳ بر این باور است که این دو کشور در جنبه‌های مختلفی باهم تفاوت دارند و فاکتورهای مختلفی بر تفاوت‌های اقتصادی این دو کشور تأثیر می‌گذارند و با وجود سرعت رشد اقتصادی بیشتر ژاپن نسبت به روند صعودی چین در سال‌های اخیر، چین همچنان شانس زیادی دارد تا با اتخاذ تصمیمات اقتصادی صحیح و عدم تکرار اشتباهات ژاپن علاوه بر اقتصاد، در بحث امنیت و جنبه‌های دیگر نیز از ژاپن پیشی بگیرد (Wu, 2023: 562-563). هند نیز به عنوان یک قدرت در حال ظهور، به دنبال افزایش نفوذ خود در منطقه آسیا-پاسفیک است. هند با اقتصادی به ارزش ۳,۵۷ تریلیون دلار (۲۰۲۳) و رشد سالانه قابل توجه (به استثنای دوران همه‌گیری کووید ۱۹)، به یک بازیگر اقتصادی مهم تبدیل شده است (World Bank, 2023). ژاپن، اندونزی و استرالیا به عنوان



قدرت‌های میانه، بازیگران مهمی در معادلات قدرت منطقه‌ای در هند - اقیانوسیه هستند. استرالیا به‌عنوان یکی از متحدان نزدیک آمریکا، به دنبال حفظ توازن بین منافع اقتصادی خود با چین و نگرانی‌های امنیتی ناشی از گسترش نفوذ این کشور است. در این میان، چین، آمریکا و هند، سه قدرت بزرگ و تعیین‌کننده این منطقه به شمار می‌روند و نقش مهمی در شکل‌دهی به آینده این فضای استراتژیک دارند. از نظر مدکالف، برای مدیریت رقابت‌های منطقه‌ای، رویکردی مبتنی بر توسعه، بازدارندگی و دیپلماسی مورد نیاز است تا «هم‌زیستی رقابتی» میان کشورها برقرار شود (Medcalf, 2020: 120-121; Medcalf, 2020: 247).

روابط قدرت در آسیا-پاسفیک به شکل‌گیری معماری امنیتی خاصی منجر شده است که ترکیبی از اتحادهای دوجانبه، ترتیبات چندجانبه و نهادهای منطقه‌ای است. در قلب این معماری، شبکه‌ای از اتحادهای دوجانبه آمریکا با ژاپن، کره جنوبی، استرالیا، فیلیپین و تایلند قرار دارد که اغلب به «سیستم سانفرانسیسکو»^۱ یا «چرخ و پره»^۲ معروف است که در این سیستم آمریکا به‌عنوان توپ و مرکز عمل می‌کند درحالی‌که کشورهای ژاپن، کره جنوبی، فیلیپین، تایلند، استرالیا و نیوزیلند نقش شاخه‌های این سیستم را ایفا می‌کنند (Izumikawa, 2020: 12).

قابل توجه اینکه، رقابت قدرت در منطقه حتی درباره نام و مفهوم‌سازی منطقه نیز وجود دارد. اصطلاح سنتی «آسیا-پاسفیک» که عمدتاً به منطقه شرق و جنوب شرق آسیا و اقیانوسیه اشاره دارد، اکنون با مفهوم گسترده‌تر «اقیانوس هند-آرام» به چالش کشیده شده است. این اصطلاح جدید که ابتدا توسط استراتژیست‌های ژاپنی و هندی مطرح شد و سپس توسط آمریکا و استرالیا پذیرفته شد، گستره جغرافیایی وسیع‌تری شامل اقیانوس هند تا اقیانوس آرام را پوشش می‌دهد (Medcalf, 2020: 34; Ladwig, 2024). چین در مقابل، بیشتر بر مفهوم «آسیا-پاسفیک» تأکید می‌کند و مفهوم «اقیانوس هند-آرام» را نوعی استراتژی محاصره تلقی می‌کند. این تفاوت در نام‌گذاری، نشان‌دهنده رقابت عمیق‌تر بر سر نظم منطقه‌ای و جهانی است (Womack, 2023).

1. The San Francisco System
2. Hub and Spokes

۳-۴. مجاورت جغرافیایی

منطقه آسیا-پاسیفیک از نظر جغرافیایی بسیار گسترده و متنوع است و شامل کشورهایی با ماهیت‌های سرزمینی متفاوت (قاره‌ای، شبه‌جزیره‌ای و جزیره‌ای) می‌شود. این تنوع جغرافیایی باعث شکل‌گیری الگوهای امنیتی پیچیده‌ای شده است:

در شبه‌جزیره کره، مجاورت جغرافیایی خطرات امنیتی فوری ایجاد می‌کند. سئول، پایتخت کره جنوبی، تنها ۵۶ کیلومتر از منطقه غیرنظامی مرزی فاصله دارد و در محدوده توپخانه‌های کره شمالی قرار می‌گیرد. در سال ۲۰۲۲، کره شمالی ۶۹ تست موشکی بالستیک انجام داده است که این تعداد بیشترین تعداد تست موشکی این کشور از سال ۱۹۸۴ تاکنون است (Yoon, 2024). نزدیکی جغرافیایی کره شمالی، کره جنوبی، ژاپن و چین باعث می‌شود که ژئوپلیتیک هسته‌ای در شمال شرق آسیا به شدت به هم پیوسته باشد (Kim, 2014: 11; Takada, 2008: 1683).

همچنین مجاورت جغرافیایی در دریای جنوبی چین به‌ویژه چالش‌برانگیز است؛ زیرا مرزهای دریایی به‌سادگی قابل تعیین نیستند و منابع طبیعی با یکدیگر همپوشانی دارند. مناطق ساحلی-اقیانوسی از طریق هفت عامل اصلی: مکانی-فضایی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی و زیست‌محیطی، با مقوله امنیت ملی پیوند پیدا می‌کنند و هر یک از این عوامل می‌توانند به شکل مستقیم یا غیرمستقیم بر ثبات، قدرت و منافع استراتژیک کشور تأثیرگذار باشند (حافظ‌نیا، ۱۴۰۱: ۲۲-۲۳). از این رو، ادعاهای متداخل چین، ویتنام، فیلیپین، مالزی، برونئی و تایلند در دریای چین جنوبی منجر به مناقشه‌ای پیچیده شده که نشان‌دهنده نقش محوری مجاورت جغرافیایی در شکل‌دهی به مسائل امنیتی منطقه است. هیچ‌یک از این کشورها نمی‌توانند بدون توجه به ادعاها و اقدامات سایر کشورهای ساحلی، امنیت خود را در منطقه تأمین کنند (Hayton, 2014: 64).

مجاورت جغرافیایی تنگه‌های حیاتی در آسیا-پاسیفیک نمونه دیگری از اهمیت این متغیر است. تنگه مالاکا یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های دریایی جهان است که سنگاپور، مالزی و اندونزی را به هم متصل می‌کند. این تنگه مسیر عبور حدود یک‌چهارم از تجارت دریایی



جهان است، ۷۰ درصد سوخت PRC و LNG و حدود ۶۰ درصد تجارت چین از طریق این کانال صورت می‌گیرد که این موضوع اهمیت این کانال به‌ویژه از بعد امنیتی را از نقطه‌نظر چین افزایش می‌دهد (Paszak, 2021). امنیت این تنگه به‌طور مستقیم با امنیت ملی کشورهای منطقه و فراتر از آن مرتبط است. دزدی دریایی، تروریسم و آلودگی زیست‌محیطی در تنگه مالاکا، تهدیداتی فرامرزی هستند که به دلیل مجاورت جغرافیایی، مستلزم همکاری کشورهای منطقه هستند (Bibi et al, 2024: 489).

۴-۴. ساختار آنارشیک یا وجود حداقل دو بازیگر

نظام بین‌الملل ذاتاً آنارشیک است، به این معنا که فاقد یک اقتدار مرکزی برای اعمال نظم و قانون میان کشورهاست. در چنین شرایطی، بنیان‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی موجب تداوم رقابت در روابط بین‌الملل میان کشورها و قدرت‌ها می‌شوند. همین ویژگی باعث می‌شود که کشورها و قدرت‌ها برای تأمین منافع ملی، حفظ امنیت و دستیابی به موازنه قدرت، همواره در حال رقابت و تعامل استراتژیک با یکدیگر باشند (حسن‌پور، ۱۴۰۴: ۱۸). آسیا-پاسفیک نمونه بارزی از یک منطقه با ساختار آنارشیک است که در آن، به‌رغم وجود نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای متعدد، هیچ اقتدار فراملی برای تنظیم روابط امنیتی بین کشورها وجود ندارد. این وضعیت به تشدید معمای امنیت و شکل‌گیری پویایی‌های امنیتی خاصی در منطقه منجر شده است. این مبحث در چهار مورد کلی قابل بررسی است:

- ❖ گذار تاریخی قدرت: ظهور چین و واکنش آمریکا؛
- ❖ معمای امنیتی و مسابقه تسلیحاتی؛
- ❖ استراتژی‌های کشورهای کوچک‌تر در محیط آنارشیک؛
- ❖ محدودیت‌های نهادهای منطقه‌ای در محیط آنارشیک.

در دو دهه گذشته، شاهد یک تغییر تاریخی در توازن قدرت در آسیا-پاسفیک بوده‌ایم. چین که زمانی یک قدرت منطقه‌ای محسوب می‌شد، اکنون به دومین اقتصاد بزرگ جهان و یک قدرت نظامی قابل توجه تبدیل شده است. طبق گزارش بانک جهانی تولید ناخالص

داخلی^۱ چین از ۹/۶ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۳ به ۱۷/۷۹ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۳ افزایش یافته است که این رقم افزایش ۵/۲ درصدی را در سال ۲۰۲۳ نشان می‌دهد (World Bank, 2023). این افزایش قدرت اقتصادی با رشد توانمندی‌های نظامی همراه بوده است. باتوجه به رشد اقتصادی چین، به گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۲۵، میزان هزینه نظامی‌ای که این کشور در سال ۲۰۲۳ متحمل شده است حدود ۱/۶۶ درصد از کل GDP این کشور اعلام شده است که نسبت به سال ۲۰۲۲، ۲/۶ درصد افزایش داشته است (World Bank, 2025). «گراهام آلیسون»^۲ (۲۰۱۷) این گذار قدرت را در چهارچوب «تله توسیدید»^۳ به این صورت تحلیل می‌کند که وقتی یک قدرت در حال ظهور (چین)، یک قدرت مسلط (آمریکا) را به چالش می‌کشد، خطر درگیری افزایش می‌یابد. او با بررسی ۱۶ مورد مشابه در ۵۰۰ سال گذشته نشان می‌دهد که ۱۲ مورد به جنگ منجر شده است (Allison, 2017: 29).

در واکنش به افزایش قدرت چین، آمریکا استراتژی «چرخش به آسیا»^۴ را در دوران اوباما و استراتژی «اقیانوس هند-آرام آزاد و باز»^۵ را در دوران ترامپ و بایدن اتخاذ کرده است (Milot-Poulin, 2021: 1). در سال ۲۰۲۵، دونالد ترامپ در دوران ریاست‌جمهوری، جنگ تجاری شدیدی را با چین آغاز کرد که شامل وضع تعرفه‌های سنگین بر کالاهای وارداتی بود. تعرفه‌های آمریکا بر کالاهای چینی به ۱۴۵ درصد افزایش یافت، درحالی‌که چین نیز در پاسخ، تعرفه‌های ۱۲۵ درصدی بر کالاهای آمریکایی اعمال کرد. این سیاست‌ها با هدف حمایت از تولید داخلی و کاهش وابستگی به چین اجرا شد، اما منجر به تنش‌های اقتصادی، افت بازار سهام و افزایش نرخ بهره شد. ترامپ اعلام کرد که تعرفه‌ها کاهش می‌یابند؛ اما به صفر نمی‌رسند، درحالی‌که وزیر خزانهداری خواستار کاهش تنش‌ها شد. این جنگ تجاری پیامدهای مهمی برای اقتصاد جهانی داشته است (Davidson, 2025).

1. GDP: Gross Domestic Product

2. Graham T. Allison

3. Thucydides Trap

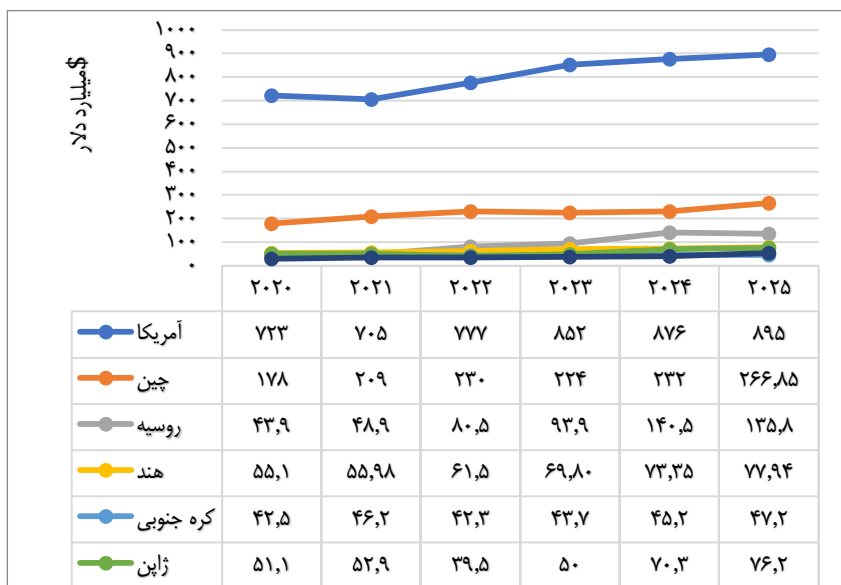
4. Pivot to Asia

5. Free and Open Indo-Pacific



همچنین معمای امنیت در آسیا-پاسفیک آشکارا در افزایش هزینه‌های نظامی کشورهای منطقه نمایان است. طبق گزارش مؤسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم (SIPRI)^۱، هزینه‌های نظامی در آسیا و اقیانوسیه در سال ۲۰۲۴ نسبت به سال ۲۰۱۵، ۴۶ درصد و نسبت به سال ۲۰۲۳، ۶/۳ درصد افزایش داشته است (SIPRI, 2025: 7). این افزایش هزینه‌های نظامی با نوسازی و گسترش توانمندی‌های نظامی همراه بوده است. چین ناوگان دریایی خود را به سرعت گسترش داده و از لحاظ تعداد شناورها از آمریکا پیشی گرفته است. براساس گزارش «IISS»^۲، نیروی دریایی چین در سال ۲۰۲۴ شامل ۲۳۴ ناو جنگی بود، درحالی‌که نیروی دریایی آمریکا ۲۱۳ ناو جنگی داشت، هرچند که از نظر تناژ و قابلیت‌های پیشرفته، نیروی دریایی آمریکا همچنان برتر است (Palmer et al, 2024). نمونه دیگری از معمای امنیت در منطقه، موضوع واکنش‌های زنجیره‌ای به برنامه هسته‌ای و موشکی کره شمالی است. در پاسخ به آزمایش‌های موشکی کره شمالی، کره جنوبی و آمریکا سیستم دفاع ضد موشکی THAAD را در سال ۲۰۱۶ در کره جنوبی مستقر کردند. چین این اقدام را تهدیدی علیه امنیت خود تلقی کرد، زیرا رادارهای پیشرفته این سیستم می‌توانند تحرکات نظامی درون خاک چین را نیز رصد کنند (Swaine, 2017: 51-52). تمامی موارد مذکور در سایه اهمیت روزافزون هزینه‌های نظامی و گسترش بودجه دفاعی کشورهای منطقه رخ می‌دهد (شکل ۳).

1. Stockholm International Peace Research Institute
2. International Institute for Strategic Studies



شکل ۳: مقایسه رشد بودجه دفاعی کشورهای اصلی منطقه، از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵

(source: www.defense.gov; www.globalfirepower.com)

البته کشورهای کوچک‌تر منطقه آسیا-پاسفیک استراتژی‌های متنوعی برای مدیریت روابط خود با قدرت‌های بزرگ در محیط آنارشیک اتخاذ کرده‌اند. «جایان»^۱ این استراتژی‌ها را در طیفی از «همراهی»^۲ تا «موازنه‌سازی»^۳ طبقه‌بندی کرده‌اند (Ja Ian, 2003: 1). بسیاری از کشورهای منطقه استراتژی «پرچین‌سازی»^۴ را اتخاذ کرده‌اند که ترکیبی از همکاری اقتصادی با چین و حفظ روابط امنیتی با آمریکا است. سنگاپور نمونه‌ای از کشوری است که این استراتژی را با موفقیت به کار گرفته است (Hu et al, 2025: 3). این کشور روابط اقتصادی عمیقی با چین دارد (چین بزرگ‌ترین شریک تجاری سنگاپور است)، اما در عین حال، همکاری‌های امنیتی خود با آمریکا را حفظ کرده و به نیروهای آمریکایی اجازه استفاده از پایگاه دریایی چانگی را داده است.

1. Ja Ian
2. Bandwagoning
3. Balancing
4. Hedging



به‌رغم وجود نهادهای متعدد منطقه‌ای در آسیا-پاسفیک، ساختار آنارشیک باعث محدود شدن اثربخشی این نهادها در مدیریت مسائل امنیتی شده است. برای مثال، هنجارهای آ.سه.آن به‌ویژه اصل عدم‌مداخله، مانع از اقدام جمعی مؤثر در مواجهه با چالش‌های امنیتی منطقه‌ای شده است (Acharya, 2014: 153-157).

این محدودیت به‌وضوح در واکنش به بحران دریای جنوبی چین قابل‌مشاهده است. برخلاف اروپا که در آن نهادهای فراملی مانند اتحادیه اروپا و ناتو توانسته‌اند تا حدودی بر آنارشی منطقه‌ای غلبه کنند، نهادهای امنیتی در آسیا-پاسفیک عمدتاً ماهیت مشورتی دارند و فاقد سازوکارهای اجرایی قوی هستند.

این تفاوت تا حد زیادی ناشی از تنوع بیشتر منافع و هویت‌ها، سطوح مختلف توسعه اقتصادی و سیاسی و تجارب تاریخی متفاوت در آسیا-پاسفیک است (Duffield, 2003: 244).

۴-۵. استقلال نسبی

در منطقه آسیا-پاسفیک، کشورهای کوچک و متوسط با چالش‌های زیادی در حفظ استقلال راهبردی خود مواجه هستند، به‌ویژه در شرایط رقابت فزاینده میان چین و آمریکا. سیستم اتحادهای آمریکا که به‌عنوان مدل «چرخ و پره» شناخته می‌شود، همچنان به‌عنوان الگوی غالب امنیتی در منطقه عمل می‌کند و به ایالات متحده امکان می‌دهد نفوذ گسترده‌ای بر سیاست‌های امنیتی متحدان خود داشته باشد. درعین‌حال، رشد وابستگی اقتصادی کشورهای منطقه به چین، محدودیت‌های قابل‌توجهی بر خودمختاری این کشورها اعمال کرده است. به‌ویژه ژاپن و کره جنوبی، به‌عنوان دو متحد کلیدی آمریکا، با چالش‌های راهبردی عمده‌ای روبه‌رو هستند؛ چراکه از یک‌سو به امنیت فراهم‌شده توسط ایالات متحده متکی‌اند و از سوی دیگر، ناگزیر از حفظ روابط اقتصادی عمیق با چین هستند. این وضعیت، آن‌ها را با دوراهی‌ها و چالش‌های راهبردی در سیاست خارجی و امنیتی‌شان مواجه ساخته است (Cha, 2016: 215-219). این وابستگی دوگانه به قدرت‌های بزرگ، امکان سیاست‌گذاری مستقل برای این کشورها را محدود کرده است. «آ.سه.آن» نیز تلاش کرده است با توسعه مفهوم «محوریت آ.سه.آن»، درجات مختلفی از استقلال را در برابر قدرت‌های بزرگ حفظ کند، اما رقابت

روزافزون میان چین و آمریکا، این استراتژی و توانایی «آ.سه.آن» برای حفظ محوریت خود در معماری امنیتی منطقه‌ای آسیا-پاسیفیک را با چالش‌هایی روبه‌رو کرده است (Chong, 2018: 197, 58, 302). علاوه بر این، آمریکا با بهره‌گیری از ساختار اتحادهای دوجانبه و ابزارهای سیاسی و امنیتی، اهرم قابل توجهی برای اعمال فشار بر متحدان منطقه‌ای خود ایجاد کرده است و این موضوع عملاً منجر به محدودیت استقلال و گزینه‌های سیاست‌گذاری مستقل این کشورها می‌شود (Cha, 2016: 4, 219).

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

منطقه آسیا-پاسیفیک یکی از مهم‌ترین مناطق جغرافیایی و ژئوپلیتیکی جهان است که در شکل‌گیری و تحول نظم و امنیت جهانی در قرن بیست و یکم نقش مهمی دارد. چالش‌های امنیتی درهم‌تنیده و پیچیده‌ای در این منطقه وجود دارد که تحلیل آن را دشوار می‌سازد. یکی از نظریه‌های مهم در تحلیل این موضوع، نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای بری بوزان است. از نظر بوزان، ساختار بنیادین یک مجموعه امنیتی دارای چهار مؤلفه: مرز، ساختار آنارشیک، قطبش و ساخت اجتماعی است که بر شاخص‌های پنج‌گانه استوار است: وابستگی متقابل امنیتی، ساخت اجتماعی (الگوهای دوستی و دشمنی)، مجاورت جغرافیایی، ساختار آنارشیک (وجود حداقل دو بازیگر) و استقلال نسبی.

نتیجه تحقیق حاضر نشان می‌دهد:

- ❖ در شاخص اول یعنی وابستگی متقابل امنیتی، کشورهای منطقه از وابستگی امنیتی بالایی نسبت به یکدیگر برخوردارند که این وابستگی در روابط سه‌جانبه آمریکا، چین و ژاپن، بحران شبه‌جزیره کره (برنامه هسته‌ای کره شمالی)، وابستگی متقابل در مناقشات سرزمینی (دریای جنوبی چین) و تهدیدات غیرستنی مانند تروریسم، دزدی دریایی، قاچاق انسان و مواد مخدر، امنیت سایبری و تغییرات اقلیمی مواجه است و تأثیرات فراملی این موارد بر کشورهای حاضر به‌عنوان چالش‌های امنیتی پیش‌روی آسیا-پاسیفیک در نظر گرفته می‌شود.



❖ در شاخص دوم یعنی ساخت اجتماعی (الگوهای دوستی و دشمنی)، آسیا-پاسفیک با الگوهای پیچیده که به شدت تحت تأثیر تاریخ، به ویژه تجربه استعمار، جنگ جهانی دوم، جنگ سرد و اختلافات سرزمینی قرار دارد همراه است. مسائل تاریخی و هویتی که در قالب میراث تاریخی: جنگ، اشغال و خاطرات جمعی، شکاف ایدئولوژیک و تقابل ارزش‌ها، طیف روابط قدرت در منطقه، معماری امنیتی چندلایه و رقابت گفتمانی آسیا-پاسفیک در برابر اقیانوس هند-آرام نمود پیدا کرده‌اند، مهم‌ترین چالش‌های امنیتی پیش‌روی منطقه هستند.

❖ در شاخص سوم یعنی مجاورت جغرافیایی، چالش‌های امنیتی منطقه آسیا-پاسفیک، در سه زیرمنطقه شمال شرق آسیا، دریای جنوبی چین و تنگه‌های استراتژیک قابل شناسایی هستند به طوری که حوزه‌های بحران‌زا در هریک از زیرمناطق مذکور باتوجه به مجاورت جغرافیایی در معماری امنیتی آسیا-پاسفیک چالش‌برانگیز هستند.

❖ در شاخص چهارم یعنی ساختار آنارشیک (وجود حداقل دو بازیگر)، مهم‌ترین چالش‌های امنیتی آسیا-پاسفیک به عنوان یک نمونه بارز از یک منطقه با ساختار آنارشیک، هیچ اقتدار عالی در منطقه وجود ندارد؛ معمای امنیتی و رقابت‌های تسلیحاتی قدرت‌ها و سیاست‌های دوگانه کشورهای دیگر در کنار ناکارآمدی عملی نهادهای منطقه‌ای در این محیط آنارشیک، در این بخش هستند. علی‌رغم شکل‌گیری قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله چین در دهه‌های گذشته که البته واکنش‌های مداخله‌گرایانه ایالات متحده را بیش‌ازپیش برانگیخته است.

❖ در شاخص پنجم یعنی استقلال نسبی، در شرایط رقابت فزاینده چین و آمریکا، کشورهای کوچک و متوسط با چالش‌های گسترده‌ای در راستای حفظ استقلال راهبردی خود از قدرت روزافزون چین و نفوذ گسترده و امنیتی ایالات متحده مواجه هستند. «آ.سه.آن» نیز در شرایطی که قدرت‌های بزرگ از دیپلماسی اجباری استفاده

می‌کنند تا کشورهای کوچک‌تر را تحت فشار قرار دهند و آن‌ها را وادار به پیروی از سیاست‌های خاصی کنند، در کمک به استقلال آن‌ها توفیق چندانی نداشته است.

پیشنهادهای پژوهش

- ✓ تلاش در جهت برقراری تعادل نسبت به کشورهای تأثیرگذار و مؤلفه‌های قدرت در آسیا-پاسیفیک؛
- ✓ توجه بیشتر به بنادر اقیانوسی ایران مربوط به حوزه‌های دفاعی، سیاسی و اقتصادی مرتبط با آسیا-پاسیفیک؛
- ✓ اختصاص مطالعات بیشتر در حوزه روابط دو یا چندجانبه در آسیا-پاسیفیک؛
- ✓ تمرکز بیشتر در خصوص استراتژی‌های کلان در شرق آسیا؛
- ✓ توجه بیشتر به پتانسیل‌های گروه‌بندی‌های منطقه‌ای در آسیا-پاسیفیک.



فهرست منابع

- بوزان، بری؛ ویور، اوله (۱۳۸۸). *مناطق و قدرت‌ها*، ترجمه رحمان قهرمان پور، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حافظ نیا، محمدرضا؛ رشید، غلامعلی؛ رومینا، ابراهیم؛ حسینی سعدی، حسین (۱۴۰۱). *مقاله پژوهشی: تبیین نظری تأثیر عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مناطق ساحلی اقیانوسی بر امنیت ملی*. مطالعات دفاعی استراتژیک، ۲۰(۸۹)، ۵-۲۶.
- حسن پور، حمید (۱۴۰۴). *جایگاه ژئوپلیتیکی عراق در رقابت‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی*. مطالعات دفاعی استراتژیک، ۲۳(۹۹)، ۳۰-۵۱.
- خضری، رؤیا (۱۴۰۱). *آسیا پاسفیک در قرن بیست و یکم: فرصت‌ها و چالش‌ها*. فصلنامه سیاست خارجی، ۳۶(۲): ۱۰۸-۷۵.
- زارعی، بهادر؛ موسوی شهیدی، سید مهدی (۱۳۹۹). *همکاری‌های ژئواکونومیک و رقابت‌های ژئوپلیتیکی چین و آمریکا در منطقه آسیا-پاسفیک در قرن بیست و یکم*. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۲(۳): ۱۱۳۰-۱۱۰۳.
- شفیعی، نوذر (۱۳۹۹). *جنگ سرد جدید: تحلیلی بر نظم امنیتی در حوزه آسیا پاسفیک*. فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۱(۸): ۱-۱۱.

References

- Acharya, A. (2014). *Constructing a security community in Southeast Asia: ASEAN and the problem of regional order* (3rd ed.). Routledge. DOI:10.4324/9781315796673
- Allison, G. (2017). *Destined for war: Can America and China escape Thucydides's trap?* Massachusetts: Houghton Mifflin Harcourt.
- Bibi, Hajra & Aimen, Um-e & Farooq, Hina (2024). Strait of Malacca and the Maritime Security: Safeties of the Regional Powers. *Annals of Human and Social Sciences*, 5(4): 488-498. DOI:10.35484/ahss.2024(5-IV)44
- Buzan, B. (1993). From International System to International Society: Structural Realism and Regime Theory Meet the English School. *International Organization*, 47(3): 327-352.
- Buzan, B., & Wæver, O. (2003). *Regions and powers: The structure of international security*. Cambridge: Cambridge University Press. DOI:10.1017/CBO9780511491252
- Buzan, B., Wæver, O., & de Wilde, J. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*. London: Lynne Rienner Publishers, Boulder.
- Caballero-Anthony, M. (2005). *Regional security in Southeast Asia: Beyond the ASEAN way*. Singapore: ISEAS Publishing. DOI:10.1355/9789812307095
- Cha, Victor D. (2016). *Powerplay: The Origins of the American Alliance System in Asia*. Princeton, NJ :Princeton University Press.
- Chong, A. (2018). *International security in the Asia-Pacific: Transcending ASEAN towards transitional polycentrism*. Heidelberg: Springer. DOI:10.1007/978-3-319-60762-7
- Christoffersen, G. (2009). Russia's breakthrough into the Asia-Pacific: China's role. *International Relations of the Asia-Pacific*, 10(1): 61-91.
- Davidson, H. (Cited 2025 Apr 22). Trump says China tariffs will drop 'substantially – but it won't be zero'. The Guardian News Agency. URL: <https://www.theguardian.com/us-news/2025/apr/22/trump-china-tariffs>
- Duffield, J. S. (2003). Asia-Pacific security institutions in comparative perspective. In G. J. Ikenberry & M. Mastanduno (Eds.), *International Relations Theory and the Asia-Pacific*. Pp. 243-270. Columbia University Press.
- Eades, J. S. & Cooper, M. J. M. (2010). The Asia Pacific world: A summary and an agenda. *Ritsumeikan Asia Pacific University*, 1(1): 1-22. DOI: 10.3167/apw.2010010101
- ESCAP (2023). *Asia-Pacific disaster report 2023: Seizing the moment: Targeting transformative disaster risk resilience*. United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific.
- Grabowski, Wojciech (2020). Application of the Regional Security Complex Theory, *Polish Political Science Studies*, vol. 68(4): 18-31. DOI:10.15804/athena.2020.68.02
- Hayton, Bill. (2014). *The South China Sea: The Struggle for Power in Asia*. New Haven: Yale University Press.
- Hicks, K. (2015). Political order and political decay: From the industrial revolution to the globalization of democracy [Review of the book *Political Order and Political Decay: From the Industrial Revolution to the Globalization of Democracy* by F. Fukuyama]. *Oklahoma Politics*, 25: 121-123.
- Hook, S. W. (2016). *U.S. foreign policy: The paradox of world power* (5th ed.). Washington, D.C.: CQ Press.



- Hook, S. W., & Spanier, J. (2018). American foreign policy since World War II (21st ed.). Washington, D.C.: CQ Press.
- Hook, S. W., & Zhang, G. (1998). Japan's aid policy since the Cold War: Rhetoric and reality. *Asian Survey*, 38(11): 1051-1066. DOI: 10.2307/2645685
- Hosaka, Yuji (2021). Why Did the 2015 Japan-Korea 'Comfort Women' Agreement Fall Apart. *The Diplomat*, News Agency. URL: <https://thediplomat.com/2021/11/why-did-the-2015-japan-korea-comfort-women-agreement-fall-apart/>
- Hu, Q., Yuan, L. & Liu, B. (2025). Spatiotemporal evolution of hedging effects in Asia-Pacific countries amid Sino-US competition: Insights from massive event data. *PLoS ONE*, 20(1): e0317308. DOI: 10.1371/journal.pone.0317308
- Ikenberry, G. J. (2020). A world safe for democracy: Liberal internationalism and the crises of global order. New Haven: Yale University Press. DOI: 10.2307/j.ctv15pjxns
- Izumikawa, Yasuhiro (2020). Network Connections and the Emergence of the Hub-and-Spokes Alliance System in East Asia. *International Security*. 45(2): 7-50. DOI: 10.1162/isec_a_00389
- Ja Ian, Chong (2003). Revisiting Responses to Power Preponderance: Going Beyond The Balancing-Bandwagoning Dichotomy. *Institute of Defence and Strategic Studies Singapore*. No. 54: 31.
- Jeanne Milot-Poulin & Rachel Sarfati & Jonathan Paquin (2021). The American Strategic Pivot in the Indo-Pacific. Policy Brief 15, Network for Strategic Analysis. URL: <https://ras-nsa.ca/the-american-strategic-pivot-in-the-indo-pacific/>
- Jervis, R., & Rapp-Hooper, M. (2018). Perception and misperception on the Korean Peninsula: How unwanted wars begin. *Foreign Affairs*, 97(3): 103-117. URL: <https://www.jstor.org/stable/44822148>
- Kim, Cheol-Su (2014). Environmental Radiation Monitoring System in Korea. *Korea Institute of Nuclear safety*.
- Kim, Sung Chull (2024). North Korea's Nuclear Advancement and Its Increasing Impact on International Security. *East Asian Policy*. 16(2): 7-19. DOI: 10.1142/S1793930524000096
- Ladwig, W. (Cited 2024 Apr 30). The Indo-Pacific in Indian Foreign Policy. Policy briefs, RUSI. URL: <https://www.rusi.org/explore-our-research/publications/policy-briefs/indo-pacific-indian-foreign-policy>
- Lanteigne, M. (2020). Chinese foreign policy: An introduction (4th ed.). London: Routledge.
- Mahbubani, K. (2020). Has China won? The Chinese challenge to American primacy. New York: PublicAffairs.
- McDevitt, Michael A. & Lea, Catherine K. (2013). Japan's Territorial Disputes: CNA Maritime Asia Project: Workshop Three. CAN analysis & solutions.
- McLaughlin, Jonathan (2017). North Korea Nuclear Milestones – 1962-2017. Wisconsin Project on Nuclear Arms Control. URL: <https://www.wisconsinproject.org/north-korea-nuclear-milestones/>
- Medcalf, R. (2020). Indo-Pacific empire: China, America and the contest for the world's pivotal region. Manchester: Manchester University Press.
- Nagy, Stephan R. (2013). Territorial Disputes, Trade and Diplomacy: Examining the repercussions of the Sino-Japanese territorial dispute on bilateral trade. *China Perspective*, Pp. 45-57. DOI: 10.4000/chinaperspectives.6321

- O'Rourke, R. (2024). U.S.-China strategic competition in South and East China Seas: Background and issues for Congress. Congressional Research Service.
- Palmer, Alexander & Carroll, Henry H. & Velazquez, Nicholas (Cited 2024 Jun 5). Unpacking China's Naval Buildup. CSIS (Center for Strategic and International Studies). URL: <https://www.csis.org/analysis/unpacking-chinas-naval-buildup>
- Paszak, Pawel (Cited 2021 February 28). China and the "Malacca Dilemma". Warsaw Institute. URL: <https://warsawinstitute.org/china-malacca-dilemma/>
- ReCAAP Information Sharing Centre. (2025). 1st Quarter report, Piracy and Armed Robbery against Ships in Asia.
- Seung-woo, Kang (Cited 2016 Jul 12). Seongju picked as site for THAAD battery. The Korean Times. URL: http://www.koreatimes.co.kr/www/news/nation/2016/07/205_209205.html
- SIPRI (2025). Trends in world military expenditure. Stockholm International Peace Research Institute. DOI: 10.55163/AVEC8366
- Smith, S. A. (2019). Japan rearmed: The politics of military power. Cambridge, MA: Harvard University Press. DOI: 10.2307/j.ctv253f7n3
- Snedden, C. (2018). Regional Security Architecture: Some Terms and Organizations. Daniel K. Inouye Asia-Pacific Center for Security Studies.
- Storey, I. (2015). China's "terraforming" in the Spratlys: A game changer in the South China Sea? ISEAS Perspective, 29: 1-12.
- Swaine, M. D. (2017). Chinese views on South Korea's deployment of THAAD. China Leadership Monitor, 52: 1-15.
- Szydzisz, M. (2019). Sekurytyzacja jako narzędzie polityki zagranicznej Izraela w świetle teorii regionalnych kompleksów bezpieczeństwa. Warszawa: Wydawnictwo Uniwersytetu Warszawskiego.
- Takada, Jun (2008). Dose prediction in Japan for nuclear test explosions in North Korea, Applied Radiation and Isotopes, 66(11): 1683-1685. DOI: 10.1016/j.apradiso.2007.11.025.
- Tan, A. T. H. (2024). Contemporary terrorism challenges and responses in the Indo-Pacific. Journal of Policing, Intelligence and Counter Terrorism, 19 (3): 297-304. DOI: 10.1080/18335330.2024.2346474
- Tow, W. T. & Loke, B. (2009). Rules of engagement: America's Asia-Pacific security policy under an Obama administration. Australian Journal of International Affairs, 63 (4): 443-457. DOI: 10.1080/10357710903312546
- UNCTAD (2024). review of maritime transport 2024: Navigating maritime checkpoints. UN Trade and Development (UNCTAD) calculations.
- Wang, Z. (2012). Never forget national humiliation: Historical memory in Chinese politics and foreign relations. New York: Columbia University Press.
- Womack, Brantly (Cited 2023 Dec 14). The Indo-Pacific versus Pacific Asia. Foreign policy, China-US Focus. URL: <https://www.chinausfocus.com/foreign-policy/the-indo-pacific-versus-pacific-asia>
- Wu, Jiacheng (2023). Comparing the Economy Between China and Japan. Highlights in Business, Economics and Management, 16, 554-563. <https://doi.org/10.54097/hbem.v16i.10649>
- Xianghong, Z., & Shaowen, Z. (2021). From "Asia Pacific" to "Indo Pacific": The adjustment of American Asia Pacific strategy from the perspective of critical geopolitics, East Asian Affairs, 1(2): 1-41, DOI:10.1142/S2737557921500091



- Yoon, L. (2024). Timeline of successful and failed ballistic missile tests by North Korea 1984-2024. Statista, global data and business intelligence platform. URL: <https://www.statista.com/statistics/752640/ballistic>



Novel Approaches and Tools of Cognitive Warfare in the Cultural and Social Domains

Mohammadreza Gharayi Ashtiani

Professor and Faculty Member, Supreme National Defense University, Tehran, Iran

Ali Fatemi Nasab

Assistant Professor and Faculty Member, Supreme National Defense University, Tehran, Iran

Morteza Pazhoohanfar

PhD Graduate in Political Sociology, Researcher

Mehdi Hakimi, Ruhollah Farahani, Mohammad Rezaei, Sameh Khorshad

PhD Candidate in Strategic Defense Sciences (Military Thought), Supreme National Defense University, Tehran, Iran

Abstract

Cognitive warfare, recognized as one of the key dimensions of fifth-generation warfare, focuses on human minds and perceptions and influences the opponent's thoughts, beliefs, and behaviors through soft and covert methods. This form of warfare is regarded as one of the most effective and tangible manifestations of soft warfare. The rapid development of convergent sciences and technologies, along with extensive investments by military research organizations in the field of cognitive sciences, indicates that the human brain and mind have become the primary battlefield of the new century. In this context, media and audience cognition play a fundamental role in the infiltration and domination of public thought by adversaries. The aim of this study is to identify and analyze novel approaches and tools of cognitive warfare in the cultural and social domains. The research adopts a qualitative approach and employs a descriptive-analytical method. Data were collected through documentary and library-based studies as well as expert panel sessions. The statistical population of the study consists of 20 experts in the relevant field. Using qualitative data analysis software (MaxQDA), latent content analysis was conducted, through which open, axial, and selective codes were extracted, analyzed, and interpreted. Subsequently, expert panel sessions were held to validate the findings. The results indicate that novel approaches to cognitive warfare in the cultural and social domains encompass 32 concepts organized into 8 categories, while novel tools comprise 10 concepts classified into 4 categories. These findings can serve as a foundational framework for operational planning and future research aimed at countering cognitive warfare in cultural and social arenas.

Keywords: Novel Approaches, Novel Tools, Cognitive Warfare, Culture, Society



رویکردها و ابزارهای نوین جنگ شناختی در حوزه فرهنگ و اجتماع

محمد رضا قرایی آشتیانی

استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

علی فاطمی نسب

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

مرتضی پژوهان فر

دانش آموخته دکتری تخصصی جامعه‌شناسی سیاسی پژوهشگری

مهدی حکیمی، روح اله فراهانی، محمد رضایی، سامع خورشاد

دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی گرایش اندیشه نظامی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

چکیده

جنگ شناختی که به عنوان یکی از ابعاد نسل پنجم جنگ مطرح می‌شود، بر اذهان و ادراک انسان‌ها متمرکز است و با استفاده از روش‌های نرم و خزننده بر افکار، باورها و رفتار رقیب تأثیر می‌گذارد. این نوع جنگ از مؤثرترین و ملموس‌ترین شیوه‌های جنگ نرم به شمار می‌رود. توسعه علوم و فناوری‌های همگرا و سرمایه‌گذاری‌های گسترده سازمان‌های تحقیقاتی نظامی در زمینه علوم شناختی، نشان‌دهنده آن است که مغز و ذهن انسان، میدان نبرد قرن جدید خواهد بود. در این میان، رسانه‌ها و ذهن مخاطبان نقش اساسی در نفوذ و تسخیر افکار توسط دشمن ایفا می‌کنند. هدف این پژوهش، دستیابی به رویکردها و ابزارهای نوین جنگ شناختی در حوزه فرهنگ و اجتماع است که به صورت توصیفی-تحلیلی با رویکرد کیفی انجام شده است و داده‌های لازم از طریق مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و برگزاری جلسات خبرگی جمع‌آوری گردیده است. جامعه آماری تحقیق شامل ۲۰ نفر از خبرگان این حوزه است. در این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار تحلیل کیفی (MaxQDA) و از طریق تحلیل محتوای پنهان کدهای اولیه، محوری و گزینشی استخراج شده و مورد تجزیه و تحلیل و تفسیر قرار گرفتند و پس از آن با تشکیل جلسات خبرگی، تأییدات لازم اخذ گردید. نتایج تحقیق در خصوص رویکردها و ابزارهای نوین جنگ شناختی در حوزه فرهنگ و اجتماع نشان می‌دهد که رویکردهای نوین حوزه فرهنگ و اجتماع با ۳۲ مفهوم و ۸ مقوله و ابزارهای نوین با ۱۰ مفهوم و ۴ مقوله می‌توانند مبنای استفاده در برنامه‌های عملیاتی و پژوهشی برای مقابله با جنگ شناختی در حوزه فرهنگی و اجتماعی قرار گیرند.

کلیدواژه‌ها: رویکردهای نوین، ابزارهای نوین، جنگ شناختی، فرهنگ، اجتماع

مقدمه

جنگ شناختی به عنوان یکی از پیچیده ترین و پنهان ترین ابعاد نسل پنجم جنگ ها، نه تنها بر میدان های نظامی، بلکه بر ذهن و ادراک انسان ها نیز متمرکز شده است. این نوع جنگ با استفاده از روش های نامرئی و پیچیده تلاش می کند از طریق تغییر هنجارها، ارزش ها و باورهای جامعه هدف، به تضعیف ساختارهای اجتماعی و فرهنگی بپردازد. اهداف اصلی آن شامل کاهش مشروعیت حاکمیت، تضعیف سرمایه اجتماعی، اعتمادزدایی از نهادهای رسمی و ترویج ناامیدی و ناکارآمدنمایی است (محمدی نجم، ۱۳۹۶: ۱۷). از جمله روش های این نوع جنگ می توان به انتشار اطلاعات نادرست، شایعات و پروپاگاندا اشاره کرد که با تأثیرگذاری بر افکار عمومی، افراد را به سوی «پشت به نیروی خودی» و «رو به سوی دشمن» سوق می دهد (آل داود، ۱۴۰۲: ۸۶).

امروزه جنگ شناختی که در ادبیات سیاسی و فرهنگی و رسانه ای شنیده می شود یک روش جدید جنگ آوری است که از فرد تا دولت را شامل می شود و گستره و دامنه جهانی دارد و اساس آن علوم شناختی و تکیه گاه آن رسانه است و با تصرف ذهن و ادراکات، انسان را مدیریت می کند.

واقعیتی که در عصر حاضر با آن مواجه هستیم این است که حکومت ها و کشورها در قرن ۲۱ و پس از آن برای اینکه در زمره کشورهای تعیین کننده و تأثیرگذار باشند باید سهم بیشتری از پیشرفت و استفاده از جنگ شناختی را تصاحب کنند.

در ماجرای فتنه ۸۸ آبان ۹۶ و ۹۸ و شهریور ۱۴۰۱ شاهد تمرکز دشمن در این بُعد از جنگ هستیم و به دلیل اینکه افکار عمومی و نخبگان و سیاسیون کمتر به این بُعد توجه نموده اند و گفتمان جدی در این حوزه شکل نگرفته است، به گونه ای که انجام چنین پژوهشی می تواند بر غنای علمی این حوزه بیفزاید و ضمن توسعه دانش در این زمینه به عنوان یک مرجع علمی قابل اتکا و سودمند در ادبیات علمی این حوزه محسوب شود، در این پژوهش تلاش گردیده محورهای اساسی اندیشه های فرماندهی معظم کل قوا در زمینه جنگ شناختی



تبیین و آشکار گردد. همچنین تا حدودی خلأ ناشی از ادبیات و اطلاعات قابل بهره‌برداری و اثرگذار در این حوزه که نیازمند مباحث نظری و پویا است آشکار شود.

ظهور فناوری‌های نوین مانند اینترنت و رسانه‌های اجتماعی، عرصه را برای این جنگ شناختی گسترش داده و امکان دستکاری گسترده افکار عمومی از طریق پیام‌های ناشناس و هدفمند را فراهم کرده است. اضافه‌بار اطلاعاتی که از طریق حجم انبوه داده‌های منتشرشده ایجاد می‌شود، توانایی شناختی افراد را کاهش داده و شبکه ابهام را گسترش می‌دهد (کارل فون کلاوزویتس، ۱۹۷۶: ۱۱۷). این شرایط به‌ویژه در جوامعی که از نظر فرهنگی و اجتماعی وابستگی بیشتری به فناوری و اطلاعات دارند، به‌عنوان نقطه‌ضعف مورد استفاده قرار می‌گیرد. جنگ شناختی از این آسیب‌پذیری بهره‌برداری کرده و تلاش می‌کند تا با ایجاد اختلال در دستگاه محاسباتی تصمیم‌گیران، تغییر در نگرش‌ها و باورهای عمومی و افزایش شکاف میان مردم و حاکمیت را محقق سازد (محمدی نجم، ۱۳۹۶: ۱۷).

تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که جنگ شناختی با استفاده از تکنیک‌هایی نظیر مهندسی اجتماعی، هوش مصنوعی و تحلیل داده‌های بزرگ توانسته پیام‌های هدفمند و سفارشی‌سازی‌شده‌ای را برای گروه‌های مختلف جامعه تولید کند (الیسون، ۲۰۲۰: ۵۴). این تکنیک‌ها به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال تأثیر بیشتری دارند، زیرا این فضاها امکان گسترش سریع و غیرقابل کنترل اطلاعات را فراهم می‌کنند. به‌علاوه، جنگ شناختی با ایجاد «نظام‌های جایگزین واقعیت» و بهره‌گیری از تکنیک‌های روان‌شناختی نظیر اثر هاله‌ای و تناقض شناختی، موفق شده است تا درک افراد از واقعیت را به نفع خود تغییر دهد. این نوع جنگ به‌طور خاص بر فرهنگ و ارزش‌های جامعه تأثیر گذاشته و از طریق ترویج سبک زندگی و ارزش‌های متفاوت، شکاف‌های فرهنگی را تعمیق می‌بخشد.

با توجه به موارد پیش‌گفته، مشکل موجود عبارت از کم بودن میزان شناخت از روش‌ها و ابزارهای جدیدی است که دشمن در اعمال جنگ شناختی در بخش فرهنگی و اجتماعی علیه کشور به کار می‌گیرد و سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که رویکردها و ابزارهای نوین جنگ شناختی در حوزه فرهنگ و اجتماع کدامند؟ اهمیت این تحقیق، به انجام مطالعه

اکتشافی به منظور توسعه دانش در این زمینه به عنوان یک مرجع علمی قابل اتکا و سودمند در ادبیات علمی است و همچنین تبیین و آشکار نمودن محورهای اساسی اندیشه‌های فرماندهی معظم کل قوا (مدظله‌العالی) در این زمینه بوده و در نهایت تا حدودی خلأ ناشی از اطلاعات قابل بهره‌برداری و اثرگذار برای مجریان مقابله با جنگ شناختی دشمن در حوزه فرهنگ و اجتماع مشخص می‌گردد. همچنین از ضرورت‌های انجام این پژوهش می‌توان به کمبود مرجع و منبع علمی سودمند در مسیر توسعه دانش مقابله با این حوزه از حوزه جنگ شناختی و نداشتن تفسیری روشن و کاربردی از محورهای اساسی این حوزه از جنگ اشاره نمود.

۱. پیشینه پژوهش

موسی‌الرضا قائمی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان تبیین نقش علوم شناختی در تهدیدات امنیتی با تأکید بر حوزه اجتماعی به یافته‌های زیردست یافتند: کشورها با سرمایه‌گذاری بر روی این شاخه علمی، سعی می‌کنند از علوم شناختی به عنوان ابزاری بهره‌برداری کنند. محقق در این راستا به ۹ شکاف اجتماعی از جمله ۱. شکاف اجتماعی (اقتصادی)؛ ۲. شکاف اجتماعی (مذهبی - قومیتی)؛ ۳. شکاف اجتماعی (جنسیتی)؛ ۴. شکاف اجتماعی (عقیدتی)؛ ۵. شکاف اجتماعی (سیاسی)؛ ۶. شکاف اجتماعی (سنی)؛ ۷. شکاف اجتماعی (جغرافیایی)؛ ۸. شکاف اجتماعی (محدودیت منابع - برخورداری از منابع) و ۹. شکاف اجتماعی (نظامی ناشی از تنش‌های نظامی بزرگ) پرداخته و در پایان نتیجه گرفته است که تمامی شکاف‌های ۹ گانه تأثیر معناداری بر کاهش و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی دارند. از میان این شکاف‌ها، شکاف‌های سنی، میهن‌دوستی و همبستگی اجتماعی تأثیر کمتری داشته و تأیید نشده است. عبدالله عراقی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان واکاوی اهداف جنگ شناختی دشمن و راهکارهای تاب‌آوری مقابله با آن با تأکید بر آموزه‌های قرآن به نتایج ذیل دست یافتند: فرضیه مورد آزمون در این تحقیق این است که آموزه‌های قرآن نقش اساسی در مقابله با اهداف جنگ شناختی دشمن دارد. در عصر حاضر جنگ شناختی، ابزار اصلی دستیابی به



اهداف توسعه طلبانه قدرت‌های استکباری بدون درگیری نظامی است. جنگ شناختی، رهیافتی ترکیبی از ظرفیت‌های نبرد غیر جنبشی متعلق به فضای سایبر، اطلاعات، روان‌شناسی، مهندسی اجتماع برای پیروزی در جنگ بدون رودرویی فیزیکی است. استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در جنگ‌های شناختی برای مداخله در امور داخلی سایر کشورها از جمله ایران، تأثیر مخربی داشته و باعث تغییر شناخت ملت شده است.

محبوب عشرت‌آبادی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان جنگ شناختی مدرن، از شناخت در رزم تا عرصه جنگ شناختی به یافته‌های زیردست یافتند: درواقع، جنگ شناختی در مرحله طراحی و برنامه‌ریزی و اجرا، بر نظریه‌های علم شناختی و فناوری‌های شناختی متکی است؛ ویژگی‌ای که تخصصی بودن آن را نشان می‌دهد و هرگونه اظهار نظر درباره آن را به متخصصان علوم و فناوری‌های شناختی منحصر می‌کند. مهم‌ترین ویژگی جنگ شناختی مدرن، ترسیم آن به عنوان عرصه جنگ شناختی است. جنگ شناختی به ابزار یا تجهیزات شناختی محدود نمی‌شود؛ بلکه عرصه‌ای جدید است که ساختار سازمانی، تجهیزات، منابع انسانی، فضای کالبدی و اسناد سازمانی خاص خود را دارد.

ماکسیمنکو، اس. دی و همکاران^۱ (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان درک جنگ شناختی مدرن در مقیاس جهانی، در ارتباط با اوکراین به بررسی و جهت‌گیری برای تحقیقات آینده جنگ شناختی و عملیات تأثیر اجتماعی به نتایج ذیل رسیدند: این مقاله با بررسی اجمالی تفکر نظامی تاریخی غرب در مورد تئوری جنگ و رابطه آن با جنگ شناختی مدرن و با استفاده از تجارب اوکراینی‌ها برای اثربخشی مقاومت جهانی در برابر تهاجم روسیه به اوکراین بوده است. نتایج مطالعه نشان داد که درک پیدایش جنگ شناختی در خصوص اوکراین طی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۲۳ بر مغز به عنوان میدان نبرد متمرکز بوده و هدف آن از بین بردن تفکر با استفاده از تأثیرات اجتماعی، عملیات روان‌شناختی، علوم اعصاب، مهندسی اجتماعی و رفتار اجتماعی انسان بوده است.

1. Maksymenko, S. D. & etl

۲. مفهوم شناسی

رویکرد: رویکرد به معنای شیوه و روشی است که در یک زمینه خاص برای رسیدن به اهداف مشخصی اتخاذ می‌شود. در زمینه جنگ شناختی، رویکردها شامل راهبردها و تکنیک‌هایی هستند که به منظور تأثیرگذاری بر افکار و رفتارهای افراد و جوامع استفاده می‌شوند. این رویکردها می‌توانند شامل استفاده از رسانه‌ها، تبلیغات و ابزارهای دیجیتال باشند تا به تغییر نگرش‌ها و باورهای اجتماعی کمک کنند (Carlsen & etl, 2018).

ابزار نوین: ابزار نوین به مجموعه‌ای از وسایل، تکنولوژی‌ها یا شیوه‌های جدید و پیشرفته اطلاق می‌شود که به منظور بهبود کارایی، تسهیل انجام وظایف یا حل مسائل پیچیده در زمینه‌های مختلف مانند علم، صنعت، پزشکی و فناوری اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرند. این ابزارها معمولاً مبتنی بر جدیدترین دستاوردهای علمی و تحقیقاتی بوده و به نسبت ابزارهای قدیمی‌تر ویژگی‌هایی مانند سرعت بیشتر، دقت بالاتر، یا قابلیت‌های پیچیده‌تر دارند (قرایی آشتیانی، ۱۴۰۳).

فرهنگ: فرهنگ واژه‌ای فارسی و مرکب از دو جزء «فر» و «هنگ» است. «فر» به معنای جلو، بالا، شکوه و درخشندگی است و «هنگ» از ریشه اوستایی «تنگا» به معنای کشیدن و وزن گرفته شده است؛ بنابراین، فرهنگ از نظر لغوی به معنای «بالا کشیدن» و «بیرون کشیدن» است، هرچند این معنا در ادبیات فارسی کمتر به کار رفته است (بابایی، ۱۳۸۴: ۱۵). از متون فلسفی ایران باستان تا آثار فلاسفه یونانی، فرهنگ به عنوان کلیتی شامل ارزش‌ها، آداب و هویت ملت‌ها مورد توجه بوده است. در دهه‌های اخیر، بررسی فرهنگ در محافل علمی جایگاه ویژه‌ای یافته است. تعاریف فرهنگ بیش از سیصد نوع بوده و به دسته‌هایی چون تشریحی، تاریخی، روان‌شناختی و نسبی‌گرایی تقسیم می‌شوند (کروبر^۱ و همکاران، ۱۳۷۵: ۵۸). ماندگار، فرهنگ را مجموعه دانش‌ها و ارزش‌های یک ملت معرفی می‌کند که هویت‌بخش و پویاست (ماندگار، ۱۳۸۴: ۸۱).



«جنگ شناختی»^۱: جنگ شناختی باهدف قرار دادن جامعه حریف، به دنبال پیروزی در میدان نبرد است. این نوع جنگ، صحنه میدان نبرد را از حوزه جغرافیایی و فیزیکی به قلمرو ذهن منتقل کرده است. امروزه این مدل جنگ را «جنگ شناختی» نامیده‌اند که به‌تازگی وارد ادبیات نظامی شده است. نگرش‌ها به این مفهوم، دچار قبض و بسط‌های متعددی شده‌اند، به‌گونه‌ای که دستیابی به توافق و اجماع در رسیدن به برداشتی مشترک، کاری دشوار به نظر می‌رسد. فضای جنگ شناختی، میدان نبردی برای تصاحب اطلاعات است، زیرا از طریق فرایندهای شناختی، اطلاعات به دانش تبدیل می‌شود. همگرایی جنگ اطلاعاتی و جنگ شناختی، اکنون به یک ضرورت تبدیل شده است (مقدم فر و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۷). جنگ شناختی به معنای استفاده از اطلاعات و روان‌شناسی برای تأثیرگذاری بر افکار و رفتارهای فردی و جمعی است. این نوع جنگ برخلاف جنگ‌های سنتی، هدفش نابودسازی فیزیکی نیست؛ بلکه تسلط بر فضای ذهنی افراد است. این جنگ می‌تواند از طریق رسانه‌ها، تبلیغات روان‌شناختی و شبکه‌های اجتماعی انجام شود تا تغییرات عمده‌ای در نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی ایجاد کند (Phelps & etl, 2022).

نوع جنگ، هدف ایجاد تفرقه، ترس، انفعال یا تغییر در تصمیم‌گیری دشمن از طریق انتشار اخبار، شایعات، پروپاگاندا یا هدفمند یا سایر تکنیک‌های ذهنی است (سعیدی، ۱۳۹۱). مدیریت افکار عمومی: کلیه اقداماتی است که رهبران فکری، تبلیغات، گروه‌های فشار سودطلب و آرمان‌گرا و رسانه‌ها در جهت شکل‌گیری و جهت‌دهی افکار عمومی انجام می‌دهند و یا مواردی است که به شکل عملیات روانی در قالب تطمیع، ترغیب و یا تهدید برای هدایت افکار عمومی در شرایط مختلف بکار گرفته می‌شود. در مجموع شکل‌گیری و جهت‌دهی افکار عمومی به‌عنوان مدیریت افکار عمومی است (مطالعات گروهی دعا، ۱۴۰۲). مدیریت ادراک و ذهن: جنگ شناختی درصدد است تا قوه شناخت آحاد مردم و به‌ویژه نخبگان جامعه را از طریق مدیریت ادراک، اقناع، تغییر و متقاعدسازی دگرگون ساخته و

مخاطب را به سوی پشت به نیروی خودی و رو به سوی دشمن ترغیب سازد (عراقی و همکاران، ۱۳۹۹).

تغییر باورها و ارزش‌ها: بُعد دیگری از جنگ شناختی، حوزه کنترل و مدیریت ادراک انسان است که توسط آن، اذهان، اعتقادات و باورهای فرد را دچار دگردیسی و تغییر می‌کند (حاجی‌زاده، ۱۴۰۱).

فضای مجازی: ساختاری است با لایه‌های زیرساخت، خدمات، محتوی و کاربر که به‌عنوان اساس و کالبد در فضای مجازی یا فضای سایبر مطرح هستند (سیاح طاهری، ۱۳۹۵). نظریه جنگ شناختی مونیستری: این نظریه اشاره دارد به این‌که جنگ شناختی تمام حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در برمی‌گیرد و محدود و منحصر به بخش‌های خاصی نیست. این جنگ اعتقادات، نگرش‌ها و رفتار نخبگان و عامه جامعه را هدف قرار می‌دهد (جوانی، ۱۴۰۱: ۶۹).

نظریه ارتباطات در ارگانیسم‌های زنده سانتیاگو: اشاره دارد به اینکه سیستم‌های پیچیده مانند ارگانیسم‌های زنده به‌عنوان سیستم‌های با ویژگی‌های خودسازمان‌دهی، تحت تأثیر تعاملات پیچیده و غیرخطی میان اجزای مختلف قرار دارند و به دلیل تعاملات متقابل، ممکن است رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی داشته باشند (سانتیاگو، ۲۰۱۲).

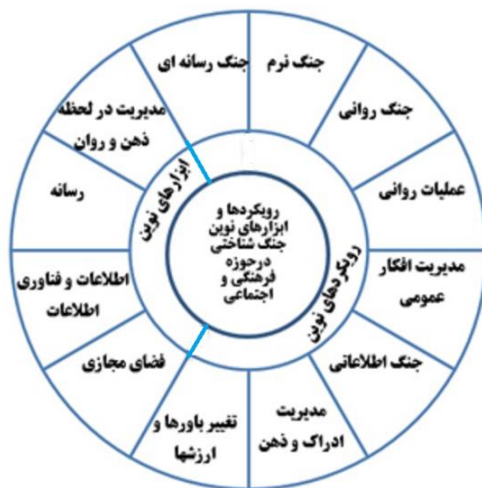
۳. چهارچوب نظری و مفهومی

با مبنا قرار دادن فرمایشات مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) که می‌فرمایند: «دشمن دنبال این است که بر مغزها تسلط پیدا کند. تسلط بر مغزها برای دشمن خیلی باارزش‌تر از تسلط بر سرزمین‌ها است. اگر مغز یک ملتی را توانستند تصرف کنند آن ملت سرزمین خودش را دودستی به دشمن تقدیم می‌کند» (بیانات، ۱۴۰۱) و بررسی نظرات اندیشمندان و نخبگان جنگ شناختی مانند مونیستری و سانتیاگو چهارچوب نظری پژوهش به شرح شکل زیر بیان گردید.



شکل ۱: چهارچوب نظری پژوهش

پس از انجام مطالعات نظری و بررسی نظرات مختلف اندیشمندان و خبرگان جنگ شناختی و همچنین با توجه به اینکه نظریه کامل و یکپارچه‌ای درباره جنگ شناختی وجود ندارد و هرکدام از صاحب‌نظران به گوشه‌ای از جنگ شناختی پرداخته‌اند. بنابراین با توجه به دو مضمون رویکرد و ابزارهای نوین جنگ شناختی در حوزه فرهنگ و اجتماع و نظر خبرگی، چهارچوب مفهومی پژوهش به شرح شکل (۱)، تدوین گردید.



شکل ۲: چهارچوب مفهومی پژوهش

۴. روش‌شناسی

هدف این تحقیق، بررسی رویکردها و ابزارهای نوین جنگ شناختی در حوزه فرهنگ و اجتماع است که در تلاش است تا به تحلیل و تبیین ابزارها و رویکردهای نوین در جنگ شناختی در حوزه فرهنگی و اجتماعی بپردازد. این تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی با رویکرد کیفی انجام گردید. در پژوهش به بررسی اثر متغیرها بر یکدیگر پرداخته نشده است، لذا متغیری تعریف نگردیده است. در این تحقیق در مرحله اول برای جمع‌آوری و بررسی ادبیات از روش کتابخانه‌ای استفاده گردیده است. به این منظور، منابع علمی و تخصصی در زمینه جنگ شناختی و حوزه فرهنگی-اجتماعی آن مورد مطالعه قرار گرفتند. این منابع شامل کتاب‌ها، مقالات علمی، گزارش‌ها و اسناد مرتبط با موضوع تحقیق است که به تحلیل و فیش‌برداری دقیق از اطلاعات آن‌ها پرداخته شد. در مرحله دوم، برای تکمیل اطلاعات به روش میدانی، مطابق با سؤال تحقیق از جامعه خبرگی مصاحبه به عمل آمد.

با توجه به تخصصی بودن موضوع تحقیق، جامعه آماری به صورت هدفمند از بین ۲۰ نفر از خبرگان کشوری و لشکری که دارای ویژگی‌های زیر بودند، انتخاب گردیدند:

♦ دارای مدرک تحصیلی حداقل کارشناسی ارشد مرتبط با موضوع تحقیق؛



- ❖ دارای سابقه‌ی خدمتی در مشاغل راهبردی و مشابه آن در مشاغل کشوری؛
 - ❖ دارای تخصص در حوزه جنگ شناختی، فضای مجازی و جنگ نرم؛
 - ❖ اعضاء هیئت علمی حوزه جنگ و دفاع شناختی دانشگاه‌های کشوری و لشکری.
- روش نمونه‌گیری در این پژوهش ضمن در نظر داشتن کلیه شرایط و ویژگی‌های بیان‌شده، به صورت تمام‌شمار انجام گردید. اعتبار سنجی و تأیید پایایی و روایی و اعمال تغییرات مد نظر، توسط جامعه آماری خبره و در چند مرحله انجام پذیرفت.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

جهت دستیابی به ابزارها و رویکردهای نوین جنگ شناختی در حوزه فرهنگی و اجتماعی با استفاده از نرم‌افزار تحلیل کیفی (مکس کیودا)^۱ و تحلیل محتوای پنهان داده‌ها به منظور شناسایی مفاهیم از طریق واحدهای معنایی و سپس مقوله‌ها و ارتباط میان داده‌ها، کدهای اولیه (مفاهیم)، کدهای محوری (مقوله‌ها) برای دو مضمون رویکردها و ابزارهای نوین جنگ شناختی در حوزه فرهنگی و اجتماعی استخراج و طی دو مرحله در قالب جلسه خبرگی ارائه و تأیید لازم اخذ گردید. فرایند انجام تحلیل کیفی در قالب جدول (۱)، در خصوص رویکردهای نوین و جدول (۲)، در خصوص ابزارهای نوین تدوین گردید.

جدول ۱: فرایند احصای رویکردهای نوین جنگ شناختی در حوزه فرهنگی و اجتماعی

واحد‌های معنادار (مقدماتی)	کد اولیه (مفاهیم)	کدهای محوری (مقوله‌ها)	کد گزینشی (مضامین)
آرام‌سازی با استفاده از نگرش و رویکردی صلح جویانه که هوشیاری و بیداری دشمن زایل شود.	ماهیت جنگ روانی	جنگ روانی	

واحد‌های معنادار (مقدماتی)	کد اولیه (مفاهیم)	کدهای محوری (مقوله‌ها)	کد گزینشی (مضامین)
مجموعه اقدامات سلبی یا ایجابی که باهدف تحت تأثیر قرار دادن اصول و مبانی تصمیم‌گیری و یا الگو و سیاست رفتاری مخاطب با استفاده از ابزارهای غیرکشنده - به‌صورت مستقیم - و یا ابزارهای کشنده - به‌صورت غیرمستقیم - در فضای مبتنی بر تعارض با اختلاف منافع صورت می‌گیرد تا از این طریق مخاطب نسبت به تغییر رفتار متناسب با منافع درخواستی مهاجم مجبور، قانع یا توجیه گردد.	هدف جنگ روانی		رویکردهای نوین جنگ شناختی در حوزه فرهنگی و اجتماعی
جنگ شناختی به‌جای اینکه مخاطب با تهییج احساسات و عواطف، به‌یک‌باره و فوری وادار به واکنش شود، در فرایندی مدیریت‌شده قرار می‌گیرد تا نگرش وی نسبت به مسائل اساسی نظیر اعتقادات و باورها، خانواده، مناسبات اجتماعی و سیاسی، الگوی رفتاری، شیوه زندگی و ایده حاکمیت به‌صورت کاملاً نامحسوس و خزنده تحت تأثیر قرار گیرد.			
هدف جنگ روانی عملی است که دشمن را وادار سازد نیرو و تجهیزات خود را از جبهه فعال انتقال داده و سلاح نیروهای خود را آماده دفاع از حمله‌ای کند که هیچ‌گاه رخ نخواهد داد.			
هدف تأثیر بر آراء، احساسات، رویکردها و رفتار دشمن یا افراد بی‌طرف انجام می‌شود.			
هدف اصلی عملیات روانی، تهییج و تحریک است			
تأثیر قرار دادن اصول و مبانی تصمیم‌گیری			



واحد‌های معنادار (مقدماتی)	کد اولیه (مفاهیم)	کدهای محوری (مقوله‌ها)	کد گزینشی (مضامین)
عملیات روانی به دنبال ایجاد دگرگونی‌های دفعی و فوری، آن‌هم در سطح افکار است.			
اذهان مخاطبان را دست‌کاری کرده و نگرش‌های نوینی در اذهان آنان شکل می‌دهد و به رفتارها و کنش‌های فردی و اجتماعی آنان جهت داد.			
مهم‌ترین ابزار قدرت نرم «ابزارهای فرهنگی و رسانه‌های نوین ارتباطی» است			
اینترنت، علم‌اندوزی، سازمان‌های مردم‌نهاد، دیپلماسی، هنر، رسانه			
مطبوعات، خبرگزاری‌ها، رادیو، تلویزیون، اینترنت و اصول تبلیغات			
عملیات رسانه‌ای استفاده از تمام رسانه‌ها و شیوه‌های روان‌شناختی و متخصصین صوت و تصویر و صدا جهت تضعیف چهره کشور هدف و دفاع از منابع خود است.			
دیپلماسی عمومی بیشتر بر هدف تلطیف افکار و نگرش نخبگان و آحاد مردم یک جامعه در برابر دولت و کشور به‌کارگیرنده دیپلماسی عمومی متمرکز است.			
برانگیختن مردم برای رفتار اعتراضی و نافرمانی مدنی است و تخریب مدل سیاسی موجود در ذهن			

واحد‌های معنادار (مقدماتی)	کد اولیه (مفاهیم)	کدهای محوری (مقوله‌ها)	کد گزینشی (مضامین)
جنگ به‌وسیله ابزارهای فرهنگی، به‌وسیله نفوذ، به‌وسیله دروغ، به‌وسیله شایعه‌پراکنی با ابزارهای پیشرفته‌ای که امروز وجود دارد.			
در جنگ نرم، صرفاً تلاش بر تضعیف باورها و افکار افراد یک سرزمین است؛ اما در جنگ شناختی، از رسانه‌های جدیدتر و فضاهای مجازی برای تحت تأثیر قرار دادن افراد جامعه استفاده می‌کند.	موضوع جنگ نرم		
جنگ نرم دارای ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، دفاعی و امنیتی است.	ابعاد جنگ نرم		
هدف قرار دادن قوه شناخت و اثرگذاری بر نگرش‌ها، باورها، عقاید، اهداف و ارزش‌های جامعه هدف از طریق مدیریت ادراک به‌منظور ایجاد تغییر در مخاطبان تا مرز هم‌سو شدن آن‌ها با اهداف و دستیابی به منافع مورد نظر است.	هدف جنگ نرم		
ایجاد تغییر در اعتقادات؛ مهم‌ترین هدف جنگ نرم ایجاد تغییر و دگرگونی در باورها و اعتقادات جامعه هدف جنگ نرم است.			
ایجاد تغییر در افکار و اندیشه‌ها؛ چنانچه دشمنان یک ملت با جنگ نرم بتوانند در باورها و اعتقادات یک ملتی رسوخ کند، با ایجاد شک و تردید آن باورها و اعتقادات را مخدوش و متزلزل می‌نماید.			
جنگ نرم در پی از پای درآوردن اندیشه و تفکر جامعه یا گروه هدف است.			



واحد‌های معنادار (مقدماتی)	کد اولیه (مفاهیم)	کدهای محوری (مقوله‌ها)	کد گزینشی (مضامین)
در جنگ نرم، باورها، ارزش‌ها و عقاید مورد هجوم قرار می‌گیرد و بر این اساس می‌توان جنگ نرم را این‌گونه تعریف کرد. جنگ نرم مجموعه‌ای از اقدامات روانی و تبلیغاتی رسانه‌ای است که دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری موردقبول یک نظام سیاسی را دنبال می‌کند و درواقع به دنبال نوعی سلطه در ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است. ایجاد تغییر در رفتار؛ رفتارهای یک جامعه مبتنی بر اعتقادات و چگونگی فکر و اندیشه در آن جامعه شکل می‌گیرد. ایجاد تغییر در ساختار سیاسی؛ هدف نهایی در جنگ نرم علیه یک ملت، ایجاد تغییر و دگرگونی در ساختار سیاسی آن جامعه و جایگزین کردن ساختارهای جدید است.			
هجوم به منابع نرم قدرت یک ملت یعنی تخریب فرهنگ، اعتقادات، دین و ایدئولوژی یک ملت و جایگزینی آن با منابع معنوی قدرت دشمن را می‌توان تحقق جنگ نرم نامید مبارزه در جنگ نرم بسیار پیچیده است. تغییرات جنگ نرم ماهوی، آرام، ذهنی و تدریجی است. جنگ نرم، مبارزه‌ای غیر خشونت‌آمیز است و از شیوه‌های نرم استفاده می‌شود.	ویژگی جنگ نرم		

واحد‌های معنادار (مقدماتی)	کد اولیه (مفاهیم)	کدهای محوری (مقوله‌ها)	کد گزینشی (مضامین)
نفوذ در مختصات فکری دشمن قدرت نرم است و به تعبیر جوزف نای قدرت نرم عبارت است از «توانایی تأثیرگذاری بر دیگران و به دست آوردن نتایج مطلوب از طریق جذب و متقاعد کردن به‌جای اجبار.»			
فریب در چهارچوب خلق و جعل روشن می‌شود. خلق به معنای تولید اطلاعات غلط و ارائه آن به‌جای حقیقت است و جعل به معنای استفاده از اطلاعاتی است که به لحاظ فنی درست است. روش ادراکی یک روش راهبردی است که در بلندمدت و به‌صورت کلی و در سطوح کلان قابلیت اثربخشی دارد. برجسته‌سازی یعنی این اندیشه که در رسانه‌های خبری با ارائه خبرها، موضوعاتی را که عامه راجع به آن‌ها فکر می‌کنند، تبیین می‌نمایند. تکنیک اتهام زنی آن است که جرائم بزرگی به یک گروه یا کشور انتساب داده شود. در تکنیک هم‌رنگی با جماعت به مخاطبان القاء می‌شود که همه مردم یا اغلب آنان با نظر و عقیده خاصی موافق هستند و یا رفتاری معین را انجام می‌دهند.	روش‌های عملیات روانی	عملیات روانی	



واحد‌های معنادار (مقدماتی)	کد اولیه (مفاهیم)	کدهای محوری (مقوله‌ها)	کد گزینشی (مضامین)
می‌توان عملیات روانی را شامل کلیه اقدامات و فعالیت‌های هدفمندی دانست که «به‌منظور تأثیرگذاری بر عقاید، عواطف و احساسات، رفتار و گفتار جامعه و مخاطبان مورد نظر در هر سطح و گروه (اعم از جوامع بزرگ یا گروه‌های محدود، نظامیان یا غیرنظامیان و ...)، در جبهه‌های خودی، دشمن و یا بی‌طرف و در نهایت دستیابی به اهداف و مقاصد موردنظر صورت می‌گیرند.»	اثر و هدف عملیات روانی		
در جنگ اطلاعاتی، پنج مرحله شامل نفوذ، بهره‌برداری، تخریب اطلاعات، انهدام سامانه‌های اطلاعاتی و انهدام زیرساخت‌های حیاتی و حساس، انجام می‌شود.	مراحل جنگ اطلاعاتی		
هدف مدیریت اطلاعات در جنگ شناختی، تلاشی است جهت تهیه دقیق و به‌موقع اطلاعات مورد نیاز رهبران برای کمک به آن‌ها در فرایندهای تصمیم‌گیری.	مدیریت و کنترل اطلاعات	جنگ اطلاعاتی	
در جنگ شناختی، به‌منظور دستیابی به برتری اطلاعاتی از رهگذر تخریب اطلاعات و دستگاه‌های اطلاعاتی دشمن و منحرف کردن او در اقدامات و تصمیم‌گیری‌ها انجام می‌شود.			
کنترل فضای اطلاعاتی، محافظت از دسترسی به اطلاعات شخصی، درعین‌حال تلاش در جهت به‌دست‌آوردن و استفاده از اطلاعات، تخریب دستگاه‌های اطلاعاتی و ایجاد اختلال در جریان اطلاعات دشمن است.			
جنبه تخریب فیزیکی یا به تعبیری دیگر جنبه ویرانگری در حداقل قرار دارد و تلاش می‌شود هدف که عمدتاً سیاسی است با حداقل ویرانگری محقق شود.	سطوح جنگ اطلاعاتی		

واحد‌های معنادار (مقدماتی)	کد اولیه (مفاهیم)	کدهای محوری (مقوله‌ها)	کد گزینشی (مضامین)
روش‌هایی مانند حمله فیزیکی الکترونیکی، دزدی، شنود و تخریب فیزیکی مورد حمله قرار می‌گیرد. زیرساخت‌هایی مانند شبکه اینترنتی و داخلی سازمان‌ها، سامانه‌های پشتیبانی و مولدهای برق صورت می‌گیرد. استفاده از روش‌هایی مانند عملیات روانی، دیپلماسی، فعالیت‌های عمومی و غیرنظامی، تأثیراتی مانند تردید و دودلی یا تأخیر در تصمیم‌گیری و ... بر روی فرماندهان و رهبران			
تغییر باورهای نظام اسلامی یکی از کار ویژه‌های اصلی جنگ ادراک است که در آن باور به اسلام، باور به کارآمدی نظام اسلامی و باور به امکان تداوم نظام اسلامی هدف قرار می‌گیرد. ابزار اصلی در این جنگ انتشار گسترده اطلاعات نادرست، شایعه و تبلیغات به‌منظور تخلیه روانی گیرنده‌های این اطلاعات (افراد) است. تصویرسازی از آن در رسانه‌ها بسیار پررنگ صورت گرفته و تلاش می‌شود دامنه آن بیش از آنچه در واقعیت بروز و ظهور دارد نشان داده شود.	شیوه جنگ اطلاعاتی		
جنگ شناختی به‌منظور کسب برتری راهبردی و تاکتیکی به دست‌کاری و مدیریت رفتارها و هنجارها در مقیاسی کلان و توده‌وار می‌پردازد.	مدیریت ادراک	مدیریت ادراک و اذهان	



واحد‌های معنادار (مقدماتی)	کد اولیه (مفاهیم)	کدهای محوری (مقوله‌ها)	کد گزینشی (مضامین)
در جنگ شناختی، مدیریت ادراک صورت می‌گیرد که ترکیبی از طراحی، عملیات امنیتی - اطلاعاتی، پوشش، فریب، القا و عملیات روانی است که به تغییر و دست‌کاری شناخت جامعه هدف نسبت به نظام سیاسی منجر می‌شود.			
جنگ شناختی اعتقادات، نگرش‌ها و رفتار نخبگان و عامه جامعه هدف قرار می‌گیرد. به عبارت دقیق‌تر، در جنگ شناختی مدیریت ادراک صورت می‌گیرد که ترکیبی از طرح‌ریزی، عملیات امنیتی، پوشش و فریب و عملیات روانی است و به تغییر و دست‌کاری شناخت جامعه نسبت به نظام سیاسی منجر می‌شود.			
ایجاد جاذبه فکری، تغییر ذائقه، باورها و هنجارهای حاکم مد نظر است			
بهره‌برداری از شناخت انسان به صنعتی عظیم و گسترده در عصر کنونی تبدیل شده است و انتظار می‌رود به‌زودی ابزارهای در حال ظهور هوش مصنوعی، به شکل مؤثر، توانایی‌های تبلیغاتی را برای دست‌کاری ذهن انسان‌ها و تغییر رفتار جامعه فراهم سازند.	دست‌کاری ذهن		
مردم نسبت به مسائل اساسی انقلاب حساس‌اند. کسی به این مبانی تعرض نکند، مردم موضع می‌گیرند. در جنگ شناختی دشمن به دنبال حساسیت‌زدایی نسبت به اصول و بینات و مبانی انقلاب است.	حساسیت‌زدایی از اصول و مبانی		
		تغییر باورها	

واحد‌های معنادار (مقدماتی)	کد اولیه (مفاهیم)	کدهای محوری (مقوله‌ها)	کد گزینشی (مضامین)
رسانه‌ها جهت جلب اعتماد مخاطبان با ارائه گزارش‌هایی که بخشی از واقعیت بوده به همراه استفاده از تصاویر غلط و ناکامل در راستای اهدافی از پیش طراحی‌شده به جریان‌سازی خبری می‌پردازند. به بیان دیگر، تفسیر و توضیحی که این رسانه‌ها از اخبار ارائه می‌دهند، در راستای اهداف از پیش طراحی‌شده یعنی همان ناامید سازی مردم با سیاه نمایی است.	ناامید سازی		
در جنگ شناختی با شیوه‌هایی مانند؛ اعتماد زدایی، قداست، ناکارآمد نمایی، یک کشور و جامعه را به افراد آن جامعه تلقین می‌کنند و درواقع مردم جامعه که اصلی‌ترین سرمایه اجتماعی یک کشور هستند را نسبت به جامعه و کشور بدبین کرده و امید به آینده را در آن‌ها از بین می‌برند.	ناکارآمد زدایی قداست زدایی اعتماد زدایی		
با اطلاع دستگاه سانسور از عدم کارایی حذف و اطلاع یافتن مردم از موضوع، رسانه‌ها به روش تهاجم زود هنگام روی آورده و موضوع را بی‌اعتبار می‌کنند	اعتبار زدایی		
شبکه‌های اجتماعی به‌طور جدی در جهت تخریب و القای ناکارآمدی نظام و همچنین امنیت داخلی کشور، هنجار سازی تعارض‌ها، مشروعیت‌یابی ساختاری از نظام سیاسی، تضعیف انسجام ملی و شکاف بین جامعه و حاکمیت و ایجاد زمینه تقابل مردم با نظام سیاسی و تضعیف باورهای ملی فعالیت می‌کنند.	مشروعیت زدایی		



واحد‌های معنادار (مقدماتی)	کد اولیه (مفاهیم)	کدهای محوری (مقوله‌ها)	کد گزینشی (مضامین)
در شبکه‌های اجتماعی فعال در فضای سایبر، قدرت کنترل رسمی جریان اطلاعات، به نفع بازیگران جدید، محدود شده و شبکه روابط بین کنشگران، سرمایه‌های عظیمی را خلق کرده است. از یک سو، با گسترده‌گی واسطه‌های انتشار اطلاعات، تمرکز قدرت در کنترل اطلاعات از میان رفته است و از سوی دیگر، قانون‌های قدرتی که در شبکه‌های اجتماعی، پیرامون ارزش‌ها، ایده‌ها و علایق مشترک شکل گرفته‌اند، در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در نقش بازیگران قدرتمند اظهار وجود کرده‌اند.	کنترل اطلاعات	مدیریت افکار عمومی	
مدیریت بر افکار عمومی یعنی یک جنگ رسانه‌ای که مبتنی بر مهندسی افکار عمومی است.	شکل‌گیری افکار عمومی		
افکار عمومی پدیده‌ای جدید است و ریشه‌های آن را باید در دوره انقلاب فرانسه جستجو کرد. افکار عمومی اظهار نظرهای رایج درباره مسائل کشور و پدیده‌ای است که تنها در جوامع جدید شکل گرفته و با گسترش رسانه‌های همگانی و سازمان سیاسی تسریع یافته است.			
مدیریت افکار عمومی کلیه اقداماتی است که رهبران فکری، تبلیغات، گروه‌های فشار سود طلب و آرمان‌گرا و رسانه‌ها در جهت شکل‌گیری و جهت‌دهی افکار عمومی انجام می‌دهند. در مجموع شکل‌گیری و جهت‌دهی افکار عمومی به‌عنوان مدیریت افکار عمومی است.	شیوه‌های مدیریت افکار عمومی		
استفاده از کتاب، روزنامه، رادیو، تلویزیون و ...			

واحد‌های معنادار (مقدماتی)	کد اولیه (مفاهیم)	کدهای محوری (مقوله‌ها)	کد گزینشی (مضامین)
سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های مذهبی، اتحادیه‌ها و احزاب سیاسی، گروه‌های فشار و نیروهای ارزشی، گروه‌های منفعت‌طلب و قدرت‌طلب ورزشکاران، روحانیون، سیاستمداران، اساتید دانشگاه، شاعران، هنرپیشه‌ها، نویسندگان و فعالان سیاسی و سلبریتی‌ها ستاره‌های هنری، خبرنگاران و روزنامه‌نگاران (به‌عنوان رهبران احساسی جامعه) خانواده، دوستان، همسالان، محل کار، انجمن‌های مذهبی، مدارس و دانشگاه‌ها			
دشمن در جنگ شناختی از ابزارهای سایبری برای تغییر فرایندهای شناختی افراد کشور هدف استفاده کرده و برای رسیدن به این هدف از زیرساخت‌های رسانه‌ای نوین و سایبری، بهترین استفاده را به عمل آورده و از رسانه‌های جدیدتر برای نابودی ارزش‌ها، باورها و اعتقادات کشور هدف از طریق انجام جنگ رسانه‌ای، عمل می‌کند. مدیریت رسانه به‌منظور مستندسازی‌های پیچیده و حیل‌های رسانه‌ای، زیرساخت‌های فکری و مذهبی مردم کشور هدف را زیر سؤال برده و اعتقادات گذشته مخاطبان را با تردید روبه‌رو می‌کند. ابزارهای جنگ رسانه‌ای در معنای وسیع شامل تمامی وسایل ارتباطی جمعی است که در سطحی گسترده به انتشار اطلاعات، اخبار، عقاید، نظرات، آموزش، عملیات روانی، تبلیغات، توجیه، جهت‌دهی، ارشاد و یا انحراف می‌پردازند.	جنگ سایبری	جنگ رسانه‌ای	
	مدیریت رسانه		
	مدیریت فضای مجازی		



واحد‌های معنادار (مقدماتی)	کد اولیه (مفاهیم)	کدهای محوری (مقوله‌ها)	کد گزینشی (مضامین)
ابزارهای دیداری و شنیداری شامل: گروه‌های ماهواره‌ای، سینما، تلویزیون، هنرهای نمایشی و تجسمی.			
ابزارهای شنیداری شامل: رادیو با موج‌های کوتاه، بلند، موسیقی، آهنگ.			
ابزارهای نوشتاری شامل: کتب، نشریات، روزنامه‌ها، شب‌نامه، اعلامیه و اوراق تبلیغی.			
ابزارهای نوین ارتباطی و الکترونیکی شامل: رایانه‌ها و تلفن همراه که دارای نرم‌افزارهای ارتباطی در بستر فضای مجازی و اینترنت هستند			
هدف اصلی کاهش آستانه تحمل ملی و کاستن از پایداری مردم کشور هدف است.	ماهیت جنگ رسانه‌ای		
ایجاد جاذبه فکری، تغییر ذائقه، باورها و هنجارهای حاکم مد نظر است.			
صحت‌سنجی انبوهی از جریان اطلاعات			
طراحی بازی‌های پیچیده جنگ ترکیبی؛ امروز جنگ‌های دنیا جنگ‌های ترکیبی است. میدانید؛ جنگ سخت و جنگ نرم و جنگ فکری و جنگ فرهنگی و جنگ با سلاح‌های گوناگون و جنگ شناختی و امثال این‌ها با همدیگر مایه‌ی تهاجم به یک ملت یا یک کشور است. بازی‌های جنگ بایستی بتواند همه‌ی این لایه‌ها را با شیوه‌های نو، با شیوه‌های روزآمد، ان‌شاء‌الله تأمین کند.	جنگ‌های جدید بین‌المللی		

بر طبق یافته‌های تحقیق و با توجه به بررسی‌های موجود و همچنین مرور سوابق مرتبط یکی از موارد مهم در حوزه فرهنگی و اجتماعی، رویکردهای نوین در جنگ شناختی است.

در تحلیل کیفی انجام شده با نرم افزار مکس کیودا و انجام کدگذاری اولیه و محوری مقوله های احصا شده در خصوص رویکردهای نوین جنگ شناختی به شرح زیر است:

۱. یکی از مقوله های رویکردهای نوین جنگ شناختی استفاده از جنگ روانی با توجه به ماهیت و هدف آن است. ماهیت جنگ روانی در دو زمینه سلبی و ایجابی است که هدف آن تحت تأثیر قرار دادن اصول و مبانی تصمیم گیری مخاطب به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم است. البته در جنگ شناختی این روش به آرامی و به صورت خزنده و در یک فرایند مدیریت شده اعمال می گردد تا اعتقادات و باورهای افراد مورد هدف را تغییر دهد؛ در این فرایند از روش های مختلفی استفاده می شود که در جنگ روانی هدف، تغییر ارزش ها و هنجارها به سمت وسوی، خواسته مهاجم است.

۲. شیوه دیگر جنگ شناختی استفاده از مقوله عملیات روانی با دو عامل هدف و روش است؛ هدف آن، تأثیرگذاری بر آرا، احساسات، رویکردها و رفتار افراد کشور هدف، به ویژه در اصول و مبانی تصمیم گیری مدیران آنان است که یکی از مخرب ترین و خطرناک ترین تقابل ها است؛ چراکه اندیشه، تفکر، عقل و رفتار مخاطبان را هدف تلاش خود قرار می دهد و سپس با روش های عملیات روانی از قبیل: تضعیف و سست کردن روحیه، شایعه و سیاه نمایی، تحریک هیجانات و عواطف، قرینه سازی، پاره حقیقت گویی، فرسوده کردن، سردرگم سازی، فلج کردن، اطلاعات دست چین شده و استفاده از تبلیغات، که در نهایت نگرش و رفتار افراد جامعه را تغییر می دهد.

۳. مقوله دیگر رویکرد جنگ شناختی، مدیریت افکار است که دشمن از طریق، مدیریت افکار عمومی و شکل گیری افکار عمومی و با در اختیار گرفتن افکار جامعه هدف، تلاش می کند تا افکار مدیران و رهبران جامعه را با روش مهندسی مدیریت اجتماعی به صورت ماهرانه جهت پیروزی در میدان نبرد، تغییر و یا گمراه نماید.

۴. رویکرد جنگ اطلاعاتی نیز از دیگر موارد مورد استفاده در جنگ شناختی است. در این رویکرد، دشمن از جنگ شناختی برای به کنترل گرفتن مدیریت اطلاعات، دست کاری اطلاعات و یا محروم کردن از دسترسی به آنها با روش هایی مانند تخریب فیزیکی



سامانه‌های اطلاعاتی، زیرساخت‌ها و بسترهای شبکه‌های انتقال اطلاعات، تلاش می‌کند تا اطلاعات را وارونه، جعلی، به‌صورت تبلیغاتی (متقاعدسازی، فریب، دروغ و ...) و براساس اهداف خود به کشور هدف عرضه نماید. دشمن در این شیوه با استفاده از روش رسانه و ابزارهایی مانند رسانه‌های اجتماعی، هوش مصنوعی، جنگ سایبری، تخریب زیرساخت‌های اطلاع‌رسانی و نیز با ارائه انبوهی از اطلاعات و ناتوانی در صحت‌سنجی آن‌ها از سوی افراد مورد هدف، تلاش می‌کند تا تاب‌آوری افراد جامعه را کاهش داده و باورها و رفتارهای آن‌ها را تغییر دهد. همچنین با استفاده از شیوه جنگ اطلاعاتی تلاش می‌کند تا با وارونه‌سازی و تحریف حقایق و واقعیت‌ها، باورهای جامعه را با اثرگذاری بر روی ادراک آن‌ها، تغییر داده و با انتشار گسترده اطلاعات نادرست، شایعه و تبلیغات بر تصمیم و قضاوت مدیران، نخبگان و افراد دخالت داشته باشد. دشمن در روش جنگ اطلاعات با انجام تجزیه و تحلیل دقیق و با استفاده از اطلاعات، تلاش می‌کند تا تصویرسازی از حقیقت و ادراک‌سازی برای افراد جامعه هدف را در راستای نیل به مقاصد خود با کمترین هزینه اجرا نماید. برای رسیدن به این هدف؛ می‌تواند اخبار جعلی و اطلاعات واقعی و تحریف‌شده (اطلاعات نادرست)، حقایق مبالغه‌آمیز و اخبار ساختگی (اطلاعات غلط) را باهم ترکیب کرده تا از آسیب‌پذیری‌های ذاتی ذهن به نفع خود بهره گیرد. همچنین در این شیوه می‌تواند با استفاده از اطلاعات مبتنی بر واقعیت برای تخریب سازمان و یا افراد استفاده کرده و نیز با استفاده از انواع روش‌های تبلیغات اندیشه‌های موردنظر خود را به جامعه هدف انتقال دهد. اقدامات فوق تحت عنوان مراحل جنگ اطلاعاتی می‌تواند در طی پنج مرحله شامل نفوذ، بهره‌برداری، تخریب اطلاعات، انهدام سامانه‌های اطلاعاتی و انهدام زیرساخت‌های حیاتی و حساس، انجام شود.

۵. مقوله‌های دیگر مورد بررسی در رویکردهای جنگ شناختی، تغییر باورها و ارزش‌های حاکم بر جامعه و مدیریت بر ادراک و اذهان است. دشمن در این رویکرد از جنگ شناختی، از دو تکنیک ایجابی و سلبی استفاده می‌کند. در تکنیک ایجابی تلاش می‌کند تا با قرینه‌سازی، برجسته‌سازی، کمرنگ‌نمایی، انسانیت‌زدایی و ... و در روش سلبی با

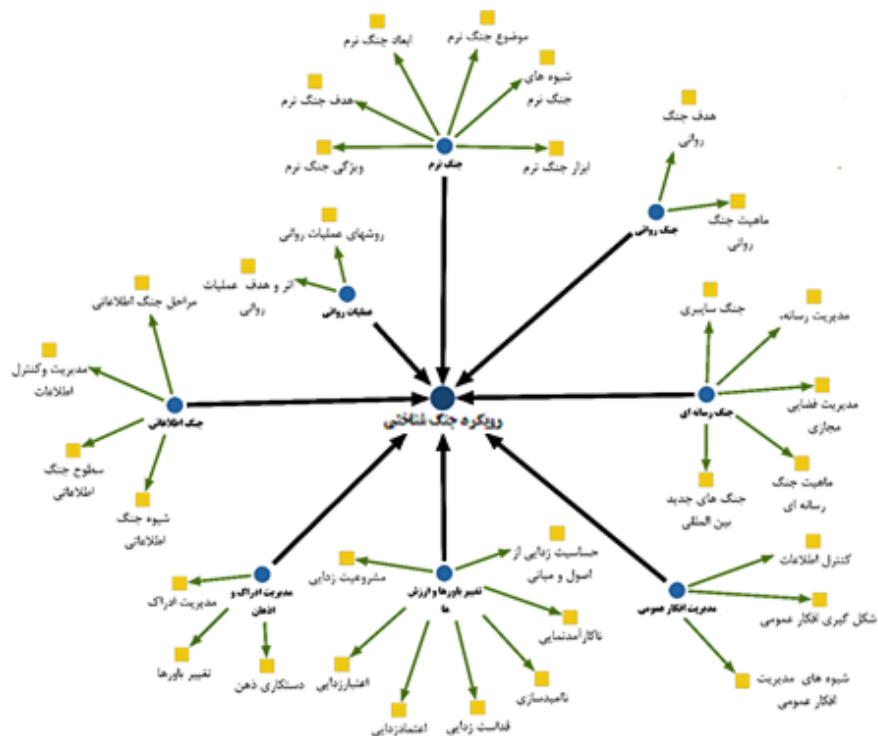
تکنیک‌های مشروعیت‌زدایی، اعتبار‌زدایی، اعتماد‌زدایی، قداست‌زدایی، ناامیدسازی و ناکارآمدی، ارزش‌های جامعه را سست و مردم را در مقابل نظام حاکم قرار دهد. در مدیریت ادراک و اذهان از سه روش مدیریت ادراک، تغییر باورها و دست‌کاری ذهن برای هدف قرار دادن اعتقادات، باورها، بینش‌ها، نگرش‌ها و رفتار حاکمان، نخبگان و توده جامعه، استفاده کرده و با روش کاملاً نامحسوس و خزنه‌نگرش افراد را نسبت به مسائل اساسی مانند امور اعتقادی، خانواده، مناسبات اجتماعی و سیاسی، الگوهای رفتاری، شیوه زندگی و یا ایده حاکمیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۶. مقوله دیگر مورد استفاده در رویکردهای نوین جنگ شناختی، جنگ رسانه‌ای است که با شیوه‌های جنگ سایبری، مدیریت رسانه و مدیریت فضای مجازی انجام می‌شود. دشمن در روش جنگ سایبری از انواع مختلف رسانه‌های اجتماعی مانند؛ سرآپه‌های شبکه‌های اجتماعی، پیام‌رسان‌ها، بازی‌های مجازی وبلاگ‌ها و میکروبلگاها استفاده می‌کند. از ویژگی رسانه‌های اجتماعی و از قدرت فناوری هوش مصنوعی برای باورپذیر نمودن افراد مخاطب بهره می‌گیرد و تلاش می‌کند تا با تخریب زیرساخت و شبکه اطلاع‌رسانی کشور هدف و راه‌اندازی شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های اطلاع‌رسانی وابسته، برای ایجاد آشوب، بحران، ناامنی و اغتشاش اجتماعی استفاده کند. همچنین با مدیریت رسانه به منظور مستندسازی‌های پیچیده و حیل‌های رسانه‌ای، زیرساخت‌های فکری و مذهبی مردم کشور هدف را زیر سؤال برده و اعتقادات گذشته مخاطبان را با تردید روبه‌رو می‌کند.

۷. جنگ نرم نیز یکی دیگر از مقوله‌های رویکردهای نوین جنگ شناختی است که می‌تواند در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و دفاعی-امنیتی اعمال شود. آنچه در این روش مهم است، استفاده از ابزارهای جدید رسانه‌ای و فضای مجازی برای تحت تأثیر قرار دادن افراد جامعه است. دشمن برای پیشبرد اهداف خود از تولیدات رسانه‌ای جذابی برای «اقناع و همراه‌سازی» استفاده کرده تا از آن طریق بتواند فرهنگ، اعتقادات، دین و ایدئولوژی یک ملت را تخریب و منابع قدرت معنوی خود را جایگزین آن کند؛ بنابراین



هدف اساسی آن اثرگذاری بر نگرش‌ها، باورها، عقاید، اهداف و ارزش‌های جامعه هدف از طریق مدیریت ادراک است تا با ایجاد تغییر در مخاطبان، آن‌ها را با اهداف و منافع موردنظر خود هم‌سو نماید. بدیهی است که با تغییر هر نوع باور و اندیشه، مدل‌های رفتاری جدید بر اساس باورها و افکار جدید؛ جایگزین مدل‌های قبلی آن خواهد شد و نیز در سطح ملی با ایجاد تغییر در ساختار سیاسی که هدف نهایی این روش است؛ نظام سیاسی مشروعیت و مقبولیت خود را بین ملتش از دست داده و به راحتی زمینه‌های لازم برای تغییر آن ساختار و نظام سیاسی و جایگزین شدن یک نظام و ساختار جدید موردنظر دشمن، فراهم می‌گردد. در این روش نیز دشمن می‌تواند از عملیات رسانه‌ای جهت تضعیف چهره کشور هدف و دفاع از منافع خود استفاده کند. همچنین از روش فریب راهبردی و عملیات شناختی، ادراکی، عملیات رسانه‌ای و دیپلماسی عمومی علیه کشور هدف و برای دستیابی به اهداف خود استفاده می‌کند.



شکل ۳: رویکردهای نوین جنگ شناختی در حوزه فرهنگی و اجتماعی

تجزیه و تحلیل کیفی ابزارهای نوین جنگ شناختی در حوزه فرهنگی و اجتماعی

بر طبق یافته‌های تحقیق و با توجه به بررسی‌های موجود و همچنین مرور سوابق مرتبط، یکی از موارد مهم دیگر در حوزه فرهنگی و اجتماعی جنگ شناختی، ابزارهای نوین جنگ شناختی است. در تحلیل کیفی انجام شده با نرم افزار مکس کیودا، ۴ مقوله، اطلاعات و فناوری اطلاعات، مدیریت در لحظه ذهن و روان، فضای مجازی و رسانه در حوزه ابزارهای نوین فرهنگی و اجتماعی جنگ شناختی احصا گردید که نتایج تحلیل به شرح زیر است:

۱. یکی از مقوله‌های ابزارهای نوین جنگ شناختی استفاده از فناوری اطلاعات و ریزابزارهایی مانند: رایانه‌ها، شبکه‌ها و سامانه‌های وابسته به آن است که از آن‌ها برای



جمع‌آوری، پردازش و انتقال اطلاعات به‌منظور تأثیرگذاری بر نگرش‌ها و افکار عمومی استفاده می‌گردد.

۲. مقوله دیگر مورد استفاده در ابزار جنگ شناختی، مقوله مدیریت در لحظه ذهن و روان است که در این ابزار از توانایی فردی افراد از قبیل زیرکی، هوشمندی، حدس و گمان، آگاهی از سرشت افراد، استفاده می‌شود.

۳. فضای مجازی و استفاده از آن یکی دیگر از مقوله‌های ابزارهای نوین جنگ شناختی است که از این ابزار در دو سطح بستر فضای مجازی و فضای مجازی و اینترنت برای انتقال پیام‌ها، استفاده می‌گردد. این بستر محیطی برای جنگ سایبری و جنگ نرم و نیز استفاده از این فضا برای ایجاد جاذبه‌های گوناگون و خلق بسترهای لازم برای سوارشدن به امواج احساسات افراد جامعه هدف مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴. یکی دیگر از مقوله‌های ابزارهای نوین جنگ شناختی، استفاده از رسانه از طریق مدیریت رسانه به‌عنوان ابزار سایبر، سلاح رسانه و فضای رسانه است. دشمن در جنگ شناختی از ابزارهای سایبری برای تغییر فرایندهای شناختی افراد کشور هدف استفاده کرده و برای رسیدن به این هدف از زیرساخت‌های رسانه‌ای نوین و سایبری، بهترین استفاده را به عمل آورده و از رسانه‌های جدیدتر برای نابودی ارزش‌ها، باورها و اعتقادات کشور هدف از طریق انجام جنگ رسانه‌ای، عمل می‌کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش که بیان می‌دارد، رویکردها و ابزارهای نوین جنگ شناختی در حوزه فرهنگ و اجتماع کدامند؟ و منطبق بر تحقیقات انجام شده ابزارهای نوین اصلی در جنگ شناختی، به‌ویژه در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی، انتشار گسترده اطلاعات نادرست، شایعه‌پراکنی و تبلیغات به‌منظور تخلیه روانی گیرندگان اطلاعات (افراد) است. ذهن انسان، به دلیل شیوه‌های خاصی که برای پردازش اطلاعات دارد، قادر به صحت‌سنجی و پردازش انبوهی از اطلاعات نیست و این دقیقاً همان نقطه آسیب‌پذیری است که جنگ

شناختی از آن بهره می‌برد. یکی از ویژگی‌های منفی ذهن انسان، خطای شناختی است که در هنگام تحلیل و تفسیر اطلاعات، فرد را به اشتباه می‌اندازد و مانع از ارزیابی صحیح شرایط موجود می‌شود. این امر باعث می‌شود تا فرد نتواند گزینه‌های پیشرو را به درستی شناسایی و انتخاب کند. مراحل انجام یک عملیات شناختی شامل تعریف هدف، تعیین مخاطب هدف، انتخاب و تعیین روش‌های جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل اطلاعات، انتشار اطلاعات و اقدامات اجرایی است. برای انجام این مراحل، نیاز به شیوه‌ها و ابزارهای جنگ شناختی وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به جنگ روانی، جنگ اطلاعاتی، جنگ نرم و جنگ سایبری اشاره کرد. دشمن با استفاده از ابزارها و فنون نوین جنگ اطلاعاتی تلاش می‌کند تا افکار مدیران، رهبران و شهروندان طرف مقابل را تحت تأثیر قرار دهد. این تأثیرگذاری با ترکیبی از جنگ روانی، جنگ سایبری، جنگ نرم و سایر ابزارهای دیجیتالی، به‌ویژه با حداقل خسارت فیزیکی، در سه لایه ادراکی، لایه ارتباطی با فضای سایبر و بستر فیزیکی صورت می‌گیرد. در جنگ اطلاعاتی، تکنیک‌های مختلفی همچون فریب، دروغ، شایعه‌پراکنی و وارونه‌نمایی واقعیت، بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی به کار می‌روند. با ظهور انقلاب سایبری، ابزارهایی چون تبلیغات و اخبار جعلی (اطلاعات غلط غیر عامدانه، اطلاعات غلط عامدانه یا اطلاعات واقعی که برای آسیب رساندن به فرد، سازمان یا کشور خاصی استفاده می‌شوند) مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. یکی دیگر از رویکردهای جنگ شناختی، استفاده از فنونی برای عملیات روانی است. در این رویکرد، دشمن از طریق مدیریت ادراک، به‌طور خزنده و نامحسوس قوای شناختی مخاطبان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نگرش آن‌ها را نسبت به مسائل اساسی نظیر اعتقادات و باورها، خانواده، مناسبات اجتماعی و سیاسی، الگوی رفتاری، شیوه زندگی و ایده حاکمیت تغییر می‌دهد. در این فرایند، از تکنیک‌های مختلفی نظیر تمرکز بر موقعیت، خبر، مخاطب، هدف یا نوع پردازش اطلاعات استفاده می‌شود. همچنین، از تکنیک‌هایی مانند برجسته‌سازی، کمرنگ‌نمایی، تحریک احساسات و عواطف، قرینه‌سازی، پاره حقیقت‌گویی، انسانیت زدایی، اهریمن‌سازی، برچسب‌زنی، مشروعیت زدایی، اعتبار زدایی، اعتماد زدایی، قداست زدایی، ناامیدسازی و ناکارآمد سازی برای ایجاد رویگردانی اجتماعی و از بین بردن



سرمایه اجتماعی استفاده می‌شود. این اقدامات باعث می‌شود که مردم از حاکمیت فاصله گرفته و مشروعیت آن دچار بحران شود. در ادامه، جنگ سایبری و ابزارهای آن به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در جنگ شناختی معرفی می‌شوند. هدف از حملات سایبری، تخریب دستگاه‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی کشور هدف است. دشمن با بهره‌گیری از فضای سایبری، عملیات اطلاعاتی را در حوزه‌های سنتی با تأثیرگذاری بیشتر انجام می‌دهد. این عملیات شامل ایجاد آشوب، بحران، ناامنی و اغتشاش با از کار انداختن زیرساخت‌های اساسی، انجام عملیات روانی و راه‌اندازی شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های اطلاع‌رسانی است. با استفاده از هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین رسانه‌ای، دشمن تلاش دارد تا شهروندان کشور هدف را در جنگ شناختی تحت تأثیر قرار دهد. جنگ نرم و ابزارهای آن نیز در این فرایند نقش بسزایی ایفا می‌کنند. در این نوع جنگ، دشمن به تخریب فرهنگ، اعتقادات، دین و ایدئولوژی یک ملت پرداخته و سعی دارد آن‌ها را با منابع معنوی و قدرت نرم خود جایگزین کند. در این راستا، دشمن تلاش می‌کند تا با استفاده از اقدامات نرم‌افزاری و روانی، حوزه‌های افکار و باورهای اجتماعی را به‌منظور تحقق اهداف خود تسخیر کند. برای تأثیرگذاری بر ادراک و ذهن افراد، از تکنیک‌های مختلفی مانند عملیات رسانه‌ای، عملیات روانی، عملیات شناختی، فریب استراتژیک و دیپلماسی عمومی استفاده می‌شود. این تکنیک‌ها در نهایت به شکل‌دهی به ذهنیت‌ها و تحریف واقعیت‌ها می‌انجامد. در مجموع، جنگ شناختی از طریق ترکیب روش‌ها و ابزارهای مختلف در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سایبری به دنبال تأثیرگذاری بر ذهنیت و ادراک افراد است. این فرایندها، به‌ویژه در دنیای امروز که تحت تسلط رسانه‌ها و فضای سایبری است، می‌توانند آثار چشمگیری بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع مختلف داشته باشند. در تحقیق انجام شده در خصوص مضمون رویکردهای نوین حوزه فرهنگ و اجتماع ۳۲ مفهوم و ۸ مقوله و ابزارهای نوین ۱۰ مفهوم و ۴ مقوله احصا گردید که می‌تواند مبنای طراحی برنامه‌های عملیاتی و پژوهشی برای مقابله با جنگ شناختی در حوزه فرهنگی و اجتماعی قرار گیرد.

پیشنهادهای پژوهش

- ✓ نتایج تحقیق به معاونت فرهنگی و جنگ نرم ستاد کل نیروهای مسلح و معاونت آموزش ستاد کل نیروهای مسلح ارسال شود تا از این طریق تمامی یگان‌ها و سازمان‌های نیروهای مسلح از خروجی‌های به‌دست‌آمده در زمینه ابزارها و رویکردهای نوین جنگ شناختی در حوزه فرهنگی و اجتماعی بهره‌برداری نمایند.
- ✓ نتایج تحقیق به معاونت عملیات و اطلاعات ستاد کل نیروهای مسلح و سایر سازمان‌های مرتبط با این حوزه ارسال گردد تا از آن برای تقویت آمادگی در برابر تهدیدات جنگ شناختی استفاده شود.
- ✓ نتایج تحقیق برای تهیه و پیاده‌سازی طرح‌ها و دستورالعمل‌های مقابله با جنگ شناختی در سازمان‌های نیروهای مسلح و سایر سازمان‌های کشوری مرتبط با حوزه جنگ شناختی به کار گرفته شود.
- ✓ سازمان‌های لشکری و کشوری مرتبط با جنگ شناختی باید برنامه‌های آموزشی مناسب برای کارکنان خود در زمینه رویکردها و ابزارهای جنگ شناختی و مقابله با آن را طراحی و اجرا نمایند.
- ✓ سازمان‌های نیروهای مسلح باید به تحقیق و توسعه در زمینه فناوری‌ها، توسعه سامانه‌ها، سیستم‌ها و راهکارهای مقابله با جنگ شناختی اقدام نمایند.



فهرست منابع

- آل داود، سید علیرضا (۱۴۰۲)، *هنر جنگ شناختی در عصر هوش مصنوعی*، تهران: انتشارات نواندیشان دنیای کتاب، چاپ اول
- بابایی طلائی، محمدباقر (۱۳۸۴)، *مبانی استراتژی فرهنگ از دیدگاه امام علی (ع)*. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ، چاپ اول
- بخشی، حامد (۱۳۹۹)، *ذهن و نقش آن در جنگ‌های شناختی*، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، چاپ اول
- بروس، کوئن (۱۴۰۲)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه و اقتباس غلام عباس توسلی، رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت، چاپ ۳۷
- جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۸۴)، *از واقعیت تا ابر واقعیت: نقش رسانه‌های غربی در بازنمایی بیداری اسلامی در خاورمیانه*، فصلنامه علمی رسانه، شماره ۲۲
- جوانی، محمد (۱۴۰۱)، *علوم شناختی در جنگ شناختی*، تهران: دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، انتشارات ادیب، چاپ بیستم
- حاجی‌زاده، سیروس (۱۴۰۱)، *تبیین زمینه‌ای، نظری، مفهومی و کاربردی جنگ شناختی*، دوفصلنامه بازی جنگ، سال پنجم، شماره ۱۰
- خوش رقم، داود (۱۳۹۶)، *عملیات روانی*، انتشارات معاونت آموزش نزاجا
- دو کلوزل، فرانسوا (۱۴۰۱)، *ظهور جنگ شناختی*، ترجمه محمد حسین قربانی زواره، سید علیرضا مصطفوی، انتشارات شناخت پژوه، چاپ اول
- رحمانی، محمود؛ گلرومفرد، زهرا (۱۳۸۹)، *نقش سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران در ارتقای سرمایه فرهنگی شهروندان تهرانی*، مورد مطالعه کانون‌های بانوان منطقه ۶، فصلنامه مجله مدیریت فرهنگی، سال چهارم، شماره ۱۰
- رضایی، علیرضا؛ ترابی، قاسم (۱۴۰۱)، *تبیین مفهومی و محتوایی جنگ‌های نوین در عرصه روابط بین‌المللی*، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال ششم، شماره ۱
- ریاضی وحید و همکاران (۱۴۰۰)، *معرفی مؤلفه‌ها و ابزارهای جنگ ترکیبی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه علمی راهبرد دفاعی، سال نوزدهم، شماره ۷۳
- سعیدی، علی اصغر (۱۳۹۱)، *جنگ روانی*، انتشارات دایره

- سلیمی، حسین (۱۳۸۳)، *فرهنگ گرای، جهانی‌شدن و حقوق بشر*، انتشارات وزارت امورخارجه، چاپ دوم
- شاین، ادگار (۱۳۸۳)، *مدیریت فرهنگ‌سازمانی و رهبری*، ترجمه برزو فرهی بوزنجانی و شمس‌الدین نوری نجفی، تهران: انتشارات سیمای جوان
- شیرازی، علی (۱۳۹۵)، *مدیریت فناوری اطلاعات در سازمان‌ها*، مجله علوم اطلاعات و فناوری دانشگاه تهران، جلد ۱۲، شماره ۴
- صادقی، علی؛ هادیان، زهرا (۱۳۹۴)، *نقش رسانه در جنگ نرم با نگاهی به جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه علمی تخصصی پویش در آموزش علوم انسانی، سال اول، شماره ۱
- عراقی، عبدالله؛ بیدگلی، محمد؛ رجبی ده برزویی، اصغر (۱۴۰۱)، *واکاوی اهداف جنگ شناختی دشمن و راهکارهای تاب‌آوری مقابله با آن با تأکید بر آموزه‌های قرآن*، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، دوره ۸، شماره ۴۴
- عراقی، عبدالله و همکاران (۱۳۹۹)، *عملیات روانی در جنگ‌های آینده*، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی
- فرخی، زهرا (۱۳۹۹)، *راهکارهای افزایش سواد رسانه‌ای مخاطبان*، معاونت سیاسی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران وبگاه خبرنوز.
- قائمی، موسی الرضا (۱۴۰۰)، *تبیین نقش علوم شناختی در تهدیدات امنیتی با تأکید بر حوزه اجتماعی*، رساله دکتری، دانشگاه عالی دفاع ملی
- قرایی آشتیانی، محمدرضا و همکاران (۱۴۰۳)، *تبیین جنگ شناختی*، مطالعات گروهی دوره هفتم اندیشه نظامی، دانشگاه عالی دفاع ملی
- کروبر، کلاکن (۱۳۷۵)، *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*، مترجم: داریوش آشوری، انتشارات مرکز اسناد فرهنگی آسیا
- ماکسیمنکو، اس. دی (۲۰۲۳)، *درک جنگ شناختی مدرن در مقیاس جهانی*، کیف: انتشارات آکادمی ملی علوم تربیتی اوکراین
- ماندگار، محمدمهدی (۱۳۸۴)، *فرهنگ‌سازی در نهج‌البلاغه*، فصلنامه علوم سیاسی (باقرالعلوم)، سال سوم، شماره ۱۰



- محبوب عشرت‌آبادی، حسن؛ شکوری مغانی، سعید (۱۴۰۱)، *جنگ شناختی مدرن: از شناخت در رزم تا عرصه جنگ شناختی*، فصلنامه مطالعات منابع انسانی دانشگاه شهید ستاری، دوره ۱۲، شماره ۲
- محمدی نجم، سید حسین (۱۳۹۶)، *جنگ شناختی، بُعد پنجم جنگ (چاپ دوم)*. تهران: انتشارات موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی
- مصطفی ایزدی و همکاران (۱۴۰۲)، *طراحی الگوی مدیریت افکار عمومی از طریق فضای مجازی*، مطالعات گروهی دوره پانزدهم سیاست دفاعی، دانشگاه عالی دفاع ملی
- مظفر زاده، فتح اله (۱۳۸۲)، *زمینه‌سازی برای دستیابی به نظام توسعه فناوری، فصلنامه ستاد پیشبرد علوم در ایران ۱۴۰۰*، علم و آینده، سال دوم، شماره ۶
- مقدم فر، حمیدرضا؛ محسنی آهویی، ابراهیم (۱۴۰۱)، *جنگ شناختی: علم پیروزی درنبرد ذهن*، تهران: وبگاه خبرگزاری تسنیم
- ولی وند زمانی، حسین؛ شهلایی، ناصر؛ مهرنیا، احمد (۱۳۸۹)، *نظریه‌های راهبردی*، تهران: انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد

References

- Clausewitz, C. von. (1976). On war (M. Howard & P. Paret, Eds. & Trans). Princeton University Press.
- David E. Rogers, Sarah K. Jenkins. (2020).The Use of Tools in the Digital Era: A Framework for Technological
- Ellison,A. (2020).Advancement",International Journal of Technological Innovations,Targeted messaging and cognitive warfare: The role of big data and artificial intelligence. Digital Society Review, 15(2).
- John L. Fisher, Helen K. Howard. (2020).The Role of Culture in Shaping Social Norms and Behavior",Journal of Cultural Studies
- John M. P. Carlsen, Karen E. Jensen. (2018).The Role of Strategic Management Approaches in Organizational Effectiveness", Journal of Business Strategy
- Laura T. Green, Michael D. Howell.(2021).Emerging Trends in Modern Technology and its Impact on Society, Journal of Contemporary Innovation
- Le Guyader, H. (2022). Cognitive domain: A sixth domain of operations
- Michael T. Brown, Lisa M. Wright.(2019).The Dynamics of Social Movements: Understanding Collective Behavior and Social Change",Social Movement Studies
- Newman, J. (2019). Media literacy and the importance of critical awareness in the digital age. Journal of Communication Studies, 42(3), 28-42.
- Santiago,R.M. (2012),The Theory of self-organization:AFrame work for Understanding Comlex system
- Singer, P. W. & Brooking, E. T. (2018). LikeWar: The weaponization of social media. Eamon Dolan Books
- William L. Phelps, Richard H. Lee. (2022). Cognitive Warfare: The New Battlefield of the 21st Century, International Journal of Cybersecurity and Information Warfare.



Futures Studies Implications for Military Intelligence Organizations

Ali Niknam

PhD Candidate in Futures Studies, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran
(Corresponding Author).

Email: alinicknam@edu.ikiu.ac.ir

Mohammadrahim Eivazi

Professor, School of Governance, University of Tehran, Tehran, Iran

Email: mr.eivazi@ut.ac.ir

Abstract

Futures studies entail numerous implications for military intelligence organizations, assisting managers, analysts, and intellectual stakeholders within these institutions in updating their concepts, methods, and theoretical frameworks through the application of this relatively new and dynamic field of knowledge. This study aims to support military intelligence organizations in renewing various components of their structures by identifying and analyzing the implications of futures studies. Accordingly, it seeks to answer the following question: *What are the implications of futures studies for military intelligence organizations?* The present research is applied in nature and adopts a qualitative approach. Data were collected through library-based research and semi-structured interviews. The primary method of data analysis was thematic analysis, conducted within the methodological framework of implication analysis.

Overall, the findings indicate that, given the core mission of military intelligence organizations—namely, fulfilling future-oriented military intelligence requirements—futures studies can support the intelligence cycle that underpins these organizations' activities by offering specific methodologies and highlighting key underlying assumptions. The most significant implications of futures studies for these organizations are, respectively, observed in the stages of planning and direction of the intelligence cycle, analysis and production, dissemination, and integration. Furthermore, the implications of futures studies are predominantly associated with its methodological tools, among which scenario planning, the Delphi method, and trend analysis exhibit the greatest relevance and impact, respectively.

Keywords: Futures Studies, Military Intelligence, Intelligence Cycle, Intelligence Process, Implication Analysis



دلالت‌های آینده‌پژوهی برای سازمان‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح

علی نیکنام

دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۱)، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

Email: alinicknam@edu.ikiu.ac.ir

محمد رحیم عیوضی

استاد دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: mr.eivazi@ut.ac.ir

چکیده

آینده‌پژوهی دلالت‌های بسیاری برای سازمان‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح دارد و به مدیران، کارشناسان و صاحبان اندیشه در این سازمان‌ها کمک می‌نماید تا مفاهیم، روش‌ها و نظریه‌های خود را با استفاده از این دانش نسبتاً جدید و پویا، به‌روزرسانی نمایند. این پژوهش که با هدف کمک به چنین سازمان‌هایی در به‌روزرسانی بخش‌های مختلف خود با استفاده از دلالت‌های آینده‌پژوهی انجام شده، تلاش کرده است به این پرسش پاسخ دهد که دلالت‌های آینده‌پژوهی برای سازمان‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح چیست. پژوهش حاضر از نوع کاربردی و با رویکرد کیفی است. داده‌ها به روش‌های کتابخانه‌ای و مصاحبه جمع‌آوری گردیدند و روش محوری تحلیل آن‌ها نیز تحلیل مضمون بوده که در چهارچوب روش‌شناسی دلالت‌پژوهی انجام شده است. به‌طورکلی یافته‌ها نشان دادند که در نظر گرفتن وظیفه اصلی سازمان‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح که تأمین نیازمندی‌های اطلاعاتی نظامی معطوف به آینده است، آینده‌پژوهی می‌تواند از طریق روش‌شناسی‌هایی که ارائه می‌دهد و مفروضاتی که آن‌ها را برجسته کرده است، مدار یا فرایند اطلاعاتی که محور فعالیت‌های این سازمان‌ها است را یاری نماید. بیشترین دلالت آینده‌پژوهی برای این سازمان‌ها به ترتیب در بخش‌های طرح‌ریزی و هدایت مدار اطلاعاتی، تحلیل و تولید و انتشار و یکپارچه‌سازی است. همچنین دلالت‌های آینده‌پژوهی بیشتر متعلق به روش‌شناسی‌های آن است که در میان این روش‌شناسی‌ها سناریو، دلفی و روندپژوهی به ترتیب بیشترین دلالت را دارند.

کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی، اطلاعات نظامی، مدار اطلاعاتی، فرایند اطلاعاتی، دلالت‌پژوهی.

مقدمه

آینده‌نگری از اصول آمادگی نظامی بوده (دادوند و افشردی، ۱۴۰۳) و با گذری کوتاه در راهروهای سازمان‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح و مصاحبت با مدیران و کارشناسان، دغدغه بهره‌وری از آینده‌پژوهی در جهت افزایش بازدهی فرایندها و غنابخشی محصولات اطلاعاتی به‌خوبی درک می‌شود. آن روش‌شناسی که پاسخ‌گوی این نیاز هوشمندانه باشد، «دلالت‌پژوهی» است. مفاهیم و روش‌های اطلاعاتی در سازمان‌های نیروهای مسلح برای تقویت و حفظ غنای خود نیازمند پژوهش‌های دلالت‌پژوهی در جهت بهره‌وری از دلالت‌های فلسفه‌ها، ایده‌ها یا نظریه‌های جدید هستند. در سازمان‌های رقابت‌کننده وقتی فلسفه، ایده، چهارچوب، نظریه یا مدل جدیدی مطرح می‌شود همگی تمایل دارند از آن‌ها برای توسعه دانش خود بهره‌گیرند. مأخذ و محمل اصلی گسترش، تقویت و غنابخشی به دانش بشری نیز از همین‌جا نشئت می‌گیرد. دانایی فرد (۱۳۹۵)، پژوهش‌هایی که در این راستا انجام می‌شوند را «پژوهش‌های دلالت‌پژوهی» نام‌گذاری کرده است. برای دلالت‌پژوهی سازمان‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح به‌عنوان مقصد دلالت‌ها دو رویکرد کلی وجود دارد. رویکرد اول، نظام‌مند و رویکرد دوم برایشی است. در رویکرد نظام‌مند، مبدأ و مقصد دلالت‌ها به اجزاء، تجزیه‌شده و اثر هر جزء مبدأ بر هر جزء مقصد در قالب یک جدول اثر متقاطع بررسی می‌شود. در رویکرد برایشی اسناد مختلف مطالعه شده و در صورت نیاز با مراجعه به صاحب‌نظران، دریافته می‌شود که دلالت‌های مبدأ برای مقصد به‌طورکلی چیستند. البته محققانی که بر هر دو حوزه مبدأ و مقصد اشراف کافی داشته باشند می‌توانند رأساً نسبت به دلالت‌پژوهی برایشی با مبدأ و مقصد این دو حوزه اقدام نمایند. آینده‌پژوهی به‌عنوان یک رشته میان‌رشته‌ای نسبتاً جدید در حوزه علوم اجتماعی، در روش‌شناسی‌های خود و نگاه انتقادی به مفاهیمی مانند «آینده»، دلالت‌های زیادی برای سایر بخش‌های حوزه‌های علوم اجتماعی و گاهی انسانی دارد. ازاین‌رو شایسته است سازمان‌های اطلاعاتی در نیروهای مسلح نیز در هر دو رویکرد اکتشافی و هنجاری خود از آن بهره‌ ببرند؛ بنابراین بررسی دلالت‌های آینده‌پژوهی برای سازمان‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح، ضمن اینکه پاسخی است به پرسش



بسیاری از مدیران، کارشناسان و صاحبان اندیشه در این سازمان‌ها به آن‌ها کمک می‌نمایند تا مفاهیم، روش‌ها و نظریه‌های خود را با استفاده از این دانش نسبتاً جدید و پویا، به‌روزرسانی نمایند. از سویی دیگر بی‌توجهی به دلالت‌های آینده‌پژوهی در سازمان‌های اطلاعاتی، امکان واگذاری صحنه به رقبا را افزایش می‌دهد. پیش‌بینی روندها، رویدادها و پیامدهای آن‌ها از غافلگیری راهبردی جلوگیری می‌کند (یوسفوند و تشکری پور، ۱۴۰۳). برای حل مسئله این پژوهش از سوی نویسندگان تلاش می‌شود با استفاده از رویکرد تلفیقی روش‌شناسی دلالت‌پژوهی (نظام‌مند و برایشی)، به این سؤال پاسخ داده شود که دلالت‌های آینده‌پژوهی برای سازمان‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح چیستند. برای پاسخ به این سؤال در ابتدا بخش‌های مختلف مقصد دلالت‌پژوهی یعنی سازمان‌های اطلاعاتی مورد واکاوی قرار گرفته و سپس دلالت‌های آینده‌پژوهی برای هر یک از آن‌ها معرفی می‌شوند. هدف این پژوهش کمک به سازمان‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح در به‌روزرسانی بخش‌های مختلف خود با استفاده از دلالت‌های آینده‌پژوهی برای آنان است.

۱. پیشینه پژوهش

در بررسی ادبیات موضوع، پژوهشی که با موضوع این پژوهش انجام شده باشند، یافت نشد؛ اما پژوهش‌هایی هستند که به موضوع، نزدیک بوده و مرور آن‌ها بینش‌هایی در باب کاربرست آینده‌پژوهی در سازمان‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح ارائه می‌دهد.

توکلی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهش خود با عنوان «طراحی سامانه دیده‌بانی امنیت جامعه و بحران‌های اجتماعی» دیدبانی را یک فعالیت آینده‌پژوهی تعریف کرده‌اند که اطلاعات لازم برای تحلیل‌ها و تجویزهای هوشمندانه را فراهم می‌کند. ایشان با استفاده از این تعریف یک سامانه دیده‌بانی امنیت جامعه و بحران‌های اجتماعی طراحی کرده‌اند که از بخش‌های ورودی، پردازش، خروجی و بازخورد تشکیل شده است.

میرزایی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «توسعه مدل دیدبانی تحولات محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران» با بررسی روش‌های مختلف آینده‌پژوهی، الگویی برای

دیدبانی تحولات راهبردی محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا طراحی کردند. آن‌ها به مدلی بهینه برای پویش علائم ضعیف تغییر و پایش تحولات جاری منطقه غرب آسیا دست یافتند که شامل سه بخش اصلی گردآوری اطلاعات، تحلیل اطلاعات و اطلاع‌رسانی بود. ایشان در ذیل این سه بخش، فعالیت‌های پویش محیطی، روندپژوهی، سناریوپردازی، مشارکت ذی‌نفعان، تحلیل خبره‌محور، هشدار زودهنگام و تجویز راهبردی را قرار دادند.

امیری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان «رویکرد آینده‌پژوهی در پیش‌بینی تهدیدهای سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی (مورد مطالعه پاپا ناجا)» دریافتند آینده‌پژوهی با تأکید بر نحوه انتخاب روش‌های آینده‌پژوهی در سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی در پیش‌بینی تهدیدهای اطلاعاتی، ارزیابی و شناخت تحولات محیط خارجی (تهدیدها و فرصت‌های اطلاعاتی) دارای نقش محوری بوده و به نظر می‌رسد خبرگان و صاحب‌نظران سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی ضمن رصد و پایش مستمر حوزه‌های اطلاعاتی، توانمندی ارائه تصویری دقیق از وضعیت آینده فعالیت‌های اطلاعاتی را دارا هستند. همچنین رویکرد آینده‌پژوهی در تهیه برآورد و نیازمندی‌های جدید اطلاعاتی در سازمان پلیس به‌ویژه پلیس اطلاعات و امنیت عمومی ناجا و تولید ایده‌های نوین اطلاعاتی برای مقابله با بحران‌های اطلاعاتی-امنیتی دارای کارکردهای ویژه‌ای است، از طرفی پیش‌بینی اقدام‌ها و فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی حریف در آینده، پیش‌بینی مؤلفه‌های تأثیرگذار در کنش‌ها و اقدام‌های سازمان‌های اطلاعاتی حریف در آینده، دریافت و درک زودهنگام هشدارهای امنیتی، کمک به ترسیم آینده‌های مطلوب سازمان‌های اطلاعاتی از فرصت‌هایی است که آینده‌پژوهی در اختیار سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی قرار می‌دهد.

امینی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان «کاربست روش‌های آینده‌پژوهی در مطالعات امنیتی با تأکید بر تکنیک سناریونویسی GBN» با بررسی استفاده از روش برنامه‌ریزی سناریویی شبکه جهانی کسب‌وکار^۱ در تحلیل‌های امنیتی و استفاده از سایر روش‌های آینده‌پژوهی در خلال آن، نتیجه گرفتند توجه به دانش آینده‌پژوهی می‌تواند امنیت‌پژوهان را

1. Global Business Network (GBN)



در شناخت عوامل تهدیدزا، پیشران‌های تهدید و مدیریت تهدیدات پیش از بروز آسیب‌های جدی یاری نماید.

«استان»^۱ (۲۰۱۷) مطالعه خود با عنوان «آینده‌نگاری راهبردی در اطلاعات» را با هدف ارائه یک مرور کلی از نقش و اهمیت آینده‌نگری راهبردی در فرایند اطلاعات انجام داد. او دریافت در رومانی، حتی در شرایطی که چالش‌هایی برای امنیت ملی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را با مطالعات آینده‌پژوهی حل کرد، نگاهی محتاطانه به این نوع مطالعات وجود دارد. طبق یافته‌های او این نوع از مطالعات می‌تواند بینش‌هایی را فراهم آورد که در فرایند تصمیم‌گیری و مدیریت مناسب برای مقابله با چالش‌هایی که ناامنی را ایجاد می‌کنند، مورد نیاز است.

«اشمیت»^۲ (۲۰۱۵) در «سیاست، برنامه‌ریزی، اطلاعات و آینده‌نگاری در سازمان‌های دولتی» با بررسی کاربرست آینده‌نگاری در دولت‌ها دریافته است به‌جز در مواردی انگشت‌شمار، اجرای آینده‌نگری توسط دولت‌ها به‌هیچ‌وجه به‌طور نظام‌مند نبوده و به طرق مختلفی انجام شده است. او در مقاله خود پیشنهاد ایجاد یک سازمان مرکزی آینده‌نگری، گسترش واحدهای کوچک برنامه‌محور مبتنی بر افراد و تیم‌های مجازی و ایجاد یک شبکه توزیع‌شده غیرسلسله‌مراتبی را برای ارتباط میان همه آن‌ها مطرح کرده است.

مرور این پیشینه‌ها نشان می‌دهد غالب پژوهش‌هایی که در حوزه ترکیبی آینده‌پژوهی و اطلاعات نظامی انجام شده‌اند یا سامانه‌ای را جهت پیاده‌سازی در سازمان‌های اطلاعاتی پیشنهاد داده‌اند یا یک یا چند روش خاص را پیشنهاد کرده‌اند (مانند دیدبانی و سناریونویسی) و یا به‌طور کلی فواید آن را برای سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی برشمرده‌اند؛ ضمن اینکه پژوهش‌هایی که در کشور انجام شده‌اند با تمرکز بر حوزه امنیتی بوده‌اند و نه اطلاعاتی. نکته قابل توجه دیگر خلط مباحث آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری در برخی منابع است.

1. Mircea Stan

2. Schmidt, John Michael

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. مدار اطلاعاتی

پیش از تعریف مدار اطلاعاتی بهتر است مفاهیم «داده»^۱، «خبر»^۲ و «اطلاعات»^۳ مرور شوند. ذاکری (۱۳۸۹) در کتاب خود با عنوان «مدار اطلاعاتی» بدون اینکه اشاره‌ای به واژه داده داشته باشد، در مورد خبر و اطلاع می‌نویسد: «هرگونه پیام را که درستی یا نادرستی آن تأیید نشده باشد، خبر گویند یا هرگونه پیام خام را خبر گویند ... هرگونه پیام که صحت و سقم آن مشخص گردیده باشد آن را اطلاع می‌نامند.» سند منتشرشده توسط ارتش آمریکا (۲۰۱۳)، درباره این سه واژه چنین می‌نویسد: «داده خام کاربرد محدودی دارد. با این وجود وقتی جمع‌آوری و پردازش شده و به شکلی قابل درک درمی‌آید، به خبر تبدیل شده و کاربردهای بیشتری پیدا می‌کند. خبر به‌تنهایی ممکن است برای فرمانده مفید واقع شود؛ اما وقتی با سایر اخبار مرتبط با فضای عملیات^۴ ارتباط داده شد و الگوهای تجارب گذشته روی آن پیاده‌سازی شد به درک جدیدی از خبر ارتقا می‌یابد که می‌توان به آن اطلاعات گفت.»

سیاری و طحانی (۱۳۹۳) مدار اطلاعاتی را چنین تعریف کرده‌اند: تولید اطلاعات نتیجه یک سری فعالیت‌های مرتبط باهم است که به آن مدار اطلاعاتی گویند. مراحل مدار اطلاعاتی عبارتند از: «طرح‌ریزی و نظارت»^۵، «جمع‌آوری»^۶، «پرورش»^۷، «تولید»^۸ و «انتشار»^۹ و «بهره‌برداری». برخی منابع، مدار اطلاعاتی را «فرایند اطلاعات»^{۱۰} نیز نامیده‌اند. ارتش آمریکا (۲۰۱۳)، فرایند اطلاعات را چنین تعریف می‌کند: «فرایند اطلاعات، پایه واژه‌شناسی و روش‌های رایج اطلاعاتی را ارائه می‌کند و از شش دسته عملیات اطلاعاتی درهم‌تنیده تشکیل شده است. این عملیات طیف وسیعی از فعالیت‌های سازمان‌ها و ستادهای اطلاعاتی است که

-
1. Data
 2. Information
 3. Intelligence
 4. Operational Environment
 5. Planning and direction
 6. Collection
 7. Processing
 8. Production
 9. Dissemination
 10. Intelligence Process



با هدف ارائه اطلاعات مرتبط و به موقع به فرماندهان و تصمیم‌سازان سطوح ملی صورت می‌پذیرند. شش دسته عملیات اطلاعاتی عبارتند از: طرح‌ریزی و هدایت، جمع‌آوری، پردازش و استخراج، تحلیل و تولید، انتشار و یکپارچه‌سازی و ارزیابی و بازخورد. شکل (۱)، این تعریف را بهتر نشان می‌دهد.



شکل ۱: فرایند اطلاعات (US Army, 2013)

حال به تعریف اجمالی هر یک از بخش‌های مدار اطلاعاتی پرداخته می‌شود:

طرح‌ریزی و هدایت: در این بخش، نیازمندی‌های اطلاعاتی، برآورد شده، معماری مناسبی برای فرایند اطلاعات در نظر گرفته شده و طرح جمع‌آوری نوشته می‌شود. سپس دستورات و درخواست‌های خبری به سازمان‌ها یا یگان‌های خبری ابلاغ یا اعلام می‌شوند.

جمع‌آوری: همه فعالیت‌های لازم برای به دست آوردن داده‌ها در این بخش می‌گنجند. در این بخش، نحوه به‌کارگیری منابع، مشخص شده و مدیران جمع‌آوری، وظایف هر قسمت را ابلاغ می‌کنند. جمع‌آوران، داده‌ها را با استفاده از عوامل انسانی یا تجهیزات فنی، جمع‌آوری کرده و متناسب با جنس داده‌ها آن‌ها را در اختیار واحدهای پردازش و استخراج قرار می‌دهند.

پردازش و استخراج: در طول این بخش از فرایند اطلاعات، داده‌های خام جمع‌آوری شده به شکلی قابل استفاده برای فرماندهان، تصمیم‌سازان سطوح مختلف، تحلیلگران اطلاعات و

سایر بهره‌برداران درمی‌آیند. ظهور تصاویر، تبدیل و همبسته‌سازی^۱ داده‌ها، ترجمه رسانه‌ها و اسناد و رمزگشایی سیگنال‌ها، اقداماتی هستند که در این مرحله به اجرا گذارده می‌شوند. تحلیل و تولید: در این بخش تمامی اخبار پردازش شده به‌منظور پاسخ به نیازمندی‌های اطلاعاتی، مورد یکپارچه‌سازی، ارزیابی، تحلیل و تفسیر قرار می‌گیرند. تولیدات اطلاعاتی ممکن است به‌صورت شفاهی، انتشارات سخت یا رسانه‌های الکترونیکی باشند. انتشار و یکپارچه‌سازی: ضمن اینکه فراورده‌های اطلاعاتی از طریق افراد، سامانه‌های شبکه‌ای و پایگاه‌های داده ساماندهی می‌شوند در اختیار بهره‌برداران قرار می‌گیرد. ارزیابی و بازخورد: ارزیابی و بازخورد، فعالیتی است مستمر که تمام فرایند اطلاعات را در بر گرفته است. این بخش ضمن اینکه نحوه فعالیت سایر بخش‌ها را ارزیابی کرده و به آن‌ها بازخورد می‌دهد، تناسب اطلاعات تولید شده با نیازمندی‌های اطلاعاتی بهره‌برداران را تضمین می‌نماید.

به‌طور کلی مدار یا چرخه اطلاعاتی، مدل‌های دوار اطلاعاتی هستند که معمولاً از عناصر هدایت، جمع‌آوری، پردازش، تحلیل، انتشار و بازخورد تشکیل شده‌اند (Kuosa, 2014, p. 95).

۲-۲. آینده پژوهی

آینده پژوهی مطالعه نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح و دیدگاه‌ها و جهان‌بینی‌ها و اسطوره‌های بنیادین هر آینده است. آینده پژوهی از نیروهای خارجی تأثیرگذار بر آینده (طالع‌بینی و پیش‌گویی) به سمت ساختار (الگوهای تاریخی تغییر، ظهور و سقوط نظام‌ها و ملت‌ها) و عامل انسانی (مطالعه و خلق تصاویر مرجح آینده) حرکت کرده است (Inayatullah, 2007, p. 1). آینده پژوهی هر تلاش نظام‌مندی است که در جهت اصلاح فهم ما از پیامدهای آینده، ناشی از تحولات و انتخاب‌های کنونی باشد؛ هر تلاشی که در جهت روشمند کردن فرضیه‌ها و برداشت‌های ما در باب آینده باشد. این تلاش‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: استنتاج آینده‌های احتمالی، ممکن و مطلوب (Amara & Lipinski, 1974, pp. 289-292).



آینده‌پژوهی حوزه‌ای است که تفکری نظام‌یافته و صریح در مورد آینده‌های بدیل دارد. این حوزه پژوهشی در حال رشد، بر پایه مفروضات و دورنماهای ویژه استوار است و ارزش‌ها، روش‌ها و نظریه‌های ویژه‌ای را به کار می‌بندد. برداشتن پرده‌های ابهام از آینده، آشنا ساختن بیش‌ازپیش ما با گزینه‌های محتمل آتی و افزایش میزان استیلای انسان بر آینده، اهداف این حوزه پژوهشی به شمار می‌آیند. در نمایی گسترده و کلی، آینده‌پژوهان امیدوار هستند که بتوانند بر انتظارات مردم از آینده تأثیرگذار باشند و اقدام‌های آن‌ها را برای شکل دادن به آینده‌ای مطابق با مقاصد و ارزش‌های خود کامل‌تر کنند. بنابراین در یک معنا، آینده‌پژوهی به ما کمک می‌کند تا برای امور غیرقابل پیش‌بینی آماده شویم.

آینده‌پژوهی به‌عنوان یک رشته در سطوح هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و مفروضات قابل بررسی است. در حال حاضر هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی این رشته در پارادایم واقع‌گرایی انتقادی سیر می‌کند (Bell, 2003, pp. 3-4).

هدف روش‌شناسی آینده‌پژوهی کشف و خلق آینده‌های مطلوب به‌منظور اخذ تصمیم‌های بهتر در آینده است (شیرویه‌پور و فضل‌ی، ۱۴۰۱). در روش‌شناسی آینده‌پژوهی، روش‌هایی هستند که توسط آینده‌پژوهان از سایر رشته‌ها گرفته شده‌اند و منحصر به آینده‌پژوهی نیستند. آنچه این روش‌ها را به آینده‌پژوهی مرتبط می‌سازد، درون‌مایه مفهومی و هدف به‌کارگیری آن‌ها است و نه صرفاً ویژگی روش‌شناختی آن‌ها. روش‌هایی نیز وجود دارند که خاص رشته آینده‌پژوهی هستند؛ مانند روش «دلفی»^۱، «آینده‌پژوهی قوم‌نگاشتی»، «تحلیل لایه‌ای علی»^۲، «پویش محیطی»^۳، «چرخ آینده‌ها»^۴، «تحلیل ریخت‌شناختی»^۵، «سناریو»^۶، «تدوین چشم‌انداز»^۷، «پس‌نگری»^۸، «سیگنال‌های ضعیف»^۹ و «شگفتی‌سازها»^{۱۰}. آینده‌پژوهان صرفاً از این روش‌های پژوهش‌های علمی استفاده نمی‌کنند؛ بلکه از ترفندهای ادبی نویسندگان مقاله‌ها، داستان‌های

1. Delphi
2. Causal Layered Analysis
3. Environmental Scanning
4. Futures Wheel
5. Morphological Analysis
6. Backcasting
7. Weak Signals
8. Wild Cards

کوتاه و رمان‌ها و حتی شگردهای تلویزیونی و پویانمایی نیز استفاده می‌کنند (Aaltonen, 2009; Bell, 2003, pp. 239-242; Karlsen & Karlsen, 2013; Poli, 2018).

توسعه‌های فراوانی در روش‌های آینده‌پژوهی به‌ویژه در دوره نوین آن شکل گرفته است، تا جایی که در برخی منابع روش برنامه‌ریزی سناریویی را دچار آشوب روش‌شناختی دانسته است (Bradfield et al., 2005) با این وجود در روش‌شناسی آینده‌پژوهی با دو دسته کلی از روش‌ها روبه‌رو هستیم: دسته اول روش‌های خاص رشته آینده‌پژوهی یا ابداع‌شده توسط آینده‌پژوهان هستند و دسته دوم روش‌هایی هستند که به سایر رشته‌ها مانند جامعه‌شناسی، مدیریت، اقتصاد یا ... تعلق داشته و در آینده‌پژوهی نیز استفاده می‌شوند. در احصای سهم‌یاری‌های آینده‌پژوهی در این پژوهش، آن روش‌هایی مد نظرند که خاص این رشته هستند.

«بل» مفروضات کلیدی آینده‌پژوهی را چنین برمی‌شمارد: ۱. معنی زمان (زمان، پیوسته، خطی، یک‌سویه و بازگشت‌ناپذیر است)؛ ۲. تکینگی ممکن آینده (هر آنچه وجود خواهد داشت، لزوماً در گذشته یا حال وجود ندارد)؛ ۳. آینده‌اندیشی و اقدام (آینده‌اندیشی برای اقدام انسان، اساسی است)؛ ۴. مفیدترین دانش (هر فرایند تصمیم‌گیری آگاهانه و هدفمند به دانش درباره آینده وابسته است)؛ ۵. ابهام در حقایق آینده (آینده فاقد شاهد و مدرک است و نمی‌تواند مشاهده شود؛ بنابراین حقایق درباره آن وجود ندارد)؛ ۶. آینده‌ای باز (آینده به‌طور کلی ازپیش‌تعیین‌شده نیست)؛ ۷. انسان‌ها آینده خود را می‌سازند (اگرچه کم یا زیاد، پیامدهای آینده تحت تأثیر اقدامات فردی و جمعی است)؛ ۸. وابستگی متقابل و کل‌گرایی (وابستگی‌های متقابل در جهان، چشم‌اندازی کل‌نگر و رویکردی فرارشته‌ای را هم برای سازمان‌دهی دانش لازم تصمیم‌گیری و هم برای اقدام جمعی می‌طلبد)؛ ۹. آینده‌های بهتر (برخی آینده‌ها بهتر از دیگر آینده‌ها هستند). او همچنین سه مفروض عام آینده‌پژوهی را چنین برمی‌شمارد: ۱. افراد و طرح‌هایشان (افراد، دنبال‌کنندگان خلاق طرح‌هایشان و موجوداتی کنشگر، هدفمند و هدف‌گرا هستند)؛ ۲. جامعه به‌مثابه انتظار و تصمیم (جامعه تشکیل شده است از الگوهای پایدار واکنش‌های اجتماعی تکراری و رویه‌های در حال ظهور



رفتار انسانی که بر پایه فضا و زمان و انتظارات، امیدها و ترس‌ها از آینده و بر پایه تصمیم‌ها سازمان‌دهی شده‌اند) ۳. هستی و دانش واقعیت خارجی (صرف‌نظر از آگاهی انسان، یک واقعیت گذشته خارجی وجود داشت و یک واقعیت حاضر خارجی وجود دارد و این دو واقعیت، طبق اصول می‌توانند به‌صورت عینی توسط انسان‌ها، کمابیش دقیق شناخته شوند. علاوه بر این، آینده‌پژوهان فرض می‌کنند که یک واقعیت آینده وجود خواهد داشت، مستقل از آگاهی انسانی از آن و بنا بر اصول می‌توان درباره آن ادعاهایی مطرح کرد که می‌توانند به‌صورت عینی و کمابیش دقیق تضمین شوند) (Bell, 2003, pp. 140-161).

۳. روش‌شناسی

این پژوهش از نوع کاربردی و کیفی است. غالب داده‌ها به روش کتابخانه‌ای از میان مقالات و کتب موجود در پایگاه‌های علمی معتبر با استفاده از فایل‌های رایانه‌ای و برخی داده‌ها از طریق مصاحبه با صاحب‌نظران جمع‌آوری گردیدند. نوع داده‌ها کیفی بوده و روش محوری تحلیل آن‌ها نیز تحلیل مضمون است که در چهارچوب روش‌شناسی دلالت‌پژوهی انجام شده است.

تحلیل مضمون

استفاده از تحلیل مضمون به‌عنوان روشی برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی بسیار رایج است (Vaismoradi Turunen, 2013) و شامل فهم داده‌های جمع‌آوری‌شده، شناسایی مضامین و سپس تفسیر داده‌های شناسایی‌شده است (Tuckett, 2005). اگرچه اغلب از تحلیل مضمون به‌عنوان یک روش‌شناسی مستقل یاد می‌شود ولی به‌سادگی نمی‌توان آن را یک روش پژوهش دانست؛ چراکه در بسیاری از پژوهش‌های کیفی صرفاً به‌عنوان یک روش تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. برای انجام این روش، رویه‌های مختلفی وجود دارد. آنچه در تمامی این رویه‌ها مشترک است، جستجوی الگوهای موجود در معنا از طریق فرایندهای کدگذاری است. البته این رویه‌ها گاهی از بهترین حالت انجام روش تحلیل مضمون فاصله دارند. نمی‌توان یک رویه یکتا را برای تحلیل مضمون در نظر گرفت؛ زیرا در ابتدا که این روش ابداع شد به

شکل امروزی نبوده است و نگرش‌ها، مفاهیم و تجربیات متنوع افراد گوناگون آن را به اشکال امروزی درآورده است. روش تحلیل مضمون انعکاسی که براون و کلارک ارائه نمودند شامل این گام‌ها است: ۱. آشنایی با مجموعه داده‌ها؛ ۲. کدگذاری داده‌ها؛ ۳. تولید مضامین اولیه؛ ۴. توسعه و بررسی مضمون‌ها؛ ۵. پالایش، تعریف و نام‌گذاری مضامین و ۶. گزارش‌نویسی (Braun & Clarke, 2020).

دلالت پژوهی

تحقیقات دلالت‌پژوهی کاربردها، پیامدها، نکات، پیام‌ها یا رهنمودهایی از مبدأ دلالت را برای مقصد دلالت‌شناسایی یا معرفی می‌کنند.^۱ «دلالت»^۲ در حالت کلی به معنایی اشاره دارد که به صراحت بیان نشده است؛ ولی می‌توان آن را استنباط کرد. همچنین در فرهنگ کمبریج در گویش آمریکایی چنین معنی شده است: «اشاره به چیزی بدون بیان مستقیم آن»^۳ (Cambridge University Press, n.d). دلالت‌پژوهی، برقراری رابطه عالمانه بین مبدأ دلالت و مقصد دلالت از طریق عرضه نوعی حدس عالمانه از رهنمود مبدأ برای مقصد بوده و به نظر می‌رسد قابل آموزش نیست و حاصل شمّ درونی است. روش‌شناسی دلالت‌پژوهی، فرایندی مرکب از گام‌های متوالی برای برقراری ارتباط بین دو حوزه دانشی مجزا از هم است تا بتوان دلالت‌های صحیح و مناسب برای حوزه دانشی مبدأ احصا کرد. طرح مطالعاتی دلالت‌پژوهی به دو گونه کلی نظام‌مند و برایشی است. در طرح نظام‌مند ابتدا چهارچوب مفهومی دلالت‌پذیری مقصد دلالت به تفصیل طراحی می‌شود و سپس در میان سهم‌یاری‌های^۴ مبدأ دلالت، دلالت‌هایی برای تک‌تک عناصر تشکیل‌دهنده آن چهارچوب مفهومی یافته می‌شود. طرح برایشی، اما رویه‌ای مشخص ندارد و اشراف کافی محقق بر هر دو حوزه مبدأ و مقصد دلالت‌ها اساس کار است. در رویکرد تلفیقی ممکن است پژوهشگر چهارچوب مفهومی مقصد را مشخص نماید ولی اجازه دهد، سهم‌یاری‌ها به‌صورت برایشی ظهور کنند. دلالت‌پژوهی یازده مرحله

۱. مبدأ و مقصد دلالت می‌توانند یک نظریه، رشته علمی، مکتب یا مانند این‌ها باشند.

2. Implication

3. A suggestion of something that is made without saying it directly

4. Contributions



دارد که عبارتند از: ۱. تعیین مناسب بودن پژوهش دلالت‌پژوهی؛ ۲. تعیین مأخذ (مبدأ) احصای دلالت‌ها برای پرداختن به مسئله پژوهشی؛ ۳. تعیین فرایندی برای واکاوی مأخذ منتخب؛ ۴. تعیین چهارچوب مفهومی مقصد دلالت‌پژوهی (دلت‌پذیری)؛ ۵. نمونه‌گیری نظری مأخذ دلالت‌پژوهی؛ ۶. احصای سهم‌یاری‌های مأخذ دلالت‌پژوهی؛ ۷. اعتبارسنجی سهم‌یاری‌های مأخذ دلالت‌پژوهی؛ ۸. متناسب‌سازی سهم‌یاری‌های مأخذ با چهارچوب مفهومی مقصد؛ ۹. احصای دلالت‌های مورد نظر؛ ۱۰. اعتبارسنجی دلالت‌های احصایی؛ ۱۱. تدوین گزارش پژوهش (دانایی فرد، ۱۳۹۵: ۱۴۰۱).

کیفیت پژوهش

در پژوهش‌های کیفی، پایایی و روایی جای خود را به کیفیت می‌دهند و کیفیت به جای مفاهیم اجماع، دقت یا قابلیت اطمینان، به غوطه‌وری پژوهشگر در داده‌ها، خلاقیت، تأمل و بینش او تکیه دارد. کیفیت، بستگی به حرکت در فراسوی معانی آشکار و سطحی دارد مگر آن‌که هدف پژوهش، صراحتاً و آگاهانه تحلیل همین معانی آشکار باشد. تحلیل مضمون به تلاش، زمان و تفکر بسیار نیاز دارد و آهستگی و پرهیز از شتاب‌زدگی نقش کلیدی در موفقیت تحلیل مضمون ایفا می‌کند (Braun & Clarke, 2020).

بخش بزرگی از روش‌شناسان کیفی، «اعتمادپذیری» را جهت ارجاع به کیفیت نتایج تحقیقات کیفی، جایگزین اعتبار و روایی کمی کرده‌اند (محمدپور، ۱۴۰۰: ۴۹۸-۵۰۲). لینکلن و گوبا (۱۹۸۵: ۳۰۱-۳۲۷) چهار معیار باورپذیری، اطمینان‌پذیری، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری را برای قابلیت اعتماد ذکر کرده‌اند.

در این پژوهش نیز برای افزایش کیفیت، ضمن اینکه بندهای پانزده‌گانه بازبینه براون و کلارک برای مراحل ترانوئسی، کدگذاری، توسعه مضامین، تحلیل و تفسیر در فرایند کار لحاظ گردیدند، برای افزایش باورپذیری از مثلث‌سازی منابع و پژوهشگران بهره برده شد؛ به این صورت که تنها به منابع اسنادی بسنده نشد و مصاحبه با صاحب‌نظران نیز در دستور کار قرار گرفته و تیم نویسندگان این مقاله، محتواها را مورد تحلیل قرار دادند. عمده داده‌ها از مقاله‌های علمی-پژوهشی موجود در پایگاه‌های خارجی و یا نشریات علمی-پژوهشی داخلی

معتبر انتخاب شدند. همچنین کدها و مضامین مکاتبه با مصاحبه‌شوندگان مورد بازبینی مجدد قرار گرفتند. آشنایی نویسندگان با موضوع و درگیری عملی آن‌ها با مسائل حوزه موضوع این پژوهش در افزایش باورپذیری پژوهش تأثیر داشت. برای افزایش اطمینان‌پذیری ضمن اینکه فرایند تحقیق طبق روش‌های شناخته‌شده و معرفی شده در منابع معتبر طراحی گردید، گام‌های اجرایی نیز مورد ارزیابی دو تن از اساتید شناخته‌شده قرار گرفت. برای افزایش تأییدپذیری، گزارش نهایی در آخر برای بررسی بیشتر با صاحب‌نظران دیگر به بحث گذاشته شد؛ ضمن اینکه دو تن از اساتید نیز آن را مورد ارزیابی قرار دادند. برای تقویت آخرین معیار یعنی انتقال‌پذیری نیز توصیف ضخیم در حدود مقدور در یک مقاله علمی-پژوهشی صورت گرفت.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های صاحب‌نظرانی که در گام چهارم مورد مصاحبه و همچنین در انتها جهت سنجش اعتبار دلالت‌های احصاشده مورد مراجعه قرار گرفتند، به شرح جدول زیر است.

جدول ۱: اطلاعات جمعیت‌شناسی جامعه آماری

مؤلفه	مقادیر و فراوانی نسبی
تعداد کل	۱۳ نفر
جنسیت	مرد (۱۰۰٪)
سن (سال)	۵۴-۵۱ (۸٪)، ۴۷-۵۰ (۸٪)، ۴۳-۴۶ (۴۶٪)، ۳۹-۴۲ (۳۸٪)
تحصیلات	دکتری (۶۲٪)، کارشناسی ارشد (۳۸٪)
سابقه (سال)	۳۰-۳۴ (۱۵٪)، ۲۵-۲۹ (۶۹٪)، ۲۰-۲۴ (۱۶٪)، ۱۵-۱۹ (۰٪)
آشنایی با اطلاعات نظامی	خیلی زیاد (۷۷٪)، زیاد (۲۳٪)، متوسط (۰٪)، کم (۰٪)، خیلی کم (۰٪)
آشنایی با آینده‌پژوهی	خیلی زیاد (۲۳٪)، زیاد (۴۶٪)، متوسط (۳۱٪)، کم (۰٪)، خیلی کم (۰٪)



در اولین گام با توجه به غنای آینده‌پژوهی و نیز مشابهت‌های برخی اهداف و کارکردهای سازمان‌های اطلاعاتی نظامی، دلالت‌پژوهی روش‌شناسی مناسبی یافته شد. در گام دوم با توجه به هدف این پژوهش، آینده‌پژوهی به‌مثابه یک رشته علمی به‌عنوان مأخذ احصای دلالت‌ها در نظر گرفته شد. در گام سوم، روش تحلیل مضمون به‌عنوان روشی برای واکاوی مأخذ دلالت‌ها تعیین شد.

گام چهارم به تعیین چهارچوب مفهومی مقصد دلالت‌پژوهی که در اینجا سازمان‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح است اختصاص دارد. سازمان‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح همانند سایر سازمان‌ها بخش‌هایی عمومی و غیرتخصصی دارند از قبیل امور اداری، مدیریت منابع انسانی، مدیریت مالی و ... که پرداختن به این بخش‌ها از آن جهت که خاص سازمان‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح نیستند، هدف این پژوهش نیست. برابر تحلیل مضامین از طریق کدگذاری اسناد و متون مختلف و نیز مصاحبه با افرادی که آشنایی کافی با برخی از این سازمان‌های اطلاعاتی داشته‌اند، این سازمان‌ها از فرایندی تحت عنوان مدار اطلاعاتی یا فرایند اطلاعاتی به‌عنوان محور اصلی فعالیت‌های خود استفاده می‌نمایند. اگرچه ممکن است برخی از عناوین کارکردها یا جانمایی کارکردهای فرعی در ذیل کارکردهای اصلی در سازمان‌های مختلف تفاوت‌های جزئی یا ظاهری داشته باشد؛ اما در ماهیت این کارکردها تغییر اثرگذاری ایجاد نشده است و جانمایی‌های مختلف را می‌توان سوگیری‌های موردی از محور اصلی دانست که در این مقاله قصد پرداختن به آن را نداریم. به‌عنوان مثال در برخی از سازمان‌ها تحلیل اولیه اطلاعات به‌طور متصل به جمع‌آوری اخبار توسط عوامل جمع‌آوری انجام می‌شود و یا در برخی دیگر انتشار اخبار پیش از تحلیل اطلاعات صورت می‌گیرد. همچنین به برخی سازمان‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح، مأموریت‌های انجام عملیات پنهان واگذار شده است که این عملیات نیز با اهدافی غیر از جمع‌آوری اخبار یا تولید اطلاعات صورت می‌پذیرند و این مقاله قصد پرداختن به این دست مأموریت‌ها را نیز ندارد. بنابراین چهارچوب دلالت‌پذیری مقصد را باید همان مدار اطلاعاتی در نظر گرفت و به نظر رسید مدلی که در شکل (۱)، نشان داده شد تعاریف و مدل‌های ارائه‌شده در سایر منابع را نیز پوشش می‌دهد.

براین اساس فهرست اجزای دلالت‌پذیری، در جدول (۲)، آمده و نظر به اینکه تعاریف این اجزا در بخش دوم این مقاله بیان شده است از تعریف مجدد آن‌ها در این بخش پرهیز می‌گردد.

گام‌های پنجم و ششم به‌طور هم‌زمان و در رفت‌وبرگشت‌های متعدد صورت گرفتند. در گام پنجم آثار برخی از نویسندگان و صاحب‌نظران برجسته آینده‌پژوهی که آثاری فراگیر در این حوزه داشته‌اند مانند وندل بل و سهیل عنایت‌اله به‌عنوان پایاب‌های اولیه در مسیر تعیین مأخذ دلالت‌ها در نظر گرفته شدند. سپس آخرین مقالات منتشرشده در منابع معتبر علمی حول روش‌های آینده‌پژوهی و نیز مقالاتی که به بررسی کارکردهای آینده‌پژوهی در سازمان‌های اطلاعاتی پرداخته بودند فهرست منابع احصاء دلالت‌ها را تشکیل دادند و به برخی از آن‌ها در بخش دوم این مقاله اشاره شد. در گام ششم با تحلیل مضمون این آثار دریافته شد، آینده‌پژوهی از هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و مفروضاتی برخوردار است و سهم‌یاری‌های آن نه در هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی بلکه در روش‌شناسی‌های آن است و مفروضات هر رشته را از آن جهت که مقدم بر یافته‌های آن هستند نمی‌توان از سهم‌یاری‌های آن رشته علمی برشمرد؛ اما با توجه به قرابت زیاد اهداف آینده‌پژوهی و سازمان‌های اطلاعاتی، برخی مفروضات آینده‌پژوهی برای سازمان‌های اطلاعاتی دلالت‌هایی دارند و جهت پرداختن در گام‌های بعدی در این گام آن‌ها نیز با کمی اغماض در قالب سهم‌یاری‌های آینده‌پژوهی احصاء گردیدند. یافته‌های گام ششم در هر مرحله منجر به تشخیص نیاز به نمونه‌گیری مجدد از منابع دلالت‌ها و مراجعت به گام پنجم می‌شد. برای مثال هنگامی که دریافته شد روش دلفی، از سهم‌یاری‌های آینده‌پژوهی است، نمونه‌گیری از مقالات برای واکاوی این سهم‌یاری مجدداً صورت گرفت و این کار تا حد اشباع نظری پیش رفت. فهرست سهم‌یاری‌های آینده‌پژوهی در جدول (۲)، آمده است.

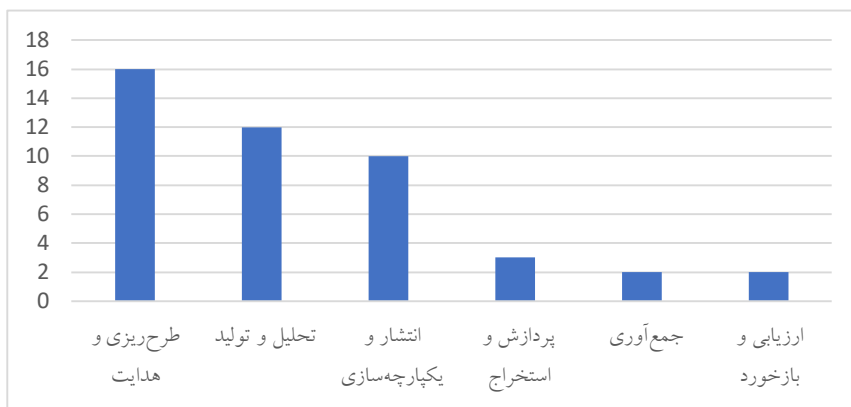


جدول ۲: متناسب‌سازی سهم‌یاری‌های آینده‌پژوهی با چهارچوب مفهومی مدار اطلاعاتی

ارزیابی و بازخورد	انتشار و یکپارچه‌سازی	تحلیل و تولید	پردازش و استخراج	جمع‌آوری	طرح‌ریزی و هدایت	چهارچوب مفهومی مدار اطلاعاتی سهم‌یاری‌های آینده‌پژوهی	
						روشناسی‌ها	مفروضات
-	-	-	-	-	*	پس‌نگری	
-	*	*	-	-	*	پوشش محیطی	
-	*	*	-	-	*	تحلیل تأثیر متقاطع	
-	*	*	-	-	*	تحلیل لایه‌ای علی	
-	-	-	-	-	*	تدوین چشم‌انداز	
-	*	*	-	-	*	تصمیم‌گیری پابرجا	
-	*	*	-	-	*	چرخ آینده‌ها	
-	*	*	*	*	*	دلفی	
-	*	*	*	-	*	روندپژوهی	
*	*	*	*	*	*	سناریو	
-	*	*	-	-	*	سیگنال‌های ضعیف	
-	-	-	-	-	*	نقشه راه	
*	-	-	-	-	*	ابهام در حقایق آینده	
-	-	*	-	-	*	آینده‌ای باز	
-	-	*	-	-	*	تکینگی ممکن آینده	
-	*	*	-	-	*	وابستگی متقابل و کل‌گرایی	

در گام هفتم برای اعتبارسنجی سهم‌یاری‌ها به اعتبار نویسنده اثر یا کثرت فراوانی آن‌ها در مقالات علمی منتشرشده در منابع معتبر تکیه شد. با نظر به این معیار، تمامی منابع با جستجو میان پایگاه‌های علمی یا آثار نویسندگان معتبر نمونه‌گیری شدند.

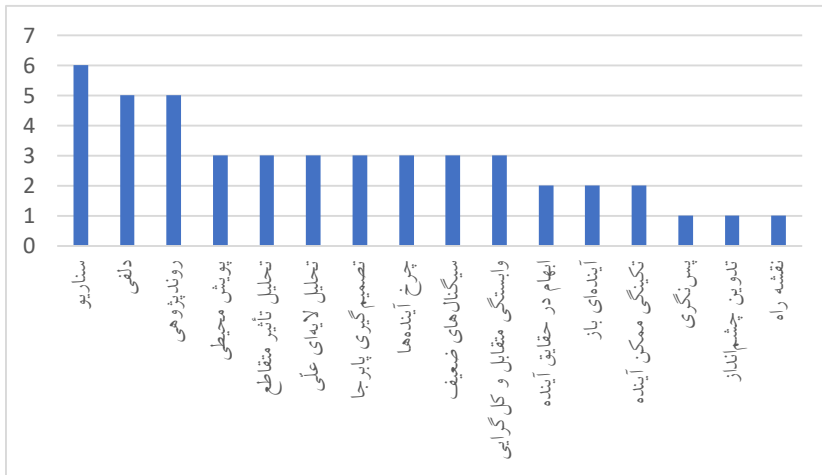
در گام هشتم، متناسب‌سازی سهم‌یاری‌های آینده‌پژوهی با چهارچوب مفهومی مدار اطلاعاتی صورت پذیرفت (جدول ۲). در گام نهم دلالت‌های آینده‌پژوهی برای مدار اطلاعاتی احصاء شد که در بخش بعدی به‌طور مفصل به آن پرداخته خواهد شد. در گام دهم برای سنجش اعتبار دلالت‌های احصاء‌شده، این دلالت‌ها در اختیار پنج تن از صاحب‌نظران عرصه اطلاعات نظامی که یا تحصیلات آینده‌پژوهی داشته‌اند و یا دوره‌های مرتبط را گذرانده‌اند قرار گرفت و از نظرات اصلاحی ایشان در بهینه‌سازی دلالت‌ها بهره‌برده شد. با نظر به متناسب‌سازی سهم‌یاری‌های آینده‌پژوهی با چهارچوب مفهومی مدار اطلاعاتی که پیش‌تر به آن پرداخته شد، مرور ادبیات و اخذ نظر صاحب‌نظران و نیز با تکیه بر تجارب تخصصی نگارندگان این مقاله، دلالت‌های آینده‌پژوهی برای مدار اطلاعاتی را می‌توان به شرحی که در ادامه می‌آید بیان کرد. در شکل (۲) میزان دلالت‌پذیری بخش‌های مدار اطلاعاتی از آینده‌پژوهی براساس داده‌های جدول (۲)، نشان داده شده است. همان‌طور که در این نمودار دیده می‌شود به ترتیب بخش‌های طرح‌ریزی و هدایت مدار اطلاعاتی با شانزده دلالت، تحلیل و تولید با دوازده دلالت، انتشار و یکپارچه‌سازی با ده دلالت، پردازش و استخراج با سه دلالت و جمع‌آوری و ارزیابی و بازخورد با دو دلالت از سهم‌یاری‌های آینده‌پژوهی دلالت‌پذیری داشته‌اند.



شکل ۲: نمودار میزان دلالت‌پذیری بخش‌های مدار اطلاعاتی از آینده‌پژوهی

شکل (۳) تعداد دلالت‌های سهم‌یاری‌های آینده‌پژوهی برای مدار اطلاعاتی را براساس داده‌های جدول (۲) نشان می‌دهد. براساس این نمودار، روش‌شناسی سناریو، بیشترین دلالت را برای مدار اطلاعاتی دارد و همه بخش‌های آن را پوشش می‌دهد. دلیل این جایگاه را می‌توان در جامعیت روش‌شناسی سناریو دانست که در فرایند اجرایی خود می‌تواند از تمامی روش‌های دیگر آینده‌پژوهی بهره‌برد. پس از آن روش‌شناسی‌های دلفی و روندپژوهی با پنج دلالت بیشترین دلالت را دارند. روش‌شناسی‌های پویش محیطی، تحلیل تأثیر متقاطع، تحلیل لایه‌ای علی، تصمیم‌گیری پابرجا، چرخ آینده‌ها و سیگنال‌های ضعیف و مفروض وابستگی متقابل و کل‌گرایی با سه دلالت در جایگاه بعدی دلالتی قرار می‌گیرند. جایگاه بعدی با دو دلالت به سه مفروض باقی‌مانده آینده‌پژوهی تعلق دارد. اگرچه هر سه مفروض آینده‌پژوهی از نظر کمی به یک اندازه دلالت دارند؛ اما مفروض ابهام در حقایق آینده از آن نظر با دو مفروض آینده‌ای باز و تکینگی ممکن آینده متفاوت است که به جای بخش تحلیل و تولید، بخش ارزیابی و نظارت را پوشش می‌دهد. آخرین جایگاه مربوط به روش‌شناسی‌های پس‌نگری، تدوین چشم‌انداز و نقشه راه است. دلیل این جایگاه را می‌توان در رویکرد این روش‌شناسی‌ها جستجو کرد. اگر به دسته‌بندی روش‌شناسی‌های آینده‌پژوهی تنها در دو دسته اکتشافی و هنجاری قائل باشیم، این سه روش‌شناسی برخلاف سایر

روش‌شناسی‌ها فقط در دسته هنجاری قرار می‌گیرند و این در حالی است که سازمان‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح (مطابق تعریفی که در این پژوهش مد نظر است و صرف نظر از مأموریت‌های محوله مانند عملیات پنهان) به دنبال کشف حقایق و پیش‌بینی آینده و نه ساخت آن هستند.



شکل ۳: نمودار تعداد دلالت‌های سهم‌یاری‌های آینده‌پژوهی برای مدار اطلاعاتی

باتوجه به اینکه مخاطبان گرامی این مقاله بیش از آن‌که آینده‌پژوهان غیرشاغل در حوزه اطلاعات نظامی باشند، مدیران و کارکنان سازمان‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح هستند، در ادامه، دلالت‌ها نه بر مبنای سهم‌یاری‌های آینده‌پژوهی، بلکه بر مبنای بخش‌های مدار اطلاعاتی دسته‌بندی شده و ارائه می‌گردند.

طرح‌ریزی و هدایت: بیشترین دلالت‌پذیری مدار اطلاعاتی از آینده‌پژوهی در این بخش قرار دارد. تمامی سهم‌یاری‌های آینده‌پژوهی که برای بخش‌های دیگر مدار، دلالت‌هایی دارند برای این بخش نیز دلالت دارند. روش‌شناسی‌هایی که در دسته اکتشافی قرار می‌گیرند به لحاظ این‌که خود، یک روش‌شناسی به‌منظور کشف آینده‌ها هستند می‌توانند مبنای طرح‌ریزی مدار اطلاعاتی قرار گیرند. روش‌شناسی‌هایی نیز که در دسته هنجاری قرار می‌گیرند، دلالت‌های متفاوتی در این بخش دارند. با استفاده از روش پس‌نگری می‌توان یک نیازمندی



اطلاعاتی معطوف به آینده که به سازمان اطلاعاتی واگذار شده است را در آینده فرض کرده و گام‌های تحقق آن را به صورت معکوس به سوی زمان حال شناسایی کرد و پس از رسیدن به زمان حال، گام‌های مربوط به زمان حال را به عنوان قرائن در نظر گرفته و در قالب دستورات جمع‌آوری اخبار به عوامل جمع‌آوری ابلاغ نمود. دلالت‌های روش‌شناسی‌های تدوین چشم‌انداز و ترسیم نقشه راه از پس‌نگری متفاوت هستند. این روش‌شناسی‌ها به طراحان عملیات اطلاعاتی نیروهای مسلح کمک می‌کنند تا با تلفیق دانش طرح‌ریزی برای عملیات اطلاعاتی خود چشم‌اندازی تدوین کرده و نقشه راه عملیاتی را بر پایه آن در نظر بگیرند.

جمع‌آوری: می‌توان گفت تنها سهم‌یاری آینده‌پژوهی که برای این مرحله از مدار اطلاعاتی دلالت دارد، روش‌شناس دلفی است. در میان سهم‌یاری‌های برشمرده در این مقاله، دلفی تنها روش‌شناسی آینده‌پژوهی است که به طور تخصصی به نحوه جمع‌آوری داده می‌پردازد. در میان سهم‌یاری‌های دلالت‌کننده برای این بخش از مدار به روش‌شناسی سناریو نیز اشاره شد و همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، روش‌شناسی سناریو از آن جهت که می‌تواند از دلفی در فرایند خود استفاده کند، می‌تواند برای جمع‌آوری اخبار دلالت داشته باشد.

پردازش و استخراج: برای این مرحله از مدار اطلاعاتی، روش‌شناسی‌های دلفی و روندپژوهی و سناریو دارای دلالت‌هایی هستند (دلیل روش‌شناسی سناریو پیش‌تر گفته شد). دلفی برای پردازش نظرات خبرگان یا صاحب‌نظران که از طریق پرسش‌نامه‌ها جمع‌آوری شده‌اند و تبدیل آن‌ها به اطلاعات، فرایندی را پیشنهاد می‌کند و روندپژوهی نیز ابزارهایی را برای استخراج اطلاعات روندهای جاری از میان داده‌های کمی یا کیفی ارائه می‌دهد.

تحلیل و تولید: این مرحله از مدار اطلاعاتی در جایگاه دوم دلالت‌پذیری از آینده‌پژوهی در میان سایر بخش‌های مدار اطلاعاتی قرار گرفته است. در میان روش‌شناسی‌ها و مفروضات آینده‌پژوهی که در این مقاله به عنوان سهم‌یاری‌ها در نظر گرفته شدند (جدول ۲) تنها روش‌شناسی‌های هنجاری (پس‌نگری، تدوین چشم‌انداز و نقشه راه) و مفروض ابهام در حقایق آینده برای این بخش دلالتی نداشتند. سایر روش‌شناسی‌های مورد اشاره به لحاظ اینکه

به تحلیل اطلاعات برای اکتشاف در آینده‌ها می‌پردازند می‌توانند در تحلیل اطلاعات به سازمان‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح کمک کنند. همچنین این مفروضات که آینده لزوماً تکرار گذشته‌ها و حال و قابل تعیین از قبل نیست و پدیده‌های زیادی در قالب اجزای یک سامانه و در ارتباط با یکدیگر آینده را به‌عنوان یک کل می‌سازند به‌درستی تحلیل اطلاعات نظامی کمک می‌کند.

انتشار و یکپارچه‌سازی: تمامی روش‌شناسی‌های آینده‌پژوهی که برای تحلیل اطلاعات دلالت‌هایی دارند، روش‌هایی برای گزارش‌دهی نیز ارائه می‌دهند که می‌توانند در این بخش از مدار اطلاعاتی مورد استفاده قرار گیرند. همچنین برخی از این روش‌شناسی‌ها به یکپارچه‌سازی اطلاعات گوناگون از یک یا چند منبع نیز کمک می‌کنند. این روش‌شناسی‌ها کمک می‌کنند آثار روندها و رویدادهای مختلف بر روی سایر روندها و رویدادها و نحوه تعامل آن‌ها با یکدیگر درک شود. دلیلی که این مرحله از مدار اطلاعاتی در جایگاه سوم و پس از تحلیل اطلاعات از حیث دلالت‌پذیری قرار گرفته است، عدم دلالت‌پذیری آن از دو مفروض باز بودن و امکان‌تکینگی آینده است.

ارزیابی و بازخورد: این مرحله از مدار اطلاعاتی در آخرین جایگاه دلالت‌پذیری نسبت به سایر بخش‌های مدار اطلاعاتی قرار دارد. تنها دو سهم‌یاری آینده‌پژوهی برشمرده در این مقاله (جدول ۲) برای آن دلالت دارند. روش‌شناسی سناریو با در نظر گرفتن شاخص‌هایی با بررسی امکان تحقق یک سناریو و اتخاذ گام‌های متناسب بعدی به ارائه بازخورد می‌پردازد. این مفروض نیز که در حقایق آینده ابهام وجود دارد و به مانند وقایع گذشته و واقعیت حال از قطعیت برخوردار نیستند به مدیران عملیات اطلاعاتی نظامی کمک می‌کند در ارزیابی‌ها و قضاوت‌های خود درباره قطعیت اطلاعات معطوف به آینده و عوامل جمع‌آوری، تولید یا تحلیل آن‌ها، معیارهای واقع‌بینانه‌تری وضع نمایند.



نتیجه‌گیری و پیشنهاد

آئنده‌پژوهی با توجه به غنای خود دالتهای زیادی برای بسیاری از حوزه‌های نظری و عملی دارد. یکی از این حوزه‌ها سازمان‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح است. به‌طور کلی با توجه به یافته‌های این پژوهش باید اذعان داشت با در نظر گرفتن وظیفه اصلی سازمان‌های اطلاعات نظامی که تأمین نیازمندهای اطلاعاتی نظامی معطوف به آئنده است، آئنده‌پژوهی می‌تواند از طریق روش‌شناسی‌هایی که ارائه می‌دهد و مفروضاتی که آن‌ها را برجسته کرده است، مدار یا فرایند اطلاعاتی که محور فعالیت‌های این سازمان‌ها است را یاری نماید. بیشترین دالت آئنده‌پژوهی برای این سازمان‌ها به ترتیب در بخش‌های طرح‌ریزی و هدایت مدار اطلاعاتی، تحلیل و تولید و انتشار و یکپارچه‌سازی است. همچنین دالتهای آئنده‌پژوهی بیشتر متعلق به روش‌شناسی‌های آن است که در میان این روش‌شناسی‌ها سناریو، دلفی و روندپژوهی به ترتیب بیشترین دالت را دارند.

یافته‌های پژوهش حاضر، یافته‌های پژوهش امیری و همکاران (۱۳۹۷) با عنوان «رویکرد آئنده‌پژوهی در پیش‌بینی تهدیدهای سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی (مورد مطالعه پاوا ناجا)» که حاکی از کاربرد روش‌های آئنده‌پژوهی در بخش‌های مختلف رصد، پایش، برآورد و ارائه تصویری از آئنده بوده است را تأیید می‌نماید.

همچنین یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش امینی و همکاران (۱۳۹۹) با عنوان «کاربست روش‌های آئنده‌پژوهی در مطالعات امنیتی با تأکید بر تکنیک سناریونویسی (GBN)» که نشان می‌داد روش برنامه‌ریزی سناریویی جی‌بی‌ان برای تحلیل اطلاعات و ارائه خروجی در سازمان‌های امنیتی مفید است هم‌خوانی دارد.

«استان»^۱ (۲۰۱۷) در مطالعه خود با عنوان «آئنده‌نگاری راهبردی در اطلاعات» دریافت که مطالعات آئنده‌نگاری می‌تواند بینش‌هایی را فراهم آورد که در فرایند تصمیم‌گیری و مدیریت مناسب برای مقابله با چالش‌هایی که ناامنی را ایجاد می‌کنند، مورد نیاز است. پژوهش حاضر یافته‌های استان را نیز تأیید می‌نماید.

پیشنهادهای پژوهش

پیشنهاد می‌گردد در آتی پژوهش‌های جداگانه‌ای در باب چگونگی کاربست هر یک از سهم‌بازی‌های احصاشده آینده‌پژوهی در هر یک از اجزای مدار اطلاعاتی به‌طور جداگانه و با پرداختن به جزئیات، صورت پذیرد. از آنجاکه روش‌های سناریو، دلفی و روندپژوهی بیشترین دلالت‌ها را دارند، توصیه می‌گردد دلالت‌های این روش‌ها در اولویت قرار گیرند. همچنین سازمان‌های اطلاعاتی می‌توانند برای سایر کارکردهای خود که در این مقاله مورد اشاره قرار نگرفتند مانند عملیات پنهان، نسبت به شناسایی و تبیین دلالت‌های آینده‌پژوهی اقدام نمایند.

همچنین پیشنهاد می‌گردد سازمان‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح با بهره‌گیری از یافته‌های این پژوهش، برنامه‌هایی را در جهت تقویت بخش‌های مرتبط خود با استفاده از سهم‌بازی‌های آینده‌پژوهی طراحی و پیگیری نمایند. پیشنهاد می‌گردد سازمان‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح با استفاده از یافته‌های این پژوهش نسبت به آموزش و ترویج کاربست روش‌هایی از آینده‌پژوهی که دلالت‌هایی برای آن‌ها دارند به‌ویژه سناریو، روندپژوهی و دلفی اقدام نموده و در طرح‌ریزی‌های عملیات اطلاعاتی و تحلیل و یکپارچه‌سازی اطلاعات از آن‌ها بهره ببرند.



فهرست منابع

- امیری و همکاران (۱۳۹۷). رویکرد آینده‌پژوهی در پیش‌بینی تهدیدهای سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی (مورد مطالعه پاوا ناجا). حفاظت و امنیت انتظامی، ۱۳(۴۸)، ۱۰۷-۱۳۲.
- امینی و همکاران (۱۳۹۹). کاربرست روش‌های آینده‌پژوهی در مطالعات امنیتی با تأکید بر تکنیک سناریونویسی GBN. امنیت ملی، ۱۰(۳۵).
- توکلی و همکاران (۱۴۰۳). طراحی سامانه دیدبانی امنیت جامعه و بحران‌های اجتماعی. مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، ۸(۳۰)، ۲۸۵-۳۰۲.
- حبیب‌الله، س.، و غلامرضا، ط. (۱۳۹۳). طرح‌ریزی اطلاعات در عملیات دریایی. انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- دادوند و همکاران (۱۴۰۳). اصول آمادگی نظامی و تأثیر آن بر عملکرد نیروهای مسلح. مطالعات دفاعی استراتژیک، ۲۲(۹۸)، ۳۱-۵۶.
- دانایی فرد (۱۳۹۵). روش‌شناسی مطالعات دلالت‌پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی: بنیان‌ها، تعاریف، اهمیت، رویکردها و مراحل اجرا. فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، ۲۲(۸۶).
- دانایی فرد (۱۴۰۱). روش‌شناسی مطالعات دلالت‌پژوهی. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ذاکری (۱۳۸۹). مدار اطلاعاتی. مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی.
- شیرویه‌پور و همکاران (۱۴۰۱). از پیش‌نگری تا آینده‌نگاری: ابتدای روش‌شناسی آینده‌پژوهی بر مدل پیاز پژوهش. روش‌شناسی علوم انسانی، ۲۸(۱۱۳).
- میرزائی و همکاران (۱۴۰۲). توسعه مدل دیدبانی تحولات محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه آینده‌پژوهی راهبردی، ۲(۸)، ۷-۲۸.
- یوسفوند و همکاران (۱۴۰۳). تهدیدشناسی اثر روندها و رویدادهای سیاسی در سیاست‌گذاری راهبردی ج.ا.ایران. مطالعات دفاعی استراتژیک، ۲۲(۹۸)، ۱۱۰-۱۳۴.

References

- Aaltonen, M. (2009). Evaluation and organization of Furturea Research Methodology– V 3.0. In Futures research methodology (3 ed.). Springer.
- Amara, R., & Lipinski, A. J. (1974). The futures field: functions, forms, and critical issues. Institute for the Future. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/001632877490072X>
- Bell, W. (2003). Foundations of Futures Studies: Volume 1: History, Purposes, and Knowledge (Human Science for a New Era Series). Transaction Publishers. <https://www.routledge.com/Foundations-of-Futures-Studies-Volume-1-History-Purposes-and-Knowledge/Bell/p/book/9780765805393?srsId=AfmBOoo6qrZymzfXVFZJH8Ew3YbQyvP9x9oPifZgDvlSfeDe7vH180kc>
- Bradfield, R., Wright, G., Burt, G., Cairns, G., & Van Der Heijden, K. (2005). The origins and evolution of scenario techniques in long range business planning. *Futures*, 37(8), 795-812. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.futures.2005.01.003>
- Braun, V. & Clarke, V. (2020). THEMATIC ANALYSIS: A Practical Guide. SAGE Publications Ltd. <https://uk.sagepub.com/en-gb/eur/thematic-analysis/book248481>
- Cambridge University Press. (n.d.). Cambridge dictionary. In https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/implication#dataset_cacd
- Inayatullah, S. (2007). Questioning the future: methods and tools for organization and societal transformation (Third edition. ed.). Tamkang University Press. <https://www.ucl.ac.uk/library/ucl-only/questioning-the-future-sohail-inayatullah.pdf>
- Karlsen, J. E., & Karlsen, H. (2013). Classification of Tools and Approaches Applicable in Foresight Studies. In M. Giaoutzi & B. Sapio (Eds.), *Recent Developments in Foresight Methodologies* (pp. 27-52). Springer US. https://doi.org/10.1007/978-1-4614-5215-7_3
- Kuosa, T. (2014). Towards Strategic Intelligence – Foresight, Intelligence, and Policy-Making. *Dynamic Futures*.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Newbury Park, CA: Sage, Publications.
- Poli, R. (2018). A note on the classification of futurerelated methods. *European Journal of Futures Research*, 6(15). <https://doi.org/https://doi.org/10.1186/s40309-018-0145-9>
- Schmidt, J. M. (2015). Policy, planning, intelligence and foresight in government organizations. *Foresight*, 17(5), 489-511. <https://doi.org/10.1108/FS-12-2014-0081>
- Stan, M. (2017). STRATEGIC FORESIGHT IN INTELLIGENCE *Studia Securitatis* (2), 100-109.
- Tuckett, A. G. (2005). Applying thematic analysis theory to practice: a researcher's experience. *Contemporary nurse: a journal for the Australian nursing profession*, 19(1-2), 75-87. <https://doi.org/10.5172/conu.19.1-2.75>
- US Army. (2013). Joint Publication 2-0: Joint Intelligence. US Army, Joint Staff.
- Vaismoradi Turunen, H. B. T. M. (2013). Content analysis and thematic analysis: Implications for conducting a qualitative descriptive. *Nurs Health Sci*, 15(3), 398-405. <https://doi.org/10.1111/nhs.12048>



Identifying and Prioritizing the Factors Affecting Good Governance in Enhancing Environmental Quality Using Grounded Theory and Analytic Hierarchy Process

Seyedeh Shayesteh Varedi

Assistant Professor of Economic Sciences, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran (Corresponding Author).

Email: sh_varedi@yahoo.com

Einollah Deiri

Assistant Professor, Department of Statistics, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran

Email: deiri53@gmail.com

Ebrahim Alibakhshi

PhD student in Public Administration, Implementation and Development Orientation, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran

Email: Alibakhshi.eb@gmail.com

Abstract

The environment has increasingly emerged as a critical component across various societal levels and has gradually become a central concern of macro-level governance in contemporary societies. The present study seeks to develop a model of good governance with a specific focus on environmental issues. Due to the lack of prior research in this area, expert opinions were employed to identify the proposed model. A sample of forty experts was selected, and through in-depth interviews, thirty influencing factors were extracted and subsequently classified into six categories: governance, legal, executive, economic, industrial, and information technology factors. In the next stage, the importance of each factor was determined using the Analytic Hierarchy Process (AHP), and the factors were weighted and prioritized accordingly. The results indicate that the main factors influencing good governance in enhancing environmental quality are as follows: legal factors ranked first with a weight of 0.239; industrial factors ranked second with a weight of 0.190; governance factors ranked third with a weight of 0.155; information technology factors ranked fourth with a weight of 0.092; executive factors ranked fifth with a weight of 0.069; and economic factors ranked sixth with a weight of 0.057. Furthermore, the findings reveal that sustainable urban and rural development was identified by experts as the most significant factor. In contrast, the enactment of enforceable environmental laws, transparency, and the development of civil society were identified as the weakest factors, indicating that these elements were considered less important by experts.

Keywords: Good Governance, Environment, Prioritization, Analytic Hierarchy Process (AHP)



شناسایی و تعیین اهمیت عوامل مؤثر بر حکمرانی شایسته در ارتقای کیفیت محیط زیست با استفاده از روش داده بنیاد و تحلیل سلسله مراتبی

سیده شایسته واردی

استادیار علوم اقتصادی، واحد قائم شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم شهر، ایران (نویسنده مسئول)

Email: sh_varedi@yahoo.com

عین الله دیری

استادیار گروه آمار، واحد قائم شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم شهر، ایران

Email: deiri53@gmail.com

ابراهیم علی بخشی

دانشجوی مقطع دکترای مدیریت دولتی، گرایش تطبیق و توسعه، واحد قائم شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم شهر، ایران

Email: Alibakhshi.eb@gmail.com

چکیده

محیط زیست بیش از گذشته به عنوان یک مؤلفه مهم در سطوح مختلف یک جامعه مطرح شده است و به مرور زمان به دغدغه اصلی مدیریت کلان کلیه جوامع تبدیل شده است. تحقیق حاضر تلاش دارد با تمرکز بر حوزه محیط زیست، مدلی در خصوص حاکمیت شایسته ارائه می دهد. به این منظور و با توجه به عدم وجود پیشینه، از نظر خبرگان جهت شناسایی مدل استفاده گردید. یک نمونه چهل نفری از خبرگان تشکیل و با استفاده از مصاحبه عمیق ۳۰ عامل استخراج گردید که در ۶ دسته حاکمیتی، قانونی، اجرایی، اقتصادی، صنعتی و فناوری اطلاعات طبقه بندی شده است. سپس، به منظور تعیین اهمیت هر یک از عوامل با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) وزن هر یک از آنها محاسبه شده است و براساس درجه اهمیتشان اولویت بندی شده است. براساس نتایج به دست آمده عوامل اصلی مؤثر بر حکمرانی شایسته برای ارتقای کیفیت محیط زیست عبارتند از: عوامل قانونی با وزن ۰/۲۳۹ در رتبه ۱، عوامل صنعتی با وزن ۰/۱۹ در رتبه ۲، عوامل حاکمیتی با وزن ۰/۱۵۵ در رتبه ۳، عوامل فناوری اطلاعات با وزن ۰/۰۹۲ در رتبه ۴، عوامل اجرایی با وزن ۰/۰۶۹ در رتبه ۵ و عوامل اقتصادی با وزن ۰/۰۵۷ در رتبه ۶ قرار دارد. همچنین نتایج نشان داد که توسعه شهرها و روستاهای پایدار به عنوان مهم ترین عامل از نظر خبرگان شناسایی شده است و ضعیف ترین عوامل تصویب قوانین قابل اجرا در حیطه محیط زیست، شفافیت و توسعه جامعه مدنی قرار دارند که این امر نشان می دهد این عوامل از منظر خبرگان دارای اهمیت کمتری هستند.

کلیدواژه ها: حکمرانی شایسته، محیط زیست، اولویت بندی، روش تحلیل سلسله مراتبی

مقدمه

حکمرانی شایسته به معنای مدیریت و اداره کشور یا سازمان‌ها به روشی عادلانه، مسئولانه و با رعایت اصول دموکراسی، حقوق بشر، شفافیت و حل مسئله‌ها با توجه به نیازها و نظرات جامعه است. در حکمرانی شایسته، حاکمان و مقامات عمومی به منظور خدمت به مردم، تصمیم‌گیری‌ها را براساس منافع عمومی، عدالت و توسعه پایدار اتخاذ می‌کنند. این نوع حکمرانی به پاسخ‌گویی به مردم، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و کنترل قدرت نیز تأکید می‌کند (دوگان و ایگنلسی، ۲۰۲۰). محیط زیست که هرگز پیش‌ازین در اولویت‌های سیاست‌گذاری زمامداران و حکمرانان کشورها قرار نداشته است. به صدر این اولویت‌ها حتی در بین کشورهای رو به توسعه یا کمتر توسعه یافته تبدیل شده است. دولتمردان دیگر به مانند گذشته به دنبال توسعه اقتصادی به هر قیمتی به هزینه از بین رفتن سرمایه‌های مالی، منابع طبیعی و ... نیستند و در حین حفظ محیط زیست و ارتقای کیفیت آن به دنبال توسعه اقتصادی هستند (دفرانس و همکاران، ۲۰۲۰). به عبارت دیگر می‌توان گفت سیاست‌گذاران دو هدف ارتقای کیفیت محیط زیست را در کنار توسعه اقتصادی به‌طور هم‌زمان طلب می‌کنند که هرچند این اهداف تاکنون محقق نشده و بسیاری از فعالان محیط زیست را به انتقاد علیه حاکمیت‌ها و دولت‌ها به سبب مدیریت ناکارایی محیط زیست سوق داده است (دوگان و ایگنلسی لاتز، ۲۰۲۰).

حکمرانی شایسته به‌عنوان یک مفهوم اخلاقی و اجتماعی، نشان‌دهنده مسئولیت فردی و اجتماعی در حفظ و ارتقای محیط زیست است. اصل این مفهوم بر این ایده استوار است که ما باید با محیط زیست رفتاری منطقی و تعامل داشته باشیم و آن را به نحوی مدیریت کنیم که منابع طبیعی حفظ شده و به نفع نسل‌های آینده باشد. نقش حکمرانی شایسته در ارتقای محیط زیست بسیار مهم است و می‌تواند به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم تأثیرات قابل توجهی بر روی محیط زیست داشته باشد (آدامز و همکاران، ۲۰۲۰). حکمرانی شایسته شامل کاهش استفاده ناجوانمردانه از منابع طبیعی مانند آب، انرژی، چوب و سوخت‌های فسیلی است. این عمل در پیشگیری از تخریب محیط زیست و مدیریت بهتر منابع طبیعی کمک می‌کند.



حکمرانی شایسته شامل انتخاب محصولاتی است که برای بازیافت و استفاده مجدد مناسب هستند. بازیافت مواد قابل تجدیدپذیر و استفاده مجدد اقلام نامناسب کاهش آلودگی محیط زیست را دارد و میزان ضایعات را کاهش می‌دهد. حکمرانی شایسته شامل حفاظت از تنوع زیستی است. حفظ زیستگاه‌ها، جلوگیری از نابودی گونه‌ها و اتخاذ اقداماتی برای حمایت از حفاظت از تنوع زیستی از جمله نقش‌های اصلی حکمرانی شایسته در این زمینه هستند. حکمرانی شایسته عبارت است از افزایش آگاهی و آموزش درباره مسائل محیط زیست به افراد. با ارائه اطلاعات صحیح و آموزش مناسب، می‌توان به افزایش نگرش‌های محیط زیستی و تغییر رفتارها برای محیط زیست کمک کرد. بنابراین، حکمرانی شایسته در ارتقای حفظ محیط زیست نقش بسیار مهمی دارد. با رعایت اصول حکمرانی شایسته در زمینه محیط زیست، می‌توان به شکل‌گیری سیاست‌های بهینه و برنامه‌های مدون برای حفاظت از محیط زیست و مدیریت پایدار منابع طبیعی کمک کرد (لی و همکاران، ۲۰۱۸).

در حکمرانی شایسته، تصمیم‌گیری‌های مربوط به محیط زیست باید براساس شواهد علمی و عملکرد بهترین روش‌ها صورت گیرد. از این طریق، محصولات و فعالیت‌های زیست‌محیطی کمترین تأثیر منفی را بر محیط زیست خواهند داشت. حکمرانی شایسته، شفافیت و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های محیط زیست تأکید می‌شود. این امر منجر به ایجاد فضای دیالوگ و همکاری بین دولت، ارگان‌های دولتی و جامعه می‌شود که در نتیجه به اهمیت و اجرای بهتر سیاست‌ها و برنامه‌های حفاظت از محیط زیست منجر می‌شود. همچنین، حکمرانی شایسته می‌تواند مکانیسم‌های نظارت و کنترل را برای اجرای قوانین و مقررات محیط زیست فراهم کند. این امر سبب می‌شود که پیروی از مقررات محیط زیست توسط مؤسسات و شرکت‌ها تشدید شود و تخلفات محیط زیستی متقابل شود. لذا، با استفاده از اصول حکمرانی شایسته در حوزه محیط زیست، می‌توانیم منابع طبیعی را حفظ کرده، آلودگی‌های محیطی را کاهش داده و به توسعه پایدار و حفظ تعادل اکوسیستم‌ها کمک کنیم (آلود، ۲۰۲۰). بنابراین، حکمرانی شایسته از این جهت مطرح می‌شود که یک دولت یا حاکمیت چه ویژگی باید داشته باشد تا بتواند محیط زیست را در کنار اهداف توسعه اقتصادی

و کامیاب ساختن جامعه خود، به بهترین نحوه ارتقا داده و کیفیت آن را حفظ نماید. در واقع می‌توان گفت در کنار نقش و اهمیتی که مردم و لایه‌های پایین جامعه می‌باید در حوزه محیط زیست، ایفا نمایند نهاد دیگری که متولی حفظ محیط زیست و در ادامه بهبود کیفیت آن است بدون شک نهاد دولت یا حاکمیت یک کشور است. در اینجا است که بحثی تحت عنوان حکمرانی خوب یا حکمرانی شایسته مطرح می‌شود البته این دو مفهوم باهم تمایزات بسیاری دارند. حکمرانی خوب از منظر برنامه توسعه سازمان ملل متحد (۱۹۹۷) حاکمیتی با ویژگی‌هایی همچون مشارکت‌جویی، شفافیت، پاسخ‌گویی، اثربخشی، رعایت برابری، ارتقای حاکمیت قانون و تعیین اولویت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر مبنای اجماع وسیع‌تر که در آن ندای ضعیف‌ترین و آسیب‌پذیرترین افراد در اتخاذ تصمیمات و تخصیص منابع شنیده شود، تعریف شده است. درحالی‌که از منظر کافمن حکمرانی خوب عبارت است از حاکمیتی که بر مبنای ابعاد گوناگون پاسخ‌گویی خارجی و ندای ذینفعان، ثبات سیاسی و فقدان خشونت و تبهکاری و تروریسم، اثربخشی دولت فقدان تحمیل قوانین، حاکمیت قوانین، کنترل فساد قابل سنجش است (کافمن، ۲۰۰۳)

در این راستا، حکمرانی شایسته به عنوان یک ابزار اساسی و مؤثر در ارتقای کیفیت محیط زیست و حفاظت از آن شناخته شده است. اما موضوعی که همچنان نیازمند مطالعه و تحقیق بیشتر است، نقش و اهمیت واقعی حکمرانی شایسته در ارتقای کیفیت محیط زیست و حفاظت از آن است. با توجه به پیچیدگی و تعاملات گسترده موجود در محیط زیست، این تحقیق به بررسی عمق و جامع ترکیبی از روابط میان عوامل حکمرانی شایسته، سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های مدیریتی در حوزه محیط زیست به منظور شناخت بهتر و ارتقای کیفیت محیط زیست می‌پردازد. این تحقیق با هدف تجزیه و تحلیل عمیق مکانیسم‌ها، روابط و تأثیرات حکمرانی شایسته بر محیط زیست، ارائه راهکارهای عملی و سیاست‌های مؤثر برای بهبود مدیریت محیط زیست و توسعه پایدار، و همچنین شناسایی موانع و چالش‌های موجود در اجرای حکمرانی شایسته در حوزه محیط زیست، تلاش می‌کند تا به یک دیدگاه جامع و عملی برای تحقق اهداف حفاظت از محیط زیست و ارتقای کیفیت آن برسد.



با توجه به موارد اشاره شده در بالا، اهمیت روزافزون محیط زیست از منظر سیاست‌گذاران، تحقیق حاضر تلاش دارد با تمرکز بر حوزه محیط زیست، مدلی در خصوص حاکمیت شایسته ارائه دهد که ابتدا این کار با تبیین مؤلفه‌ها و مفاهیم حکمرانی شایسته آغاز شده و سپس منجر به تعیین اهمیت این مؤلفه‌ها بر ارتقای کیفیت محیط زیست می‌شود. بنابراین مدل ارائه شده در تحقیق حاضر به دنبال ارائه ویژگی‌هایی است که حکمرانی شایسته باید در خود داشته باشد تا بتواند ارتقای کیفیت محیط زیست را موجب شود. در پایان محقق به دنبال پاسخ به این سؤال است که اهمیت هر یک از عوامل مؤثر برای حکمرانی شایسته در ارتقای کیفیت محیط زیست چه مقدار است؟

ساختار ادامه مقاله به شرح زیر است: در بخش دوم مروری بر ادبیات موضوع انجام می‌شود. در بخش سوم، روش تحقیق و در بخش چهارم نتایج عددی ذکر می‌شود. در بخش پنجم نتیجه‌گیری و پیشنهادهای آتی مطرح می‌شود و در نهایت در بخش پایانی، محدودیت‌های تحقیق ارائه می‌گردد.

۱. مبانی نظری

واژه حکمرانی ریشه در واژه یونانی داشته و به معنای کنترل هدایت و دستکاری است. معنای آن همواره با واژه دولت همپوشانی داشته و اشاره به فعالیت‌های سیاسی و اجرایی مرتبط با امور ملی دارد؛ اما در دهه ۱۹۹۰ به آن معنای جدیدی از سوی دانشمندان علوم سیاسی و اقتصادی اعطا شد. از آن زمان به بعد این واژه بیش از گذشته و متفاوت از آنچه واژه دولت بیان می‌کند حاوی مفهوم و معنا است. در این راستا پارادایم نوین استراتژی توسعه براساس حکمرانی شایسته تأکید بر مشارکت نقش دولت، کنشگران غیردولتی، جامعه مدنی و بخش خصوصی در اقتصاد و در فرایند حکمرانی عمومی دارد. در این قسمت مبانی نظری و پیشینه تحقیق ارائه می‌گردد.

۱-۱. حکمرانی شایسته

از زمانی که دولت و حاکمیت شکل گرفتند مفهوم دولت شایسته در زبان انگلیسی وارد شد. اما از دهه ۱۹۹۰ دولت شایسته که به صورت یک ایدئال سیاسی غالب شد در سراسر جهان به چالش کشیده شد. چالش آن حاصل از حکمرانی شایسته بود. از دهه ۱۹۹۰ کاربرد فزاینده‌ای از این مفهوم در ادبیات تحقیق چینی و انگلیسی مشاهده شد و به یکی از عبارات بسیار نافذ و همه گیر تبدیل شد. منظور از حکمرانی شایسته چیست؟ تفاوت اساسی بین حکمرانی شایسته و دولت شایسته چیست؟ چه عناصری در حکمرانی شایسته وجود دارد؟ دانشمندان علوم سیاسی همچنان در خصوص این موارد بحث و مناظره می کنند (دائویی، ۲۰۱۹). حکمرانی شایسته اشاره به فرایند مدیریت عمومی دارد که منافع عمومی را حداکثر می کند. یکی از مشخصه های اساس این است که نوعی از مدیریت جمعی از حیات عمومی اجرا شده به وسیله حاکمیت و شهروندان است و یک رابطه جدید بین حاکمیت سیاسی و جامعه مدنی و همچنین وضعیت بهینه ای از هر دو شکل می گیرد (دائویی، ۲۰۱۹).

۱-۲. محیط زیست

درک مشترک از محیط طبیعی که زمینه ساز محیط گرایی است، موجب یک جنبش گسترده سیاسی، اجتماعی و فلسفی می شود که از اقدامات و سیاست های مختلف به نفع محافظت از آنچه طبیعت در محیط طبیعی باقی می ماند یا بازیابی یا گسترش نقش طبیعت در این کشور حمایت می کند. در حالی که بیان واقعی به طور فزاینده ای نادر است، طبیعت وحشی (به عنوان مثال، جنگل های غیرقابل کنترل، چمنزارهای بدون کشت، حیوانات وحشی، گل های وحشی) را می توان در بسیاری از مکان های قبل از سکونت بشر یافت. برخی از اهداف منافع مردم و سیستم های طبیعی که معمولاً توسط دانشمندان محیط زیست و محیط بانان بیان می شود عبارتند از:

❖ از بین بردن آلودگی ها و مواد سمی در هوا، آب، خاک، ساختمان ها، کالاهای تولیدی و مواد غذایی؛



- ❖ حفظ تنوع زیستی و حفاظت از گونه‌های در معرض خطر؛
- ❖ حفاظت و استفاده پایدار از منابعی مانند آب، زمین، هوا، انرژی، مواد اولیه و منابع طبیعی (اکولوژی و همکاران، ۲۰۱۶)؛
- ❖ تغییر از سوخت‌های فسیلی به انرژی‌های تجدیدپذیر در برق، گرمایش و سرمایش و حمل‌ونقل که به آلودگی، گرم شدن کره زمین و پایداری می‌پردازد. این ممکن است شامل حمل‌ونقل عمومی و تولید توزیع شده باشد که مزایایی برای ترافیک و قابلیت اطمینان الکتریکی دارند؛
- ❖ تغییر از رژیم‌های غذایی پرمصرف به رژیم‌های غذایی عمدتاً گیاهی به منظور کمک به کاهش تنوع زیستی و تغییرات آب و هوایی (درایر، ۲۰۱۹)؛
- ❖ مدیریت پایدار و کمتر آلوده‌کننده زباله ازجمله کاهش پسماند (یا حتی صفر کردن زباله)، استفاده مجدد، بازیافت، کمپوست، تبدیل زباله به انرژی و هضم بی‌هوازی لجن فاضلاب؛
- ❖ کاهش مصرف بی‌رویه و جلوگیری از صید غیرمجاز و قطع چوب (پلومر، ۲۰۱۹)؛
- ❖ کاهش و تثبیت رشد جمعیت انسانی (ریپل و همکاران، ۲۰۱۷).

۳-۱. حکمرانی شایسته و مسائل زیست‌محیطی

موضوع دولت و مدیریت زیست‌محیطی در بین محققین بدبینی فزاینده‌ای را ایجاد کرده است. جانستون (۱۹۸۹) بیان کرد که برخی دولت‌ها قادر به تحقق مسئولیت‌های خود در ارتباط با محیط زیست نیستند. واکر (۱۹۸۹) اضافه می‌کند که مسئولیت آشکار دولت برای مدیریت منابع فیزیکی و بیولوژیکی هرگز پذیرفته نشده است. دولت کنشگری است که متخصص در ترویج خیر عمومی است که محیط زیست در آن یک مسئله برجسته تلقی می‌شود. در عمل رفتار دولت و نظیر محیط زیست ناامیدکننده بوده است. متأسفانه حفظ محیط زیست یک اولویت پایین پس از جنگ جهانی دوم برای اغلب دولت‌ها در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین بوده است. در نتیجه چالش‌ها در خصوص حفظ محیط زیست از

طرح‌های رسمی توسعه در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ غایب بوده است. تجربه چین و ویتنام و نظیر آن نشان می‌دهد که با بهبود محیط زیست نهادی، حکمرانی شایسته می‌تواند باعث تسهیل در حداقل‌سازی زوال زیست‌محیطی می‌شود (گانی، ۲۰۱۲). جوانب مختلف حکمرانی می‌تواند اثرات مستقیم و غیرمستقیمی را بر میزان نشر دی‌اکسید کربن قرار دهد. برای مثال حکمرانی بد، شامل ناکارایی بوروکراتیک و مدیریت مالی غلط می‌تواند دارای اثرات منفی بر نشر دی‌اکسید کربن باشد. پوشاک و همکاران (۲۰۰۷) در تحقیق خود دریافته‌اند که می‌تواند امتیاز رشد بالاتری از ثبات کلان اقتصادی و هزینه عمومی در کشورهای با مشخصه حکمرانی بخش عمومی نسبتاً بهتر وجود داشته باشد.

بعد اثربخش حکمرانی قانون است. اکم اوغلو و همکاران (۲۰۰۵) و باتارای (۲۰۰۴) نشانگر یک رابطه مثبت بین قانون و نهادهای شایسته موجود و کنترل بهتر دی‌اکسید کربن بوده‌اند. آرون (۲۰۰۰) اشاره کرده‌اند که نهادها شاید از آن‌رو ضعیف شوند که قوانین وجود ندارند. کیفیت قوانین می‌تواند بر برآیندهای زیست‌محیطی اثرگذار باشد (استی و پورترز، ۲۰۰۵). صفویان و همکاران (۲۰۰۱) و جانکوف و همکاران (۲۰۰۲) بیان کردند که قوانین سخت‌گیرانه ناشی از دولت‌های کمتر دموکراتیک، فساد بیشتر و اقتصادهای غیررسمی بزرگ‌تر است. در کار خود در ارتباط با رشد اقتصادی و قوانین زیست‌محیطی مکدیسی و وودون (۲۰۰۶) نشان داده‌اند که از نظر تئوریک میسر است که قانون زیست‌محیطی شایسته باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود. کنترل فساد معمولاً بر درآمد و هزینه بودجه دولت اثرگذار باشد. ویارجا (۲۰۱۰) نشان دادند که فساد در کنش تدارکات عمومی می‌تواند به رفاه ملی آسیب وارد نماید. هوانگ (۲۰۰۲) بیان کردند که دولت‌های فاسد از اقتدار خود برای فعالیت‌هایی استفاده می‌کنند که در آن جمع‌آوری رشوه آسان‌تر است. دیتز و همکاران (۲۰۰۷) دریافته‌اند که کاهش فساد دارای اثر مثبتی بر صرفه‌جویی در تعاملات با فراوانی منابع است. ولش (۲۰۰۴) آشکار ساخت که تعدادی از شاخصه‌های زیست‌محیطی با فساد افزایش می‌یابد درحالی‌که رابطه بسیار قوی است.



برقراری ارتباط میان وضعیت محیط زیست و نوع نظام‌های سیاسی از دیگر ویژگی‌های بارز در نظریه اقتصاد سیاسی محیط زیست محسوب می‌شود. بسیاری از نظریه‌پردازان اقتصاد سیاسی محیط زیست در مطالعات خود پیرامون کشورهای در حال توسعه معتقدند که شکل نظام سیاسی یک عامل تعیین‌کننده در وضعیت محیط زیست است. فرض شده است که نظام‌های غیردموکراتیک در قیاس با کشورهای دموکراتیک کالاهای عمومی از قبیل کنترل آلودگی را به‌طور مناسب و به اندازه کافی فراهم نمی‌سازند. به اعتقاد بیلی و برایانت کانون مباحث پیرامون نقش مخرب زیست‌محیطی دولت‌ها شناسایی و تصدیق تعارض ذاتی و مستمر در کارکرد دولت است. در واقع دولت از یک‌طرف نقش توسعه‌گر و از طرف دیگر نقش حمایتگر محافظ و مسئول محیط زیست طبیعی را بایستی ایفا نماید و این تضاد موجود در رویه‌ها و کارکردهای دولت‌های کشورهای در حال توسعه پس از جنگ جهانی دوم است.

۲. پیشینه پژوهش

در این بخش به تحقیقات مرتبط با موضوع در خصوص نقش حکمرانی بر ارتقای کیفیت محیط زیست پرداخته می‌شود. برای مثال، رازکوسکی و بارتنیژاک (۲۰۱۸) در یک مقاله به بررسی مفهوم توسعه پایدار در سطح ناحیه با تأکید بر نواحی لهستان در بازه زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ می‌پردازند. در بخش ابتدایی، جوانب تئوریک توسعه ناحیه پایدار، اهمیت خلاقیت، نقش سازمان‌های غیردولتی و حکمرانی مؤثر در فضای ناحیه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش بعدی به معرفی شاخص‌های توسعه پایدار برای تحلیل مبتنی بر رویکرد دفتر مرکزی آمار در لهستان می‌پردازد. از معیار ترکیبی توسعه برای ارزیابی و رتبه‌بندی نواحی استفاده می‌شود. نتایج تحقیق براساس ارزش‌های شاخص در دوره‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرند. در پایان، تأکید بر اهمیت آگاهی و درک مفهوم توسعه به‌عنوان یکی از عوامل اساسی برای پیاده‌سازی موفق توسعه پایدار شده است. هاگو و نтім (۲۰۱۸) در تحقیق خود به بررسی تأثیرات سیاست‌های زیست‌محیطی، چهارچوب توسعه پایدار و حاکمیت یکپارچه بر عملکرد زیست‌محیطی شرکت‌های انگلیسی می‌پردازند. این محققین از روش تکنیک

برآورد حرکات برای تجزیه و تحلیل داده‌هایی که شامل ۲۲۴۵ مشاهده در بازه زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ است، استفاده می‌کنند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بیانیه تحولات آب و هوایی تأثیر مثبتی بر ابتکارات کاهش کربن دارد و این تأثیر در شرکت‌هایی با حاکمیت بهتر بیشتر است. همچنین، چهارچوب مبتنی بر ابتکارات کاهش کربن ارتباط مثبتی با اقدامات کاهش کربن دارد و شرکت‌هایی با ساختارهای حاکمیتی ضعیف، عملکرد کربنی کمتری نسبت به هم‌تایان خود با حاکمیت بهتر دارند. یاسمین و همکاران (۲۰۱۸) در تحقیق خود به بررسی رابطه محیط زیست و تجارت و نقش نهادها برای ۱۱۷ کشور به‌طور جهانی و در ۵ ناحیه از جنوب صحرای آفریقا، اروپا، خاورمیانه، شمال آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین و کارائیب پرداختند. این تحقیق از داده‌های مربوط به دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ استفاده کرده است. برای تأیید ارتباط محیط و تجارت، محققین از مدل تمایز GMM در دو مرحله و تحلیل علیت پانل دو میترسکو هورلین استفاده نمودند. نتایج تجربی این تحقیق نشان می‌دهد که تبادل کلی برای محیط زیست در کشورهای مورد بررسی از کل جهان مناسب است. در ارزیابی بیشتر، محققین از عبارات تعاملی نهادها با تجارت، اثر مقیاس و اثر تکنیک مقیاس استفاده کرده‌اند. برآوردهای حاصل نشان می‌دهد که سازمان، ابزار پایایی برای حل مسائل زیست‌محیطی است. همچنین، محققین در نمونه‌های خاصی از کشورها شواهدی از EKC یو شکل مشاهده کرده‌اند، در حالی که در برخی نواحی این تأیید وجود ندارد. لی و همکاران (۲۰۱۸) در یک تحقیق که به بررسی نقش سازمان‌های غیردولتی در حاکمیت زیست‌محیطی شهری چین می‌پردازد، ۱۱۳ شهر را به دو گروه تقسیم کرده‌اند. یک گروه به‌عنوان گروه آزمایش که شاخص شفافیت اطلاعات آلودگی به‌وسیله سازمان‌های غیردولتی محیط زیست را مورد بررسی قرار داده‌اند و گروه دیگر به‌عنوان گروه کنترل در نظر گرفته‌اند. از مدل تفاوت در تفاوت‌ها و مدل تفاوت در تفاوت‌های نمره گرایش برای تحلیل استفاده کرده‌اند. نتایج حاکی از نقش مثبت و استواری سازمان‌های غیردولتی در حاکمیت زیست‌محیطی شهری چین است. همچنین، تحلیل رگرسیون برای چین غربی، مرکزی و شرقی نشان می‌دهد که اثر سازمان‌های غیردولتی در چین مرکزی و شرقی بیشتر از چین غربی است. این تحقیق نیز نشان می‌دهد که نقش



سازمان‌های غیردولتی در بهبود کیفیت محیط زیست محلی در چین از سال ۲۰۰۸ به روند رو به رشدی پیش می‌رود. این پژوهش توصیه می‌کند که نقش سازمان‌های غیردولتی در چین تقویت شده و دولت نیز باید اطلاعات محیطی را از این سازمان‌ها دریافت کرده و با استفاده از این اطلاعات، معیارهای مناسبی را برای بهبود کیفیت محیط زیست محلی تعیین نماید. اپرژیس و گارسیا (۲۰۱۹) در یک تحقیق بر رابطه بین کیفیت حکمرانی و کارایی انرژی برای ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا در بازه زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۴ تمرکز دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که وجود یک پیوند بین کارایی انرژی و درآمد وجود دارد، به‌طوری‌که کشورهای با تولید ناخالص داخلی سرانه بالاتر، در گروه کاراترین قرار می‌گیرند. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که کیفیت حکمرانی نقش مهمی در کارایی انرژی و سیاست‌های زیست‌محیطی دارد. دانیش و همکاران (۲۰۱۹) در یک تحقیق بر رفتار حاکمیت در مورد انتشار دی‌اکسید کربن با استفاده از فرضیه محنی کوزنتس زیست‌محیطی برای داده‌های پانل از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۷ در کشورهای بریکز متمرکز هستند. این تحقیق از تلفیق پانل وسترلوند برای بررسی همگرایی بین متغیرهای تحقیق استفاده می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که حاکمیت اثرات منفی و معنی‌دار آماری بر انتشار دی‌اکسید کربن دارد و نتایج تحقیق بر اهمیت حاکمیت در حفظ محیط زیست تأکید می‌کند. بائو و همکاران (۲۰۲۰) یک مدل حکمرانی به نام "ظرفیت و فشار" را به‌عنوان یک چهارچوب تحلیلی برای ارزیابی منابع و فشارهای محیطی معرفی می‌کنند. این مدل، سطوح حمل و حکمرانی را در یک مقیاس گسترده بررسی می‌کند. تحلیل ارتباط بین منابع، حکمرانی، ظرفیت و فشار زیست‌محیطی منجر به درک بهتری از بهره‌برداری و ظرفیت ناحیه‌ای می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سطوح فشار زیست‌محیطی، ظرفیت حمل و حکمرانی تفاوت‌های مکانی را نشان می‌دهند. در این رابطه، فشار زیست‌محیطی در سطوح بالاتر نسبت به سطوح پایین‌تر بیشتر است که با ظرفیت حمل مطابقت ندارد؛ اما با فشار زیست‌محیطی همخوانی دارد. عوامل مانند نسبت زمین بلااستفاده، منابع آبی و کیفیت زیست‌محیطی جوی نقش اساسی در ظرفیت حمل دارند و چهارچوب تحلیل «ظرفیت و فشار» به‌عنوان اساسی برای تقسیم‌بندی مناطق اقتصادی در رودخانه

یانگ تسه جهت تحلیل ظرفیت حمل زیست محیطی و منابع به کار می رود. این تحقیق به عنوان یک منبع تصمیم گیری برای توسعه پایدار نواحی در مقیاس بزرگ عرضه می شود. گنگ و هی (۲۰۲۱) در تحقیق خود به بررسی تأثیر آگاهی زیست محیطی و قوانین زیست محیطی بر رضایت از حکمرانی زیست محیطی از طریق یک مدل پروبیت می پردازند. نتایج نشان داد که قوانین زیست محیطی تأثیر مثبت و معنی داری بر رضایت از حکمرانی زیست محیطی دارند، در حالی که آگاهی زیست محیطی تأثیر منفی و معنی داری بر رضایت از حکمرانی زیست محیطی دارد. همچنین، پژوهشگران متوجه شدند زمانی که آگاهی زیست محیطی عمومی در نظر گرفته می شود، ارتباط مثبت بین قوانین زیست محیطی و رضایت از حکمرانی زیست محیطی تحت تأثیر قرار می گیرد و این نتیجه توسط آزمون های قوی تأیید شده است. در تحقیق خود، سیمونسکو و همکاران (۲۰۲۲) به بررسی تأیید منحنی کوزنتز یا منحنی کوزنتز اصلاح شده در کشورهای اروپای شرقی و مرکزی در دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ پرداختند. تأثیر حکمرانی بر انتشار گازهای گلخانه ای در این کشورها در بازه زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۹ مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج براساس مدل های ARDL نشان داد که مصرف انرژی تجدیدپذیر در کاهش آلودگی تأثیرگذار بوده و نقش بهره وری نیروی کار در کاهش انتشار گازهای گلخانه ای در طولانی مدت اهمیت دارد. همچنین، یافته های این تحقیق نشان داد که اعتبار داخلی برای بخش خصوصی تنها در دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۹ منجر به کاهش آلودگی در طولانی مدت شد. عواملی همچون قانون، کیفیت تنظیم گری، و کنترل فساد ابعاد حکمرانی نیز بر کیفیت محیط زیست در طولانی مدت تأثیرگذار هستند. نتایج تجربی این تحقیق نشان می دهد که پیروی از سیاست های اقتصادی و زیست محیطی در کشورهای اروپایی به دستیابی به توسعه پایدار و دستیابی به اهداف قراردادهای سبز اروپا کمک می کند. در مقاله خود، ابرئو و همکاران (۲۰۲۲) به بررسی تأثیر کیفیت حکمرانی بر خط مشی زیست محیطی در برزیل، به ویژه در زمینه کاوش منابع طبیعی، اختصاص دادند. این تحقیق بر پنج شاخص کیفیت حکمرانی، شامل رویکرد بانک جهانی، ثبات سیاسی، کیفیت قانونی، اثربخشی دولت، و کنترل فساد تمرکز دارد. محققین به چالش های حکمرانی که ممکن است منجر به اختلال در



خط‌مشی زیست‌محیطی، به‌ویژه در زمانی که این امور بر کاوش نفت تأثیر می‌گذارد، پرداخته‌اند. یکی از مواردی که شناسایی شده، مداخله سیاسی در مدیریت محیط زیست است که با تغییرات در دولت‌ها، اجرای آن دشوار می‌شود. این مسئله به دلیل کاهش اثربخشی دولت‌ها به وقوع می‌پیوندد و نقص در استقلال سیاسی موجب افزایش ریسک فساد می‌شود. بنابراین، برای برزیل، ارزیابی دقیق خط‌مشی زیست‌محیطی و پیگیری راهبردهای مستقل برای مدیریت منابع سیاسی و فنی ضروری است. با این حال، ارتباط واضحی بین نوسانات در شاخص‌های حکمرانی و داده‌های مربوط به تولید نفت و انتشار دی‌اکسید کربن مشاهده نمی‌شود. سان و همکاران (۲۰۲۳)، در این مقاله به صراحت به کارهای کلیدی مشارکت عمومی در ارزیابی سیاست ذهنی از منظر حاکمیت می‌پردازد. براساس داده‌های منحصربه‌فرد از یک نظرسنجی بزرگ که بین بیش از ۳۵۰۰ پاسخ‌دهنده در ۳۷ شهر کلیدی چین توزیع شده است، مدل پروبیت را برای شناسایی عوامل مؤثر بر ارزیابی عمومی نسبت به سیاست حاکم ارائه شده است. واسکونسلوس (۲۰۲۳) در این مطالعه تأثیر عملکرد محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را بررسی می‌کنند. با استفاده از مجموعه داده پانل ۱۰۵ شرکت برزیلی از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰، از روش تخمین خطای استاندارد تصحیح شده پانل برای آزمایش چهار فرضیه پیشنهادی استفاده شده است.

تحقیقات در مورد نقش حکمرانی شایسته در ارتقای محیط زیست، به بررسی نحوه تأثیرگذاری سیاست‌ها و تصمیمات حکومت‌ها بر حفاظت و بهبود محیط زیست می‌پردازد. این تحقیقات به منظور شناسایی و تحلیل راهکارها و سیاست‌های مؤثر در جهت کاهش آلودگی، حفاظت از تنوع زیستی، مدیریت پایدار منابع طبیعی و ترویج انرژی‌های قابل تجدید استفاده مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این تحقیقات، نقش حکومت‌ها و سیاست‌های حکومتی در ارتقای محیط زیست بررسی می‌شود. این شامل سیاست‌ها و قوانینی است که توسط دولت‌ها در زمینه حفاظت از منابع طبیعی، کاهش آلودگی هوا و آب، مدیریت پسماندها، تشویق به استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و سایر مسائل مرتبط با محیط زیست تدوین و اجرا می‌شود. در تحقیقات مرتبط با نقش حکمرانی، عوامل مختلفی مانند قوانین و مقررات،

سیاست‌های دولتی، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی، همکاری‌های بین‌المللی و نقش جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرند. همچنین، اثربخشی سیاست‌ها، مزایا و معایب آن‌ها و راهکارهای بهبود حکمرانی در حوزه محیط زیست نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند. تحقیقات نقش حکمرانی می‌توانند به شناخت بهتر روابط بین سیاست‌ها و حکمرانی شایسته با ارتقای محیط زیست کمک کنند و در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سازمانی مؤثرتر در این زمینه نقش داشته باشند. همچنین، نتایج این تحقیقات می‌توانند به سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی مناسب برای حفاظت از محیط زیست در سطح ملی و بین‌المللی کمک کنند. بنابراین، براساس مرور ادبیات انجام‌شده می‌توان دریافت که تحقیقاتی در حوزه اثر حکمرانی بر محیط زیست صورت گرفته است؛ اما به‌ندرت می‌توان مدلی با تمرکز بر شناسایی مؤلفه‌های حکمرانی شایسته در ارتقای کیفیت محیط زیست مشاهده نمود که این امر دلالت بر شکاف تحقیقاتی در این حوزه دارد. به عبارت دیگر در تحقیقات مرور شده مدل حکمرانی شایسته در جهت ارتقای کیفیت محیط زیست مورد غفلت واقع شده است که با توجه به هدف تحقیق حاضر این موضوع می‌تواند دلالت بر شکاف تحقیق حاضر داشته باشد.

۳. روش‌شناسی

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر جمع‌آوری اطلاعات توصیفی تحلیلی است. نوع تحقیق از نوع کمی کیفی یا آمیخته است که در بخش کیفی عوامل مرتبط برای توسعه مدل با استفاده از نظر خبرگان براساس نظریه داده‌بنیاد استخراج شده و در بخش کمی رتبه‌بندی آن با استفاده از روش AHP صورت می‌گیرد.

پژوهش حاضر با استراتژی پژوهشی نظریه داده بنیاد به جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و ارائه نتایج می‌پردازد. روش نظریه داده‌بنیاد، شیوه‌ای از پژوهش کیفی است که در آن، با استفاده از دسته‌ای از داده‌ها، نظریه‌ای تکوین می‌یابد که در این رساله از آن به‌عنوان مدل نهایی یاد می‌کنیم، این روش روالی نظام‌مند و کیفی است که جهت تولید نظریه‌ای (در این رساله یک مدل نهایی) که یک فرایند کنش یا برهم‌کنش را درباره یک موضوع خرد واقعی



در سطح مفهومی کلی تشریح کند مورد استفاده قرار می‌گیرد. ایده اصلی این راهبرد آن است که نظریه‌پردازی (تدوین و تبیین مدل) از داده‌های در دسترس ناشی نمی‌شود، بلکه براساس داده‌های حاصل از مشارکت‌کنندگان که فرایند پژوهش را تجربه کرده‌اند، ایجاد یا مفهوم‌سازی می‌شود. به عبارت ساده، نظریه داده بنیاد عبارت است از ساخت نظریه مدون که همان مدل نهایی این رساله است، از طریق گردآوری سازمان یافته داده و تحلیل استقرایی داده‌ها برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های نوین آن دسته از پژوهش‌های کیفی که فاقد مبانی نظری کافی در زمینه موضوع مورد مطالعه هستند.

عموماً فرایند داده‌بنیاد بر مبنای کدگذاری استوار است که این فرایند را در سه مرحله کدگذاری باز (آزاد)، محوری و انتخابی (گزینشی) تقسیم می‌کنند. این سه مرحله لزوماً از یکدیگر مجزا نبوده و در فرایند پژوهش به تکمیل یکدیگر یاری می‌رسانند. با این وجود، در یک نگاه کلی می‌توان این‌گونه بیان کرد که فرایند تحلیل از کدگذاری باز آغاز شده و در حالت ایدئال به کدگذاری انتخابی ختم خواهد شد. رسیدن به کدگذاری انتخابی و تدوین نظریه برای تمامی پژوهش‌هایی که به این شیوه انجام می‌شوند ضروری و یا ممکن نیست و می‌توان کار را در مرحله ارائه مفاهیم و تجزیه و تحلیل آن‌ها به پایان رساند. از این‌رو در این پژوهش، از دو مرحله کدگذاری یعنی باز و محوری استفاده شده است.

پس از شناسایی عوامل در بخش کیفی، فرایند بخش کمی تحقیق آغاز می‌شود. در این بخش از تحقیق طی ابتدا تعیین وزن شاخص‌ها با استفاده از روش AHP انجام شده است و سپس، رتبه‌بندی از طریق مقایسه زوجی با استفاده از روش AHP انجام می‌پذیرد. دلیل استفاده از روش AHP در این تحقیق عبارت است از: امکان فرموله کردن مسئله را به صورت سلسله مراتبی فراهم می‌کند. امکان در نظر گرفتن شاخص‌های مختلف کمی و کیفی را در مسئله فراهم می‌کند. گزینه‌های مختلف را در تصمیم‌گیری دخالت می‌دهد. امکان تحلیل حساسیت روش شاخص‌ها و زیر شاخص‌ها را دارد. از آنجایی که بر مبنای مقایسات زوجی بنا نهاده شده، قضاوت را تسهیل می‌کند؛ میزان سازگاری قضاوت‌های مربوط به مقایسات زوجی را محاسبه و ارائه می‌کند؛ از یک مبنای تئوریک قوی برخوردار است و امکان تلفیق قضاوت‌ها را فراهم

نموده و منجر به تعیین رتبه نهایی هر گزینه می‌شود. چهارچوبی جهت همکاری و مشارکت گروهی در تصمیم‌گیری فراهم می‌کند. کلیه افراد متخصص و عادی می‌توانند به راحتی این روش‌ها را به کار ببرند. برای حل محدوده وسیعی از مسائل قائل استفاده است. مقیاسی برای اندازه‌گیری شاخص‌های کیفی و روشی جهت محاسبه اولویت‌ها فراهم می‌نماید.

۴. تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

۴-۱. نتایج کمی

نتایج کیفی تحقیق برای شناسایی عوامل مؤثر: در این مرحله ابتدا پرسش‌نامه‌های توزیع شده بین خبرگان (۴۰ خبره) جمع‌آوری گردید، پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌های تکمیل شده که از ۴۰ پرسش‌نامه ارسالی، ۴۰ پرسش‌نامه بازگشت؛ دور اول تجمیع و مقدار امتیاز محاسبه شده هر یک از سؤالات محاسبه می‌شود و سپس براساس محاسبات انجام شده به تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه مرحله اول می‌پردازیم. در وهله اول تجمیع نظرات خبرگان را برای هریک از سؤالات پرسش‌نامه به دست آوردیم، جدول زیر نظرات ۴۰ خبره را برای پرسش‌نامه اول ارائه می‌کند. بعد از جمع‌آوری اطلاعات، مقدار امتیاز سؤالات پرسش‌نامه را برای ارزیابی میزان اهمیت هر یک از سؤالات محاسبه می‌کنیم تا امکان مقایسه با شاخص آستانه مشخص شده ممکن گردد. در جدول (۱)، مقدار فازی و دیفازی شده سؤالات پرسش‌نامه در مرحله اول نشان داده شده است. با توجه به جدول (۲)، در ستون دیفازی به وسیله مقدار میانگین طیف، میزان اهمیت هر یک از شاخص‌ها مشخص شده است. در این تحقیق براساس نظرات خبرگان، سؤالاتی که مقدار دیفازی آن‌ها بیشتر از مقدار میانگین طیف (۳) باشد به عنوان سؤالات با اهمیت شناخته می‌شوند و سؤالاتی که مقدار دی فازی آن‌ها کمتر از مقدار میانگین طیف باشد به عنوان سؤالات (اقدامات) کم اهمیت تلقی می‌گردند.



جدول ۲: ارزش فازی و مقدار دیفازی سؤالات پرسش‌نامه اول

سؤالات	ارزش فازی سؤالات			مقدار دیفازی	وضعیت سؤالات
	U	M	L		
۱	۳	۴/۱۳۹۴۷	۵	۴/۰۷	تأیید شده
۲	۲	۳/۴۸۴۱۴	۵	۳/۴۹	تأیید شده
۳	۳	۴/۱۳۹۴۷	۵	۴/۰۷	تأیید شده
۴	۳	۴/۵۳۱۶۴	۵	۴/۲۷	تأیید شده
۵	۳	۴/۴۴۸۱۵	۵	۴/۲۲	تأیید شده
۶	۴	۴/۳۰۸۸۷	۵	۴/۴۰	تأیید شده
۷	۳	۴/۳۴۲۷۸	۵	۴/۱۷	تأیید شده
۸	۴	۴/۳۰۸۸۷	۵	۴/۴۰	تأیید شده
۹	۳	۴/۲۰۶۸	۵	۴/۱۰	تأیید شده
۱۰	۳	۴/۵۳۱۶۴	۵	۴/۲۷	تأیید شده
۱۱	۱	۲/۹۰۹۹۴	۵	۴/۹۵	تأیید شده
۱۲	۳	۴/۳۴۲۷۸	۵	۴/۱۷	تأیید شده
۱۳	۳	۴/۱۳۹۴۷	۵	۴/۰۷	تأیید شده
۱۴	۴	۴/۳۰۸۸۷	۵	۴/۴۰	تأیید شده
۱۵	۳	۴/۱۳۹۴۷	۵	۴/۰۷	تأیید شده

وضعیت سؤالات	مقدار دیفازی	ارزش فازی سؤالات			سؤالات
		U	M	L	
تأیید شده	۴/۰۷	۵	۴/۱۳۹۴۷	۳	۱۶
تأیید شده	۴/۰۷	۵	۴/۱۳۹۴۷	۳	۱۷
تأیید شده	۳/۴۹	۵	۳/۴۸۴۱۴	۲	۱۸
تأیید شده	۴/۰۷	۵	۴/۱۳۹۴۷	۳	۱۹
تأیید شده	۴/۲۷	۵	۴/۵۳۱۶۴	۳	۲۰
تأیید شده	۴/۲۲	۵	۴/۴۴۸۱۵	۳	۲۱
تأیید شده	۴/۴۰	۵	۴/۳۰۸۸۷	۴	۲۲
تأیید شده	۴/۲۷	۴	۲/۰۳۹۶۵	۱	۲۳
تأیید شده	۴/۴۰	۵	۴/۳۰۸۷۷	۴	۲۴
تأیید شده	۴/۱۰	۵	۴/۲۰۶۸	۳	۲۵

با توجه به نتایج حاصل شده از دور اول، با توجه به مقدار دی فازی به دست آمده برای هر یک از سؤالات پژوهش مشاهده می شود که از بین ۳۰ سؤال طرح شده در حوزه حکمرانی شایسته برای ارتقای کیفیت محیط زیست، تمامی عوامل مرتبط با هر سؤال دارای مقدار دی فازی بیشتر از میانگین طیف (مقدار ۳) هستند؛ بنابراین این مقولات به عنوان مقولات نهایی شده در نظر گرفته می شوند تلقی شده که می توانیم در پژوهش از آن ها استفاده کنیم. همچنین خبرگان در سؤال باز پرسش نامه مبنی بر اضافه کردن عامل جدید مورد جدیدی در این مرحله اضافه نکردند.



۴-۲. نتایج روایی و پایایی عوامل شناسایی شده

در این بخش از تحقیق با توزیع و جمع‌آوری نتایج حاصل شده از پرسش‌نامه، نرخ شاخص تحلیل محتوایی برای تحقیق محاسبه شده است. علاوه بر این مقدار آلفای کرونباخ نیز برای این پرسش‌نامه محاسبه شده است. آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه برابر با $0/78$ محاسبه شده است. با توجه به اینکه در صورتی که مقدار آن بیشتر از $0/7$ باشد نتایج از پایایی مطلوبی بهره‌مند هستند. نتایج محاسبه نرخ روایی محتوایی نیز در جدول (۳)، نشان داده شده است.

جدول ۳: محاسبه نرخ روایی محتوایی عوامل

ردیف	عوامل	نماد	مقدار CVR
۱	تصویب قوانین قابل اجرا در حوزه محیط زیست	C1	$0/68$
۲	مبارزه با فساد	C2	$0/72$
۳	شفافیت	C3	$0/78$
۴	ارائه مشوق‌هایی برای کسب‌وکار هوشمند و محیط پسند	C4	$0/69$
۵	توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان	C5	$0/63$
۶	اعمال سیاست‌های زیست‌محیطی در عرصه تولید	C6	$0/84$
۷	پیاده‌سازی تعمیر و نگهداری فعال و تخصصی	C7	$0/88$
۸	حرکت به سمت تولید وسایل نقلیه هیبریدی یا الکترونیک	C8	$0/78$
۹	تولید یا واردات سوخت باکیفیت	C9	$0/89$
۱۰	تشویق و تخصیص بودجه برای تولید انرژی تجدید پذیر	C10	$0/66$
۱۱	توسعه و واردات تکنولوژی‌های آبیاری	C11	$0/82$
۱۲	دسترسی همگانی به تکنولوژی	C12	$0/81$

ردیف	عوامل	نماد	مقدار CVR
۱۳	ارائه خدمات دولت الکترونیک	C13	۰/۶۷
۱۴	حضور دولت الکترونیک در نواحی دوردست	C14	۰/۷۰
۱۵	ارائه خدمات سنجش هوشمند	C15	۰/۷۸
۱۶	توسعه اینترنت	C16	۰/۸۴
۱۷	تمرکززدایی از دولت مرکزی	C17	۰/۹۵
۱۸	توسعه دولت‌های محلی	C18	۰/۶۹
۱۹	انتخاب بین تولید و واردات	C19	۰/۶۹
۲۰	توسعه جامعه مدنی	C20	۰/۸۵
۲۱	فرهنگ‌سازی در زمینه محیط زیست و توسعه پایدار	C21	۰/۸۶
۲۲	پیاده‌سازی اصول حقوق بشر و محیط زیست	C22	۰/۸۶
۲۳	تعیین نواحی حفاظت‌شده زیست‌محیطی	C23	۰/۸۲
۲۴	انجام پروژه‌های عمرانی به شکل محیط پسند	C24	۰/۷۹
۲۵	تخصیص فضای سبز شهری	C25	۰/۷۴
۲۶	توسعه سیستم آموزش	C26	۰/۶۹
۲۷	توسعه ناوگان حمل‌ونقل عمومی شهری به صورت هیبریدی و الکترونیک	C27	۰/۶۸
۲۸	تشویق و تخصیص بودجه برای حمل‌ونقل شهری با دوچرخه	C28	۰/۷۹
۲۹	ارائه و پیاده‌سازی طرح‌های تصفیه و تخلیه فاضلاب	C29	۰/۷۳



ردیف	عوامل	نماد	مقدار CVR
۳۰	توسعه شهرها و روستاهای پایدار	C30	۰/۸۲

با توجه به نتایج محاسبه شده برای شاخص روایی محتوایی به ازای هر یک از عوامل در نظر گرفته شده تأثیرگذار بر ارتقای کیفیت محیط زیست مرتبط با حکمرانی شایسته کلیه عوامل می‌توانند در تحلیل مورد استفاده قرار بگیرند. زیرا مقدار شاخص محاسبه شده برای تمامی عوامل بیشتر از ۰/۲۹ است.

۳-۴. تعیین اهمیت و اولویت‌بندی عوامل با AHP

در این بخش رتبه‌بندی عوامل نهایی صورت می‌گیرد. رتبه‌بندی عوامل مربوطه براساس روش AHP صورت می‌گیرد. در جدول (۴)، عوامل مؤثر بر حکمرانی شایسته در ارتقای کیفیت محیط زیست به تفکیک در ۶ دسته عامل اصلی طبقه‌بندی شده‌اند. عوامل انجام شده است. ۶ دسته برای طبقه‌بندی کردن ۳۰ زیر معیار مؤثر بر حکمرانی شایسته عبارتند از: حاکمیتی، قانونی، اجرایی، اقتصادی، صنعتی و فناوری اطلاعات برای هریک از این معیارهای تعدادی زیرمعیار شناسایی شده است. در مجموع ۶ معیار اصلی و ۳۰ زیرمعیار به‌عنوان زیر شاخص‌ها براساس اصول کدگذاری مورد بررسی قرار گرفته است. معیارهای اصلی از مقالات و پیشینه مربوط به موضوع تحقیق استخراج شده است که زیرمعیارهای شناسایی شده براساس شناخت محقق در دسته‌های مختلف قرار گرفته است.

جدول ۴: رتبه‌بندی عوامل استخراجی

عامل اصلی	زیرمعیارها
حاکمیتی (C01)	توسعه شهرها و روستاهای پایدار (C11)
	تمرکززدایی از دولت مرکزی (C12)

عامل اصلی	زیرمعیارها
	توسعه سیستم آموزش (C13)
	توسعه دولت‌های محلی (C14)
	پیاده‌سازی اصول حقوق بشر و محیط زیست (C15)
	انتخاب بین تولید و واردات (C16)
	توسعه اینترنت (C17)
	فرهنگ‌سازی در زمینه محیط زیست و توسعه پایدار (C18)
	توسعه جامعه مدنی (C19)
	مبارزه با فساد (C21)
قانونی (C02)	شفافیت (C22)
	تصویب قوانین قابل اجرا در حوزه محیط زیست (C23)
	ارائه و پیاده‌سازی طرح‌های تصفیه و تخلیه فاضلاب (C31)
اجرایی (C03)	توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان (C32)
	تخصیص فضای سبز شهری (C33)
	انجام پروژه‌های عمرانی به شکل محیط پسند (C34)
	توسعه و واردات تکنولوژی‌های آبیاری (C35)
	تشویق و تخصیص بودجه برای تولید انرژی تجدید پذیر (C36)
	توسعه ناوگان حمل‌ونقل عمومی شهری به‌صورت هیبریدی و الکترونیک (C37)



عامل اصلی	زیرمعیارها
	تعیین نواحی حفاظت‌شده زیست‌محیطی (C37)
	تشویق و تخصیص بودجه برای حمل‌ونقل شهری با دوچرخه (C38)
اقتصادی (C04)	ارائه مشوق‌هایی برای کسب‌وکار هوشمند و محیط پسند (C41)
صنعتی (C05)	تولید یا واردات سوخت باکیفیت (C51)
	اعمال سیاست‌های زیست‌محیطی در عرصه تولید (C52)
	حرکت به سمت تولید وسایل نقلیه هیبریدی یا الکترونیک (C53)
	پیااده‌سازی تعمیر و نگهداری فعال و تخصصی (C54)
فناوری اطلاعات (C06)	ارائه خدمات دولت الکترونیک (C61)
	حضور دولت الکترونیک در نواحی دوردست (C62)
	دسترسی همگانی به تکنولوژی (C63)
	ارائه خدمات سنجش هوشمند (C64)

لازم به ذکر است معیارها و زیرمعیارهای تحقیق با اندیس عددی به صورت جدول (۴)، نام‌گذاری شده‌اند تا در جریان تحقیق به سادگی قابل ردیابی و مطالعه باشد. مراحل انجام تحلیل برای تعیین وزن عوامل مؤثر بر حکمرانی شایسته با روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) به صورت زیر است:

- اولویت‌بندی عوامل اصلی حکمرانی شایسته در ارتقای کیفیت محیط زیست براساس هدف از طریق مقایسه زوجی؛
- اولویت‌بندی هریک از زیرمعیارها در خوشه مربوط به خود از طریق مقایسه زوجی؛
- تعیین وزن نهایی عناصر با تکنیک بردار ویژه.

برای انجام تحلیل سلسله‌مراتبی نخست عوامل اصلی مؤثر بر حکمرانی شایسته بر ارتقای بهره‌وری براساس هدف به‌صورت زوجی مقایسه شده‌اند. تکنیک تحلیل سلسله‌مراتبی یک تکنیک رتبه‌بندی است و رتبه‌بندی در این تکنیک براساس مقایسه‌های زوجی صورت می‌گیرد. مقایسه زوجی بسیار ساده است و تمامی عناصر هر خوشه باید به‌صورت دو به دو مقایسه شوند. بنابراین اگر در یک خوشه n عنصر وجود داشته باشد $\frac{n(n-1)}{2}$ مقایسه صورت خواهد گرفت. چون ۶ معیار وجود دارد بنابراین تعداد مقایسه‌های انجام شده برابر است با:

$$\frac{n(n-1)}{2} = \frac{6(6-1)}{2} = 15$$

بنابراین ۱۵ مقایسه زوجی از دیدگاه گروهی از خبرگان انجام شده است. با استفاده از تکنیک میانگین هندسی دیدگاه خبرگان جمع شده است و برای محاسبه وزن نهایی معیارها استفاده گردیده است. ماتریس مقایسه زوجی حاصل از جمع دیدگاه خبرگان در جدول (۵)، ارائه شده است.

جدول ۵: اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر حکمرانی شایسته در ارتقای کیفیت محیط زیست

	C06	C05	C04	C03	C02	C01	میانگین هندسی	بردار ویژه
C01	۱	۰/۴۲۵	۳/۰۱۷	۴/۳۸۴	۰/۶۰۸	۱/۴۳۱	۰/۹۴۸	۰/۱۵۵
C02	۲/۳۵۲	۱	۴/۴۴۱	۲/۶۵۰	۱/۴۳۱	۲/۹۳۰	۳/۰۵۹	۰/۲۳۹
C03	۰/۳۳۱	۰/۲۲۵	۱	۲/۷۲۲	۰/۶۹۷	۰/۸۹۴	۰/۸۷۷	۰/۰۶۹
C04	۰/۲۲۸	۰/۳۷۷	۰/۳۶۷	۱	۰/۳۸۰	۰/۷۵۰	۰/۷۲۷	۰/۰۵۷
C05	۱/۶۴۴	۱/۴۳۵	۱/۴۳۱	۲/۶۳۱	۱	۲/۰۴۸	۲/۴۲۹	۰/۱۹۰
C06	۰/۶۹۹	۰/۳۴۱	۱/۱۱۸	۱/۳۳۲	۰/۴۸۸	۱	۱/۱۷۴	۰/۰۹۲



براساس بردار ویژه اولویت عوامل اصلی مؤثر بر حکمرانی شایسته برای ارتقای کیفیت محیط زیست به صورت زیر است:

- ❖ عوامل قانونی با وزن ۰/۲۳۹ در رتبه ۱ قرار دارد.
 - ❖ عوامل صنعتی با وزن ۰/۱۹ در رتبه ۲ قرار دارد.
 - ❖ عوامل حاکمیتی با وزن ۰/۱۵۵ در رتبه ۳ قرار دارد.
 - ❖ عوامل فناوری اطلاعات با وزن ۰/۰۹۲ در رتبه ۴ قرار دارد.
 - ❖ عوامل اجرایی با وزن ۰/۰۶۹ در رتبه ۵ قرار دارد.
 - ❖ عوامل اقتصادی با وزن ۰/۰۵۷ در رتبه ۶ قرار دارد.
- نرخ ناسازگاری مقایسه‌های انجام شده ۰/۰۵۷ به دست آمده است که کوچک‌تر از ۰/۱ است و بنابراین می‌توان به مقایسه‌های انجام شده اعتماد کرد.

در گام سوم از تکنیک تحلیل سلسله مراتبی (AHP) زیرمعیارهای مربوط به هر معیار به صورت زوجی مقایسه می‌شوند. زیرمعیارهای عوامل حاکمیتی عبارتند از: «توسعه شهرها و روستاهای پایدار، تمرکززدایی از دولت مرکزی، توسعه سیستم آموزش، توسعه دولت‌های محلی، پیاده‌سازی اصول حقوق بشر و محیط زیست، انتخاب بین تولید و واردات، توسعه اینترنت، فرهنگ‌سازی در زمینه محیط زیست و توسعه پایدار و توسعه جامعه مدنی». ماتریس مقایسه زوجی زیرمعیارهای عوامل قانونی در جدول (۶)، ارائه شده است.

جدول ۶: ماتریس مقایسه زوجی زیرمعیارهای عوامل حاکمیتی

بردار ویژه	میانگین هندسی	C19	C18	C17	C16	C15	C14	C13	C12	C11	C01
۰/۷۶۹	۰/۸۲۳	۶/۶۷۳	۲/۶۳۹	۵/۲۲۳	۰/۶۰۸	۰/۲۲۳	۰/۱۳۱	۰/۲۲۳	۰/۲۲۳	۱	C11
۰/۲۳۱	۰/۵۴۹	۸/۱۶۵	۲/۷۸۷	۷/۵۸۴	۱/۴۳۱	۰/۳۶۸	۲/۳۴۵	۰/۳۶۸	۱	۰/۳۰۱	C12
۰/۳۳۲	۰/۶۲۳	۱/۹۳۹	۲/۳۸۴	۳/۵۶۵	۰/۶۹۷	۳/۵۶۵	۲/۴۶۰	۱	۰/۲۲۳	۰/۳۰۱	C13
۰/۰۵۷	۰/۷۲۷	۷/۶۳۴	۲/۳۴۹	۱/۹۳۹	۰/۳۸۰	۱/۹۳۹	۱	۰/۲۹۱	۰/۳۰۱	۰/۹۰۳	C14

C01	C11	C12	C13	C14	C15	C16	C17	C18	C19	میانگین هندسی	بردار ویژه
C15	۰/۶۹۹	۰/۳۰۱	۰/۱۳۱	۱/۴۳۵	۱	۰/۶۹۷	۷/۶۳۴	۸/۱۶۵	۷/۹۷۵	۲/۴۲۹	۰/۱۹۰
C16	۰/۱۹۱	۰/۹۰۳	۲/۳۴۵	۱/۱۱۸	۰/۲۹۱	۱	۱/۹۳۹	۱/۹۳۹	۲/۴۵۷	۱/۱۷۴	۰/۰۹۲
C17	۰/۱۵۰	۰/۶۹۹	۲/۴۶۰	۰/۲۸۰	۰/۱۳۱	۷/۹۷۵	۱	۷/۶۳۴	۱/۴۳۱	۰/۳۴۲	۰/۰۲۷
C18	۰/۴۵۰	۰/۱۹۱	۰/۸۹۴	۰/۱۳۱	۲/۳۴۵	۲/۴۵۷	۰/۲۹۱	۱	۱/۹۳۹	۰/۹۴۸	۰/۰۲۱
C19	۰/۴۰۱	۰/۱۵۰	۰/۷۵۰	۱/۹۰۴	۲/۴۶۰	۲/۳۴۵	۰/۱۳۱	۸/۱۶۵	۱	۳/۰۵۹	۰/۰۷۷

براساس بردار ویژه به دست آمده شاخص توسعه شهرها و روستاهای پایدار با وزن ۰/۷۶۹ در رتبه ۱ قرار دارد. شاخص توسعه سیستم آموزش با وزن ۰/۳۳۲ در رتبه ۲ قرار دارد، شاخص تمرکز زدایی از دولت مرکزی با وزن ۰/۲۳۱ در رتبه سوم، شاخص پیاده سازی اصول اخلاقی با وزن ۰/۱۹۰ در رتبه چهارم، شاخص انتخاب بین تولید و واردات با وزن ۰/۰۹۲ در رتبه پنجم، شاخص توسعه جامعه مدنی با وزن ۰/۰۷۷ در رتبه ششم، شاخص توسعه دولت های محلی با وزن ۰/۰۵۷ در رتبه هفتم، شاخص توسعه اینترنت با وزن ۰/۰۲۷ در رتبه هشتم و شاخص فرهنگ سازی در زمینه محیط زیست و توسعه پایدار با وزن ۰/۰۲۱ در رتبه نهم قرار دارد. چون یک مقایسه زوجی انجام شده است بنابراین نرخ ناسازگاری صفر است.

زیرمعیارهای عوامل قانونی عبارتند از: «مبارزه با فساد، شفافیت و تصویب قوانین لازم الاجرا در حوزه محیط زیست». ماتریس مقایسه زوجی زیرمعیارهای عوامل قانونی در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷: ماتریس مقایسه زوجی زیرمعیارهای عوامل قانونی

C02	C21	C22	C23	میانگین هندسی	بردار ویژه
C21	۱	۰/۲۳۳	۰/۲۳۳	۰/۸۲۳	۰/۷۶۹



بردار ویژه	میانگین هندسی	C23	C22	C21	C02
۰/۲۳۱	۰/۵۴۹	۰/۳۶۸	۱	۰/۳۰۱	C22
۰/۳۳۲	۰/۶۲۳	۱	۰/۲۳۳	۰/۳۰۱	C23

براساس بردار ویژه به‌دست‌آمده شاخص مبارزه با فساد با وزن ۰/۷۶۹ در رتبه ۱ قرار دارد. شاخص تصویب قوانین قابل اجرا در حوزه محیط زیست با وزن ۰/۳۳۲ در رتبه ۲ قرار دارد و همچنین، شاخص شفافیت با وزن ۰/۲۳۱ در رتبه سوم قرار دارد. چون یک مقایسه زوجی انجام شده است بنابراین نرخ ناسازگاری صفر است.

زیرمعیارهای عوامل اجرایی عبارتند از: «ارائه پیاده‌سازی طرح‌های تصفیه و تخلیه فاضلاب، توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان، تخصیص فضای سبز شهری، انجام پروژه‌های عمرانی به شکل محیط پسند، توسعه و واردات تکنولوژی‌های آبیاری، تشویق و تخصیص بودجه برای تولید انرژی تجدید پذیر، توسعه ناوگان حمل‌ونقل عمومی شهری به‌صورت هیبریدی و الکترونیک، تعیین نواحی حفاظت‌شده زیست‌محیطی و تشویق و تخصیص بودجه برای حمل‌ونقل شهری». ماتریس مقایسه زوجی زیرمعیارهای عوامل قانونی در جدول (۸)، ارائه شده است.

جدول ۸: ماتریس مقایسه زوجی زیرمعیارهای عوامل اجرایی

بردار ویژه	میانگین هندسی	C39	C38	C37	C36	C35	C34	C33	C32	C31	C03
۰/۱۹۰	۲/۴۲۹	۶/۶۷۳	۲/۶۳۹	۵/۲۲۳	۰/۶۰۸	۰/۲۲۳	۰/۱۳۱	۰/۲۲۳	۰/۲۲۳	۱	C31
۰/۰۹۲	۱/۱۷۴	۸/۱۶۵	۲/۷۸۷	۷/۵۸۴	۱/۴۳۱	۰/۳۶۸	۲/۳۴۵	۰/۳۶۸	۱	۰/۲۲۳	C32
۰/۰۲۷	۰/۳۴۲	۱/۹۳۹	۲/۳۸۴	۳/۵۶۵	۰/۶۹۷	۳/۵۶۵	۲/۴۶۰	۱	۰/۲۲۳	۰/۲۲۳	C33
۰/۰۲۱	۰/۹۴۸	۷/۶۳۴	۲/۳۴۹	۱/۹۳۹	۰/۳۸۰	۱/۹۳۹	۱	۰/۲۹۱	۰/۳۰۱	۰/۳۰۱	C34

C03	C31	C32	C33	C34	C35	C36	C37	C38	C39	میانگین هندسی	بردار ویژه
C35	۰/۳۰۱	۰/۳۰۱	۰/۱۳۱	۱/۴۳۵	۱	۰/۶۹۷	۷/۶۳۴	۸/۱۶۵	۷/۹۷۵	۳/۰۵۹	۰/۰۷۷
C36	۰/۹۰۳	۰/۹۰۳	۲/۳۴۵	۱/۱۱۸	۰/۲۹۱	۱	۱/۹۳۹	۱/۹۳۹	۲/۴۵۷	۰/۸۲۳	۰/۷۶۹
C37	۰/۶۹۹	۰/۶۹۹	۲/۴۶۰	۰/۲۸۰	۰/۱۳۱	۷/۹۷۵	۱	۷/۶۳۴	۱/۴۳۱	۰/۵۴۹	۰/۲۳۱
C38	۰/۱۹۱	۰/۱۹۱	۰/۸۹۴	۰/۱۳۱	۲/۳۴۵	۲/۴۵۷	۰/۲۹۱	۱	۱/۹۳۹	۰/۶۲۳	۰/۳۳۲
C39	۰/۱۵۰	۰/۱۵۰	۰/۷۵۰	۱/۹۰۴	۲/۴۶۰	۲/۳۴۵	۰/۱۳۱	۸/۱۶۵	۱	۰/۷۲۷	۰/۰۵۷

براساس بردار ویژه به دست آمده شاخص تشویق و تخصیص بودجه برای تولید انرژی تجدیدپذیر با وزن ۰/۷۶۹ در رتبه ۱ قرار دارد. شاخص تعیین نواحی حفاظت شده زیست محیطی با وزن ۰/۳۳۲ در رتبه ۲ قرار دارد، شاخص توسعه ناوگان حمل و نقل عمومی شهری به صورت هیبریدی و الکترونیک با وزن ۰/۲۳۱ در رتبه سوم، شاخص ارائه پیاده سازی طرح های تصفیه و تخلیه فاضلاب با وزن ۰/۱۹۰ در رتبه چهارم، شاخص توسعه شرکت های دانش بنیان با وزن ۰/۰۹۲ در رتبه پنجم، شاخص توسعه و واردات تکنولوژی های آبیاری با وزن ۰/۰۷۷ در رتبه ششم، شاخص تشویق و تخصیص بودجه برای حمل و نقل با وزن ۰/۰۵۷ در رتبه هفتم، شاخص تخصیص فضای سبز شهری با وزن ۰/۰۲۷ در رتبه هشتم و شاخص انجام پروژه های عمرانی به شکل محیط پسند با وزن ۰/۰۲۱ در رتبه نهم قرار دارد. چون یک مقایسه زوجی انجام شده است بنابراین نرخ ناسازگاری صفر است.

زیر معیارهای عوامل اقتصادی فقط عامل ارائه مشوق هایی برای کسب و کار هوشمند و محیط پسند است، از آنجایی که زیر معیار دیگری برای عامل اقتصادی شناسایی نشده است بنابراین، مقایسه زوجی آن انجام نمی شود.

زیر معیارهای عوامل صنعتی عبارتند از: «تولید یا واردات سوخت با کیفیت، اعمال سیاست های زیست محیطی در عرصه تولید، حرکت به سمت تولید وسایل نقلیه هیبریدی یا



الکترونیک و پیاده‌سازی، تعمیر و نگهداری فعال و تخصصی». ماتریس مقایسه زوجی زیرمعیارهای عوامل صنعتی در جدول (۹)، ارائه شده است.

جدول ۹: ماتریس مقایسه زوجی زیرمعیارهای عوامل صنعتی

بردار ویژه	میانگین هندسی	C54	C53	C52	C51	C05
۰/۱۹۰	۲/۴۲۹	۵/۲۲۳	۰/۲۳۳	۰/۲۳۳	۱	C51
۰/۰۹۲	۱/۱۷۴	۷/۵۸۴	۰/۳۶۸	۱	۰/۳۰۱	C52
۰/۰۲۷	۰/۳۴۲	۳/۵۶۵	۱	۰/۲۳۳	۰/۳۰۱	C53
۰/۰۲۱	۰/۳۰۱	۱	۰/۳۶۸	۰/۴۵۲	۰/۲۳۱	C54

براساس بردار ویژه به‌دست‌آمده شاخص تولید یا واردات سوخت باکیفیت با وزن ۰/۱۹۰ در رتبه ۱ قرار دارد. شاخص اعمال سیاست‌های زیست‌محیطی در عرصه تولید با وزن ۰/۰۹۲ در رتبه ۲ قرار دارد. شاخص حرکت به سمت تولید وسایل نقلیه هیبریدی یا الکترونیک با وزن ۰/۰۲۷ در رتبه سوم قرار دارد. و همچنین، پیاده‌سازی تعمیر و نگهداری فعال و تخصصی با وزن ۰/۰۲۱ در رتبه چهارم قرار دارد. چون یک مقایسه زوجی انجام شده است بنابراین نرخ ناسازگاری صفر است.

زیرمعیارهای عوامل فناوری اطلاعات عبارتند از: «ارائه خدمات دولت الکترونیک، حضور دولت الکترونیک در نواحی دوردست، دسترسی همگان به تکنولوژی، ارائه خدمات سنجش هوشمند». ماتریس مقایسه زوجی زیرمعیارهای عوامل صنعتی در جدول (۱۰)، ارائه شده است.

جدول ۱۰: ماتریس مقایسه زوجی زیرمعیارهای عوامل فناوری اطلاعات

بردار ویژه	میانگین هندسی	C64	C63	C62	C61	C06
۰/۷۶۹	۰/۸۲۳	۰/۱۳۱	۰/۲۳۳	۰/۲۳۳	۱	C61
۰/۲۳۱	۰/۵۴۹	۲/۳۴۵	۰/۳۶۸	۱	۰/۳۰۱	C62

بردار ویژه	میانگین هندسی	C64	C63	C62	C61	C06
۰/۳۳۲	۰/۶۲۳	۲/۴۶۰	۱	۰/۲۳۳	۰/۳۰۱	C63
۰/۰۵۷	۰/۷۲۷	۱	۰/۲۹۱	۰/۳۰۱	۰/۹۰۳	C64

براساس بردار ویژه به دست آمده شاخص ارائه خدمات دولت الکترونیک با وزن ۰/۷۶۹ در رتبه ۱ قرار دارد. شاخص دسترسی همگان به تکنولوژی با وزن ۰/۳۳۲ در رتبه ۲ قرار دارد. شاخص حضور دولت الکترونیک در نواحی دور دست با وزن ۰/۲۳۱ در رتبه سوم قرار دارد. و همچنین، ارائه خدمات سنجش هوشمند با وزن ۰/۰۵۷ در رتبه چهارم قرار دارد. چون یک مقایسه زوجی انجام شده است بنابراین نرخ ناسازگاری صفر است.

با توجه به نتایج مشخص شده از روش AHP، درجه اهمیت هر یک از معیارهای اصلی به طور جداگانه محاسبه شده اند و همچنین، زیرمعیارهای هر یک از این عوامل نیز اهمیتشان مشخص شده است. بنابراین، در مواجهه با حاکمیت شایسته بر حسب درجه اهمیت هر یک از معیارها و زیرمعیارها می توانیم اقدام نماییم.

نتیجه گیری و پیشنهاد

هدف تحقیق حاضر نقش حکمرانی شایسته در ارتقاء کیفیت محیط زیست بود. برای این منظور ابتدا مطالعات کتابخانه ای صورت گرفت و شکاف تحقیقاتی استخراج شد. محقق به دنبال ارائه مدلی جهت ارتقای کیفیت محیط زیست براساس حکمرانی شایسته بود. به این منظور و با توجه به عدم وجود پیشینه از نظر خبرگان جهت شناسایی عوامل استفاده گردید. یک نمونه ۴۰ نفره از خبرگان تشکیل شد و با استفاده از مصاحبه عمیق ابتدا عوامل استخراج گردید. سپس عوامل استخراجی که در واقع عوامل اثرگذار بر ارتقای محیط زیست به واسطه حکمرانی شایسته بود با استفاده از تحلیل دلفی اعتبار سنجی شد سپس تمامی عوامل به عنوان عوامل معنی دار تلقی شده و در واقع اعتبار تمامی عوامل با استفاده از CVR تأیید گردید. براساس بردار ویژه اولویت عوامل اصلی مؤثر بر حکمرانی شایسته برای ارتقای کیفیت محیط



زیست به صورت زیر است: عوامل قانونی با وزن ۰/۲۳۹ در رتبه ۱ قرار دارد. عوامل صنعتی با وزن ۰/۱۹ در رتبه ۲ قرار دارد. عوامل حاکمیتی با وزن ۰/۱۵۵ در رتبه ۳ قرار دارد. عوامل فناوری اطلاعات با وزن ۰/۰۹۲ در رتبه ۴ قرار دارد. عوامل اجرایی با وزن ۰/۰۶۹ در رتبه ۵ قرار دارد. عوامل اقتصادی با وزن ۰/۰۵۷ در رتبه ۶ قرار دارد. نرخ ناسازگاری مقایسه‌های انجام شده ۰/۰۵۷ به دست آمده است که کوچکتر از ۰/۱ است و بنابراین می‌توان به مقایسه‌های انجام شده اعتماد کرد. استفاده از روش‌هایی مانند ISM و دیمتل برای شناسایی تأثیر و تأثر عوامل بر یکدیگر و همچنین، استفاده از روش‌هایی مانند بهترین - بدترین یا آنالیز شانون برای تعیین اهمیت و وزن معیارها برای مطالعات آتی پیشنهاد می‌شود.

References

- Abreu, M., Soaresb, I., Silva, S., 2022, Governance quality and environmental policy on emergent, resource-rich economies: The case of Brazil, *Energy Reports* 8, 70–75
- Adams, M.A., Buckley, T.N., Turnbull, T.L., 2020. Diminishing CO 2-driven gains in water-use efficiency of global forests. *Nature Clim. Change* 10 (5), 466–471. <http://dx.doi.org/10.1038/s41558-020-0747-7>.
- Allwood, G., 2020. Mainstreaming gender and climate change to achieve a just transition to a climate-neutral europe. *J. Common Mark. Stud.* 58 (S1), 173–186. <http://dx.doi.org/10.1111/jcms.13082>.
- Apergis, N., García, G., 2019, Environmentalism in the EU-28 context: the impact of governance quality on environmental energy efficiency, *Environmental Science and Pollution Research*, 26:37012–37025
- Bao, H., Wang, C., Han, L., Wu, Sh., Lou, L., Xu, B., Liu, Y., 2020, Resources and Environmental Pressure, Carrying Capacity, And Governance: A Case Study of Yangtze River Economic Belt, *Sustainability*, 12, 1576; doi:10.3390/su12041576
- Danisha, M., Balochd, A., Wang, B. 2019, Analyzing the role of governance in CO2emissions mitigation:The BRICS experiencea,, *Structural Change and Economic Dynamics* 51, 119–125
- Dogan, E., Inglesi-Lotz, R., 2020. The impact of economic structure to the environmental Kuznets curve (EKC) hypothesis: evidence from European countries. *Environ. Sci. Pollut. Res.* 27 (11), 12717–12724. <http://dx.doi.org/10.1007/s11356-020-07878-2>.
- Geng, M.M.; He, L.Y. Environmental Regulation, Environmental Awareness and Environmental Governance Satisfaction. *Sustainability* 2021, 13, 3960. <https://doi.org/10.3390/su13073960>
- Haque, F., and Ntim, C.G, 2018, Environmental Policy, Sustainable Development, Governance Mechanisms and Environmental Performance, *Business Strategy and the Environment*
- Li, G., He, Q., Shao, Sh., Cao, J., 2018, Environmental non-governmental organizations and urban environmental governance: Evidence from China, *Journal of Environmental Management* 206,1296e1307
- Raszkowski, A., Bartniczak, B. (2018), “Towards Sustainable Regional Development: Economy, Society, Environment, Good Governance Based on the Example of Polish Regions”, *Transformations in Business & Economics*, Vol. 17, No 2 (44), pp.225-245
- Simionescu, M., Strielkowski, W., Gavurova, B., 2022, Could quality of governance influence pollution? Evidence from the revised Environmental Kuznets Curve in Central and Eastern European countries, *Energy Reports* 8, 809–819
- Sun, C., Min, J., Li, J., & Cai, W. (2023). Public participation and policy evaluation in China's smog governance. *Environmental Impact Assessment Review*, 100, 107052.
- Vasconcelos, P. D. S. V. D. (2023). Analyst Coverage and Environmental, Social and Governance (ESG) performance: Evidence from Brazil.
- Yasmeen, R., Li, Y., Hafeez, M., Ahmad, H., 2018, The trade-environment nexus in light of governance: a global potential, *Environmental Science and Pollution Research* <https://doi.org/10.1007/s11356-018-3390-3>

❧ Table of Contents ❧

Articles

<i>Geopolitical and Geostrategic Factors of Russia Influencing the Defense Strategy of the Islamic Republic of Iran</i> -----	5
Mohsen Rostami, Abdollah Jalalinasab, Amirhossein Elhami, Ali Afzali	
<i>Preparedness Strategies for Passive Defense in the Islamic Republic of Iran</i> -----	37
Hamid Foruzan, Mohsen Sasani, Mahnaz Mirza Ebrahim Tehrani, Mohsen Salimi Darani	
<i>The Role of Spatial Planning in Geographical Defense with an Emphasis on Population</i> -----	69
Alireza Saadat Rad, Ali Asghar Beik Biland, Hamidreza Tondro	
<i>Environmental Determinants Affecting the Islamic Republic of Iran Broadcasting (IRIB) in Confronting Social Media Warfare</i> -----	101
Seyyed Morteza Mousavian, Hossein Sari, Saeed Alavi Vafa, Alireza Maghsoudi	
<i>Functional Domains of the Lebanese Resistance Movement</i> -----	139
Esmail Ahmadi Moghaddam, Davoud Askari, Fathollah Kalantari, Saadollah Zarei	
<i>Analyzing the Impact of Social and Economic Conflicts on the Military Thought of Azerbaijan and Armenia during the Second Nagorno-Karabakh War (2020) and Its Implications for the Islamic Republic of Iran</i> -----	173
Shahram Norouzani, Alireza Shaban, Morteza Sedaghat, Nabiollah Moradi, Seyed Hassan Mousavi	
<i>Factors Contributing to the Enhancement of Air Defense Combat Capability in Response to Aerial Threats</i> -----	193
Seyed Esmail Shahraeyni, Hossein Basiri Adl	
<i>Security Challenges Facing the Asia–Pacific Region Based on the Indicators of Barry Buzan’s Regional Security Complex Theory</i> -----	225
Marjan Badii Azandahi, Hassan Kamran Dastjerdi, Bahador Zarei, Seyed Mohammad Naghib zadeh	
<i>Novel Approaches and Tools of Cognitive Warfare in the Cultural and Social Domains</i> -----	257
Mohammadreza Gharayi Ashtiani, Ali Fatemi Nasab, Morteza Pazhoohanfar, Mehdi Hakimi, Ruhollah Farahani, Mohammad Rezaei, Sameh Khorshad	
<i>Futures Studies Implications for Military Intelligence Organizations</i> -----	295
Ali Niknam, Mohammadrahim Eivazi	
<i>Identifying and Prioritizing the Factors Affecting Good Governance in Enhancing Environmental Quality Using Grounded Theory and Analytic Hierarchy Process</i> --	323
Seyedeh Shayesteh Varedi, Einollah Deiri, Ebrahim Alibakhshi	

The General Staff of Armed Forces
Quarterly Journal of Strategic-Defensive Studies
23th Year, Winter 2026, Vol. 102

Concessionaire: Supreme National Defense University

Editor-in-chief: Mohammad Mehdinezhad Nouri

Editor: Mohamadreza Kamali

Editorial Members:	
Mohammad Hussein Afshordi	Professor of Political Geography at SNDU
Seyed Mehdi Alvani	Professor of Management at Allameh Tabatabaei University
Mohammad Hassan Sadeqi Moqadam	Professor of Criminal Law at Tehran University
Siamk Rahpeik	Professor of Law at the University of Law and Forensic Sciences
Naser Mirsepasi	Professor of Management at Islamic Azad University
Mohammadreza Hamidizadeh	Professor of Management at Shahid Beheshti University
Ali Rezaeian	Professor of Management at Imam Sadeq (a.s.) University
Mohammadbaqer Heshmatzadeh	Associate Professor of Sociology at Shahid Beheshti University
Ibrahim Hassan Beigi	Professor of Strategic Management at SNDU
Arastoo Touthidi	Associate Professor of National Defense at SNDU
Editor & Translator of Abstracts :	Tagheer publishing and publishing services company
Lithography, print and binding:	SNDU

This journal is published under license No. 124/973 dated Apr. 14, 1999
issued by the Deputy of

Media and Propagation Affairs of the Ministry of Culture & Islamic
Guidance and it is a scientific-research journal in accordance with license
No. 3/304 dated Apr. 17, 2005, issued by the Ministry of Science, research
and Technology.

- ❖ The essays do not necessarily reflect the view of the university.
- ❖ The journal wields the right to reject, accept and edit the essays.
- ❖ The quotations are permitted with reference.

Price 30000 Rls

Address: SNDU, pass Hengam expressway, north side of Shahid Babaei highway, Tehran.		
Email: defaeistrategic@sndu.ac.ir	Fax: 22975544	Tel: 22970347

In the Name of God, the
Compassionate,
the Merciful